# کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران

جلد دوم

تاریخچه کتابخانه‌های ایران

## از صدر اسلام تا عصر کنونی

رکن‌الدین همایونفرخ

از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر اداره کل نگارش

از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر
بمناسبت جشن فرهنگ و هنر

آبان ماه ۱۳۴۷

# کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران

جلد دوم

تاریخچه کتابخانه‌های ایران

## از صدر اسلام تا عصر کنونی

رکن‌الدین همایونفرخ

از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر اداره کل نگارش

# فهرست مندرجات

# بنام خداوند جان و خرد

ارزش جهانی هرقوم وملتی بستگی بقدمت خدمت آن ملت به‌تمدن بشری دارد ، تنها ، تحقیق در تاریخ خط ، زبان ، هنر وفرهنگ میتواند معیاری برای این ارزیابی بدست دهد .

برای بدست داشتن چنین معیاری گرانقدر، نویسنده ناچار به‌تصنیف سه‌اثر تحقیقی گردید نخستین‌اثر بنام «ایران‌گاهواره فرهنگ جهان» تدوین وتصنیف یافت‌که درآن تاریخ آغاز وپیدایش خط وسیرتکامل وتحول آن درطول قرون واعصار مورد بررسی ونقد قرارگرفته وتحقیقاتی‌نو ونظراتی مستند بآثار مکشوفه باستانی ارائه شده است‌که براساس آن اسناد ونظرات این نتیجه بدست آمده است‌که « مبتکر و مخترع خط در جهان ایرانیان بوده‌اند » .

بدیهی‌است ملتی‌که درپیدایش‌این‌پدیدهٔشگرف‌پیش‌گام وپیش‌آهنگ بوده است برکلیه جوامع بشری حقی بزرگ دارد وشایسته است ملل دیگر پس از آگاهی براین واقعیت مکتوم ، او را سپاس دارند و پایه فرهنگ جهانی را مدیون ومرهون این نبوغ وابداع بشمار آرند . زیرا :

بشر پیش‌از اختراع وابداع خط ، بنام بشر ماقبل تاریخ خوانده شده وتاریخ واقعی وحقیقی بشریت از زمان پیدایش وآفرینش خط بحساب آمده است .

پس‌از پیدایش خط با سپری‌شدن قرنی‌چند «کتاب» پابعرصه هستی گذاشته واین موهبت آسمانی وگنجینه جاودانی دراختیار افکار قرارگرفته وسرنوشت بشریت را دگرگونی بخشیده واورا بسوی بهشت معنوی وفرار از دوزخ نادانی رهبر ورهنمون‌گشته است .

تاریخ پیدایش‌کتاب وسرگذشت‌کتابخانه‌های ایران ازآغاز پدید آمدن‌آن داستانی است دلکش‌که درجلد نخستین این‌اثر بنام «تاریخ‌کتاب وکتابخانه‌های‌شاهنشاهی‌ایران» آن‌را بازگو کرده‌ایم واینک‌مجلددوم آن‌اثرکه در حقیقت تکمله‌ایست برجلد نخستین بنام « تاریخچه کتابخانه‌های ایران در دوران پس‌از اسلام» از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد وپیش‌از بیانِ مطلب وآغاز تاریخچه‌کتابخانه‌ها ضروری میداند‌که متذکر چند نکته‌گردد .

۱ – درکلیه آثاری‌که درباره‌کتابخانه‌های جهان تاکنون تألیف

گردیده (چه درآثار نویسندگان غرب وچه در نوشته‌های عرب) متأسفانه خواه ازراه عمد ویا بعلت نسیان متذکر کتابخانه‌های ایران در دوران باستان نشده‌اند ودرباره کتابخانه‌های ایران در دوران اسلامی‌هم نام ونشان بیش‌از ده‌کتابخانه را بدست نداده‌اند وهمین قصور وکوتاهی دربیان حقیقت امر سبب گردیده است که محققان وپژوهندگان چنان پندارند که کتابخانه درایران سابقه کهن ندارد وملت ایران چنانکه بایسته بوده‌است نسبت بکتاب وکتابخانه علاقه نشان نمیداده است !!

نظر از تصنیف این‌مجلد آن بوده‌است که با برشمردن صدها کتابخانه درطول تاریخ ایران (ازکتابخانه‌هائی‌که بنحوی از انحاء نام ونشانی بدست است) نشان دهیم خلاف آنچه پنداشته‌اند نه‌تنها ایرانیان بکتاب وکتابخانه علاقه وافر داشته‌اند بلکه خود بنیان‌گذار آن بوده‌اند وملل دیگر به‌تبعیت از ایرانیان باخط وکتابت آشنا شده وازآن بهره‌ور گشته‌اند .

۲ – کتابخانه‌های ایران را درقرون‌گذشته (از قرن دوم تا قرن نهم هجری) نباید بهیچوجه با کتابخانه‌های امروز جهان در مقام مقایسه وسنجش قرار داد وانتظار داشت که کتابخانه‌های عمومی آن دوران هم‌طراز کتابخانه‌های عمومی در قرن اخیر بوده باشند ! زیرا : باید توجه داشت درقرون چهارم وپنجم وششم هجری که ایرانیان کتابخانه‌های عمومی‌داشته‌اند هرچند ناچیز ویا از نظر روش کتابداری وفهرست‌نویسی نقائصی‌هم (برای آن بتراشند) معذالك بادرنظرگرفتن‌اینکه درهمان اعصار دربیشتر کشورهای جهان اساساً کتابخانه وجود نداشته است ، همین‌امر میتواند افتخاری برای ملت ایران باشد و بنابراین بدست داشتن فهرست منظم اینگونه کتابخانه‌ها درطول ۱٤قرن سند افتخار وپرارزشی است برای کشور ما .

۳ – باید متذکر بود که کتابخانه‌های عمومی ایران در دوران پس‌از اسلام بطوریکه درمتن کتاب به‌تفصیل توضیح داده شده‌است عموماً بمدارس تعلق داشته‌است وکتابخانه‌های مدارس‌ایران «کتابخانه‌های عمومی» بوده‌اند که طبقات طلاب ودیگران از آن برایگان استفاده میکرده‌اند و احیاناً ، بدانشمندان واهل‌طلب نیز کتاب بامانت میداده‌اند .

جمهوردانشمندان ودانش‌پژوهانیکه‌بافرهنگ‌ایران دردوران‌اسلامی آشنائی دارند باین حقیقت غیرقابل تردید معترف و متذکرند که یکی از افتخارهای جاویدان ایرانیان ساختن و پرداختن مدرسه‌های بی‌حد وشمار درگوشه وکنارایران‌بوده‌است، این‌مدرسه‌ها عموماً (بطورمطلق) کتابخانه‌هائی داشته‌اند تا طلاب علوم بتوانند ازآن بهره‌ورگردند ومدرسه بدون‌کتابخانه در قرون‌گذشته در حقیقت مسجد بی‌در ودیوار و بی‌محراب و منبر را می‌مانسته است .

استاد علامه دانشمند عالیمقام بدیع‌الزمان فروزانفر درمقدمه ترجمهٔ رساله قشیریه صحیفه ۴۱ مرقوم داشته‌اندکه « . . . هریك از این مساجد ومدارس وخانقاهها کتابخانهٔ بزرگ یاکوچك داشت‌که بانی‌آن (یا مردم) برای استفاده عموم وقف‌کرده بودند وغالباً مؤذن مسجد یا متولی مدرسه وخانقاه حفظ آن‌را برعهده داشت وبطلبه امانت میداد . »

استاد عالیقدر آقای دکتر ذبیح‌الله صفا رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درجلد اول‌کتاب – ایرانشهر – طی‌مقاله‌ای بعنوان (مدرسه – تعلیمات عالیه پیش‌ازاسلام وتعلیمات عالیه درایران‌اسلامی) درباره چگونگی اداره امور مدرسه‌های ایران ووظائف آنها تحقیقات بسیار ارزنده‌ای بعمل آورده‌اندکه بحق بایدگفت ارزنده‌ترین مطالب‌کتاب ایرانشهر مقالات ایشان است تحت عنوانهای – زبان – ادب – علم – مدرسه .

استاد دکتر ذبیح‌الله صفا در مقاله مدرسه براساس تحقیقاتی‌که معمول داشته‌اند بااین بنده نویسنده دراین اصل هم‌رأی و هم‌عقیده‌اندکه مدرسه‌های قدیم ایران عموماً کتابخانه داشته‌اند و حتی مساجد وخانقاهها وبرخی از مزارات وتکایا نیزکتابخانه داشته ومانند مدارس ازآنها استفاده می‌شده است . لازم دانست قسمتی از تحقیقات ایشان را برای کسانیکه درپذیرفتن این‌حقیقت وواقعیت مردددند بعنوان سند درآغاز این‌کتاب ارائه دهــد .

استاد دکتر ذبیح‌الله صفا درمقاله مدرسه ص۷۱٦ ستون اول سطر از ۳۷ وستون دوم از سطر ۱ – ٢٤ مرقوم داشته‌اندکه « . . به‌همین‌جهت مدرسه را گاه مسجد ویا بالعکس مسجد را گاه مدرسه نیز می‌نامیدند واین اشتراك اسامی وخلط آنها با یکدیگر درتمام اعصار اسلامی معمول بود وحتی گاه رباطها نیز برای استفاده از آموزش وپرورش بکار میرفتند وعلاوه براین چنانکه‌گفته‌ایم بیمارستان‌ها ودارالشفاها یا بیت‌الادویه‌ها هم عادةً برای تعلیم پزشگی وداروسازی ورصدخانه‌ها برای تعلیم ریاضیات ونجوم مورد استفاده قرار میگرفتند . بااین ترتیب ملاحظه میشودکه مدرسه درتمدن اسلامی مفهوم‌کلی وعادی داردکه قابل انطباق براجزای مختلف وگوناگون است ودرعین‌حال از سده‌های چهارم وپنجم به‌بعد مدارس خاص‌کاملی نیز بوجود آمدندکه ضمناً عاری ازجنبه دینی هم بودند . درکتب تاریخ ورجال که ایرانیان دوره اسلامی نوشته‌اند بارها به مساجدی باز میخوریم‌که محل تعلیم علوم دینی وادبی بود ومثلاً درسیستان یکی از فرمانداران عرب بنام عبدالرحمن سمره (قرن اول هجری) مسجد آدینه‌ای ساخت‌که حسن بصری عالم معروف دینی قرن اول وقرن دوم مدتی درآنجا سرگرم تدریس وتعلیم مسائل دینی بود ودر بخارا که معروف به قبةالاسلام شده بود ازچند مسجد

برای تعلیم علوم شرعی استفاده می‌شد و ابن‌فقیه درسیستان وبلخ وهرات مساجد زیادی را اسم می‌برد که درآنجا فقیهان برای تعلیم حاضر می‌شدند ودر فارس نیز حلقه‌هایی درمسجد جامع عتیق تشکیل می‌یافت . . . »

اما درمورد مدارس وکتابخانه‌های آن درص ۷۱۸ ستون اول سطر ۱۹ – ۲٤ مرقوم داشته‌اند « . . در دوره مقدم برعهد نظام‌الملك مدارس دارای تشکیلات وسیع و انتظاماتــی از قبیل وظائف استادان و شاگردان وخادمان وشعبی‌مانندکتابخانه‌ها ودارالشفاها ومستمری‌برای معلمان وطالبان علم وخدام وکارکنان دیگر نبود ولی از دوره نظامیه بغداد بهمه این‌امور توجه‌کردند . . »

ودرص ۷۳۱ ستون دوم سطر۳–۱۰ مرقوم فرموده‌اند «... مهمترین اثری‌که در مدارس بدان بازمیخوریم وجود کتابخانه‌هاست و برخی از کتابخانه‌ها مانندکتابخانه نظامیه و مستنصریه وشاید بسیاری ازکتابخانه‌های دیگر مدارس بر رسم کتابخانه‌های قدیم ایران دوره اسلامی از روی فن کتابداری مرتب و در دسترس محصلان‌گذارده می‌شد و آنها را خازنان وخادمانی معین بود – لزوم‌کتابخانه‌ها برای مدارس تاحدی بودکه حتی درمدرسه سیّار اولجایتو. نیزصندوق‌های‌کتب‌را در اردو حمل‌میکردند!.»

و درص ۷۳٦ ستون اول سطر ۳۲ – به‌بعد « . . همه مدارسی‌که دراین عهد بیان‌کردیم دارای موقوفاتی بود و در غالب آنها کاریزهائی جریان داشت وکتابخانه‌های برخی ازآنها باکتابهای متنوّع مورد استفاده طالبان علم ودیگرفاضلان قرار میگرفت . . .»

گذشته ازاین چند مورد درمقاله مذکور درص ۷۱٦ ستون اول از سطر ۱ – ۲۳ وص ۷۳٤ ستون دوم ازسطر ۱ – ۱۷ وص ۷۳۵ ستون دوم از سطر ۲ – ۱۰ و ص ۷۳۱ ستون اول از سطر ۲ – ۱۰ و ستون دوم ازسطر ٦ – ١٤ و ۳۵ – ۳۲ وص ۷۱۹ ستون اول سطر ۹ – ۱۵ – درباره کتابخانه‌های مدارس شرح ممتعی آورده شده‌که اگر بخواهد بنقل همه آن مطالب بپردازیم حجم این مقدمه بیش‌از حد موردنظر می‌گردد .

٤ – وجودکتابخانه‌های اختصاصی وخصوصی درایران ازنقطه‌نظری که معروض میگردد برای بقای آثارمتفکران وسخنوران ایران‌کمال اهمیت را داشته است . از آنجائیکه خواندن و نوشتن در قرون‌گذشته عمومیت نداشته وعامه مردم از نعمت سواد بی‌بهره بوده‌اند آثار دانشمندان ومتفکران که بطور معدود ومحدود تحریر می‌یافت چون ارزش آنها برای همگان مجهول بود دستخوش فنا ونابودی قرار میگرفت . تنها وجود عاشقان‌کتاب وگردآورندگان‌آن درطی قرون واعصار این خطررا مرتفع میداشته است .

بانیان‌کتابخانه‌های خصوصی حافظ و نگاهبان این خزائن گرانقدر

ازبدحادثه زمان وانقلابهای گوناگون دوران درطول‌تاریخ ایران بوده‌اند وبهمین‌نظر بجا ومناسب بودکه دراین اثر با ذکر نام ونشانشان بمقام تبجیل وبزرگداشت از ایشان برآئیم .

۵ - مسلم است آنچه دراین تاریخچه گرد آمده نمیتوانسته است کامل وجامع بمعنی واقعی باشد زیرا : در آثارگذشتگان بصورت مستقل ذکری ازکتابخانه‌های زمان نشده وتنها جسته وگریخته آنهم بنا بمناسباتی نه از نظر معرفی‌کتابخانه‌ها شذراتی درکتابهای متفرق آمده است بنابراین نویسنده آنچه را درطول زمان بامطالعه وفحص وتجسس در مآخذگوناگون ومختلف توانسته‌است گردآورد دراین‌اثر عرضه داشته وچه‌بسا درآثارمتفرق دیگری‌که بنظر نویسنده این‌اثر نرسیده است بتوان بنام ونشان‌کتابخانه‌های دیگری نیز دست یافت .

آرزو دارد این‌اثر ناچیز مایه وپایه اثری بزرگتر وجامع‌ترگردد ودرآینده بتوان با فرصت‌های بیشتر درتکامل‌آن‌کوشید .

تهران - تیرماه ۱۳٤۷
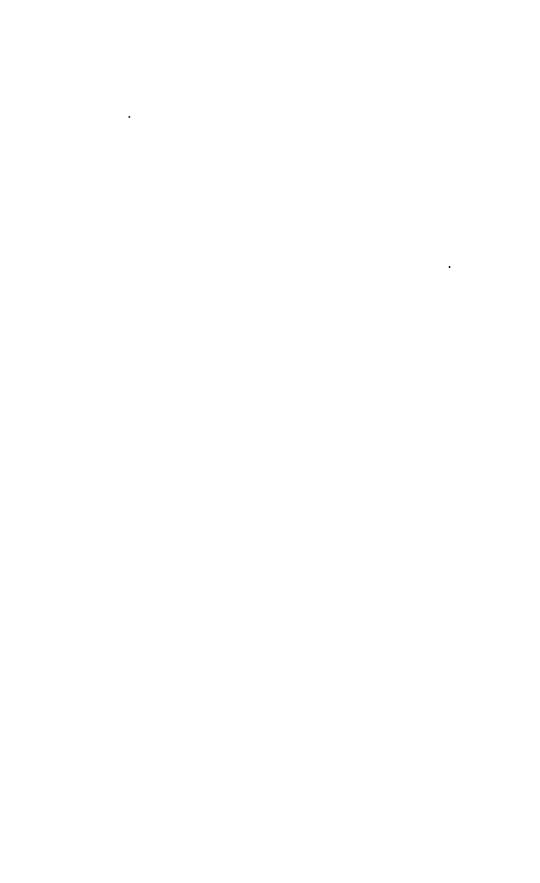
# کتابخانه‌های ایران در قرن اول اسلامی

چنانکه در بخش اول این سرگذشت ، گذشت ودراین بخش نیز خواهدآمد کشور ایران یکی‌از کشورهای انگشت‌شماری است که کتابخانه‌های عظیم‌آن شهرت جهانی داشته است و آنچه نویسنده این سطور را به‌تنظیم و تحریر وتألیف تاریخ‌کتابخانه‌های ایران برانگیخت انکار و فراموشی ونسیانی است که **نویسندگان عرب وغرب را درباره کتابخانه‌های ایران دست داده است !**

دانشمندان عرب درباره کتابخانه‌های‌اسلامی بطوراختصاصی به‌تحقیق پرداخته وآثاری نشر داده‌اند لیکن باکمال تأسف وتعجب بایدگفت درآثار خود متذکر کتابخانه‌های بزرگ ایران نشده‌اند ووجود آنهارا درطی تاریخ گذشته ندیده ونشنیده گرفته‌اند .

محققان غرب نیز به‌پیروی از دانشمندان و محققان عرب همه‌جا باختصار واحیاناً بسکوت وخاموشی برگزارکرده‌اند .

**جرجی‌زیدان مورخ مصری** که درباره ایرانیان دچارتعصب وتجاهل شدید است و بعلت همین تعصبات خشك دچار گمراهی‌هـــای مسخره‌آمیز وشگفت‌انگیز شده است[۱] درکتاب آداب‌اللغه[۲] که سخن ازکتابخانه‌های جهان بمیان آورده نامی ازکتابخانه‌های معروف پیش‌از اسلام ایران نبرده است بدیهی است او ، نه میخواسته ونه میتوانسته چنین شهامتی دور از تعصب داشته‌باشد که‌باتوصیف وبیان کتابخانه‌های‌عظیم‌ایران در دوران‌باستان وانهدام ونابودی‌آن بدست عمرخلیفه‌اسلامی وسرداران او این‌ننگ وحشتناك تاریخی را بدست عرب صحه بگذارد . غافل از اینکه حقایق تاریخی را هیچگاه نمیتوان مکتوم نگاهداشت وجهان را ازآن بی‌خبر گذاشت . اگر اینگونه محققان‌کبك‌وار سر برداماں برف فرو برند و وقایع‌را ننگرند حقایق اگر ازچشم ایشان مکتوم باشد اما ازدید جهانیان پوشیده وپنهان نمی‌ماند .

**فرید وجدی مصری** مؤلف دائرةالمعارف اسلامـــی[۳] با آنکه در دائرةالمعارف خود ازکتابخانه‌های جهان یادکرده وآنها را برشمرده است لیکن متذکر هیچیك ازکتابخانه‌های دوران پیش‌از اسلام ایران نشده‌است ، این‌تجاهل وتعصب نه‌تنها دامنگیر محققان معاصرعرب گردیده باکمال تأسف وتأثر بایدگفت که محققان ومورخان‌گذشته عرب نیز دستخوش این تعصب وتجاهل بوده‌اند مانند : ابن‌خلدون ، ابن‌اثیر ، بستانی .

محققان‌گذشته عرب همه معتقدندکه **تمدن اسلامی درعلوم اعم از**

**نقلی وعقلی بکمك فکری وقلمی ایرانیان نمّو یافته ورونق گرفته است، لیکن با یك چنین اعتراف باز درباره کتابخانه‌های ایران که مرجع دانشمندان و دانش‌پژوهان عرب هم بوده است خاموشی وسکوت را مرجح شمرده‌اند !**

متأسفانه دیده میشود که ملل عرب‌زبان غالباً کوشیده‌اند از مفهوم واقعی اسلامی به‌نفع خود من‌غیرحق و واقع سوء استفاده کنند وآنرا بنحوی خاص توجیه سازند می‌بینیم درپاره‌ای ازمواقع تمدن اسلامی، بصورت تمدن عربی تعبیر میشود وتغییرشکل وماهیت میدهد وملل خاصی میکوشند تحت لوای این‌شعار ازآن بهره‌برداری کنند. اینجاست که برما واجب‌است حقایق‌را بازگوکنیم وبیش‌از این سکوت‌را جایز نشماریم زیرا همین سکوت‌ها سبب گردیده‌که حتی دانشمندان غرب هم دراشتباه افتند وبسیاری از حقایق را واژگونه درآثارشان نشان بدهند ، همچنانکه پرفسور ادوارد برون دربارهٔ کتابخانه‌های ایران پیش‌از اسلام سخنی نگفته وبسکوت گذرانده است.

حقیقت اینست که تمدن اسلامی مدیون و مرهون تمدن درخشان وپیش‌رفته ایران بوده است . مستشرق شهیر **پرفسور اینوسترانیسف**[4] درکتاب معروف خود بنام «تأثیر ادب ایران درغرب» به‌تفصیل دراینمورد به‌تحقیق پرداخته وبشایستگی ازعهده برآمده است .

**ابن خلدون** متفکرواقع بین و حقیقت‌نگر و محقق بی‌نظر مغربی مینویسد: «جمله عالمان علوم شرعیه وعقلیه واصحاب فنون وبدایع، همگی از ایرانیها بوده‌اند وبا سابقه قدیمی که آنها درتألیف وتدوین علوم وکتابها داشته‌اند اختراع این خط (خط نسخ) ازطرف آنها شده‌است . در زمانهای اول (صدراسلام) مؤلفان‌گرچه زبانشان عربی‌است ولی حسب ونسب آنها جملگی ایرانی‌است وتربیتشان نیز درایران بوده است ، عربها بعلت اینکه مردمانی ساده وبدَوی بودند بدین جهت ازفنون وصنایع بی‌بهره بودند ، مهارت عربها فقط در حفظ آیات و نحوهٔ قرأت قرآن بود و در زمان هرون‌الرشید برای ثبت وضبط حدیث و روایات وتفسیر درباره آنها وتعلیم بیشترعلوم احتیاج فوق‌العاده احساس‌شد صنایع وحکمت منبع اصلیش دراول زمان ، **فارس** و **عراق** و **خراسان** و **ماوراءالنهر** در زمان **دیالمه** بود وهم درزمان‌آنها بودکه **نحوولغت** وکلام در ایران ترقی فوق‌العاده‌کرد وبمصداق « لوتعلق‌العلم باکناف‌الثریا وقوم من‌اهل فارس » ظهورکرده بود ، عربها درامور ریاست وتنعم غرقه شده بودند ودرعلوم وفنون دخالتی نمیکردند.»

**گوستاولوبون** فرانسوی نیز درکتاب تمدن اسلامی صریحاً بکرات متذکر این نکات شده است مکتوم ماندن این حقایق ومسکوت‌گذاشتن این دقائق درباره‌کتابخانه‌های ایران موجب شده است نویسندگان بیگانه ازعمق ریشه وعظمت نبوغ فکری ایرانیان غافل بمانند وگاه‌بیگاه مطالبی دور از

حقیقت بنویسند . با بیان این‌مقدمه ارزش تحقیق درباره کتابخانه‌های ایران برما مشهود میافتد .

ایرانیان پس‌از تسلط اسلام درقرن اول هجری برای نجات آثار واسناد و گنجینه‌های فکری وذوقی خود بچاره پرداختند ونخستین گامی که دراین راه برداشتند اختراع واستخراج خط فارسی از خط رازدبیره بنام خط پیرآموزبود . ایرانیها بااین‌خط نوبنیاد نخست بنوشتن قرآنها پرداختند تا راه عیب‌جوئی ومخالفت عربها را براین خط ملی به‌بندند زیرا سوزانیدن قرآن بنام زندقه وکفرامکان نداشت، بااین‌راه وبااین‌چاره‌جوئی خردمندانه توانستند طی مدت شصت الی هفتاد سال برواج خط پیرآموز توفیق یابند وآنرا جزو خطوط اسلامی بقبولانند . پس‌از اینکه خط پیرآموز بنام خط اسلامی پذیرفته شد وخوشبختانه ابتکار **ابن‌مقله ایرانی** با استخراج خط‌نسخ وثلث ازآن موجب گردیدکه اعراب نیز خط خودرا ازکوفی بدان مبدل سازند وبااین ترتیب بیش‌از پیش خط پیرآموز ونسخ نضج گرفت وکتابهای علمی و ادبی با این‌خط نوشته شد ومیتوان‌گفت از آغاز قرن دوم هجری در ایران‌کتابهای علمی وادبی نوشته شده‌است وکتابخانه‌ها بنیاد گردید . نزدیك به‌همین زمان است‌که در ایران پایه‌های حکومت‌های ملی نیزگذاشته شده‌است. طاهریان درخراسان وصفاریان وسپس‌سامانیان ودیلمانیان درعرصهٔ حکومت ایران ظاهر شده‌اند . اینك به معرفی کتابخانه‌های این دوران میپردازیم* .

**۱ – کتابخانهٔ ابوالوفای‌همدانی** : درشرح حال **حبیب‌ابن‌اوس‌طائی** معروف به **ابی‌تمام** که از شاعران شهیر عرب است[۵] آمده است‌که[۶] بدعوت **عبدالله‌بن طاهر** بایران آمد وچون آمدن‌او با زمستان سخت مواجه شد ناچار گردیدکه درهمدان بماند . خود او میگویدکه درهمدان درمنزل **ابوالوفا ابن‌سلمه** بسر می‌برده و درطی مدت اقامت در همدان ازکتابخانهٔ عظیم او استفاده‌کرده وکتاب **دیوان الحماسه** را که درآن آثار سیصدتن از شعرای شهیرعرب را آورده تألیف‌کرده است .

قطعاً درکتابخانه ابوالوفای همدانی بیش از سیصد جلدکتاب از دیوانهای شعرای عرب وجود داشته است که ابی‌تمام توانسته باانتخاب از سیصد دیوان‌کتاب معروف خودرا تألیف‌کند .

مسلم است‌که قبل از سنه ۲۰۰ هجری‌کتابخانه ابوالوفای همدانی درهمدان وجود داشته وبهمین قیاس میتوان دریافت‌که در دیگر شهرهای مهم ایران دانشمندان ومعاریف‌کتابخانه‌های معتبر ومهم داشته‌اند . خاصه در **بلخ** و **بخارا** – **مرو** – **نیشابور** – **قم** – **ساوه** که این شهرها همه ازمراکز

* دراین‌باره توضیحی داده شده‌است بپایان‌کتاب مراجعه فرمائید .

مهم مذهبی نیز بوده است .

**۲-کتابخانه بختیاربن‌معزالدوله :** این‌امیرایرانی مردی فضل‌دوست بود وزیر معروفش ابوالفضل‌بن عمید از مشاهیر وزرای ایرانی‌است وبکمك این وزیرکتابخانه بزرگی فراهم آورده بودکه شهرت ومعروفیت داشت[۷] .

**۳ - کتابخانه عضدالدوله دیلمی درشیراز :** کتابخانه عضدالدوله دیلمی درشیراز یکی از بزرگترین‌کتابخانه‌های بزرگ و شهیر ایران بوده است ، این‌کتابخانه‌را باید نخستین‌کتابخانه‌ای دانست‌که‌کتابهای‌آنرا برحسب موضوع ونام ونام مؤلف طبقه‌بندی‌کرده رهرعلم ودانشی‌را دراتاق مخصوصی نگاهداری میکرده‌اند وبرای هرعلم ودانشی فهرستی براساس موضوع ونام کتاب ونام مؤلف ترتیب داده بوده‌اند . **مقدسی** خود این‌کتابخانه را دیده بوده است او می‌نویسد : درکتابخانهٔ عضدالدوله از هرکتابی‌که تا آن‌زمان تألیف وتصنیف یافته بود نسخه‌ای نگاهداری می‌شد وکتابهائی نیز وجود داشته‌که بخط مؤلفان ومصنفان آن بوده است.

**٤ - کتابخانه عمادالدوله دیلمی :** از **بشاری** روایت‌کرده‌اندکه‌گفته است[۸] عمادالدوله دیلمی نیز درشیرازکتابخانه‌ای معتبر وبزرگی ترتیب داده بودکه نزدیك‌کاخ سلطنتی او جای داشته .

باتوجه باینکه عمادالدوله دیلمی از سال ۳۲۲ - ۳۳۸ درشیراز حکومت میکرده وفرمان میرانده است قدمت‌کتابخانه‌او نیز آشکار میگردد.

**٥ - کتابخانهٔ نوح‌بن‌منصورسامانی:** دودمان سامانیان درماوراءالنهر از حامیان ودوستاران دانشمندان ومروّجان ادب وفرهنگ فارسی بوده‌اند. **ابن‌سینا** درشرح حال خود شمه‌ای ازعظمت وبی‌نظیری‌کتابخانه نوح‌بن‌منصور آورده است‌که دراینجا عیناً نقل می‌کنیم .

« . . . سپس روزی از او (نوح‌بن منصور) دستور خواستم که بکتابخانه‌شان بروم وآنچه ازکتابهای پزشگی درآنجا هست بخوانم ومطالعه کنم ، پس مرا دستوری داد وبسرائی اندر شدم که خانه‌های بسیار داشت ودر هرخانه‌ای صندوق‌های‌کتاب بودکه رویهم انباشته بودند، در یك خانه کتابهای تازی وشعر ودر دیگری‌فقه وبدینگونه درهرخانه‌ای‌کتابهای دانشی، پس **برفهرستهای کتابهای اوائل** نگریستم وهرچه ازآنهارا‌که **بدان نیازداشتم خواستم وکتابهائی یافتم‌که نام آنها به‌بسیاری ازمردم نرسیده بود**[۹] .»

ابن اصیبعه درطبقات‌الحکما وابن‌خلکان نیز ازکتابخانه نوح‌بن منصور سامانی یادکرده‌اند .

کتابخانه سامانیان شهرت جهانی داشته است . ابن‌سینا مدتها درآن کتابخانه بمطالعه پرداخت وهمین موضوع دست‌آویزی بدست مخالفان او

داد وبرای آنکه ابن‌سینا را متهم سازند بکاری دست یازیدند که شنیع‌تر از آن بتصور نمی‌آید وآن اینکه کتابخانه را بآتش کشیدند وطعمه حریق ساختند و شهرت دادند که ابن‌سینا به عمد و قصد کتابخانه را سوزاند تا دانشهای منحصری که در آن بود دیگران بر آنها آگاه نشوند وآن علوم تنها برابن‌سینا مکشوف باشد ! !

**٦ – کتابخانهٔ صاحب‌بن‌عباد – در ری** : در کتابهای معجم‌الادباء[١٠] وروضات‌الجنات[١١] و کتاب‌النقض[١٢] درباره عظمت وبزرگی کتابخانه صاحب‌بن عباد شرح حال ومطالب جالبی آمده است.

صاحب‌بن عباد از وزرای کم‌نظیر و باتدبیر ایران است که گذشته از کیاست وفراست مردی دانشمند وسخنوری هوشمند و نویسنده‌ای ارجمند بوده است .

منشآت صاحب در زبان تازی از نظر فصاحت وبلاغت در ردیف آثار برجسته ونمونه زبان تازی است .

**صاحب‌بن عباد** ضمن توصیف از **کتاب‌الاغانی** ابوالفرج اصفهانی مینویسد :

« **در کتابخانه‌ام یکصدوهفده هزار جلد کتاب نفیس دارم ! !** لیکن آنگاه که کتاب‌الاغانی را بدست آوردم از خواندن کتابهای دیگر بازماندم».

ابن‌خلکان از نامه‌ای یاد میکند که نوح‌بن منصور سامانی برای صاحب‌بن عباد فرستاد و اورا برای وزارت خود به‌بخارا خواند ، صاحب‌بن عباد که بترك ری علاقه‌ای نداشته است بمقام عذرخواهی برآمده وطی نامه‌ای به معاذیری متعدد متوسل ومتعذر میگردد وازآن جمله مینویسد «من بدون کتاب نمیتوانم زندگی کنم وباید کتابخانه‌ام را هرجا هستم همراه داشته باشم. درحالیکه برای حمل کتابهایم حداقل چهارصد شتر لازمست واین مقدارشتر در دسترس نیست» .

برای این کتابخانه عظیم فهرست جامعی نیز ترتیب داده بوده‌اند که خود شامل ده مجلد می‌شده است .

صاحب‌بن عباد این کتابخانه یکصدوهفده‌هزار جلدی را وقف عام کرده بوده است . **یعنی آنرا کتابخانه عمومی اعلام کرده بود** ، بعدها این کتابخانه چنانکه خواهیم گفت پایه ومایه کتابخانه عمومی شهرری گشت وبنام **دارالکتب ری** شهرتی عظیم یافت ومتأسفانه دچار سرنوشت نکبت‌باری شد که درصفحات آینده چگونگی آنرا خواهیم گفت .

مقدسی در *احسن‌التقاسیم* ازمعارف وفرهنگ دوره دیلمی‌ها درعهد صاحب‌بن عباد ورونق مدارس آن یاد میکند وچنین مینویسد « . . . علماء سراة . . . وبه مجالس ومدارس وقرائح . . . لایخلوالمذکّرمن فقد

ولاالرئیس من علم ولاالمحتسب من صیت ولاالخطیب من ادب‌هو . ری‌احد مفاخرالاسلام و ُامهّات‌البلدان بمشایخ واجلة وقراء وائمه وزهاد[۱۳]

**۷ - کتابخانه رودکی :** رودکی شاعر عالیقدر زبان فارسی که باید اورا ازدرخشنده‌ترین‌ستارگان فرهنگ وزبان‌فارسی‌دانست کتابخانه اختصاصی بزرگی فراهم آورده بود که درآن بیشتر آثار نویسندگان وگویندگان زبان دری وعربی گرد آمده‌بود .

**۸ - کتابخانه حسن‌بن موسی نوبخت :** چون قصد از بیان تاریخچهٔ کتابخانه‌های‌ایران نه‌تنها شناساندن کتابخانه‌هائی‌است که درایران بنیاد گردیده بلکه نظر اینست کتابخانه‌هائی هم‌که ایرانیها بنیان‌گذار آن بوده‌اند شناخته و شناسانده شوند بنابراین به معرفی این‌گونه‌کتابخانه‌ها هم در ضمن این تاریخچه مبادرت میشود .

حسن‌بن موسی‌بن نوبخت ایرانی، خواهرزاده ابی‌سهل‌بن نوبخت که خود از اجله فضلا ودانشمندان بنام است واز او تألیفات متعددی ذکـــر کرده‌اند بشرحی‌که خواهد آمد کتابخانه‌ای بنیاد نهاده بوده است .

*ابن‌الندیم درالفهرست* ضمن بیان شرح وتوصیف تألیفات او متذکر است که حسن‌بن موسی نوبخت در جمع‌آوری‌کتاب جدی وافی و سعی‌کافی مبذول‌میداشته وبسیاری‌ازکتابهای نادرالوجود را بخط خودبرای‌کتابخانه‌اش استنساخ‌کرده بوده است .

**۹ - کتابخانه حبشی‌بن معزالدوله‌بن بویه :** حبشی‌بن معزالدولـــه ایرانی‌که ازمعاریف ایران‌است ودربصره شکوهی تمام داشته درآنجا کتابخانهٔ بزرگی فراهم آورده بود که به نص **تجاب‌الامم**[۱۵] **پانزده هزار** جلد کتاب مخطوط داشته است واین تعداد جز جزوانی بوده است‌که هنوز توفیق نیافته بوده‌اند آنها را تجلید‌کنند ! !

پس‌ازاینکه ابوالفضل وزیر بربصره دست یافت حبشی‌بن معزالدوله را بدستور برادرش **بختیاربن معزالدوله** بازداشت و دارائیش را بانضمام کتابخانه معظمش تصاحب‌کرد وبه ضبط آورد .

**۱۰- کتابخانهٔ‌ابونصرشاپوربن‌اردشیر :** یاقوت‌حموی درمعجم‌الادباء[۱۶] و **ثعالبی دریتیمة‌الدهر** ، وابن‌اثیر درکامل[۱۷] و ابن‌خلکان درطبقات‌الادباء[۱۸] ازکتابخانه معروف وبنام وشهیر ابونصربن اردشیر یادکرده‌اند .

ابونصر شاپوربن اردشیر کتابخانه‌اش را وقف عام‌کرده بوده است (اینهم یکی‌از افتخارات ایرانیان است‌که از قدیم‌ترین ادوار دست **به‌ایجاد کتابخانه‌های عمومی برای بالابردن** سطح معلومات واطلاعات هم‌میهنان خود زده‌اند)، درکتابخانه ابونصر عموم مردم می‌توانسته‌اند از نفایس و ذخایر

ادبی وعلمی گرانقدر آن برایگان استفاده کنند .

از اختصاصات کتابخانه عمومی ابونصر شاپوربن اردشیر که آنرا بسیارممتاز می‌داشته‌است **وجود نسخ خطی‌متعدد درعلوم مختلف بخط مصنفان ومؤلفان آن بوده است !!**

باید توجه داشت که تهیه کتاب در قرون گذشته کاری بسیار صعب ودشوار وپرهزینه بود ، تاپیش‌ازاشاعه صنعت چاپ کتابها همه دست‌نویس بودند وباتوجه باینکه نوشتن وخواندن درمیان طبقات ملل عمومیت‌نداشت وکسانی که خواندن ونوشتن میآموختند انگشت‌شمار بودند ، درمی‌یابیم که نویسنده خوش‌خط تاچه اندازه دراقلیت وکمیاب ونادربود . ازطرفی کاغذ چون با دست تهیه می‌شد وکارخانه‌های کاغذسازی دستی درایران وچین نیز معدود بودند وکالای آنها هم بمناسبت کمی بازار ورواج وخریدارمعدود واندك بود ناچار بسیار گرانبها وگران‌قیمت تهیه می‌شد وخرید آن درخور توانائی مالی هرکس نبود .

یکنفرخطاط برای نوشتن یك کتاب چهارصد صفحه‌ای لااقل یك‌ماه وقت مصروف میکرد واجرت‌کتابت برای یکماه پرداخت میگردید . و این بود که کتابهای مخطوط بسیار گرانبها بودند وهم نادرالوجود حال اگر کسی میخواست کتابهای زینتی تهیه کند باید سرمایه گزافی را بآن اختصاص دهد . درجلد اول این تاریخچه چگونگی تهیه‌کتابهای زینتی را بطور مشروح آورده‌ایم واین تذکر دراینجا ازآن جهت است که ارزش معنوی ومادی یك کتابخانهٔ **پانزده هزار** جلدی ویا **صدهزار** جلدی در ایران آنهم در قرن پنجم وششم هجری برهمگان مشهود افتد .

چون سخن از خط وخطاطی وکتابت درقرون‌گذشته بمیان آمد بمناسبت است که گفته شود خوشنویسان قرن چهارم وپنجم وششم بیشتر از مردم کاشان وقزوین وطالقان بوده‌اند . **راوندی** که خود از خوشنویسان وخطاطان بوده است در راحة‌الصدور مینویسد[۱۹] «وکسانی که‌به‌بلاغت‌معروف بودندی درجمله خطه عراق وصوب خراسان بخط وهنر تفاخر بشاگردی ما کردندی وبسبب آنکه اصحاب مناصب وزیر ومستوفی وبیشتر دبیران دولت سلطان کاشی بودند ومنشأ ما ومسقط الرأس ولایت‌کاشان بوده بود ، ایشان گفتندی زین‌الدین همشهری ماست ، اسم کاشی براو عَلَم شد وچنان شدکه درعراق هرجاکه خطی نیکو بینندگویند خط کاشانیان است یا از کاشیان آموخته است» .

عجب اینست که بیشتر خوشنویسان از دانش وعلم بی‌بهره بودند زیرا وقت خودرا بجای آموختن علوم ودانشها به‌تحریر وتعلیم ومشق خط میگذراندند . وبهمین‌مناسبت بیشتر خطاطان وخوشنویسان عاری وبی‌بهره

از دانش بوده‌اند و همین‌امر سبب گردیده است که کتابهای خطی اکثراً مغلوط و کلمات و لغات‌آن چه‌از لحاظ رسم‌الخط وچه از نظر کتابت اشتباه داشته باشد. راوندی در راحةالصدور متذکر این نکته شده ودرباره خالش زین‌الدین راوندی که مردی فاضل وعالم وخطاط بوده‌است مینویسد[۲۰] «رسولان‌اطراف که بخدمت سلطان عالم طغرل‌بن ارسلان آمدندی وخال دعاگو را دیدندی اقرار دادندی که مثل زین‌الدین مجموعی نیست در روی زمین که **خط بیشتر با جهل بود** او بحمدالله تعالی در انواع هنر سمراست» .

بطوریکه گفتیم شماره کتابهای کتابخانه شاپوربن اردشیر را **ده‌هزار مجلد** نوشته‌اند این کتابخانه‌نفیس‌وغنی بطوریکه در کتاب‌خزائن‌الکتب‌القدیمه آمده‌است بسال ٤٤٧ هجری که درمحله **کرخ بغداد** جا داشته ودرحریقی که بمناسبت حمله طغرل سلجوقی وقوع یافته طعمه حریق گشته است.

جرجی زیدان در کتاب **تمدن اسلامی** ازکتابخانه اردشیر وهم‌چنین دانشگاهی که او دربغداد تأسیس کرده بوده است یاد میکند و **ابوالعلاء معری** شاعر شهیر عرب درقصیده‌ای باین دارالعلم اشاره‌ای دارد .

ابونصربن شاپوربن اردشیر درسال ٣٣٦ ه . **درشیراز** تولد یافته وبسال ٤١٦ دربغداد درگذشته است .

**۱۱ – کتابخانه دانشگاه دارالسّنّه** : کهن‌ترین دانشگاه ایران پس‌از اسلام در شهر نیشابور به همت ابوالعباس محمدبن الحسن‌بن ایّوب صبغی (به‌ثبت سمعانی بکسر ضاد وبه‌ضبط سبکی به‌ضم صاد) درحدود سال ٣٣٠ ه . ق . بنام دارالسّنّه تأسیس گردید وموقوفات بسیاری برآن وقف شد . ابوالعباس صبغی بسال ٣٤٤ ه . درگذشت وپس‌ازاو اداره دانشگاه دارالسّنّه بعهده ابوعبدالله حاکم شاگردش تعلق گرفت . این دانشگاه کتابخانه معتبر ومعروفی داشت .

**۱۲ – کتابخانه ابن‌عمید – محمد لطفی** درتاریخ فلاسفةالاسلام آنجاکه شرح حال ابوعلی احمدبن مسکویه فیلسوف شهیر را بدست میدهد مینویسدکه اومدتها **کتابخانه ابوالفضل محمدبن حسین عمیدبن محمد** ، وزیر با تدبیر ودانشمند **رکن‌الدوله دیلمی** را در ری بعهده داشته است .

پس‌از اینکه ابن‌عمید در سال ٣٦٠ هجری درگذشت **کتابخانه** او بتصرف وتملك فرزند باکفایتش **ابوالفتح ذوالکفایتین** درآمد و بطوریکه شهرت دارد واز قرائن تاریخی برمیآید صاحب‌بن‌عباد پس‌ازآنکه توفیق یافت ابوالفتح‌بن عمید ذوالکفایتین را ازصحنه سیاست ووزارت برکنار ومورد غضب مؤیدالدوله قراردهد، چون بکتاب علاقه شدید داشت ودرجمع‌آوری آن سعی بلیغ میکرد پس‌از درگذشت ذوالکفایتین بسال ٣٦٦ ه . کتابخانه اورا تصاحب وبکتابخانه خودش منضم ساخته است .

**۱۳ – کتابخانه عمومی شهر ری** – کتابخانه معتبر ونفیس صاحب‌بن عباد پس‌ازمنظم شدن باکتابخانه ذوالکفایتین ، چنان عظمت وشهرتی‌یافت که نام آن عالمگیر گشت . صاحب‌بن عباد این‌کتابخانه بزرگ را عمومی اعلام‌کرد (وقف عام) ونام آن بکتابخانه (دارالکتب ری) معروف ومشهور گشت .

این‌کتابخانه‌عظیم وبی‌مانند سالیان‌درازمرجع‌محققان‌ودانش‌پژوهان ایران بود پس‌از اینکه سلطان محمود غزنوی به‌ری وعراق دست یافت چون مردی قشری ومتعصب ومتظاهر بود به‌تحریك علمای ظاهر چون‌کتابخانه عمومی شهرری مخزن‌کتابهای فلسفی‌کلامی وعلمی وشیعی ومعتزلی ورافضی بود جنایتی فجیع مرتکب شد و بسیاری ازکتابهای نفیس وگرانقدر این کتابخانه را که بی‌نظیر وبی‌بدیل ومانند بود بسوزانید .

این واقعه اسف‌انگیز بسال ۴۷۹ هجری رخ داد . مجمل‌التواریخ والقصص مینویسد : «وبسیار دارها بفرمود زدن وبزرگان دیلم را بردرخت کشیدند وبهری را درپوست‌گاو دوخت وبه غزنین فرستاد و **مقدار پنجاه خروار دفتر روافض وباطنیان وفلاسفه** ازسراهای ایشان بیرون آورد و زیر درخت‌های آویختگان بفرمود سوختن !!» .

بااین‌ترتیب‌گذشته ازاینکه‌کتابهای فلسفی وکلامی وشیعی ومعتزلی کتابخانه ری را سوزاندند ازکتابخانه‌های خصوصی وشخصی دانشمندان ری هم نگذشتند و **مقدار پنجاه خروار!!** ازاینگونه‌کتابهای نفیس وعزیزالوجود را بآتش جهل وتعصب ونادانی بسوزانیدند .

**فرخی سیستانی** نیز در قصیده‌ای باین داستان غم‌انگیز اشارتی‌دارد:

با همه نهب وغارتی‌که نسبت بکتابخانه صاحب‌بن عباد در ری بسال ۴۷۹ بوقوع پیوست معذلك این‌کتابخانه بزرگ تا زمان تألیف‌کتاب‌النقض شهرت ومعروفیت داشته وپا برجا بوده است و بطوریکه **عبدالجلیل رازی** صاحب‌النقض مینویسد محل این‌کتابخانه درباغ صاحب جا داشته ولوح نام کتابخانه صاحبی برآن نصب بوده است . اومینویسد[۲۱] «ابوالقاسم‌بن‌عبادبن ابی‌العباس‌که هنوز وزراء را به‌حرمت‌اوصاحب مینویسند وتوقیعات وخطوط ورسوم او هنوز مقتدای اصحاب دولت است وکتب‌خانه صاحبی بروضه او نصب است » .

هم‌چنین باید گفت که‌کتابخانه عمومی ری تا زمان **ابوالحسن بیهقی** هم‌چنان باقی بوده است او می‌نویسد : «قال ابوالحسن البیهقی وانا اقول بیت‌الکتب‌الذی فی‌الری علی ذالك دلیل بعد ما احرقه‌السلطان محمودبن سبکتکین فانی طالعت هذاالبیت فوجدت فهرست تلك‌الکتب عشرمجلدات فان‌السلطان محمود لماور دالی‌الری قیل‌له ان هذه‌الکتب کتب‌الروافضین

واهل البدع فاستخرج منها کلما کان فی‌علم‌الکلام وأمر بحرقه» .

پیداست‌که پس‌از سوزانده شدن‌کتابهای مربوط به عقاید وآرای شیعیان و معتزلی‌ها هنوز آنچنان عظمتی داشته است که ابوالحسن بیهقی مینویسد : «من‌کتابخانه را پس‌ازسوزانده شدن بدستور سلطان محمود دیدم ومیتوانم صعوبت حمل‌ونقل آنرا از ری به‌بخارا و نیز به‌صحت‌نظر صاحب‌بن عباد گواهی بدهم . این‌کتابخانه چنان عظیم بودکه فهرست کتابهای آن شامل **ده مجلد** می‌شده است» .

بنظر نویسنده حقیر بقایای این‌کتابخانه چنانکه بعد خواهیم‌گفت تا هجوم مغول در ری وجود داشته است .

**۱٤ – کتابخانه بزرگ شهر شاهپور** – بطوریکه مجمل‌التواریخ والقصص مینویسد : درهمال سال ۷۹٤ که متعصبان مذهبی در اثر اعمال ناروای سلطان محمود غزنوی میدان‌گرفته بودند ، کتابخانه بزرگ شهر شاهپور را نیز دستخوش نهب وغارت قرار دادند و **تعداد ده هزاروچهارصد جلد** ازکتابهای خطی این شهر را بآتش سوزاندند .

**۱۵ – کتابخانه بهاءالدوله دیلمی** – یاقوت حموی در معجم‌الادبا درشرح حال ابن‌البواب درگذشته بسال ٤۱۳ درذکر کتابخانه بهاءالدوله مینویسد :[۳۳]

« مؤلف‌کتاب المفاوضه‌گوید : **ابوالحسن علی‌بن هلال مشهور به ابن‌البواب** بمن‌گفت :

درشیر**از** عهده‌دارکتابخانه **بهاءالدوله پسر عضدالدوله** بودم . این کتابخانه را بمن سپرده بودند وسرپرستی آنرا داشتم ، روزی میان‌کتابهای پراکنده آن نسخه‌ای دیدم‌که جلدی سیاه داشت ، چون آنرا بازکردم یکی ازسی‌جزو قرآن **بخط ابوعلی‌بن مقله** بود[۳٤] . از دیدن آن درشگفت شدم و پس‌از جستجو درمیان‌کتابها بیست‌ونه جزو آن را هم یافتم ولی جزء سی‌ام را هرچه تلاش‌کردم نیافتم ، خدمت بهاءالدوله رفتم وگفتم : مردی بدادخواهی آمده است ونیازی داردکه برآوردن آن رنجی وزحمتی ندارد میخواهد درنزاعی‌که با دشمن خود دارد ابوعلی موفق وزیر ، اورا یاری کند ودر برابر این‌تقاضا هدیه‌گرانبهائی‌راکه همراه آورده تقدیم خواهد کرد . گفت این هدیه چیست؟ گفتم قرآنی بخط ابوعلی‌بن مقله . گفت اورا پیش آر ، تا حاجتش را برآورم .

اجزای قرآن را بخدمتش بردم یکی از آنها را برگرفت وپس‌از نگاه‌کردن‌گفت : «درکتابخانه ما ، مانند این قرآن وجود داشت ولی‌مفقود شده است» . گفتم این‌همان قرآن است ، وداستان‌گردآوری‌آن‌را بیان‌کردم، بهاءالدوله‌گفت آن جزء را خود بنویس ونسخه را تمام‌کن . گفتم اطاعت

میکنم ، لیکن بشرطی . وآن اینکه اگر آنرا نوشتم وامیر نتوانست آنرا درمیان دیگر اجزاء قرآن مشخص کند خلعتی با چند دینار بعنوان انعام عطا فرماید . بهاءالدوله پذیرفت . اجزای قرآن‌را گرفتم وبخانه‌آمدم وبکتابخانه شدم وکاغذهای کهنه را زیروروکردم تاکاغذی‌که با کاغذ نسخه قرآن شباهت داشت پیداکردم ودرمیان آن‌ها اقسام‌کاغذ سمرقندی و چینی کهنه که همه ظریف وعجیب بودند وجود داشت ، کاغذی راکه پسندیدم برداشتم و جزء ناقص را برآن نوشتم وتذهیب کردم – وبه تذهیب آن صورت‌کهنگی دادم ، پس جلد یکی‌ازکتابهای‌کهنه‌کتابخانه را کندم و آنرا درمیان آن قرار دادم وجلد دیگری بجای آنکه برداشته بودم نهادم وجلد را نیز بصورت کهنه درآوردم .

داستان قرآن از خاطر بهاءالدوله رفته بود وسالی برآن‌گذشته ، روزی ذکر ابوعلی‌بن مقله بمیان آمد . بهاءالدوله را یاد آمد ومرا گفت : آیا آن جزء از قرآن را نوشتی؟ گفتم آری . گفت بیاور تا به‌بینیم ، اجزای سی‌گانه قرآن را بحضور بردم جزء جزء را یکایك ورق زد وبرانداز کرد ونتوانست جزئی راکه بخط من بود بیابد . پس‌گفت : آن جزئی‌که بخط توست کدامست؟ گفتم اگر چشم امیر تشخیص میدهد پس‌چرا آنرا نمی‌یابد؟ این قرآن به‌تمامی بخط ابن‌مقله است وباید به همین ترتیب میان ما پنهان بماند . گفت بماند ، بهاءالدوله قرآن را درمحلی نزدیك خوابگاه خود نگاه میداشت وآنرا بکتابخانه باز نگردانید . انعام وخلعتی‌که وعده شده بود بهاءالدوله بدفع‌الوقت میگذرانید ، تا پس‌از نومیدی ازاین رهگذر روزی باوگفتم درکتابخانه‌کاغذ سفید چینی وکاغذکهنه سمرقندی بریده ودست نخورده فراوان است اگرامیر اجازت فرماید‌کاغذهای بریده را بجای خلعت ودینار معهود بخانه برم . گفت بردار وببر من نیز بکتابخانه رفتم وآنچه از اینگونه‌کاغذها درکتابخانه‌بود برگرفتم وبخانه بردم وسالیان دراز برروی آنها می‌نوشتم» .

مطالب ابن‌البواب نکاتی سودمند ومفید برای اهل تحقیق بدست میدهد : نخست اینکه‌کتابخانه بهاءالدوله دیلمی‌کتابخانه‌ای بزرگ ونفیس بوده است . دیگر اینکه‌کتابداران‌کتابخانه‌ها را از مردم دانشمند وبا اطلاع وبخصوص بصیر وخبیر درفنون‌کتاب‌شناسی وکتاب‌نویسی وآشنا بهنرهای تزئینی‌کتاب برمی‌گزیدند . هم‌چنین‌کتاب‌شناسان باید توجه داشته باشندکه حتی درقرن پنجم هم‌کتاب‌کهنه می‌ساخته‌اند وخط نویسان چه‌بساکه بجای خطاطان نام‌آور خطوطی نوشته ورقم زده‌اند !! ونیز باینکه‌کاغذ سمرقندی ایران چه ارزش واهمیتی داشته است .

درتاریخ ابن‌اسفندیار دربارهٔ رواج فضل وادب در دوران دیلمی‌ها

مینویسد[۲۴] «روزبازاراهل‌فضل‌وبلاغت عهداو (عضدالدوله پسرركن‌الدوله) بودگوئی جهان بجمله علوم آبستن‌ماند ، تا بعهد او رسید طَلَق وضع گرفت وبر او از فقه وکلام وحکمت وبلاغت وطب ونجوم وشعر وسایرعلوم که بازجوئی مبرزان را همه در روزگار او بودند ومن از پدرخویش رحمةالله شنیدم‌که : مرا هوس بود بدانم‌که جمله علما بیك شکم زادن موجب چه‌بود از خسروشاه مجوسی منجم شاه غازی رستم‌بن‌علی پرسیدم‌گفت «اول دور عطارد دولت او بود . میگویند استاد وادیب اوعلی‌فارسی‌بودکه امام‌الائمه نحو ولغت‌است وکتاب ایضاح عضدی برای او ساخته وطبیب‌اوکامل‌الصناعه بنام او پرداخته واز وزرای او استاد ابوالفضل‌بن‌العمید وپسر او ابوالفتح ودرعراق الصاحب‌الجلیل ابن‌عباد و منشی او استاد ابوالقاسم عبدالعزیزبن یوسف والصابی ابواسحق ابراهیم وشاعران او ابن نباته‌السعدی وابوالطیب المتنبی واستاد ابوبکر خوارزمی طبری» .

در این تاریخچه سزا و بجاست از کسانیکه در ترویج کتاب ونشر آن وایجاد کتابخانه‌ها درایران پس‌ازاسلام پیش‌گام وپیش‌آهنگ بوده ودراحیای دانش وفرهنگ ملی ما کوشش ومجاهدت‌کرده‌اند یادکنیم وبمقام سپاسگزاری وسپاسداری برآئیم .

سامانیان‌که خودرا از دودمانهای باستانی ایران میدانستند بحق در راه زنده‌کردن سنت‌های ملی وبخصوص نشر ورواج زبان پارسی اهتمام وکوششی فوق‌العاده مبذول داشتند ،گرچه درگفتارهای پیشین ضمن بیان تاریخ خط فارسی ازفشار عُمال عرب وافعال واعمال ناروایشان برای محو آثار ملی ایران وبخصوص دانشهای‌گوناگون ایرانیان وسختگیریهائی‌که درتحت نام وعنوان دین معمول میکردند شمه‌ای‌گفته‌ایم ، دراینجا نیز بطور اختصار یادآور می‌شویم که سیطره و غلبه صدوپنجاه ساله عمال خونخوار وجُهّال عرب امثال حجاج‌بن یوسف وابودولف ودیگران و قتل‌عام‌هائیکه از ملیون ایرانی میکردند ونمونه‌های آن را باید مبارزه با قهرمانان ملی ما امثال **مازیار** و **بابك خرمدین** ، **افشین** شمرد همه برای محو آثار واسناد تاریخی وملی ایران بود .

قوم وحشی عرب‌که دراثر آئین مقدس اسلام وتعالیم عالیه آن ناگهانی قدرت وشوکت بدست آورد و درحقیقت ازگذشته «هیچ» باوج سطوت وسیطره رسید واز این رهگذر جز دانش اسلامی فرهنگی دیرینه نداشت وگذشته وتاریخ تاریك او نیز چون سرزمین عربستان ریگزاری خشك وسرابی بیش نبود ، از راه تعصب و رشك و حسد عُمال قوم‌پرست عرب باسوابق تاریخی وفرهنگی ملت‌های دیگر به ستیزه برخاستند ، بتبعیت از این قوم‌پرستی وامتیازطلبی به محو ونابودی آثار برجسته وبرگزیده ملل

دیگر پرداختند ووحشیانه به‌اضمحلال فرهنگ وادب باستانی ما تاختند.

همچنانکه پیش‌از اینهم گفته‌ایم ، بهانه ودست‌آویز این ستیزه‌گریها مبارزه با (زندیکی) وباصطلاح جهاد ومجاهده با بت‌پرستی وخلاف آئین ودین بود !! درلفاف این شعار مردم‌فریب آنچه‌کتاب ونوشته‌گرانقدر ایرانی بود بدست فنا ونابودی سپردندکه برخی ازاین رفتارشان ضرب‌المثل شد ، خیذرپورکاووس افشین اشروسنه راکه از ایرانیان میهن‌پرست واز دلیران بنام بود باتهام اینکه درخانه‌اش‌کتابی از خدای‌نامه داشته است آنرا دفتر کبرگان خواندند وباین‌تهمت ناصواب اورا کشتند وجسدش‌را نیز سوزاندند وبآب دجله دادند ، حکیم مختاری غزنوی درقصائد غرایش چندبار بدفتر افشین اشاره‌کرده است ازجمله :

گوهر دفتر ببرد ازگوهر افشین خطر
قیمت گوهر فزود از گوهر دفتر تو را

و یا :

گر بدیدی هنر بذله هر گوهر تو
گوهر دفترخود برتو فشاندی افشین

وهم‌چنین :

ازگوهر مدح کف راد گهر افشانت
دیوان ثناگوی تو چون دفتر افشین[۲۵]

خداینامه افشین جلدش با گوهرهای بسیارگرانبها ترصیع یافته بوده است ، دانشوران و سخن‌گستران ایران از دوران هخامنشیان و سپس اشکانیان و پس‌ازآن ساسانیان برای احیای غرور ملی واینکه هم‌میهنانشان بدانند وارث چه هنرها بوده وچه قهرمانیها در عرصه پهناورگیتی‌کرده‌اند بپرداختن وساختن داستانهای ملی وقهرمانی دست یازیده بودند واینگونه دفترها را دودمانهای ایرانی بسیارگرامی وعزیز میداشتند وآنرا کارنامه ایران میخواندنــد و برای بزرگداشت این کتابها برگهایش را زراندود میکردند وهنر تذهیب از این هنگام بوجود آمد وسپس درجهان رواج یافت . وجلد اینگونه‌کتابها را نیز باگوهرها میآراستند تا با ارزش مادی ارزش معنوی آنرا به همگان بنمایانند .

عربها که حتی اجازه نمیدادند ایرانیها قرآن را هم بپارسی برگردانند وآنرا بپارسی بنویسند وبخوانند ، مگر آنکه فقیهان عرب آنرا صحه گذارند و پس از سالیان دراز مبارزه و مجاهده سرانجام ایرانیان توانستند باابداع خط نو، قرآن وکتابهای دینی‌خودرا بخط خوش بنویسند و اجازه یابندکه تفسیر قرآن را هم بفارسی برگردانند چنانکه در مقدمه ترجمه تفسیرطبری این مجوز را بدست میدهد وچنین مینویسد : «روا باشد

خواندن ونبشتن تفسیر قرآن بپارسی مرآن‌را که او تازی نداند» .

در سرزمین ایران که مهد و گاهواره شعر وسرود بود سرودن شعر بزبان پارسی مذموم ومنسوخ گشته بود چنانکه درتاریخ سیستان این‌حقیقت بازگوشده است وچنین مینویسد[۲٦] : چون عجم برکنده شدند وعرب آمدند شعر میان ایشان بتازی بود وهمگان را علم معرفت شعرتازی بود .

پیشوای جوانمردان **یعقوب لیث صفاری** قهرمان ملی ایران بنوشتهٔ تاریخ سیستان از راه مبارزه با عرب ومستعربی وعرب‌مآبی برای نخستین‌بار دستور داد که درمدح او شعر بپارسی گویند نه عربی ودرمذمت زبان بیگانه چنین گفت : «زبانی که من اندر نیابم چرا باید گفت؟» وبااین دستور شاعر ایرانی **محمدبن‌وصیف سیستانی** اورابپارسی مدایحی گفت وسرودن شعرپارسی رواج گرفت وبدیگر نقاط ایران نیز رسوخ ونفوذ یافت .

سامانیان در رواج شعر پارسی ونوشتن کتابها بدین‌زبان بذل مساعی وهمت کردند ودانشمندان وسخنوران را دراین راه مشوق بودند .

سرودن حماسه‌های ملی در زمان ایشان باردیگر باب شد و **مسعودی مروزی** پیش از ۳۵۰ هـ . بسرودن تاریخ پادشاهان ایران دست یازید[۲۷] **دقیقی** نیز خداینامه را بفرمان نوح‌بن منصور سامانی (۳٦۵ – ۳۸۷) بشعر پارسی دربحر تقارب آورد . و **رودکی** نیز کلیله و دمنه را بشعر پارسی سرود – **ابوالمؤید بلخی** ، و **ابوعلی محمدبن احمد بلخی** ، و **ابومنصور محمدبن عبدالرزاق توسی** شاهنامه‌ها سرودند ودرتهییج وتشحیذ غرورملی ایرانیان کوشیدند .

سامانیان را درحقیقت باید نجات‌دهنده فکر وادب وهنر ایران دانست وآنان بودندکه برای احیای ادب ودانش وزبان ملی ما باردیگر قیام واقدام کردند وبه همت والایشان مظاهر عرب وعرب‌مآبی شکست خورد وزمینه برای بوجود آمدن وحدت ملی‌ایران در دورانهای بعد فراهم وآماده گردید وبراین پایه واساس بودکه بزرگترین حماسه ملی ایران شاهنامه فردوسی پدید آمد .

***

**۱٦ – کتابخانه ملی غزنه** – بنابه‌تحقیق محقق معاصر افغانی استاد **عبدالحی حبیبی** براساس سندی که ارائه داده است[۲۸] درحدود دویست‌هجری قمری درغزنه کتابخانه عظیم ملی وجود داشته است ، این سند چنین حکایت میکند که :

«یکی از رهبانان انگلیسی بنام **الکوتین** بین سالهای ۷۵۰ – ۸۰۰ میلادی (۲۲۰ هـ .) ازراه دمشق بایران‌میآید ودرقزوین اززاهدی می‌شنود، که نسخه اصلی کتاب‌مقدس **جیشر** درکتابخانه ملی غزنه نگاهداری میشود.»

الکوتین بعشق مطالعه ومشاهده کتاب جیشر با دوتن از همراهان خود باصفهان میرود وسپس ازآنجا عازم غزنه میگردد ، پس از تحمل رنجهای فراوان بغزنه میرسد ، وباکمك خزانه‌دار شهرغزنه که ضمناً مدیریت کتابخانه ملی غزنه را هم بعهده داشته است به‌نسخه نفیس و گرانقدرجیشردست می‌یابد وموفق میگردد ازآن نسخه بردارد و سپس بترجمه آن پردازد و این کار یکسال‌ونیم بطول می‌انجامد وپس‌ازآن بروم بازمیگردد ومحصول رنج‌وسفر هفت ساله خودراکه بدست آوردن رونوشت نسخه جیشر وترجمه آن بوده است به پاپ تقدیم میدارد .

آنچه از سفرنامه الکوتین مستفاد است اینکه کتابخانه غزنه ملی‌بوده نه دولتی وضمناً کتابخانه ملی غزنه نیز فهرست مدون داشته است ودرآن کتابخانه نسخه‌های منحصر بفرد بسیاربوده واینگونه نسخه‌ها را برای مصون ماندن ازآسیب ونابودی در صندوقهای آهنی مقفل نگاهداری میکرده‌اند ومطالعه وملاحظه آنها تشریفات خاصی داشته است.

**۱۷ – کتابخانه رامهرمز** – مقدسی دراحسن‌التقاسیم[۲۹] ازکتابخانه بزرگ وباعظمت رامهرمز یاد میکند وآنرا ازکتابخانه‌های معتبر زمان خود میخواند .

این‌کتابخانه یکی از مراجع و مراکز مهم‌کتب معتزله خوزستان بوده است .

**۱۸ – کتابخانه ابونصر فارابی فیلسوف شهیر ایرانی** – حکیم فارابی درقصیده‌ای‌که متضمن شرحال اوست درباره کتابخانه‌اش چنین میگوید :

من علی یمیتنی خزانة کتبی      و علی سرتی خزانة شربی
فاذا ماصحوت اعملت‌فکری      و اذا ماسکرت اعملت قلبی

یعنی – درطرف راستم خزانه‌کتابهایم (کتابخانه‌ام) وطرف چپم خزانه مشروبم قرار دارد تا اگر بهوش آمدم اندیشه‌ام را بدانش مشغول دارم واگر مست وبیهوش شدم دلم را مشغول دارم .

با این تصریح یقین‌است‌که این‌دانشمند متفکروصاحب مکتب‌ایرانی کتابخانه معتبری داشته وابوعلی‌سینا هم یك‌بار دربازار موفق بخرید چند جلدکتاب متعلق بکتابخانه فارابی گردیده است .

**۱۹ – کتابخانه ابن‌عمید** – ابوالفضل محمدبن حسین عمیدبن محمد وزیر با تدبیرودانشمند ، رکن‌الدوله دیلمی ، درری کتابخانه بزرگی داشته وکتابهایش را عزیزتر ازهمه اموالش میداشته است .

**محمد لطفی** در تاریخ فلاسفةالاسلام آنجا که از ابوعلی احمدبن مسکویه فیلسوف شهیر شرح حال بدست میدهد مینویسد : «او مدتها کتابدار کتابخانه ابوالفضل محمدبن‌عمید وزیر بوده است» .

پس‌از اینکه درسال ۳۶۰ هـ . *ابن‌عمید* درگذشت کتابخانه‌او به‌تملك فرزند باکفایتش *ابوالفتح ذوالکفایتین* درآمد . پس‌از اینکه صاحب‌بن عباد توفیق یافت ذوالکفایتین را ازصحنه سیاست ووزارت برکنار سازدکوشیدکه بکتابخانه نفیس او دست یابد لکن تا ذوالکفایتین زنده بود این آرزو به‌حصول نیانجامید ، ذوالکفایتین بسال ۳۶۶ هـ . درگذشت و پس‌از آن کتابخانه به‌تملك وتصرف صاحب‌بن‌عباد درآمد وضمیمه‌کتابخانه عظیم او شد.

میتوان‌گفت چه بسا عشق و علاقه شدید صاحب به‌کتاب ازطرفی ووجودکتابخانه نفیس وغنی ابن‌عمید موجب برکناری ذوالکفایتین ازصحنه سیاست شده باشد والله اعلم .

**۲۰ — کتابخانه سیدنا در الموت** — حسن‌بن‌صباح پس‌ازاینکه الموت را بنانهاد درآنجاکتابخانه عظیمی‌را برای تحقیق وتتبع درملل ونحل وآراء وعقاید فرق مختلف اسلامی پی‌افکند . دانشمندان ودعات اسمعیلی وباطنی آنچه می‌نوشتند نسخه‌ای بکتابخانه سیدنا تقدیم میداشتند . کتابخانه سیدنا یکی‌ازکتابخانه‌های بسیار بزرگ وغنی ایران بوده است .

این کتابخانه همچنان تازمان‌هلاکوخان‌مغول پابرجابوده وروزبروز برعظمت وشهرت‌آن افزوده شده است .

بطوریکه درشرح حال و احوال خواجه نصیرالدین توسی آمده است این دانشمند وریاضی‌دان کم‌نظیر ایرانی سالی چندکتابداری‌کتابخانه سیدنا را بعهده داشته است .

گرچه تعصبات خشك مذهبی آثار مربوط بحال واحوال بزرگان اسماعیلیه را محو ونابود ساخته لکن ازآنچه باقیمانده وهمچنین مطالبی‌که جسته وگریخته درآثار محققان آنزمان توان یافت این نکته روشن است‌که حسن‌بن صباح مردی دانشمند وخردمند بوده واز ایرانیانی است‌که باشجاعت و شهامت با مظاهر بیگانه ونفوذ آنان در ایران سخت در جدال و ستیز بوده است .

پس‌ازآنکه هلاکوخان مغول بدژ آلاموت دست یافت تسلیم نظر قشریان ومتعصبان شد و دستور دادکه‌کتابخانه عالیقدر وکم‌نظیر سیدنا را بسوزانند ونابودکنند .

عطاملك جوینی وزیر خردمند وبا تدبیر اوکه دراین لشکرکشی حضور داشته است برای در امان ماندن قسمتی از کتابهای‌کتابخانه تلاش میکند و به هلاکو اظهار میدارد : «چه بسا در میان‌کتابهای این‌کتابخانه قرآنها ویا کتب دیگر اسلامی باشد وسوزانیدن آنها نه‌تنها رفع زندقه وکفر نمیکند باشدکه خود موجب‌کفری عظیم‌گردد . »

هلاکوخان باستدعای عطاملك جوینی موافقت میکندکه با نظارت

او کتابهائی که ماندنشان بمصلحت است بر گزینند وآنچه راکه مربوط بتاریخ باطنیان باشد بسوزانند .

عطاملك جوینی ، **خواجه نصیرالدین توسی** وتنی چند ازدانشمندان دیگر را بدین کار می‌گمارد وآنها طی چند ماه کاوش وبررسی تعدادی کتاب تاریخ ، ریاضی ، فلسفه وازاین قبیل اختیار می‌کنند ومازاد آنرا دستور نابودی میدهند .

طول مدت بازدید وتفحص‌نشان میدهدکه کتابخانه سیدنا چه عظمتی داشته‌است. باید دانست که‌پیروان‌سیدناکه دراقصی‌نقاط ایران – ماوراءالنهر– ترکستان – آسیای میانه – مصر – عراق – شام – آذربایجان پراکنده‌بودند درطی مدت سیصد سال هرجاکه کتاب نفیسی می‌یافتند آنرا بعنوان ارمغان وهدیه برای کتابخانه سیدنا به‌آلاموت میفرستاده‌اند .

خواجه‌نصیرالدین‌توسی بسیاری از کتابهای ریاضی وتاریخ کتابخانه سیدنا را برگزید و چنانکه خواهیم گفت پس‌از اینکه رصدخانه مراغه را بدستور هلاکوخان بنیان‌گذاشت بآنجا نقل داد .

عطاملك جوینی ، نیز درتحریر وتنظیم تاریخ پرارج وگرانقدر **جهانگشا** ، بیشتر منابعش ازکتابهائی است‌که از این‌کتابخانه بدست آورده بود بخصوص درشرح حال حسن‌بن صباح ، درجلد سوم جهانگشا ازکتاب «سرگذشت سیدنا» مطالبی نقل میکند وبدیهی‌است این یکی‌ازکتابهای آن کتابخانه بوده است .

شیعیان اسمعیلی درمراکز دیگری‌که داشتنند کتابخانه‌های بزرگ بوجود آورده بودندکه یکی دیگر ازآنها را نیز دراینجا معرفی می‌کنیم .

**۳۱ – کتابخانه شمس‌المعالی ابوالمظفر امیر اسمعیل‌بن گیلکی –** امیر اسمعیل‌بن‌گیلکی از شیعیان نامدار ایران‌است‌که مدتها درطبس حکومت بالاستقلال داشته وقدرت ونفوذ فوق‌العاده بهمرسانیده بوده است . سلطان سنجر سلجوقی دوبار برای تصرف طبس با او جنگید ولی توفیق نیافت . امیراسمعیل‌بن‌گیلك مردی دلیر وصاحب قلم وشمشیر بوده است[۳۰] . جدش امیر ابوالحسن‌گیلکی‌بن محمد است‌که بفرمانروائی طبس رسید وناصرخسرو قبادیانی درسفر به طبس بسال ٤٤٤ ه . اورا دیدارکرده وهفده روز نیز میهمان او بوده است .

امیر اسمعیل‌بن‌گیلکی به دانشمندان و شعرا توجه خاص مبذول میکرد تا ایشان را بخود جلب‌کند ، چنانکه امیرالشعراء معزی نیز او را درقصایدی چند مدح‌گفته است . قدرت وشوکت اورا میتوان از ابیاتی‌که معزی درباره او سروده است دریافت . معزی میگوید :

ابوالمظفر شمس المعالـی اسمعیل
که خاکپای معالیش‌ماه وپروین است
غریق نعمت او شهریار کرمان است
رهین منت او پادشاه غزنین است
گشاده‌طبع‌توهمواره همچودریائی‌است
که موج‌او زطبس تا درفلسطین است.

**حکیم مختاری غزنوی** نیز مثنوی یمینی را بنام او سروده است ، این امیر فضل‌دوست‌کتابخانه بزرگی برای اسمعیلیان درطبس فراهم آورده بودکه قرنها این‌کتابخانه درطبس حفاظت ونگاهداری می‌شد وچنانکه بعد خواهیم‌گفت بدست یکی از اشرار غارت ودچار حریق‌گردید .

**۲۲ - کتابخانه سلطان محمود غزنوی درغزنه** - سلطان محمودبن سبکتکین غزنوی مردی دلاور و زیرك بود ، توجه اورا به‌شعرا ونویسندگان ازآن‌جهت باید دانست‌که او قرنهاپیش بقدرت معجزآسای نفوذکلام وتبلیغ پی‌برده بود وتوانست با هوشیاری و زیرکی از نفوذ معنوی وسحر سخن وادب وفرهنگ به‌نفع خود استفاده‌کند ودرجهان آن‌روز نام‌آورگردد .

او درمذهب نیز مردی متعصب وخشك بود وآن اندازه‌که به قشر می‌پرداخت به معنی توجهی نداشت .

در دربار او هم‌چنانکه زبانزد خاص وعام است نزدیك به چهارصد تن سخنورگرد میآمده واو را دراعیاد وجشن‌ها مدایح غرّا میگفتند وصلات خیره‌کننده دریافت میکردند ، به شکوه وجلال بسیار شیفته‌بود وعلاقه داشت کسان وبستگانش با حشمت وجلال باشند . توجه او به‌ایجادکتابخانه نیز تنها بخاطر هم‌چشمی ورقابت با دربار سامانیان ودیلمیان بود ، تا در خاطرها کتابخانه صاحب‌بن عباد ونوح‌بن منصور سامانی را از یاد ببرد . بدین نیت وآرزو شهرها وکشورهائی راکه می‌گشود - کتابخانه‌ها را غارت میکرد وآنچه‌کتاب درکتابخانه‌ها از آثارکلامی ویا متعلق به روافض ومعتزلیان بود می‌سوزاند وازاین رهگذر صدمات ولطمات بسیار به رشد فکری وعلوم عقلی‌ونقلی زد وبایدگفت به‌سبب همین‌اعمال اوبودکه افرادومتفکرانی‌چون ابوریحان بیرونی وعلی‌بن سینا ازاو می‌گریختند .

از دیلمان وعراق وخراسان وهندوستان‌کتابهای سیاری بکتابخانه غزنه فرستاد واین‌کتابخانه معتبر وغنی در زمان سلطنت فرزندش سلطان مسعود غزنوی پس‌از شکستی‌که ازسلجوقیان براو واردگشت دستخوش تاراج وغارت گردید .

**۲۳ - کتابخانه سلطان مسعودبن ابراهیم غزنوی** - سلطان مسعودبن ابراهیم غزنوی از آخرین پادشاهان مقتدر غزنوی است‌که برقسمتی ناچیز

از بازمانده کشور پهناور غزنویان مدتی سلطنت کرد .

سلطان مسعودبن ابراهیم غزنوی پادشاهی شعرشناس و ادب‌دوست بوده‌است واونیز کتابخانه‌ای غنی فراهم‌آورده‌بود . عظمت وبزرگی کتابخانه او را از اینجا میتوان قیاس کردکه مسعود سعد سلمان را بکتابداری این کتابخانه برگزیده بود . مسعود سعد سلمان مقام کتابداری شاهی را مقامی شامخ وبزرگ عنوان کرده ومیگوید :

دارالکتب امروز به بنده است مفوّض
این عزّ و شرف گشت مرا رتبه والا
پس زود چو آراسته گنجی کنمش من
کاو تازه مثالی بود از مجلس اعلی

و درقصیده دیگر میگوید :

او را بخازنی کتب کـرد اختیار
کت رای خسروانه قوی اختیار باد

ودرقصیده دیگر در تزئین کتابخانه گوید :

کند مشحون همه طاق و رف‌آن به تفسیر و به اخبار و به اشعار

باتوجه‌باینکه مسعود سعد سلمان سالهای قبل‌ازتصدی کتابخانه شاهی امارت **قنوج** و **لهاوور** و **پتنه** و **قزدار** را داشته و یکی‌از امرای بنام دولت غزنوی بوده وگذشته از مقام فضیلت منصب امارت او نیز مورد توجه بوده است ، تاآنجاکه حکیم مختاری غزنوی شاعر شهیر اورا درمقام امارت مدح گفته است ، میتوان دریافت کتابداری شاهی در دولت غزنوی مقامی شایسته وبزرگ وارجمند بوده است .

۳٤ – **کتابخانه ابوالحارث شاه‌بن کرمانشاه سلجوقی** – ازبزرگترین پادشاهان سلجوقی‌کرمان است که آثار خیر بسیار درکرمان ساخته است . درمدرسه‌ای‌که درکرمان ساخته بود کتابخانه‌ای نیز فراهم آورده بودکه طلاب علوم ازآن استفاده میکرده‌اند .

۳٥ – **کتابخانه خاندان بلعمی** – بلعمی‌ها از وزرای سامانیان بودند وخود نیز از مشاهیر دانشمندان ودانش‌پروران ایرانند . درخراسان کتابخانه عظیمی داشته‌اندکه مورد استفاده اهل علم بوده است .

۳٦ – **کتابخانه دیلمان** – طبرستان ومازندران سالها مرکز شیعیان بود ، علویان مازندران کتابخانه عظیمی برای دانشمندان شیعی ایران بنیاد نهاده بودند ، محمود غزنوی پس‌از تصرف دیلمان درآنجا کشتاری فجیع از اهل علم کرد وکتابهای ایشان را بسوزاند ، مجمل‌التواریخ والقصص دراین‌باره اشاره‌ای دارد ومی‌نویسد : «وبسیار دارها بفرمود زدن وبزرگان دیلم را بردرخت‌کشیدند وبهری را درپوست‌گاو دوخت وبغزنین بفرستاد

وتعداد پنجاه خروار (!) کتاب ودفتر از رافضیان و باطنیان وفلاسفه از سراهای ایشان بیرون‌آورد ودر زیردرخت‌های‌آویختگان بفرمود سوختن.»

اجساد بیچاره دانشمندانی‌راکه در راه تجسس وتفکر علم ودانش عمری بامحرومیت ساخته بودند بآتش ماحصل رنجها وتحقیقاتشان‌کباب‌کرد تا دیگر دماغی سودای دانشوری درسر نپرورد !!

ازدوران سامانیان وزیاریان ، امراء که اکثر آنان مردمانی فضل‌دوست ودانشمند بودند بمنظور ترویج دانش وادب بساختن مدرسه‌های بزرگ درشهرها پرداختند وبرای اداره اموراین‌گونه مدرسه‌ها موقوفه‌هائی نیز معین میکردند تا هزینه آنرا تأمین‌کرده باشند .

دراثر تأسیس وبنیاد این مدرسه‌ها بود که ایران **دارالعلم** لقب گرفت ، وسنّت دیرینه دراین زمینه دگرباره‌زنده شد ، اگرچه دانشگاههائی نظیر **گندی شاهپور** احیا نگردید اما پایه واساس بوجودآمدن دانشگاههائی نظیر دانشگاههای **نظامیه** گذاشته شد وثمراتی گرانبها ببار آورد .

از آنجا که طالبان علم درایران بیشتر طلاب علوم دینی بودند ، بیشتر سعی وکوشش می‌شدکه حوزه این مدارس نزدیك مساجد باشد ، نکته‌ای‌که باید بدان توجه خاص‌معطوف داشت‌اینکه : **تحصیل درمدرسه‌های ایرانی رایگان بود** وبرای‌کسانیکه آماده می‌شدند تا عمرگرامی را در راه تحصیل علم ودانش مصروف دارند مقرری وماهیانه‌ای نیز برقرارمیکردند تا آنان بتوانند با تأمین بودن هزینه خوراك و پوشاك فارغ‌البال و دور ازهرگونه قیل‌وقال وجنجال بفراگرفتن علوم ودانشهای عصر بپردازند وبا توجه باینکه درقرون‌گذشته وسائل چاپ وجود نداشت وتهیه‌کتاب‌برای همگان غیر مقدور می‌بود ، بانیان مدرسه‌ها برای تأمین این نظر ودر دسترس‌گذاشتن وسائل تحصیل ومطالعه وتحقیق و مداقه در هرمدرسه‌ای کتابخانه‌ای عظیم ترتیب میدادند و کتابهای بسیاری برآن وقف میکردند، هیچ مدرسه‌ای در قرون‌گذشته بدون کتابخانه نبود ، واکثرکتابخانه های معروف ومشهورایران کتابخانه‌های مدرسه های معروف زمان بودند . تا قرن اخیر نیز این روش پسندیده برجا بود همچنانکه درمدرسه **خان مروی** ومدرسه عالی **سپهسالار** ومدرسه صدر و . و . و در تهران ومانند آنها درشهرستانها . بنابراین مدرسه‌هائی‌که پادشاهان وصدوروورزاء ودانشمندان ومردم خیراندیش‌درقرون‌گذشته ازجیب فتوت خویش در قلمروفرمانروائی ایران بنیاد نهاده‌اند همگی با کتابخانه‌های غنی وقابل‌توجه منضم بوده‌است ومادراین تاریخچه از اینگونه کتابخانه‌ها نیز یاد می‌کنیم .

**۲۷ – کتابخانه رشیدالدین وطواط در خوارزم** : رشیدالدین وطواط مؤلف حدائق‌السحر فی‌الدقائق‌الشعر وصاحب رسائل ودیوان شعر

بفارسی وتازی در رسائل خود می‌نویسد :

«وهاانا قدآتانی‌الله تعالی من‌الرزاق‌الحلال قریباً من‌الف مجلدة من‌الکتب‌النفیسه والدفاترالفائقه والنسخ‌الشریفه و انا وقف‌الکل علی خزائن‌الکتب المبینه فی‌بلاده‌الاسلام عمرهاالله لینفع‌المسلمون بها»[31] .

بنابر ، این نوشته ، خواجه رشیدالدین وطواط هزارجلدازکتابهای نفیس ونسخه‌های ارزنده‌اش‌را وقف عام کرده بوده‌است. واین نوشته خود مؤید آنست‌که بیشتر نویسندگان وشعرای ایران کتابخانه‌های معتبروارزنده شخصی داشته‌اندکه مورد استفاده ومطالعه اهل طلب قرار میگرفته است .

**۲۸ – کتابخانه صابونی‌نیشابور** : درشرح‌حال‌خلف‌ابن احمد . امیر سیستان آمده‌است[32] که او دانشمندان وعلمای ایران راگرد آورد وازایشان خواست تا تفسیری جامع وکامل ازقرآن مجید شامل کلیه اخبار واقاویل مفسران گذشته وچگونگی قراأت لغات آن فراهم آورند وبرای انجام این مهم ، **بیست هزاردینار** پرداخت وسرانجام تفسیری جامع تألیف یافت‌که مشتمل بر**یکصدمجلد** بوده‌است ! !

این تفسیر ارزنده ومهم را در **کتابخانه مدرسه صابونی نیشابور** قرار دادند تا طالب علمان ودانش‌پژوهان از آن بهره‌ورگردند .

مدرسه صابونی نیشابور وبسیاری ازمدرسه های دیگر وهم چنین مسجدهائی‌که محل تحصیل و یا محل اقامت طلاب علوم بود در حمله **غزان** به نیشابور از میان رفت .

**راوندی‌درراحة‌الصدور**ضمن‌تشریح هجوم غزان‌به‌نیشابورچگونگی نهب وغارت وویرانی آنجارا وصف میکند که عیناً برای اطلاع‌خوانندگان ارجمند دراینجا میآوریم .

«پس روی به نیشابور نهادند ، مردم نیشابور اول‌کوششی میکردند وقومی از ایشان را درشهرکشتند ، چون ایشان را خبرشد حشرآوردند واغلب خلق ، زن ومرد واطفال **درمسجد جامع منیعی** گریختند ، غزان‌تیغ درنهادند چندان خلق را در مسجد کشتند که کشتگان درمیان خون ناپیدا شدند ، چون شب درآمدی ، مسجدی برطرف بازار بود ، آنرا **مسجد مطرز** گفتندی ، مسجدی بزرگ که دوهزار مرد در آنجا نمازکردندی وقبه عالی داشت منقش ازچوب مدهون کرده ، وجمله‌ستونها مدهون ومذهب ، آتش درآن مسجد زدند و شعله‌ها چندان ارتفاع گرفت که جمله شهر روشن شد تا روز بدان روشنی غارت میکردند واسیر می‌بردند . . . . نیشابور بدان آراستگی چنان شد که هیچکس محلت خود بازنشناخت ودرشهری چون نیشابور آنجاکه مجامع انس و مدارس علم و محافل صدور بود مراعی اغنام و مکامن وحوش وحوام شد» .

**۲۹ – کتابخانه ابوطاهرخاتونی :** موفق‌الدین ابوطاهرازدانشمندان شیعی دوران سلجوقی است ، این دانشمند درنظم ونثر فارسی وتازی استاد بود ، از دبیران نامور ملکشاه سلجوقی است . وچون بسیار مورد وثوق ملکشاه بود به سمت منشی ومستوفی دیوان **گوهرخاتون** همسر فضل دوست وخیّر ملکشاه منصوب گشت .

واز این رهگذر به **خاتونی** نامبردارگردید ، تا زمان مسعودبن محمد سلجوقی حیات داشته است . این دانشمند شهیر درادب فارسی آثاری گرانقدر داشته است‌که متأسفانه جز یك اثراینك از او در دست نیست نوشته‌اندکه تذکرةالشعرائی ، درشرح حال واحوال شعرای ایران تا زمان خود نوشته بوده است که **مناقب‌الشعراء** نام داشته وباید گفت آن نخستین تذکرةالشعرای فارسی بوده است . تنها اثری‌که اکنون از او بدست هست ترویرالوزیر نام دارد که بزبان تازی است ودرطعن ولعن نصیرالملك‌بن مؤیدالملك وزیر نوشته است والحق درتحریر آن استادی وهنرنشان‌داده ودرفصاحت وبلاغت کم نظیر است ، نثری است مسجع ومقفی ومقطع ، این ادیب اریب ، **کتابخانه‌ای** بس معظم درجوار مسجد جامع ساوه بناکرد واین کتابخانه بنام او شهرت داشت وتاهجوم وتسخیر ساوه بدست مغول بسال ۶۱۷ دائر بود ویکی ازمراجع مهم شیعی محسوب میگردید . مغولان این کتابخانه نفیس وگرانقدر را بسوختند ونابود ساختند .

**۳۰ – کتابخانه فخرالدین مبارکشاه :** فخرالدین محمدبن حسن مبارکشاه از دانشمندان دربار پادشاهان غوری ایران است ، او ازشعرا و نویسندگان بنام ایرانی است ، تاریخ پادشاهان غوری را دربحر تقارب بنظم آورده بود که متأسفانه هنوزنسخه‌ای ازآن دیده نشده است دوکتاب ازآثاراواینك موجوداست یکی‌آداب‌الحرب‌والشجاعه ودیگری‌شجره‌انساب.

مبارکشاه کتابخانه ارزنده‌ای بنیاد نهاده بود که در آن برای دانشمندان وسائل بازی شطرنج‌را نیزفراهم آورده بود . درگذشت‌مبارك‌شاه بسال ۶۰۲ است وبنیان کتابخانه مبارکشاهی دراواخر قرن ششم بوده‌است.

**۳۱ – کتابخانه رستم‌بن شهریاردر ری :** شهنشاه غازی رستم‌بن علی‌بن شهریار در ری کتابخانه‌ای عظیم برپا داشت ، بطوریکه بهاءالدین محمدبن‌حسن‌بن اسفندیار معروف به **ابن‌اسفندیار** ازدانشمندان طبرستان در تاریخ بنام‌خود متذکراست ، پس‌ازاینکه رستم‌بن اردشیرباوندی درطبرستان کشته شد ، او به ری گریخته ومدتها درکتابخانه رستم‌بن شهریار ، از کتابهای آن متمتع وبهره‌مند گردیده ازجمله دراین کتابخانه عالیقدر به نسخه تاریخ طبرستان تألیف ابوالحسن‌بن محمد یزدادی که بتازی بوده‌است دست یافته وآنرا بفارسی ترجمه کرده واساس‌کار خود درتألیف تاریخ

طبرستان قرار داده است .

این کتابخانه نفیس تا هجوم مغول به ری وجود داشته است . عبدالجلیل قزوینی مؤلف کتاب‌النقض نیز متذکر کتابخانه امیرغازی شده ونوشته‌است که نسخه اصل کتاب‌تنزیه‌را درسال ۵۳۳ بکتابخانه‌شهنشاه‌بردند[۳۳]

۳۲ – **کتابخانه اسفزاری :** ابوحاتم مظفر اسفزاری از دانشمندان دوران سلجوقی است ، از جمله‌کسانی است که با حکیم عمرخیام نیشابوری درتدوین وتنظیم تقویم جلالی معاضدت وهمکاری‌داشته‌اند ، اسفرازی‌میزان ارشمیدوس را برای تمیز غل‌وغش عیار فلزات برای سنجربساخت ، و کتابهای بسیاری نیز درریاضی وهیأت تصنیف کرد ازجمله اختصاراقلیدس، رساله علوی‌کائنات جو ، رساله الشبکه که بنام برکیارق سلجوقی نوشت ، این دانشمند شهیر دراثر خدعه‌ای که نسبت باو کردند از غصه بسال ۵۱۵ دق‌مرگ شد ، کتابخانه او ازلحاظ داشتن نسخه های ارزنده ونایاب ، علمی وریاضی ونجوم کم‌نظیر وممتاز بوده است .

۳۳ – **کتابخانه سهلان ساوجی :** زین‌الدین عمربن سهلان ساوجی از اجله حکمای بنام ایران است ، این دانشمند خطی زیبا داشته ونسخه‌هائی از شفای بوعلی سینا را می‌نوشته و بطالبان آن بصد دینار !! می‌فروخته است ، این دانشمندازراه خطاطی امرار معاش میکرده وعشق وشوق وسعه صدرش در راه ترویج علم تا بدان حد بوده است‌که آنچه از راه خطاطی بدست میآورده‌صرف خرید کتاب میکرده وازاین‌طریق صعب موفق به تأسیس **کتابخانه‌ای** عمومی‌شده‌است، کتابخانه اووقف‌عام درساوه بوده‌است واهل‌طلب ودانش از شهرهای دور به ساوه میآمده‌اند تا از ذخائر این خزینه دانش مستفیدگردند ، کتابخانه سهلان سرنوشتی غم‌انگیز وکم‌نظیر دارد .

پس‌ازاینکه سهلان ساوجی بسال ۵۶۵ درگذشت جهال بسوگ او کتابخانه‌اش را بآتش کشیدند وسوزاندند وبسیاری از آثار خود سهلان که بخطش درکتابخانه بود نیز بسوخت ، سهلان ساوجی تألیفات بسیارداشته ازجمله کتاب البصائر درمنطق وشرح رساله طیر بوعلی سینا بفارسی .

۳٤ – **کتابخانه انوشیروان درکاشان :** شرف‌الدین انوشیروان‌بن خالدبن‌محمدکاشانی، این‌دانشمندبسال ٤۵۹ درکاشان‌پابعرصه وجودگذاشت، ودرسال ۵۱۷ وزارت محمودسلجوقی‌را بعهده داشت، وازه۵۲٦ تا ۵۲۸ بوزارت مستر شد بالله عباسی منصوب گشت ، انوشیروان درادب فارسی وعربی کم‌نظیروبی‌بدیل بود ، از آثار او نفثة‌المصدور وفتورزمان‌الصدور، را ثبت کرده‌اند که اصل این اثر ازمیان رفته لیکن عمادکاتب درگذشته بسال ۵۹۷ آنــرا بنام نصرة‌العتره و عصرة‌الفطرة ، بزبان تازی ترجمه کرده است .

این دانشمند شهیر در کاشان کتابخانه‌ای کم‌نظیر بنیاد نهاد که تاسال ۶۷۴ برجای بوده است وبنام کتابخانه انوشیروان شهرت و معروفیت داشته است .

**۳۵ – کتابخانه قطان مروزی :** ابوعلی حسن‌بن علی‌قطان مروزی یکی از مشاهیر نویسندگان وپزشگان بنام ایران بود ، مؤلفاتی دارد از جمله کتاب‌الدوحه درانساب وکیهان شناخت درهیأت ، کتابخانه بزرگ او درمرو مرجع دانشمندان و طالب‌علمان ایران بود ، پس‌از اینکه بسال ۵۳۶ آتسز مرورا گرفت لشگریانش دست به غارت کتابخانه زدند و در سال ۵۳۸ نیز که ترکان وحشی غز بخراسان دست یافتند ، این دانشمندعالیقدر را اسیر کردند وچون زبان به پند واندرز آنان می‌گشود وازاعمال‌ناروائی که مرتکب شده بودند آنان‌را مذمت میکرد – آنقدردردهانش خاك‌ریختند تا شهید شد .

اینك می‌پردازیم به شرح مدرسه‌های مشهور و معروفی که در دوران سلجوقی‌ها کتابخانه داشته‌اند ومرجع مراجعه دانشمندان ومحققان بوده‌اند .

عبدالجلیل قزوینی درکتاب النقض مینویسد[۳۴] : «اگر به تعداد مدارس سادات مشغول شویم دربلاد خراسان ومازندران وشهرهای شام و حلب وغیر آن وبلاد عراق چون **قم** و **آبه** و **کاشان** که مدارس چنداست وکی فرموده است ؟ واوقاف چند دارد ؟ طومار شود وکتب خواهد . اما از برای رفع شبهت اشارتی میرود بشهرری که منشأ ومولد این قائل است» .

شهر ری در دوران طغرل اول وبرکیارق دارالملك بوده است وبرطبق‌نوشته‌طبری به‌ثبت مجمع‌البیان[۳۵] درزمان‌سلجوقیان‌شیخ‌عبدالجبار بن عبدالله‌بن علی‌المقری رازی درمدرسه خود بچهارصد شاگرد درس میگفتند و بدیهی است مدرسه‌ای که چهارصد نفر شاگرد میداشته کتابخانه آن‌چداندازه عظیم وقابل توجه بوده است ، **آرتور پوپ** شهرری را در دوران سلجوقیان پایتخت فرهنگ جهان نامیده است[۳۶] .

**۳۶ – کتابخانه مدرسه بزرگ تاج‌الدین احمدکیکی :** این‌مدرسه درمحله کلاهدوزان ری بود ، وبنای آنرا **مبارك** شرفی کرده بوده است وبنا بنوشته عبدالجلیل قزوینی درسال ۵۵۶ – نود سال ازتاریخ بنای آن میگذشته وهفته‌ای دوبار درآنجا محضر درس علوم وموضع مناظره ونزول مصلحان بوده است .

**۳۷ – کتابخانه مدرسه شمس‌الاسلام حسکاْبابویه :** بنیان‌گذار این مدرسه سید محمد امام‌کیکی بوده است واو ازرجال بزرگ شیعی است وحسکا بابویه ازپیران وبزرگان شیعیان می‌بود . وشمس‌الاسلام دراین مدرسه

محضر درس داشته است .

۳۸ – **کتابخانه مدرسه کیکی** : مدرسه کیکی درمیان دو مدرسه حکا بابویه وتاج‌الدین احمد قرار داشته است .

۳۹ – **کتابخانه مدرسه سید زاهد ابوالفتوح رازی** : این‌مدرسه از مدارس معتبر ومعروف ری بوده است .

٤۰ – **کتابخانه مدرسه فقیه علی جاستی** : جای این مدرسه در ری به محله (کوی اصفهانیان) می‌بود وآنرا **خواجه میرك بنا** کرده بوده‌است درهنگامیکه سرهنگ ساوتکین بنای مسجد جامع جدیدی را میکرده‌است .

٤۱ – **کتابخانه مدرسه مفید** : خواجه عبدالجواد مفید بنای مدرسه وکتابخانه ای در ری کرد که در مدرسه او بطوریکه عبدالجلیل قزوینی نوشته است[۳۷] چهارصدنفر فقیه ومتعلم ومتکلم که از بلاد عالم آمده بودند درس میخوانده‌اند ، این مدرسه را مفید در زمان سلطنت برکیارق ساخته بوده است .

٤۲ – **کتابخانه مدرسه کوی فیروزه** : ازمدارس بنام شهر ری بوده‌است .

٤۳ – **کتابخانه خانقاه اقبالی** : خانقاه ومدرسه امیراقبالی که از شیعیان بنام ری بود درعهد کریم غیاثی بنیان یافته بود .

٤٤ – **کتابخانه خانقاه علی عصار** : این خانقاه کتابخانه معتبری داشته است .

٤٥ – **کتابخانه مدرسه رشیدرازی** : مدرسه خواجه امام رشیدرازی در دروازه جاروبندان ری واقع بوده وبنوشته صاحب‌النقض درآن زیاده **ازدویست نفر دانشمند معتبر** درس خوانده‌اند که همه علامه روزگارشده‌اند واین مدرسه ازآنجهت شهرت ومعروفیت یافته است ، این مدرسه وکتابخانه آن درعهد سلطان محمد سلجوقی بنا شده بوده در سال ٥٥٦ هـ . ق . معمور ومسکون بوده است .

٤٦ – **کتابخانه مدرسه شیخ حیدر** : مدرسه شیخ حیدر ازمدارس قدیمه ری بوده ونزدیك محله مصلی‌گاه جای داشته است .

٤۷ – **کتابخانه مدرسه ناصرالدین** : بنای مدرسه را خواجه اسمعیل ملقب بناصرالدین در دوران پادشاهی محمد سلجوقی که خراب شده بوده است باردیگر تعمیر ومعمور ساخته است بنابراین این مدرسه یکی ازمدارس بسیار قدیمی شهرری بوده است .

٤۸ – **کتابخانه خواجه ابوالفضل عراقی وکمال‌ثابت** : عبدالجلیل قزوینی مینویسد[۳۸] : «ازجوامعی‌که ابوالفضل عراقی کرده است ، بیرون شهر وآنچه بهاءالدین‌کمال ثابت کرده است در میان شهر ، از مقصوره‌های

با زینت ومنبرهای با تکلف ومناره‌های رضیع وکرسی علماء ونوبت عقود ومجالس و کتب‌خانه‌های مملو از کتب طوائف و مدرسه های معروف چون:

۴۹ – مدرسه سعد .

۵۰ – مدرسه اثیر الملك .

۵۱ – مدرسه سید عز الدین مرتضی .

۵۲ – مدرسه سیدامام‌زین‌الدین‌شرف شاه‌حسینی که‌قاضی‌وحاکم‌است ومدرسه مشهدستی فاطمه بنت موسی بن جعفر با اوقاف مدرسه وفقها .

۵۳ – مدرسه ظهیر الدین عبدالعزیز .

۵۴ – مدرسه استاد ابوالحسن کمیج .

۵۵ – مدرسه شمس‌الدین مرتضی کبیر .

۵٦ – **کتابخانه مدرسه عبدالجلیل رازی** : عبدالجلیل رازی مؤلف النقض که از دانشمندان ومحققان بنام شیعی است خود مدرسه‌ای در ری داشته که در آن درس نیز می‌گفته است او مینویسد «مرا درشهور سنه خمسین و خمسائه (۵۵۰) بروز آدینه بعداز نماز بمدرسه بزرگ خود نوبت بود»[۳۹] .

۵۷ – **کتابخانه مدرسه رضویه** : از مدارس نامی دوران سلجوقیان دروارمین بوده است[۴۰] .

۵۸ – **کتابخانه فتحیه دروارمین** : این کتابخانه منضم بمدرسه فتحیه بوده است[۴۱] .

۵۹ – **کتابخانه مدرسه صفویه** : این کتابخانه تاسال ۵۵٦ درکاشان دائر بوده است وبانی آن صفی‌الدین کاشانی بود .

٦۰ – **کتابخانه مجدیه** : کتابخانه مدرسه مجدیه تا هجوم مغول درکاشان معمور بوده است .

٦۱ – **کتابخانه مدرسه شرقیه کاشان** : از مدارس معتبر ومعروف دوران سلجوقی ومورد توجه شیعیان ایران بوده است .

٦۲ – **کتابخانه عزیزیه کاشان** : این‌کتابخانه منضم بمدرسه عزیزیه واز مراجع مهم شیعیان بوده است .

٦۳ – **کتابخانه مدرسه عزالملکی درآبه** : آبه وساوه از مراکزمهم شیعیان در قرن ششم بود ومدرسه عزالملکی شهرتی درایران داشت .

٦٤ – **کتابخانه مدرسه عرب‌شاهی درآبه** : این مدرسه نیز از جمله مدارس معروف شیعیان ایران می‌بود .

٦۵ – **کتابخانه هندوی قمی** : زین‌الملك ابوسعد هندوی قمی مدرسه قاضی محمد وزّان را در قم بنا کرد و جنب مدرسه کتابخانه‌ای نیز

فراهم آورد که بنام او شهرت گرفت .

**٦٦ – کتابخانه مدرسه قزل ارسلان درهمدان** : بنوشته راوندی سلطان قزل ارسلان ومادرش در همدان مدرسه عالی ساختند و خواجه امام صفی‌الدین اصفهانی مدرّس آن بوده‌است[۴۲] .

**٦٧ – کتابخانه علی‌بن مطهر درمرو** : حجت‌الدین فرید خراسان ابوالحسن بیهقی مؤلف تاریخ بیهق ولباب‌الانساب وبسیاری کتب دیگر ، درکتاب لباب‌الانساب خود آورده است کـه در تحریر لباب‌الانساب که به دستور نقیب خراسان بتألیف آن پرداخته بود بمناسبت از میان رفتن کتابخانه‌های نیشابور بزحمت ومرارت می‌افتد . بیهقی می‌نویسد «دراین روزگار پرآشوب که‌کتابخانه درنیشابور نمانده وکسی نیست که نسبت‌خودرا بداند تاچه رسد به نسبت اولاد رسول تألیف این‌کتاب میسّرنبود» وسپس متذکراست که از کتابخانه دوتن دانشمند بنام درمرو توانسته‌است درتألیف اثرخود توفیق یابد یکی‌از این دوتن حسن‌بن محمدبن قطان طبیب مؤلف کتاب‌الدوحه وکتب نسب[۴۳] ودیگری‌شریف **ابوالحسن علی‌بن‌مطهر** بوده‌است. بنا به تصریح بیهقی کتابخانه مطهر از کتابخانه‌های معروف ومعتبر مرو بوده است .

**٦٨ – کتابخانه ابن‌شهر آشوب** : رشیدین‌الدین ابوجعفر محمدبن علی از اعاظم دانشمندان و علمای شیعی ایران است ، او از مردم مازندران واقامت‌گاهش ساری بود ، بسال ٥٨٨ درشهر حلب درگذشته است ، تألیفات متعدد دارد از جمله مناصب‌النواصب‌المحزون‌المکنون ، المثال فی‌الاثال ، او شعر نیز می‌سرود ودر علم اخبار ورجال وتفسیر ازمشاهیراست ، در ساری کتابخانه‌ای عظیم فراهم آورده بود وچون سلجوقیان منقرض شدند وخوارزمشاهیان بر شیعیان سخت میگرفتند درپایان عمر هجرت کرد وبه حلب رفت و درآنجا درگذشت . از سرنوشت کتابخانه او اطلاعی در دست نیست .

**٦٩ – کتابخانه بیهقی دربیهق** : فرید خراسان ابوالقاسم‌بن‌حسین بیهقی ، مؤلف آثاری گـرانقدر درانساب وتاریخ بیهق درمقدمه کتاب جوامع احکام‌النجوم به مآخذی که در تألیف خود بدانها مراجعه واستفاده کرده اشاره میکند واز فهرست این‌کتابها نفاست کتابخانه او مشهود است.

**٧٠ – کتابخانه شاذان قمی** : ابوالفضل شاذان قمی از بزرگان ودانشمندان‌شیعی است‌که بسال ٦١٨ درگذشته . او درمدینه کتابخانه‌بزرگی فراهم آوردکه مرجع دانشمندان‌شیعی بود ، شاذان تألیفات بسیار دارد که درمعجم‌البلدان وتاریخ بیهق فهرست آنها بدست داده شده است .

**۷۱ - کتابخانه طغرلتکین** : امیر اسفهسالار طغرل‌تکین ازامرای سلجوقی وامیرلرستان بوده‌است . نامش ابوسعید بُرسق‌بن‌بُرسبق واز امرای دولت سلطان محمودبن محمد ملکشاه سلجوقی است که در حدود لرستان وخوزستان فرمان میراند وحکومت ایشان را حکومت بُرسقیان میگویند . جد آنها برسق کبیر بوده است که سلطان سنجر سلجوقی با کمك او بـه خراسان دست یافت ودربرابر این خدمت حکومت لرستان و خوزستان براو تعلق گرفت . کتابهائی درکتابخانه‌های خصوصی هست که بیشتر در پشت برگ نخست آن درمیان ترنج دارالکتب اسفهسالار طغرل‌تکین ثبت است ومیرساند که این امیر کتابخانه نفیس داشته است .

**۷۲ - کتابخانه شجری‌درنیشابور** : مسعودبن‌ناصرالشجری‌درگذشته بسال ٤۷۷ درکنار مسجد عقیل نیشابور مدرسه‌ای بساخت وکتابخانه‌ای نیز درآنجا بنیاد نهاد که کتب آن از نفائس کتابهای زمان بوده است . شجری دربغداد هم کتابخانه‌ای تأسیس کرد .

**۷۳ - کتابخانه شجری‌بغداد** : چنانکه‌گفته‌شد بانی آن‌ناصرالشجری بسال ٤٥۷ بوده است .

**۷٤ - کتابخانه رباط خاتونی سلجوقی دربغداد** : این کتابخانه در قسمت غربی بغداد بوده و آنرا خاتون اخلاطی سلجوقی ساخته بود وسال بنیاد آنرا ٥۸۹ نوشته‌اند .

**۷٥ - کتابخانه ابونصر کندری** : عبدالملك ابونصر کندری وزیر با تدبیر سلطان طغرل وآلب‌ارسلان سلجوقی مقتول بسال ٤٥۷ - ابونصر این کتابخانه را در سال ٤٥٠ هـ. ق. دربغداد ساخت و کتب نفیس این کتابخانه بیشتر متعلق به کتابخانه **اردشیر وزیر** بوده است . اردشیر وزیر نیز از وزرای کاردان ایرانی است که اوهم کتابخانه‌ای مهم وعظیم فراهم آورده بود .

**یادآوری** : دردوران پس ازاسلام درایران ایجاد واحداث‌مدرسه‌ها وکتابخانه‌ها را در جوار وکنار مسجدها نباید از سنت‌های اسلامی دانست بلکه این سنت پسندیده و حمیده را ایرانیان از دوران هخامنشیان وچه بسا پیش ازآن داشته‌اند (سومری‌های ایرانی درکنارمعابد خود مدرسه‌میساختند درحدود ۳٥٠٠ ق . م) .

آنچه از دوران هخامنشیان بجا مانده نشان میدهد که ایرانیان در جوار وکنار آتشگاهها دبستان و دبیرستان می‌ساختند‌اند تادرآنجا نوآموزان ودانش‌پژوهان بفرا گرفتن دانشها بپردازند ، **فردوسی توسی** که درسرودن شاهنامه به اسناد پهلوی دسترسی داشته است دراین باره میفرماید :

بهربرزنی در ، دبستان بُدی  همان جای آتش‌پرستان‌بدی

در دوران هخامنشیان کسانیکه دراینگونه دبیرستانها ودبستانها بمقام استادی وریاست و سرپرستی برگزیده می‌شدند برهمه دانشهای زمان خـــود چیره بودند وآنهارا **راتور** می‌نامیدند در **اوستا** نیز راتو بمعنی سرپرست دانشها آمده است .

در دوران ساسانیان این واژه بصورت «رات» درآمد و پس از هجوم اسکندر مقدونی بایران وآشنا شدن یونانیها با دانشهای ایرانی - راتور - را بصورت رتور بکار برده‌اند ، باید توجه داشت که این واژه اصالت ایرانی داشته وواژه‌ایست ازفرس قدیم ، همین واژه ، مارا به‌حقایقی راهنمائی میکند ونشان میدهد که ایرانیها از چند هزارسال قبل‌ازمیلاد مسیح (زمان پیدایش اوستا) دانشهای مدّون داشته‌اند وبرای دانشگاههای خودکه درآن به داوطلبان دانش میآموخته‌اند سرپرست انتخاب میکردند (استاد) وقطعی است درمکانیکه دانش میآموختند وسیله دانش اندوزی نیز که کتاب باشد در دسترس پژوهندگان وطالب علمان قرار میداده اند .

درزمان ساسانیان استاد را «پیره‌سر» میخوانده‌اند وباید گفت ایرانیها براساس سنت‌دیرینه‌ای که داشتند درجوار وکنار پرستشگاههای خود به احداث دانشگاه ودبستان دست می‌یازیده‌اند وپس ازاسلام نیز به به پیروی از همین روش وروال درکنارمسجدها به ایجاد وبنیاد مدرسه و کتابخانه پرداختند وچون مدرسه ودبستان ودانشگاه بدون‌کتاب وکتابخانه نمی‌توانست باشد ومفهوم ومعنائی نداشت بنابراین کتابخانه های عمومی ایران اکثراً درکنار مدرسه‌ها بود تا طلاب علوم بتوانند به آسانی بکتاب دسترسی داشته باشند وازدانش وعلوم بهره‌ور گردند .

۷۶ - **کتابخانه خاندان بلعمی** : خاندان‌بلعمی اکثرشان ازوزرای سامانیان بودند وبیشتر افراد این خانواده از دانشمندان ودانش‌پژوهان ایرانند ، آنان درخراسان کتابخانه عظیمی داشته‌اند که مورد استفاده و استفاضه اهل علم وادب قرار میگرفته‌است . (درباره خاندان بلعمی در صفحات آینده به تفصیل مطالبی داریم) .

۷۷ - **کتابخانه قزوینی دربغداد** : ابویوسف عبدالسلام‌بن‌محمدبن یوسف‌بن بندارقزوینی معتزلی درگذشته بسال ٤٨٩ . هـ . ق کتابخانه‌بزرگی دربغداد بنام خود تأسیس‌کرده بود[٤٤] .

۷۸ - **کتابخانه مارستانی** : ابوبکـــر عبدالله‌بن بکری مارستانی کتابخانه‌ای بنام دارالعلم دربغداد بنیاد نهاد وکتابهای ذی‌قیمتی برکتابخانه وقف کرد درگذشت مارستانی بسال ٥٩٩ . هـ . ق بوده‌است .

۷۹ - **کتابخانه نظامیه بغداد** : خواجه نظام‌الملك ، دانشگاه نظامیه بغداد را بسال ٤٥٩ بنیاد نهاد وکتابخانه بزرگی برای آن فراهم آورد که

نوشته‌اند نزدیك به هفت هزارمجلد کتاب مخطوط داشته است .

**۸۰ - ۸۱ : کتابخانه‌های نظامیه - نیشابور - اصفهان** : ابن‌اثیر درکامل‌التواریخ درباره کتابخانه نظامیه بغداد شرحی مستوفی دارد . وبنا برنوشته او چون دانشگاه نظامیه نیشابور واصفهان براساس دانشگاه نظامیه بغداد تأسیس یافته بوده‌است مسلم است‌که این دودانشگاه نیزکتابخانه های معظمی داشته‌اند . دردانشگاه نظامیه نیشابور سالی چند شیخ‌الاسلام ابوحامد محمد غزالی درس میگفته است .

**۸۲ - کتابخانه شیخ‌الاسلام ابوحامد محمد غزالی** . امام فخرالدین رازی متوفی ۶۰۶ هـ . ق درکتاب مناظرات خود از صومعه غزالی یاد میکند ومینویسد که خود بدان صومعه رفته ودر آنجا کتاب المستصفی تألیف غزالی را مطالعه کرده وضمناً یادآور گردیده که درخانقاه غزالی گروهی‌ازدانشمندان وعارفان بمطالعه آثارغزالی ودیگرکتابهامیپرداخته‌اند. واین اشاره میرساند که امام ابوحامد محمد غزالی درخانقاه‌خودکتابخانه‌ای بنیاد وبرای استفاده عموم وقف عام کرده بوده است واین نظر را سند دیگری هم تأکید میکند و این سند ارزنده یك عدد قلمدان فلزی است‌که دراطراف آن باخطوط نقره‌کوب‌چنین‌نوشته‌اند «لخزانه مولاناالامام‌الربانی الاعظم والصدرالمعظم مفتی‌الفرق لسان‌الحق ، علامة‌العالم سلطان‌العلماء کنزالحقایق افضل‌المتأخرین محمدالغزالی» .

چنانکه میدانیم در زبان عرب خزانه بمعنی کتابخانه مصطلح اهل علم بوده است . کتابخانه خانقاه امام محمد غزالی درشهر توس بوده است . دراینجا بجاست نکته‌ای را درباره امام محمد غزالی وبرادرش احمد غزالی یادآور شود .

نسبت شیخ‌الاسلام ابوحامد محمد را چنانکه دراینجا آورده‌ایم باید با تخفیف (ز) خواند ونوشت ومؤید این نظر اسنادی است که ارائه میشود.

محمد واحمد برادرش را از آنجهت غزالی خوانده‌اندکه منسوبند به آبادی **غزاله** واین آبادی یکی از دیه‌های **تابران** نزدیك **سناآباد توس** بوده است .

پیش از اینکه این دوبرادر بوجود آیند ونام‌آور شوند دانشمندان وشعرای بنام دیگری منسوب به غزاله بوده‌اند وبه همین مناسبت تخلص و نسبتشان غزالی شده وبآن شهرت ومعروفیت یافته‌اند ازجمله محدث وفقیه بزرگ خراسان شیخ‌الاسلام ابوحامد محمد غزالی توسی‌اول‌معروف‌به‌غزالی کبیرکه سالها قبل ازتولد شیخ‌الاسلام ابوحامد محمد غزالی صاحب‌کتابهای المنقذمن ضلال وکیمیای سعادت وده‌ها اثر دیگر می‌زیسته ومورد توجه واحترام عامه مردم خراسان‌بوده . ومزارش درتوس‌بنوشته سبکی درطبقات

الشافعیه مطاف اهل حق بوده و محمد واحمد غزالی پیوسته بزیارت مرقد شریف ایشان میرفته وهمت‌می‌طلبیده‌اند[45] چون غزالی کبیر از مردم تابران توس بود بغزالـی شهرت یافته بود وبهمین سابقه شیخ‌الاسلام ابوحامد وبرادرش احمد نیز که از مردم غزاله بوده‌اند بغزالی مشتهر گشته و اینك موارد دیگری نیز درتأئید این نظر ارائه میدهیم .

**الف** – **غزالی مروزی توسی** که غزالی توسی تخلص داشته وعوفی هم درلباب‌الالباب[46] ازاو شرح حال بدست میدهد وتخلص او نیزبهترین دلیل برصحت این نظراست که غزالی با تخفیف (ز) صحیح است نه با تشدید آن . میگوید :

اندرغم تو غزالی عاشق　　حقا که زجانت دوستردارد.

**ب** – **محمود طاهر غزالی** معروف به نظام مُدرس مدرسه جلالی ومؤلف رساله معرفةالمذاهب .

**ج** – **غزالی بلخی** که از نواده‌های اما محمد غزالی مورد بحث بوده ونامش برهان‌الدین‌میراسلام است ودرقصیده سُرائی ازشعرای تواناست واز مدح‌کنندگان پادشاهان هزاراسبی دربلخ بوده‌است وتخلصش غزالی بلخی است واین بهترین وقاطع‌ترین سنداست براینکه غزالی منسوب به غزاله است وبا تخفیف (ز) زیرا نواده غزالی خودرا منسوب به غزاله دانسته ونام وشهرت جدش را نیز با تخفیف (ز) میدانسته است .

**د** – **غزالی تبریزی** ازمردم غزاله وساکن درتبریز بوده وازشعرای دوران صفوی است این غزالی بسیار زشت‌روی بوده و اورا میمون‌الشعراء میخوانده‌اند .

**ه** – **غزالی چنبك مشهدی** او جز غزالی مشهدی قرن دهم است درهرات می‌زیسته وغزل نیکو می‌سروده .

**و** – **غزالی سمرقندی** که از غزل‌سرایان معروف ماوراءالنهراست.

**ز** – **شیخ محی‌الدین غزالی توسی** که ازعارفان بنام قرن هشتم بوده ودر ۸۳۰ درحلب درگذشته است .

**ح** – **غزالی مشهدی** شاعر قرن دهم که بهندوستان رفت وبمقام ملك‌الشعرائی رسید و مثنوی نقش بدیع اوشهرت ومعروفیت دارد .

**ابن خلکان** درباره **غزاله** مینویسد : وقیل‌الزای مخففه نسبة الی غزاله قریةٌ من‌قری توس – سمعانی‌درانساب وشیخ‌بهائی درکشکول تصریح باین امر دارند وبنا براین جای شك نیست که غزالی‌ها بمناسبت نسبت به غزاله نامشان با تخفیف (ز) صحیح است ومستعرب ها روی عرب‌مآبی اصرار دارند که غزالی را با (ز) مشدد بخوانند وبنامند وبرای آن معانی واهی و دورازذهن بتراشند .

«آرامگاه رودکی واقع درپنج رودك» این سخنور نامور برای کاخ پرشکوه فرهنگ وادب فارسی چنان پایه‌ای استوار افکندکه فتنه‌های زمان وحوادث دوران طی دوازده قرن نتوانست بر آن کمترین خللی آورد .

**۸۳ – کتابخانه مدرسه سعدیه (یا سعیدیه) نیشابور :** این‌کتابخانه ومدرسه آن ازبناهای حکمران نیشابور ابونصربن سبکتکین برادر سلطان محمود غزنوی بوده‌است .

**۸٤ – کتابخانه ابوسعید نیشابور :** ابوسعید اسمعیل‌بن‌علی‌بن منشی استرآبادی عارف وواعظ شهیر مدرسه وکتابخانه بزرگی درنیشابور بنیاد نهاده بود .

**۸۵ – کتابخانه اسفراینی‌نیشابور :** این‌کتابخانه ازمستحدثات ابواسحق اسفراینی بوده است .

**۸٦ – کتابخانه مدرسه بیهقیه نیشابور :** سالها قبل از اینکه مدرسه نظامیه درنیشابور ساخته شود این مدرسه وکتابخانه آن وجود داشته ومرجع‌دانشمندان ومحققان‌بوده متأسفانه نام‌ونشانی‌بانی‌آنرا نتوانستم‌بشناسم.

## کتابخانه‌های دیگر نیشابور درقرن چهارم هجری

۸۷ – کتابخانه مدرسه مشطی ۸۸ – کتابخانه مدرسه سووی ۸۹ – کتابخانه مدرسه ابوعلی دقاق ۹۰ – کتابخانه مدرسه شحّامی ۹۱ – کتابخانه مدرسه قشیریه ۹۲ – کتابخانه سلطانیه ۹۳ – کتابخانه مدرسه ابونصربن
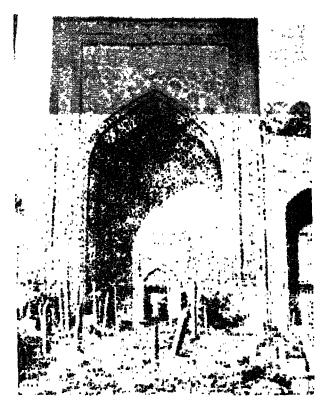
آرامگاه خواجه عبدالله انصاری درهرات - کتابخانهٔ مزار پیر هری معروفیت وشهرت بسیار داشت

ابی‌الخیر ۹٤ - کتابخانه مدرسه سرهنگ ۹٥ - کتابخانه مدرسه سمعانی نیشابور ۹٦ - کتابخانه خانقاه صدوقی ۹۷ - کتابخانه خانقاه طرسوسی ۹۸ - کتابخانه خانقاه ابوالفضل‌العمید درنیشابور ۹۹ - کتابخانه خانقاه محمود در محله مسیب ۱۰۰ - کتابخانه خانقاه سلمی[٤۷] .

**۱۰۱ - کتابخانه تورانشاهی کرمان :** تورانشاه ازپادشاهان‌سلجوقی آل‌قاورود کرمانست که از ٤۷۷ - ٤۹۷ درکرمان پادشاهی و سلطنت میکرده او ممدوح حکیم مختاری غزنوی است وازجمله پادشاهان‌شعردوست ودانش‌پرور سلجوقیان کرمان است درکرمان مدرسه بزرگی بناکرد که بنام **مدرسه ملك** نام‌آور بوده‌است ودرتاریخ کرمان ازاین مدرسه وکتابخانه یاد شده است[٤۸] وشماره کتابهای کتابخانه **ملك کرمان را پنجهزار مجلد ثبت کرده‌اند .**

**۱۰۲ – کتابخانه مدرسه امامزاده درشوشتر** : ساختمان‌بنای‌امامزاده عبدالله شوشتر بسال ۶۲۹ هـ . ق . بوده‌است ودر جوار آن بنای کتابخانه ومدرسه ومیهمانسرای بزرگی نیزوجود داشته‌است ، این امامزاده وکتابخانه آن بر روی تلی در جنوب شهر شوشتر قرار یافته بود وهم‌اکنون از بنای امامزاده ساختمان نیمه‌ویرانی بجای مانده است .

**۱۰۳ – مدرسه وکتابخانه دومنار گلشن** : این مدرسه وکتابخانه آن از یادگارهای دوران فرمانروائی سلجوقیان درخراسان بوده است .

دراینجا یادآوری نکته‌ای بجا وبمورد است و آن اینکه : گرچه دوران نسبةً طولانی فرمانروائی سلجوقیان درایران موجبات ترقی وتعالی هنر وادب را فراهم آورده بود لیکن درپایان کار دولت ایشان بعلت‌تجزیه وتفرقه‌ای‌که میان امرا وامنای دولت درکشور پهناور ایران پدید آمد وموجب تاخت‌وتازهای پی‌درپی گـــردید سکون وآرامشی‌که نزدیك به صدوپنجاه سال درسراسر ایران فرمان میراند وموجب بوجود آوردن آثار بسیاری درادب وفرهنگ وهنرایران بود دستخوش‌اختلال وتلاشی وبحران گشت ودانشمندان دراثر این عوامل دچارعسرت وپریشانی شدند وخزائن کتابخانه‌ها بتاراج وغارت رفت وصدمات ولطمات جبران ناپذیری بر سازمانهای فرهنگی وطبقه منورالفکر ایران وارد آمد .

دراثر آرامش و سکون وامنیتی که بدان اشارت رفت طی یکقرن در رشته های مختلف علوم عقلی ونقلی وکلامی وهنرهای زیبا ومعماری آثار گرانقدر ونادرالوجودی‌بوجود آمد ومیتوان این زمان را یکی از دورانهای پرشکوه واعتلاء واوج هنروادب وفرهنگ ایران دانست ودراین زمینه میتوان بگفته عبدالجلیل قزوینی مؤلف دانشور النقض استناد جست وآنرا درباره چگونگی نشر معارف وفرهنگ معیاری گرفت . عبدالجلیل قزوینی درباره فراوانی وتعدد تألیفات کتب شیعی درزمان خودش درپاسخ مدعی چنین نوشته است : «آنکه گفته است رافضیان را درس فقه وشریعت نباشد وخود به اجتهاد مجتهدان درآورد . وقیاس واخبار صحیح بگویند» پاسخ میدهد که «امّا جواب این کلمات آنست که چگونه درس فقه و شریعت نباشد ؟ جماعتی‌راکه **کتب‌خانه‌های ایشان مملّو باشد** ازکتب اصولی وفروعی که تعدید وتحصیر آن متعذر باشد ودراسامی رجال از منصفان ورواة ایشان مجلدی مفرد باید[۴۹]» .

راوندی درراحةالصدور درباره نهب وغارت وویرانی‌کتابخانه‌ها وپریشانی معاش دانشمندان واهل علم درپایان‌کار دولت سلجوقیان مطالبی داردکه توجه بآن دراین موقع ومقام بجا وبمورد است ، مینویسد :

«درشهور سنه ثمان وتسعین وخمس‌مأیه (۵۹۸) درجمله عراق کتب

**علمی واخبار وقرآن به ترازو می‌کشیدند ویك من به نیم دانگ میفروختند وقلم ظلم ومصادرات برعلماء ومدارس ومساجد نهادند وهم‌چون ازجهودان سرگزیت ستانند در مدارس از علماء زر میخواستند، لاجرم سرنگون شد** «یعنی دولت سلجوقی[۵۰] .» ودر غارت کتابخانه‌های فارس بدست سواران ولشکریان اتابك پهلوان وکسان او مینویسد:

«. . . شنیدم که درمیان نهب‌ها وآنچ ازغارت پارس آورده بودند جامه خوابی باصفهان ازباربرگرفتند کودکی دوسه ماهه مرده ازمیان جامه خواب بدر افتـاد وهمچنین دیدم که مصاحف وکتب وقفی که ازمدارس ودارالکتب‌ها غارت کرده بودند درهمدان به نقاشان میفرستادند وذکر وقف محو میکردند ونام والقاب آن ظالمان برآن نقش میزدند وبه یکدیگر تحفه می‌ساختند[۵۱] .»

**۱۰۴ – کتابخانه مسعودبیك بخارا :** کتابخانه مسعود بیك دربخارا تا قبل ازحمله چنگیز یکی ازکتابخانه‌های عمومی ومعتبر بخارا بوده است که مغولان پس ازتصرف بخارا آنرا ویران وبا خاك یکسان ساختند[۵۲] .

**۱۰۵ – کتابخانه خجندیان دراصفهان :** نویسنده تاریخ‌یمینی‌متذکر است که «پس ازواقعه غزان درنیشابور وویرانی مدرسه‌ها ومسجدها تفسیر معروفی راکه وسیله خلف‌بن احمد سیستانی فراهم آمده بود ودرکتابخانه صابونی نیشابور ازآن نگاهداری می‌شد به همت مردان دانش‌دوست ازآنجا خارج گردید ودراصفهان بکتابخانه خجندیان انتقال یافت» .

خجندیان که خانواده اهل فضل‌ودانش‌بودند اززعمای شافعیه ایران بشمارند ، نخستین کس‌ازخجندیان که شهرت ومعروفیت یافت ابوبکرمحمدبن ثابت خجندی است که درشهر مرو بمنبر میرفت ومجلس میگفت ، خواجه نظام‌الملك به مجلس وعظ او میرفت واورا معزز ومکرم میداشت وپس‌از اینکه مدرسه نظامیه اصفهان بنیاد یافت ، خواجه نظام‌الملك ابوبکر ثابت خجندی را برای تدریس درنظامیه اصفهان فراخواند وازآن زمان خاندان خجندیان دراصفهان سکونت گزیدند. افراد این خاندان یکی پس‌ازدیگری سالیان دراز مصدر مشاغل مهم بوده‌اند[۵۳] اکثر افرادخجندیان اهل تقوی وفضیلت‌بودند وچنانکه ازاشاره تاریخ یمینی‌برمیآید درشهر اصفهان کتابخانه عمومی برای استفاده طالب علمان فراهم آورده بودند که بدیهی‌است بیشتر کتابهای آن کتابخانه مربوط به مذهب شافعی بوده‌است. .

**۱۰۶ – کتابخانه شافعیان ساوه :** شهرساوه مانند اصفهان ازمراکز علمی ومذهبی شافعیان بوده‌است وسالیان دراز این مرکزیت محفوظ مانده بود وبه همین مناسبت دانشمندان بزرگ وبرجسته‌ای درعلم‌کلام وحدیث ازساوه برخاسته‌اند .

نمای آرامگاه خواجه نظام‌الملك وچند تن ازپادشاهان سلجوقی دراصفهان – کسانیکه دراین آرامگاه آرمیده‌اند هریك برای سربلندی وافتخار ایران رنجها برده و با بنیاد کتابخانه‌ها گنجها فراهم آوردند ، روانشان شاد و نام نامیشان تا ابد بریاد باد

شهرساوه دارای مسجدجامع ومدرسه‌ای‌بزرگ ونام‌آوربود ومدرسه ومسجد وکتابخانه معظم وکم‌نظیرآن نیزشهرت ومعروفیت بسزا داشت .

پس‌ازحمله مغول وتصرف ساوه بدست سپاهیان تاتار مدرسه ومسجد ساوه ویران‌گردید وکتابهای نفیس‌کتابخانه آن دستخوش آتش‌گشت هنوز بقایای مسجد جامع ساوه برپاست و ازمجد و عظمت و شکوه گذشته آن حکایت میکند[٥٤] .

**کتابخانه‌های بزرگ شهر مرو**

از قرن سوم هجری تا هجوم چنگیزخان بایران[٥٥] شهرهای **بخارا**، **مرو** ، **بلخ** ، **نیشابور** ، **غزنه** ، مرکزیت علمی داشتند ودرهریك ازاین شهرها مدرسه‌هاودانشگاهها وکتابخانه‌های‌بزرگ وباعظمت برای‌پرورش دانشمندان ومحققان وطالب علمان وجود داشت ودوستداران ادب وفرهنگ ازدورترین نقاط ایران وکشورهای مجاور باین شهرها روی میآوردند و به تکمیل تحصیلات ودانش خود می‌پرداختند وازمحضردانشمندان بنام این دوران‌که درمدرسه‌های متعدد بتدریس اشتغال داشتند ودرحقیقت دانشکده‌های علوم معقول ومنقول وعقلی ونقلی بودند **برایگان** استفاده میکردند وبرخوردار می‌شدند .

چنانکه گفته شد مدرسه‌های قدیم بیشتر درجوار وکنار مسجدها بنا شده بودند وازطرف واقفان وبنیان‌گذاران برای اداره امورآن دهات ومستغلات ومزارع بسیار موقوفه داشتندکه ازمحل درآمد آنها هزینه نگاهداری اینگونه مدارس وکتابخانه‌ها وحتی هزینه زندگی دانشجویان نیز تأمین میگردید .

متأسفانه فهرست مدرسه‌های ایران مانندکتابخانه‌های آن دراثری بطورکامل وجامع ثبت ومنعکس‌نیست وگوئی‌نویسندگان گذشته چون تذکر آنرا مهم نمیدانستند متذکرآنها نشده‌اند. لیکن ازمطالبی‌که بطورجسته وگریخته دربعضی ازمتون تاریخی وادبی آمده‌است میتوان بچگونگی اداره ونقش برجسته اینگونه مدرسه‌ها وکتابخانه‌ها درترقی سطح فرهنگ عامه وبوجود آوردن آثارگرانبهای ادبی وعلمی پی‌برد . درصفحات گذشته ازشهر نیشابور شش‌کتابخانه برشمردیم درحالیکه نوشته‌اند شهرنیشابور ۱۳ کتابخانه معروف ومعتبرداشته است ! متأسفانه نویسنده نتوانست به نام ونشان بیش‌از شش‌کتابخانه آن دست یابد وآنهارا بازشناسد. با همین معیار ومقیاس میتوان دریافت‌که شماره وتعدادکتابخانه‌های شهرهای مهم ومعتبر ایران چند برابر آن بوده است‌که ما توانسته‌ایم با تفحص وتصفح وتجسس وتحقیق به نام ونشانشان آگاه شویم وآنهارا برشماریم .

درمیان شهرهای یاد شده ، مرو وبخارا بیش‌ازشهرهای دیگر آباد بوده‌اند ومرکزیت علمی داشته‌اند .

**یاقوت حموی درمعجم‌البلدان** از عظمت و بزرگی شهر مرو یاد میکند وچندکتابخانه معروف ومشتهر آنراکه خود دیده وبه‌آنها مراجعه کرده بوده‌است نام می‌برد .

شمس‌الدین محمد قیس‌رازی مؤلف‌المعجم فی‌معاییر اشعارالمعجم‌که گاه دربخارا وزمانی درمرو بسرمی‌برده وبا استفاده ازکتابخانه‌های این دو شهر بکار تألیف وتصنیف اشتغال داشته است او نیز چون یاقوت حموی درسال ۶۱۶ ﻫ . بعلت هجوم مغول ازماوراءالنهرگرفته وبه‌شهرری پناه آورده است[۵۶] . یاقوت حموی درمعجم‌البلدان ضمن تعریف وتوصیف شهر مرو ازکتابخانه‌های آن چنین تعریف میکند : **«متأسفم ازاینکه ازشهر مرو جدا شدم ، درمرو ده‌کتابخانه وجود داشت‌که مانند آنهارا ازلحاظ داشتن تعدادکتاب ونفاست وارزش درجهان ندیده‌ام»** .

یاقوت حموی سپس شرح میدهدکه چگونه ازکتابخانه‌ها کتاب بامانت میگرفته است واطلاع ازاین‌گزارش برای دانش‌پژوهان امروزموجب شگفتی است زیرا نشان میدهدکه درحدود هفتصد سال پیش‌ازاین ایرانیها با چه سعه صدر وعظمت فکرکتابخانه‌های بزرگ فراهم میآوردند ومهمتر
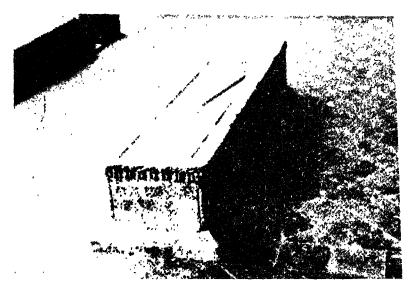
سنگ مزار خواجه امام نظام‌الملک دراصفهان بنیان‌گذار کتابخانه‌های نظامیه

آنکه کتابهای گرانبها ونادرالوجود وگرانقدر ونفیس را بدون هیچگونه قیدوبندی دراختیار ودسترس دانشمندان وطالب علمان حتی بیگانگان قرار میدادند !! یاقوت حموی می‌نویسد :

«امانت گرفتن کتاب از کتابخانه‌های دهگانه مرو بسیارسهل‌الحصول وآسان وبدون تشریفات بود . کتابهای آنها دردسترس عموم قرار داشتند من ، همه‌وقت درخانه‌ام درحدود دویست‌جلد از کتابهای این کتابخانه هارا درامانت داشتم وبیشتر کتابهائیکه برای مطالعه میخواستم بدون سپردن وجه‌الضمان ویا دادن گروی دراختیارم میگذاشتند .

من ، ازوجود این کتابخانه‌ها بسیار خوشنود وشادمان بودم تاحدی که وطن مألوف واهل واولاد را ازیاد برده وآنهارا بفراموشی سپرده بودم . از کتابهای این کتابخانه‌ها استفاده‌های بسیار بردم وباید بگویم بیشتر اطلاعات ودانستنی‌هائیکه درکتاب معجم‌البلدان ودیگر تألیفاتم آورده‌ام ازپرتومطالعه واستنساخ کتابهای این کتابخانه بوده است وبه یقین اگر تاتار (مغول) به مرو نزدیک نمی‌شد هرگز ازمرو بیرون نمی‌شدم ، من درسال ٦١٦ ﻫ . ازشهر مرو مفارقت جستم .»

با تصریحی که یاقوت حموی کرده است درمی‌یابیم که تألیف کتابهای

معجم‌البلدان درهشت‌مجلد - معجم‌الادباء درپنج‌مجلد - معجم‌الشعراء دریك مجلد - المبدأ والمآل - کتاب‌الدول - مجموع کلام ابی علی‌الفارس کتاب المقتضب فی‌النسب - اخبارالمتنبی ، مرهون ومدیون‌استفاده از کتابخانه‌های مرو بوده است‌که گنجینه‌های نفیس ازکتابهای بی‌نظیر ومنحصر بفرد را دراختیار داشته‌اند .

اینك با مقدمه‌ای‌که درباره‌کتابخانه‌های مرو آوردیم بمعرفی آنها به نقل ازگفته‌های یاقوت حموی می‌پردازیم :

**۱۰۷ - کتابخانه عزیزیه مرو** : این کتابخانه درجوارمسجد جامع مرو قرار داشته است‌که آنرا عزیزالدین ابوبکرزنجانی شرابدار سلطان سنجر سلجوقی ساخته ووقف عام‌کرده بوده است . عزیزالدین ابوبکرزنجانی در بازار مرو میوه‌فروشی میکرده وسپس بمقام ساقی‌گری سلطان سنجر رسیده وازدرایت وکفایتی‌که بمنصه ظهور رسانیده بسیار مورد تقرب سلطان سنجر قرارگرفته بوده‌است . وبهترین‌نشان ازلیاقت ودرایت او اینکه دست‌باحداث وایجادکتابخانه‌ای عمومی برای استفاده اهل علم ودانش زده بوده وبا این ابتکار ودوراندیشی نامش را نزد دانشمندان ودانش‌پژوهان تا بامروز مخلد ساخته است . بطوریکه یاقوت متذکراست **کتابخانه عزیزیه دوازده هزارجلد کتاب مخطوط داشته است .**

**۱۰۸ - کتابخانه کمالیه مرو** : این‌کتابخانه درجنب‌مسجدجامع‌مرو قرار داشته ویاقوت ازواقف ومؤسس آن اظهار بی‌اطلاعی‌کرده است .

**۱۰۹ - کتابخانه شرف‌الملك مرو** : ابی‌سعیدمحمدبن‌منصورشرف‌الملك مستوفی‌که درسال ٤٩٤ درگذشته بوده‌است ومذهب حنفی داشته این کتابخانه را ساخته ووقف عام‌کرده بود .

**۱۱۰ - کتابخانه نظام‌الملك مرو** : حسن‌ابن‌اسحق‌ملقب‌به‌نظام‌الملك درمدرسه خودکه بنامش معروف بودکتابخانه‌ای ایجادکرده بودکه بصورت کتابخانه عمومی اداره می‌شده‌است .

**۱۱۱ - کتابخانه عمیدیه مرو** : این کتابخانه را عمیدالملك ساخته بوده وآنرا وقف عام‌کرده بوده‌است واین‌کتابخانه نیزازکتابخانه‌های عمومی شهر مرو بشمار میرفته است .

**۱۱۲ - کتابخانه مجدالملك مرو** : بنوشته یاقوت حموی‌مجدالملك کتابخانه‌ای عمومی درمرو بنا نهاده بودکه مورد استفاده ومراجعه دانشمندان بوده ویکی‌ازکتابخانه‌های دهگانه ومشهور مرو بوده است .

**۱۱۳ - کتابخانه خاتونی مرو** : این‌کتابخانه درمدرسه‌خاتونیه‌مرو قرار داشته وبنیان‌گذار آن یکی‌ازبانوان خیّر ودانش‌پرورخاندان سلجوقی بوده است .

**۱۱۴ – کتابخانه ضمیریه مرو** : این کتابخانه به عارفان مروتعلق داشته ومحل آن خانقاه ضمیریه مرو بوده است .

**۱۱۵ – کتابخانه تاج‌الاسلام مرو** : خاندان سمعانی‌درفضیلت‌وتقوی ودانش وبینش درخراسان شهرت ومعروفیت بسزائی داشته‌اند.

چندتن ازافراد این خاندان ازمحققان ونویسندگان بنام ایرانند ازجمله معین‌الدین ابوبکر محمد امام منصوربن عبدالجبار سمعانی .

امام تاج‌الاسلام معین‌الدین ابوبکرسمعانی تألیفات بسیار داردکه ازجمله انساب وتاریخ مرو وتاریخ بغداد است . واین دانشمند را خواجه نظام‌الملك بردیگر دانشمندان عصر مقدم میداشته است . تاج‌الاسلام سمعانی درمروکتابخانه بزرگی فراهم آورده بودکه مورد استفاده اهل فضل نیز قرار میگرفته است . یاقوت نیز متذکرکتابخانهٔ سمعانی شده‌است .

**۱۱۶ – کتابخانه سمعانی مرو**[۵۷] : شیخ‌المحقق والمذکر المدقق ابوالقاسم عبدالله‌بن مظفربن سمعانی‌ازدودمان سمعانی ونوه معین‌الدین‌ابوبکر سمعانی است . او ازعارفان بنام اواخرقرن ششم واوائل قرن هفتم است . این عارف دانشمند ازجمله نویسندگان وشعرای چیره‌دست ایرانست .

شهاب‌الدین سمعانی راکتابی است بنام روح‌الارواح که‌گذشته از ارزش عرفانی یکی از آثار بدیع نظم ونثر فارسی قرن هفتم است[۵۸] .

شهاب‌الدین سمعانی درخانقاه خود درمروکتابخانه‌ای بزرگ برای استفاده طالب علمان بنیان نهاد که یاقوت حموی نیز متذکر آن است .

**۱۱۷ – کتابخانه ملك محمد سلجوقی** : بطوریکه در تاریخ بدایع-الزمان[۵۹] وتاریخ‌کرمان[۶۰] آمده‌است درجنب مسجد جوامع گواشیرکرمان کتابخانه‌ای وجود داشته است‌که بنیاد آن را به سلطان ملك محمد سلجوقی ازپادشاهان آل‌قاوردکرمان نسبت میدهند.

**۱۱۸ – کتابخانه مدرسه قطبیه کرمان** : ناصرالدین منشی کرمانی درکتاب عالیقدر خود سمط‌العلی للحضرةالعلیاکه درتاریخ فراختائیان‌کرمان است در شرح ایجاد مدرسه قطبیه کرمان که از مستحدثات قتلغ ترکان‌بوده است مینویسد: دانشمندان خراسان وماوراءالنهررا برای‌تدریس‌آن‌فراخواند ازجمله برهان‌الدین باخزری– سعیدبن ابی‌المعالی– تاج‌الدین وبرهان‌الدین بخاری‌که بشاهان‌کرمان‌نامبرداربودند[۶۱] مدرسه قطبیه کتابخانه‌ای‌داشته است که درکرمان ممتاز وشهیر بوده‌است .

**۱۱۹ – کتابخانه رستم‌بن علی‌درطبرستان** : تاریخ‌طبرستان‌مینویسد که رستم‌بن علی **کتابخانه‌ای عمومی** وقابل توجه برای شیعیان بنیاد نهادکه مرجع شیعیان عراق ومازندران وطبرستان بوده‌است .

قلمدان فلزی نقره کوب متعلق بکتابخانه امام محمد غزالی

۱۲۰ – کتابخانه مدرسه‌سلطان‌محمدسلجوقی در اصفهان: سلطانمحمد سلجوقی برای حنفیان اصفهان مدرسه‌ای ساخت وپس‌ازاینکه درگذشت اورا درهمان مدرسه بخاك سپردند. دراین مدرسه برای طلاب حنفی کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورده‌بودند. مدرسه وکتابخانه آن درمحله دارالبطیخ معروف است و حمد مستوفی نیز متذکر این مدرسه شده است[۶۲] هم‌اکنون این مدرسه معمور وبنام مدرسه حاج حسن دراصفهان شهرت دارد.

۱۲۱ – کتابخانه مدرسه نظامیه هرات: خواجه نظام‌الملك پس از فراغت ازتأسیس کتابخانه‌های نظامیه بغداد – نیشابور واصفهان – درشهر هرات نیزمدرسه نظامیه‌ای بساخت با همان مشخصات نظامیه‌های دیگر این دارالعلم نیزکتابخانه معروف ومعتبری داشته است.

۱۲۲ – کتابخانه خانقاه شیخ ابومسعود: شیخ ابومسعوداحمدبن فرات رازی ازبزرگان عرفای قرن سوم هجری است‌که دراصفهان رحل اقامت افکند وبایجاد خانقاهی برای ارشاد ورهنمائی مردم همت‌گماشت وپس‌ازاینکه‌درگذشت اورا درخانقاهش‌بخاك‌سپردندکه هم‌اکنون‌نیزمزارش برجاست[۶۳].

شرح حال اورا حافظ اصفهان ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی‌که ازخواص شاگردانش بوده است بدست داده وعیناً درکتاب خلد برین تألیف حاج شیخ احمد بیان اصفهانی آمده‌است[۶۴] کتابخانه خانقاه شیخ ابومسعود یکی ازنفیس‌ترین کتابخانه‌های ایران بوده است. دراواسط قرن نهم سلطان یعقوب آق‌قویونلو آرامگاه وبنای خانقاه شیخ را به زیباترین صورتی تجدید بناکرد وبرای آن طرح باغی بسیار مصفا افکند وکاشی‌کاریهای این خانقاه ازهنری‌ترین کاشی‌کاریهای اصفهان بوده وهست.

درسال ۱۲٦٤ مردی عرب بنام سید صدرالدین جبل عاملی باصفهان میآید وباملاك وکتابخانه وذخائر ونفایس خانقاه چشم طمع میدوزد وبرای

دست‌یافتن بآن گنجینه معرفت و اثاثه گرانبها دست‌باغوای عام میزند وغوغائی برمیانگیزد که نتیجه‌آن تاراج کتابخانه ونفایس خانقاه وانهدام آن بوده‌است. خلدبرین مینویسد: « . . . شرح املاك موقوفه شیخ‌ابومسعود و **ذخایر و کتب** واهمیت مزار او مفصل‌است ونگارنده را دراین‌خصوص حکایات واطلاعاتی است که فعلا از نگارش آن صرف‌نظر می‌نمایم»[٦٥] .

**۱۳۳ – کتابخانه بوطاهر خاتونی درساوه :** بوطاهرخاتونی ازاجله دانشمندان ونویسندگان نامی شیعی ایران‌است . بنوشته قزوینی درآثار البلاد و عبدالجلیل قزوینی درکتاب النقض[٦٦] او کتابخانه عظیم وبسیار غنی‌برای شیعیان ساوه بنیاد نهادکه مرجع شیعیان بوده است .

**۱۳٤ – کتابخانه مدرسه وردان روز یزد :** ازبناهای سلطان وردان روزبن عزالدین لنگر دریزد بوده‌است‌که بسال ٥٨٥ هـ . دربازار دلالان یزد ساخته بود – او درهمان مدرسه نیزمدفون‌گشت – این مدرسه نیز کتابخانه‌ای داشته است .

**۱۳٥ – کتابخانه مدرسه کیکاوس سام :** کیکاوس‌سام برادر سلطان وردان روزبود ودرسال ٥٩۰ هـ . درمحله دولت‌خانه سلطان‌ابراهیم مدرسه‌ای بساخت‌که شهرت‌گرفت واین مدرسه نیزکتابخانه‌ای داشت .

**۱۳٦ – کتابخانه مدرسه کیاشجاع :** کیاشجاع برادر کیا – نرسو ازامرای‌کالنجاری یزد بود ودرمحله سرریك جنب مدرسه‌ای‌که برادرش ساخته بود طرح مدرسه وکتابخانه‌ای عالی درحدود سال ٥٢۰ هـ . انداخت که ازمدرسه‌های بنام یزد بوده است .

**۱۳۷ – کتابخانه مدرسه دومناره یزد :** این مدرسه و کتابخانه آن ازمستحدثات سلطان علاءالدین کالنجار دریزد بوده‌که چون دومنار بزرگ داشته است بمدرسه دومنار شهرت یافته بود . مزار سلطان علاءالدین نیز دراندرون گنبد آن‌است . بنای این مدرسه را بسال ٥۱۳ هـ . نوشته‌اند[٦٧] .

**۱۳۸ – کتابخانه مدرسه سرریك :** این‌مدرسه‌وکتابخانه آن‌ازبناهای کیا – نرسو از امرای سلطان علاءالدین‌کالنجار است‌که مزار کیا – نرسو درآن قرار داشته است .

**۱۳۹ – کتابخانه مدرسه غیاثیه سرریك :** بانی آن امیر غیاث‌الدین علی بوده‌است‌که درزمان اتابك یوسف شاه علاءالدین حکومت یزد را داشته است وتاریخ بنای آن را ٦٢٤ هـ . ثبت‌کرده‌اند.

**۱۳۰ – کتابخانه مدرسه عبدالقادریه یزد :** عبدالقادربن محمدبن سدید ازآل تمیم بسال ٦۳٤ هـ . این مدرسه را درخارج ازحصار یزد بساخت که بنام او معروف‌گشت .

۱۳۱ - کتابخانه عطاخان : علاءالدین عطاخان نوه سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی پس از درگذشت پدرش سلطان محمود بن ملکشاه فرمانروای یزد شد ودرحوالی مدرسه دومنارمدرسه‌ای عالی بساخت ودرآن کتابخانه‌ای برای طلاب علم بنیاد نهاد این مدرسه به‌نام مدرسه‌عطاخان ویا «زندان‌شریعت» شهرت داشته است .

۱۳۲ - کتابخانه مدرسه ترکان : ترکان خاتون دختر عطاخان که حرم سلیمان شاه قاوردشاه سلجوقی ازپادشاهان آل‌قاورد کرمان بودمدرسه‌ای عالی درکرمان ساخت که کتابخانه‌ای نیز داشته وبنام مدرسه ترکان خاتون شهرت گرفت .

۱۳۳ - کتابخانه مدرسه فخریه یزد : این‌مدرسه نیز ازبناهای کیانسر درمحله سرریگ است که بسال ۵۲۰ بساخت وبنام مدرسه فخرجلادمعروف‌بود.

۱۳٤ - کتابخانه نصیرالدین ابوالمظفر آتسزخوارزمشاه : بطوریکه از مقدمه کتاب «الاغراض‌الطبیه والمباحث‌العلمیه»[68] تألیف زین‌الدین ابوالفضائل اسمعیل‌بن‌الحسن گرگانی متوفی ۵۲۵ مستفاد است نصیرالدین علاءالدوله ابوالمظفر آتسزخوارزمشاه دانشمندان ونویسندگان را به تألیف و تصنیف کتابها تحریص و تشویق میکرده است و این پادشاه فضل‌دوست کتابخانه‌ای فراهم‌آورده بوده‌که بیشترکتابهای‌آنرا نسخ منحصربفرد ویا بخط مصنفان و مؤلفان تشکیل میداده است و نسخه‌هائی ازکتابخانه اورا نویسنده دیده است .

۱۳۵ - کتابخانه‌سلطان‌غیاث‌الدین کیخسروسلجوقی (جلوس ٦٦٤هـ.) :
سلجوقیان روم را باید ازپاسداران سخن وزبان فارسی دانست‌که دربارشان پیوسته مجمع افاضل واکابر وعارفان ودانشمندان زمان بوده وبه همت‌ایشان سالها زبان وادب فارسی درحدود آسیای صغیرفرمان میرانده وزبان علمی وادبی آن خطه بوده است .

سلطان غیاث‌الدین کیخسروبن رکن‌الدین قلج ارسلان درسن شش سالگی پس‌ازپدرش بسلطنت رسید ومعین‌الدین پروانه‌که او نیز مردی مدبّر ودانش‌دوست بوده است حمایت وصیانت اورا برعهده‌گرفته ومسامرةالاخبار دراین باره مینویسد : «الحق معین‌الدین پروانه اورا تربیت نیکو داد ومثل قاضی نورالدین ینبوعی صاحب فضیلتی‌کامل وعدیم‌المثل را به‌تعلیم او نصب‌کرد تااورا از فنون کتاب بقدر امکان بهرمند گردانید»[69] .

مصاحبت واثر تربیت معین‌الدین پروانه‌که خود مردی وارسته وفضل‌دوست بود سبب شدکه غیاث‌الدین کیخسرو با اهل فضل وادب محشور وهم‌نشین‌گردد وفارسی‌زبانان نقاط دیگر ایران‌که ازبلوای مغول متواری بودند درگاهش را مأمن امن وپناهگاه امان یافته پروانه‌وار بگرد او
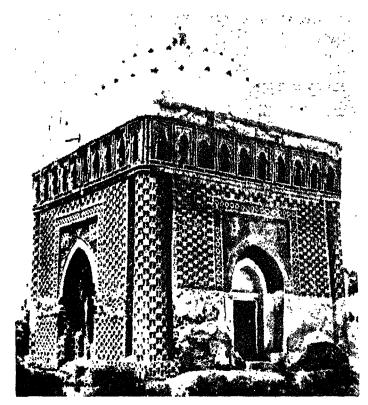
**آرامگاه امیر اسمعیل سامانی - کتابخانه دودمان سامانیان ازبزرگترین کتابخانه‌های ایران بود .**

ومعین‌الدین پروانه گرد آیند وقونیه یکی ازمراکز درخشان ادب وفرهنگ ایران گردد ودرجهان بدین عنوان آوازه یابد .

کریم آق سرائی دراثر ارزنده خود بنام مسامرة‌الاخبار که تاریخ سلجوقیان روم است وآنرا بسال ۷۲۳ ﻫ . تألیف کرده است این نکته را با شیوائی خاصی بدین‌صورت توصیف کرده است : «واصحاب طریقت وزمره اهل صفا و مشایخ سجاده معلا و اهل‌دلان بودند مثل شیخ سعید فرغانی وفخرالدین ابراهیم عراقی وحمید ودیگر شیوخ که درپرتو صفای باطن‌ایشان آفتاب لمعه‌ای‌بودی وازاطراف جهان‌بآوازهٔ شیخ‌الاسلام صدرالدین (قونوی) مجتمع شده بودند که این طایفه زراق که دراین زمان دم از تصوف‌میزنند درمقابله آن اکابرطریقت ، چون صخره صما بودی درموازنه لعل بدخشان ، اگر شمه‌ای‌از اهل‌تدریس‌وفضایل‌ایشان گرد آید بتطویل‌انجامد. علی‌الخصوص عاشق ربانی وجذبه سبحانی قطب‌الزمان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی راکه

**پشت جلد نخستین صفحه کتاب ابن بی‌بی که برای کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی تحریر یافته است**

درآن زمان قرین بود . چه شرح رود آوازه و دبدبه صیت سخنان او باقطار عالم شایع بوده ورضوان‌الله علیهم اجمعین واصحاب انشاء واهل فضل وقلم بودند مثل زین‌العابدین وحسام‌الدین وکمال‌الدین وصدرالدین واثیرالدین منجم که قلم مشکبار بربیاض کافورکردار کاغذ روان کردندی صد هزار نسخه گوهرازهررقمی بظهور پیوستی درهیچ عهدی دردیوان رسائل مثل آن افاضل واکابر دست ازآستین کتابت بیرون نکرده‌اند ونه بدان حسن عبارت صاحب قلمی درهیچ زمانی نکته‌ای درهیچ رسالتی رانده» .

وزرای غیاث‌الدین کیخسرو نیز همه اززمره اهل فضل بوده‌اند چنانکه صاحب مجدالدین محمد منصب اتابکی‌داشته وکریم آقسرائی درباره او می‌نویسد : «حضرت رفیع وسدهٔ منیعش جرم آفتاب بود که بازماندگان ظلمت حاجت را فیضان نور ازمطالع آن بود . وزیری بود درعلوم وافی ،

بدرجه مکانت صاحب‌عباد کافی، رسیده‌ای که درهر نکته که درحدیقه محاورت برحدقه سخن ایرادکردی ازغایت وعذوبت ولطافت هیچکس را از اهل فصاحت وبلاغت قدرت جواب آن نبودی ، صاحب فضیلتی بود ذوالکتابتین که دربسیط خافقین نظیر نداشت» .

ودرمورد توجه سلطان واعیان زمان به دانشمندان خاصه ازطرف معین‌الدین‌پروانه ونتایج حاصله‌ازآن‌مینویسد: «. . . باوجود رأی‌ملك‌آرای وهمی داشت فکرت پیمای . درفنون‌کتابت عبارت بلاغتی دلگشای مجالس ومجامع ایشان مشرف بحضور علما ومشایخ ومقر حکومت ایشان مزین‌بوجود اکابر وافاضل **کوکب‌کتاب** درپناه شرف ورفعت ایشان ازحضیض هبوط باوج مکانت رسیده ودرگلزار مآثر ایشان‌گل فضل چنان بشکفید که رخسارهٔ علم وادب برافروخت ، **آشناوبیگانه درحمایت جاه‌آن سروران‌یگانه میآمدند** وخودرا بر فتراك دولت ایشان می‌بستند»[۷۰] .

سلطان غیاث‌الدین‌کیخسرو ومعین‌الدین پروانه الحق حقی بزرگ درراه پاسداری وصیانت زبان وادب وآثار گرانبهای فرهنگ ایران بگردن فارسی‌زبانان جهان دارند. درفتنه وآشوب وقتل وعام مغولان زشت‌تر از غولان‌که صحنه ایران به ماتمکده‌ای جغدنشین وویرانه‌ای اندوهگین مبدل شده بود وتیغ بیداد خرمن هستی افراد را درو میکرد وشمشیرنهال بارور دانشمندان وسخنوران را ازبیخ وبن برمی‌کند و **کتابخانه‌های معمور محل عبور ستور بود** ، آن پادشاه ووزیر دانشور به جلب وجذب برگزیدگان ملت ایران برخاستند ومجلس ومحفل خودرا ازپرتو دانش وفروغ بینش آنان بیاراستند ودرنگاهبانی آثار آنان بجان بکوشیدند وهم امروز دراثر همان عنایت وتوجه وحمایت ودرایت ایشان است‌که درکتابخانه‌های ترکیه وایران ازآثار مخلد وجاودان آن دوران وقبل ازآن‌کتابهائی ارزنده ونفیس بیادگار مانده است .

کتابخانه سلطان غیاث‌الدین‌کیخسرو را درعظمت وگرانقدری باید یکی ازکتابخانه‌های کم‌نظیر ایران شمرد ، بیشتر آثار بی‌مانندی‌که امروز درکتابخانه‌های نور عثمانیه بجا مانده میراث ومرده ریك‌آن‌گنجینه عظیم است . برای نمونه عکس یکی ازکتابهائیکه برای‌کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو وتحریریافته بوده است دراینجاگراور می‌کنیم (تاریخ ابن‌بی‌بی) .

**۱۳۶ — کتابخانه طغرائی بغداد :** مؤیدالدین فخرالکتاب ابواسمعیل حسین‌بن‌علی منشی شهیر به طغرائی ، هم منشی بود وهم ازخطاطان طراز اول . اورا ازآنجهت طغرائی لقب داده‌اندکه با قلم نی بربالای بسم‌الله درهر کتابتی که میکرد باخط طغرا می‌نوشت: نعوت‌الملك الذی صدرالکتاب. او وزیرسلطان مسعودبن محمود سلجوقی بود وبه تهمت الحاد بسال ۵۱٤

دربغداد به قتل رسید . او به عربی قصیده‌ای سروده‌که بسیار فصیح وبلیغ است ودرآن ازپریشان‌حالی خود شکایت کرده ودرحقیقت بث‌الشکوی‌است وچون بقافیه لام است آنرا لامیةالعجم نام نهاده‌اند ونزدیك به ده شرح برآن نوشته‌اند .

این ایرانی دانشمند وسخنورکتابخانه‌ای دربغداد دائرکرد که بکتابخانه طغرائی شهرت داشته است .

**۱۳۷ – کتابخانه مدرسه شافعیان‌نیشابور** : مدرسه‌وکتابخانه‌شافعیان نیشابور یکی ازکهنسال‌ترین مدارس وکتابخانه‌های ایران است‌که مرکز طلاب علوم دینی وبخصوص شافعیان بود و **ابوعلی دقاق** ازعارفان بنام درآنجا مجلس میگفت . او همانجا مدفون شد وشاگردش استاد ابوالقاسم قشیری ملقب به : زین‌الاسلام امام علی‌الاطلاق خراسان درهمان مدرسه درس میگفت[۷۱] .

**۱۳۸ – کتابخانه رکنیه یزد** : درمدرسه رکنیه یزدکتابخانه‌ای‌برای استفاده عموم وجود داشته است[۷۲] .

**۱۳۹ –کتابخانه ربیبی درتبریز** : خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین هارون‌بن علی ظفردندان ، وزیر اتابك ازبك‌بن محمد ازاتابکان آذربایجان که باشاره سعدالدین وراوینی دراواسط قرن ششم هجری‌کتاب مرزبان‌نامه را اززبان طبری بفارسی ترجمه‌کرد ، کتابخانه‌ای بزرگ وغنی درتبریز بنیاد نهادکه تا فاجعه مغول وجود داشته است .

**۱٤۰ – کتابخانه مسجد عتیق اصفهان** : بطوریکه میدانیم مسجد عتیق اصفهان سابقه تاریخی‌کهنی دارد وپیش ازدوره اسلامی آتشگاه بوده وسپس‌مانند مسجد ایاصوفیه به مسجد مبدل شده ودرعهد دیلمی‌هاوسلجوقیان وایلکانیان ومظفری‌ها وحتی زمان اشرف افغان بارها تعمیر شده وبروسعت شبستان‌های آن افزوده‌گردیده تاجائیکه امروز بصورت یك مجموعه نفیس ازهنر معماری ایران ازدوران قبل‌ازاسلام تا عصرحاضر درآمده است چون این مسجد پیوسته مورد توجه ونظرپادشاهان ووزیران ایران بوده است . مدرسه‌ای نیزداشته‌که دارای کتابخانه‌ای بزرگ وقابل توجه ومورددمراجعه دانشمندان وطالبعلمان بوده‌است[۷۳] .

پیش ازاینکه معرفی‌کتابخانه‌های قرن ششم را بپایان برسانیم لازم است نکته‌ای را یادآورشود . وآن اینکه ازاواخر سدهٔ اول هجری لغایت سدهٔ ششم‌گروهی ازدانشمندان بخصوص علمای دینی برای تحقیق وتتبع وتألیف آثار خود نیاز به‌کتابهای مختلف داشته‌اند وبه همین علت وسبب کتابخانه‌های شخصی فراهم میآورده‌اند اگرچه ممکن است کتابهای این کتابخانه‌ها ازچند صد جلد تجاوز نمیکرده معذالك قابل توجه واهمیت بوده

واینك بطورنمونه چند تن ازایشان را معرفی می‌کنیم :

۱٤۱ – **کتابخانه سهل سرخسی** : فضل‌بن سهل سرخسی (ایرانی) وزیرمأمون عباسی بود ودرنجوم مهارتی فوق‌العاده داشت وبزبان وادب وفرهنگ فارسی دلبسته بود ومیگویندکه مأمون دختر اورا بنام ایراندخت به همسری گرفته بود . سهل پدرش ازبزرگان ایران وزرتشتی مذهب بود وخود او به خواهش مأمون اسلام آورده بود وبمناسبت دودمان برگزیده‌ای که داشت مورد احترام ایرانیان بود وچون ازشعائر ملی‌ایران حمایت‌میکرد مأمون ازنفوذ او سخت‌بیمناك شد وبطوریکه درتاریخ این دوره آمده است مأمون غالب‌السود را مأمور کرد تا اورا بدستیاری چندتن دیگر درگرمابه کشتند . (۲۰۳ ه .) فضل مردی دانشمند بود وکتابخانه‌ای ازکتب اوائل وکتابهای نجومی پهلوی فراهم آورده بود .

۱٤۲ – *ابن‌بابویه قمی* : معروف‌به‌شیخ‌صدوق ازبزرگترین محدثین وفقهای عالم تشیّع است . او مدتها دربغداد حوزه درس داشت ودرپایان عمر به ری آمد ومورد توجه واحترام رکن‌الدوله وصاحب‌بن عباد قرار گرفت وبرای او حوزه درس ترتیب دادند. او درمدرسه‌ای‌که برای تدریس داشت‌کتابخانه‌ای برای‌کتب شیعی فراهم آورد . تألیفات اورا درحدود سیصد جلد فهرست‌کرده‌اندکه مشهورتر ازهمه من‌لایحضره الفقیه است . وبایدگفت‌کتابهای او خود به‌تنهائی‌کتابخانه‌ای بوده است . او درحدود سال ۳۸۱ هجری درگذشت ودرهمان مدرسه مدفون شد وهم‌اکنون نیز مزارش مورد احترام شیعیان ایران است .

۱٤۳ – **کتابخانه مدرس شیخ ابوعلی فضل‌بن‌طبرسی** : طبرسی نیز ازدانشمندان وعلمای بزرگ شیعی است‌که درسبزوار حوزه درس داشت وکتابخانه‌ای معظم برای شیعیان سبزوار وخراسان فراهم آورده بود . طبرسی تألیفات بسیار دارد ازجمله مجمع‌البیان‌که ازتفسیرهای بی‌نظیراست. او در ۵۵۲ ه . درگذشت وجسدش را بمشهد مقدس بردند وآرامگاهش آنجاست .

۱٤٤ – **کتابخانه فخرالدوله دیلمی** : چنانکه‌گذشت‌شاهنشهان‌دیلمی که از ایرانیان اصیل و پرچمدار احیای سنت‌های دیرین ایران و یکی از پاسداران زبان وفرهنگ آن بودند ، هریك بسهم خود درحدود فرمانروائی خویش به نشر ادب وزبان فارسی‌کوشش ومجاهدتی چشمگیر داشته‌اند وکتابخانه‌هائیکه این دودمان ایراندوست بنیاد نهادند گنجینه‌هائی شایگان بوده است . فخرالدوله دیلمی‌که خود مردی دانشمند وسخن‌شناس وعالم بعلوم عصربود نویسندگان ودانشمندان را به تألیف وتصنیف‌کتابها مشوق‌بود وآثاری بسیار در ادب ودانش بنام او تألیف وتصنیف یافته است .

ترنج پشت نخستین صفحه کتاب ذخیره خوارزمشاهی که برای کتابخانه محمدبن پهلوان نوشته شده است

کتابخانه فخرالدوله دیلمی یکی از کتابخانه‌های عظیم وشهیرقرن چهارم هجری بوده‌است. عکس صحیفه‌ای از نسخه کتابی که بنام این‌شاهنشاه علم دوست تألیف یافته است از نظرخوانندگان ارجمند میگذرد (ص ٦١) .

**١٤٥ – کتابخانه خانقاه ابوسعید فضل‌الله‌بن ابی‌الخیر مهنه‌ای:** این عارف نامدار ایرانی ازمردم مهنه ازشهرهای خاوران بود . او ازشاگردان ابوالفضل محمدبن حسن سرخسی است وازپیروان عبدالرحمن سلمی عارف نامی خراسان وسرسلسله بسیاری ازعارفان ایرانست .

ابوسعید را باید یکی ازبنیان‌گذاران ترانه‌های عرفانی درایران دانست . خانقاه ابوسعید درمهنه مجمع گروه بیشماری ازشیفتگان ودلدادگان بعالم عرفان بود وابوسعید شاگردانش را برای رهبری اجتماع ومبارزه با فساد وتباهی تعلیم میداد .

خانقاه ابوسعید را میتوان یکی ازدانشگاههای اخلاقی وعرفانی قرن پنجم ایران دانست‌که مورد توجه صوفیان وعارفان ایران وجهان وحتی دانشمندان عصر وزمان امثال شیخ‌الرئیس علی‌بن‌سینا بوده است واز

اقصی نقاط ایران برای کسب بینش ودانش بآن روی میآورده‌اند.

ابوسعید ابی‌الخیر بسال ٤٤٠ هجری درگذشت ودرخانقاهش بخاك سپرده شد واینك مزار پر انوارش زیارتگاه عاشقان وصاحبدلان است .

**١٤٦ – کتابخانه خانقاه امام ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی :**
خواجه امام احمد غزالی برادرکهتر شیخ‌الاسلام ابوحامد غزالی است . امام احمد غزالی ازعارفان نامدار وصاحب مکتب است . تاآنجاکه سرانجام شیخ‌الاسلام محمد غزالی باوگروید وراهی راکه او بسوی حقیقت برگزیده بود انتخاب‌کرد .

امام احمد غزالی درنظم ونثر فارسی یکی ازاستادان مسلم است وکتاب (سوانح درمعانی عشق) اورا بـاید ازگنجینه‌های ادب و عرفان فارسی دانست .

این عارف نامدار درقزوین سکونت‌گزیده بود ودرآنجا بارشاد وهدایت طالبان حقیقت می‌پرداخت . امام احمد غزالی درخانقاهش مجلس میگفت و شاگردانش را بوادی حقیقت رهبری میکرد . او شاگردان برجسته‌ای درمکتب عرفان پرورش‌دادکه میتوان سرآمد ایشان‌را عین‌القضاة همدانی دانست .

درخانقاه امام احمد غزالی‌کتابخانه‌ای فراهم آمده بودکه‌کتابهای آن دردسترس استفاده ومطالعه ارباب طلب قرار داشت .

غزالی در ٥٢٠ ﻫ . درگذشت ودرخانقاهش بخاك سپرده شد واینك نیزآرامگاهش بجاست ومطاف عاشقان وعارفانست .

**١٤٧ – کتابخانه مدرسه حیدریه – قزوین :** این مدرسه در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی دائرگردید ومتعلق به شیعیان بود – کتابخانه این مدرسه شهرت ومعروفیت داشت وقرنها این مدرسه مرکز تجمع طلاب شیعی ودانشمندان اسلامی بود – هنوز نیزآثار این مدرسه‌که ازبناهای تاریخی وقابل توجه است باقی‌است .

**١٤٨ – کتابخانه حلوان :** حلوان ازشهرهای معروف ایران بوده است . این شهر درکرمانشاه ١٩٠ کیلومتری شمال‌شرقی بغداد قرار داشته ودر زمان اشکانیان شهرتی بسزا داشت درزمان ساسانیان محل تجمع‌مانویان شد این شهر در زمان عمر خلیفه اسلامی بفرماندهی سعدبن ابی‌وقاص بدون جنگ تسلیم شد ودر زمان عباسیان اعتبار فراوان یافت و دانشمندان ایرانی درآنجا گرد آمدند ومدرسه‌ای عالی برای طلاب علوم دائر ساختند و کتابخانه این مدرسه ازکتابخانه‌های بزرگ دوران اسلامی بشماراست شهرت دارد که تا حدود صدهزار جلدکتاب داشته است ! ! شهر حلوان تا زمان حمله مغول (٦١٢) آباد بود وسپس ویران ونابود گردید .

# بررسی اجمالی تاریخ ایران از قرن اول هجری تا حمله مغول

## درشناخت قهرمانان و دودمانهائیکه زبان وفرهنگ فارسی را بینائی تازه ونو نهادند

اینك که معرفی کتابخانه‌های قرن ششم پایان می‌پذیرد وپس‌ازاین قرن دوران فترت وحمله مغول فرامیرسد بجا ولازم میداند ازچگونگی بوجودآمدن کتابخانه‌های بزرگ‌وشهیردرایران‌پس‌ازاسلام‌وپدیدآمدن‌فرهنگ پیشرو ودرخشان آن به همت مردمی ایراندوست وقهرمانانی جانباز گفتگوئی مختصربمیان آوریم واز جانبازیها وقهرمانیهای کسانیکه دراین راه پیش‌گام وپیش‌آهنگ بودند ووحدت ملی واستقلال ایران را با زنده نگاهداشتن زبان وفرهنگ آن تأمین وتضمین‌کردند وافتخاراتی بزرگ برای سرافرازی ملت ما فراهم آوردند ببزرگی یادکنیم وآنان را بستائیم .

درصفحه‌های پیش بطوراشاره واختصار یادآور شدیم‌که پس‌ازحمله عرب‌کوشش وتلاش سپاهیان غالب بدور محور انهدام آثار استقلال وملیت ایرانیان دور میزد . زبان رسمی و دیوانی تازی بود وحکام وفرمانروایان ودیوانیان را ازسران عرب برمی‌گزیدند تا مراجعان ومردم‌کشور ناچار باشند بزبان دیوانیان گفتگوکنند وآنرا برای رفع نیاز بپذیرند.

برای محو مظاهرملی ایرانیان با شدت وسخت‌گیری بیش‌ازحد تصور مبارزه می‌شد. نشان دادیم‌که ایرانیان با چه دوراندیشی وخردمندی توانستند راه چاره بیابند و با وضع و اختراع خطی‌که از خط **راز دبیره** (یا واسف دبیره) ریشه میگرفت خط **فارسی** را بوجود آوردند وبرای ثبوت آن نخست به‌نوشتن قرآن باآن خط پرداختند تا راه هرگونه تهمت وحمله وتجاوز را بخط نوبنیاد خود مسدود سازند.

این خط نوساخته را **خط فارسی** خواندند وعربها نیزآنرا به همین نام یادکرده‌اند. ابن‌الندیم نیز باین حقیقت معترف است ومیگوید ایرانیان قرآنهارا **بخط فارسی می‌نوشتند ومیخواندند.** وآنچه دراینجا برگفته‌های پیشین می‌افزائیم اینکه این خط دراواسط قرن اول هجری بوجود آمد وقرائن وامارات برصحت این نظر اینکه :

۱ – بهافرید (بدآفرید) فرزند ماه فروردین پیش‌ازسال ۱۳۲ هـ . یعنی قبل‌ازخلافت بنی‌العباس درنیشابور واطراف‌آن آئینی تازه بنیاد نهادکه کیش او ازتلفیق آئین مانی با دین اسلام سرچشمه میگرفت وچنانکه مورخان عرب ثبت‌کرده‌اند هفت نماز آورده بودکه بزبان پارسی بود وبرای این هفت نمازکتابی **بزبان فارسی با خط فارسی** نوشته بودکه پیروانش آنـــرا میخوانده‌اند .

۲ – **منکه**، نامی ازپزشکان ایرانی‌که بزبان سنسکریت آشنائی داشت، کتابی بنام **شاناق** در دانش ستاره شناسی بزبان فارسی ترجمه کرد و **ابوحاتم بلخی** بین سالهای **۱۷۰ – ۱۷۷** هـ. آنرا برای یحیی برمکی **بخط فارسی** نوشته وتقدیم داشته بود.

آنچه ازمطالب یاد شده مستفاد است اینکه: **منکه** شاناق را اززبان سنسکریت بزبان فارسی ترجمه‌کرد وبخط پهلوی نوشت وابوحاتم بلخی‌آنرا ازخط پهلوی **بخط** فارسی برای یحیی برمکی نوشت تابتواند بخواند. پس یحیی برمکی بخط فارسی آشنائی داشته واین بدیهی‌است زیرا ایرانی بوده است. چنانکه درفصول‌گذشته یادآورشدیم **ابن‌مقله** ایرانی باآشنائی **بخط فارسی** خط **نسخ** را وضع‌کرد وبراساس آن خط ثلث، ریحان ودیگرخطوط را پایه‌گذاشت وازآن تاریخ خط نسخ درمیان ملل اسلامی رایج گشت وبنام عربی وخط اسلامی نام‌آور گردید.

آنچه ازآثار نثر ویا نظم فارسی مخطوط اطلاع بدست ما رسیده متأسفانه متعلق بقرن چهارم هجری است‌که یکی **تاج‌المصادر** است درلغت فارسی‌که آنرا به ابوعبدالله جعفربن محمد رودکی درگذشته بسال ۳۲۹ نسبت میدهند وهمان زمان‌کتاب لغت دیگری تألیف ابوحفص حکیم‌بن احوص سغدی دردست بوده‌که درکتابهای فرهنگ نشان آن‌را تاقرن یازدهم دردست داریم.

بسیار بعید است‌که بپذیریم خط وزبان دری یکباره وخلق‌الساعه دردربار سامانیان خلق شده باشد!! بنابراین خط فارسی وزبان دری سابقه دیرینه‌تری داشته است.

براساس‌آنچه درنوشته‌های‌گذشتگان ثبت‌است نخستین‌بار یعقوب‌لیث صفاری ازنوشتن وسخن‌گفتن بزبان عربی اظهار نفرت‌کرد و واداشت‌که بزبان فارسی شعربگویند وبنویسند وبخوانند. این‌گفته برمبنای نوشته‌هائی است‌که بجامانده وچه بسا امکان دارد درماوراءالنهر وطبرستان پیش‌ازآنکه یعقوب لیث درنیمروز دست به چنین اقدامی یازد آنان نیز بمبارزه برخاسته بوده‌اند وسخنوران ونویسندگان آن خطه‌ها نیز بزبان پارسی می‌نوشته‌اند وشعرمیسروده‌اند ولیکن متأسفانه ازاین روی‌داد بزرگ اثرمضبوط وثبت، شده‌ای بجا نمانده است.

پیش‌تازان وپیش‌آهنگان این نهضت خجسته وبرجسته مردانی دلیر وازجان گذشته‌بوده‌اند که درگوشه وکنار کشوربزرگ‌ایران رهبری‌وپیشوائی گروه‌ها ودسته‌هائی را برعهده‌گرفته‌اند بدیهی‌است خاندانهائی‌که دراین‌قیام واقدام شریك وانباز بودند هریك به نسبتی درقسمتی ازکشور پهناور ایران بوظیفه ملی ومیهنی خود پرداخته‌اند.

این خاندانها را دراینجا بنام معرفی می‌کنیم ودرباره خاندانهائیکه بیش ازدیگران درپیش‌بردن مبارزه مؤثربوده‌اند وبخصوص درراه تشویق مؤلفان ومصنفان وسرایندگان موفق بوده‌اند وموجب گردیده‌اندکه با تألیف کتابها وبنیادکتابخانه‌ها درنشرفرهنگ وزبان فارسی‌کمك مؤثرداشته باشند جامع‌تر سخن میگوئیم .

خاندانهائیکه ازاواخر قرن اول هجری هریك بصورتی وبه نحوی دراین راه بخدمت برخاسته‌اند بدین شرح معرفی میشوند:

نوبختیان- برمکیان- صفاریان- سامانیان- طاهریان- کاکویه - تبانیان - چغانیان - زیاریان - اسپهبدان طبرستان - میکالیان نیشابور- فریغونیان- بویهیان- دیلمانیان- باوندیان-برهانیان-بلعمیان-ملوك‌مرغنی.

**۱٤۹ – کتابخانه خاندان نوبختی :** خاندان نوبختی ازمفاخرایرانند وافراد این خاندان را باید ارزنده‌کنندگان افتخارها ودانشهای ایران‌باستان بشمارآورد وچون درنشر وترجمه‌کتابهای پهلوی وهم‌چنین تألیف وتصنیف کتابهای بسیاری دست یازیده‌اند بجاست ازاین دودمان به تفصیل یادکنیم وبزرگان این خاندان راکه هریك ازمشاهیردانشمندان ومنجمان ومترجمان بوده‌اند بشناسیم[۷٤] .

هم‌چنانکه برمکیان ازبزرگان وخدمتگزاران عبادتگاه (نوویهار) نوبهار بوده‌اند نوبخت نیز ازبازماندگان دودمان مغان فارس بود وازدانش مغان بهره‌ای‌کافی ووافی داشت وبا اینکه فارس وخوزستان و ری وخراسان بتصرف عرب ونفوذ اسلام درآمد بااینهمه نوبخت مُغ همچنان سرپرستی مغان را برعهده داشت وآنان را رهبری وهدایت میکرد ودربرابرفشارهای حکام وفرمانروایان عرب با سرسختی ایستادگی مینمود ومیکوشیدکه آئین بهی را درسرزمین فارس زنده نگاه دارد . نوبخت را به‌جرم تبلیغ ونشر افکار وآئین مغی(مجوسی) دستگیر وبزندان افکندند. نوبخت چنانکه درآثار بازمانده ازنویسندگان عرب مستفاد است ، ازدانش مغان آگاه بوده درنجوم وستاره شناسی‌که یکی ازدانشهای خاصه ایشان بوده‌است اطلاعات وسیع وغنی داشته ، کتابی نیز درنجوم ازاو یاد میکنندکه نخست بزبان پهلوی نوشته سپس آنرا بعربی ترجمه کرده است[۷۵] .

ابوبکر احمدبن‌علی‌خطیب بغدادی[۷٦] درتاریخ بغداد متذکراست‌که قبل ازسال ۱۳٦ هجری نوبخت مجوس دراهواز محبوس بوده‌است وبه نقل ازتاریخ بغداد چنین روایت شده‌است‌که اسماعیل‌بن علی نوبختی بـــرای حسین‌بن قاسم‌کوکبی ازشاگردان خود این چنین روایت‌کرده است‌که : «جدم نوبخت درآغاز آئین مجوسی داشت ودردانش ستاره شناسی سرآمد دیگران بود آنگاه‌که دراهواز زندانی بود روزی ابوجعفرمنصوررا می‌بیند

نمای آرامگاه شیخ احمد غزالی درقزوین : کتابخانه غزالی درهمین آرامگاه بنیاد گذاشته شد

که بزندان آمده بوده‌است . نوبخت گفته است که ابوجعفر منصوررا مردی با درایت وزیباروی دیدم او چهره‌ای دلفریب ونیکو داشت . تاآن روز مردی بدان زیبائی وبآن شکوه وابهت ندیده بودم . برخاستم ونزدش رفتم ودریافتم که سیمای مردم این مرزوبوم را ندارد ازاو جویا شدم که از کدام دیار وشهر است او گفت از مردم مدینه‌ام گفتم از مدینةالنبی ؟ گفت آری پرسیدم ازخاندان پیمبر اسلام است گفت نه . ازمردم مدینه‌ام . باو نزدیك‌تر شدم وازکنیه‌اش پرسش کردم پاسخ داد ابوجعفر . گفتم مژدگانی بده چون بزودی فرمانروای کشوری میشوی که خوزستان وفارس وخراسان وقهستان را شامل است وبآئین بهی درراستی این پیشگوئی سوگند یادکردم . او نپذیرفت . سوگند مؤکد خوردم وازاو خواستم تا با من پیمان بندد که اگر پیشگوئی درست آمد ، او مرا فراموش نکند و پاداش این تفأل نیك را بپردازد . او پیمان بست ونوشت وبمن داد . . . آنگاه که بفرمانروائی رسید پیش او رفتم ونوشته را نشان دادم . او سپاس خدای را بجای آورد ومرا درخدمت خود گماشت . من نیز بـدست او اسلام آوردم و ستاره شناس وخدمتگزار او گشتم» .

دراینکه نوبخت مغوش (مجوس) درخدمت منصور خلیفه عباسی بوده است شکی نیست . مسعودی درمروج‌الذهب[۷۷] نیز متذکراست که‌منصور

نخستین خلیفه عباسی‌است که درمیان خلفای اسلامی به ستاره‌شناسی واحکام نجوم عقیده‌مند بود ومنجمان وستاره شناسان راگرامی میداشت ونظرات واشارات ایشان را بکار می‌بست واو نوبخت راکه آئین زرتشتی داشت بقبول اسلام واداشت و دردستگاه خود بکارگماشت . نوبخت و پسرش ابوسهل از منجمان مخصوص ومورد نظرمنصور خلیفه بودند وبطوریکه‌خطیب‌بغدادی[۷۸] و آثارالباقیه[۷۹] و آثارالبلاد[۸۰] متذکرند منصور در ساختن شهر بغداد بسال ۱۴۴ ه . ساعتی آغاز بساختمان آن کردکه نوبخت آن ساعت را براساس احکام نجومی اختیارکرده بود .

طبری هم ضمن شرح وقایع سال ۱۴۵ ه . درشرح چگونگی قتل ابراهیم‌بن عبدالله برادر محمدالنفس‌الزکیه مینویسد : «نوبخت برخلیفه ابوجعفر منصور وارد شد وگفت یا امیرالمؤمنین پیروزی توراست . منصور پیشگوئی اورا باورنکرد . نوبخت‌گفت : خلیفه دستور فرماید مرا زندانی کنند اگرچنانکه پیش‌بینی‌کرده‌ام درست نیامد مرا بکشند. درهنگام این گفتگو خبرشکست ابراهیم رسید وچون پیشگوئی نوبخت درست درآمده بود منصور دویست جریب اززمین‌های نهر جوبَررا بعنوان تیول به نوبخت بخشید[۸۱] . »

ازآنچه یادکردیم چنین مستفاد است‌که نوبخت ازدانش ستاره‌شناسی وعلم (تله پاتی) که ازدانشهای خاص مغان ایران بود آگاهی داشته بیاری همین دانشهای خاص توانسته بوده بداندکه منصور بخلافت خواهد رسید وپیش ازاینکه این واقعه وقوع یابد منصوررا آگاه‌کرده وباو مژده میدهد وازاو میخواهدکه اگر این پیشگوئی بحقیقت پیوست اورا اززندان آزادی بخشد. پس ازاینکه منصور بخلافت میرسد براساس عهد وپیمانی‌که بسته بود اورا اززندان رهائی بخشید وازاو خواست‌که ازآئین مجوس (مغوش) درآید وآئین اسلام را بپذیرد . نوبخت نیزکه ازعارفان ایرانی بوده است پیشنهاد اورا می‌پذیرد ولی ازهمان‌آغازکار در زی دوستداران وهواخواهان‌دودمان علی علیه‌السلام درمی‌آید ، ابن‌الندیم نیزمتذکر این نکته هست .

باتوجه باینکه فرزندان ونوادگان ونبیره‌گان نوبخت همه ازبنیان‌گزاران شیعه بوده‌اند [تاآنجاکه‌ابوالقاسم حسین‌بن روح‌بن‌ابی‌بحر، ازنوّاب چهارگانه حضرت قائم‌گردید] درمی‌یابیم‌که تحقیق درحال واحوال وآثار خاندان نوبختی برای تاریخ پس‌ازاسلام حائزکمال ارزش واهمیت است‌که متأسفانه جای طرح وبسط مقال دراینموقع ومقام نیست همین اندازه بسنده می‌کنیم‌که خدمات پرارزش معنوی دودمان نوبختیان بفرهنگ ایران بسیار گرانقدر وارزنده بوده است .

نوبخت وفرزندش ابوسهل وعبدالله وابوالعباس فضل . فرزندان

ابوسهل همه ازمترجمان **کتابهای پهلوی به عربی بوده‌اند وازاین نکته توان دانست که نوبخت وارث کتابخانه بزرگی ازکتابهای فرس قدیم وپهلوی بوده است** وبا دراختیارداشتن آنچنان کتابخانه‌ای نه‌تنها وسیله نقل آن آثاررا بزبان عربی دردست داشته بلکه توانسته است بفرزندش نیزخواندن ونوشتن خطوط پهلوی (اشکانی وساسانی) وچه بسا خطوط دیگر ایرانی را بیاموزد.

علاوه برابواسحق ابراهیم وابوسهل اسماعیل‌بن‌علی وابومحمدحسن ویعقوب‌بن اسحق نوبختی که همه ازمتکلمان امامی وازاصحاب وخواص ائمه اثنی عشریه بوده ازاین دودمان بشمارمیرفته‌اند میتوان ازیعقوب‌بن اسحق واسحق‌بن اسماعیل وابوالقاسم حسین‌بن روح نیز یادکرد.

مشاهیر این خاندان که روات اشعار شاعران نامدار عرب بوده‌اند بسیارند وازآنجمله ذکر اسماعیل‌بن ابی‌سهل وبرادرانش ابوطالب ومحمدبن روح وابوالحسین علی وابوعبدالله حسین بجاست. منشیان وکُتّاب نامدار دودمان نوبختی ابوجعفرمحمدبن علی‌بن‌اسحق وابویعقوب وابوالفضل یعقوب وعلی‌بن اسد بوده‌اند وازعلما ودانشمندان دراخبار امامیه باید ازابوالحسن موسی‌بن کبریا وابومحمد حسن‌بن حسین یادکرد.

خاندان نامی نوبختی که ازسال ۱۱٤ هـ. تا ۳۲٦ هـ. ازآنها نام ونشان دردست داریم مؤسس **خزانة‌الحکمه** بوده‌اند (۱۰۹) **خزانة‌الحکمه مرکز اجتماع ایرانیها وشعوبیه بوده که وسیله نوبخت وفرزندش ابوسهل‌بن نوبخت دائرگردیده بود وکتابخانه آن بزرگترین کتابخانه‌های زمان بود وبیشتر کتابهای آن کلامی وحکمی وفلسفی وعلمی ونجومی بوده است. ابن‌الندیم نیز متذکر این نکته هست**[۸۲].

کتاب **یاقوت** که ابواسحق ابراهیم نوبختی درعلم کلام تألیف کرد ازبزرگترین آثارکلامی است که برآن شروح متعدد نوشته شده وبزرگان این علم بآن استناد می‌جسته‌اند. آثار نوبختی‌ها درهیأت ونجوم ازبهترین کتابها بشمار میآمده وایشان را دانشمندان اسلامی دراین علم (اعلم‌ناس) خوانده‌اند. درملل ونحل کتاب دیانات ابومحمد نوبختی ازبرگزیده‌ترین آثار دراین علم است[۸۳].

ابن ابی اصیبعه آثار نوبختی‌ها را درجمع اشعار و اخبار راجع به ابونواس وبحتری وابن‌الرومی ازموثق‌ترین مراجع دانسته است[۸٤].

بطوریکه گذشت خاندان نوبختی درنقل آثار ادبی‌وعلمی ایرانباستان واحیای سنت‌های ایران طی دوقرن خدمات برجسته‌ای انجام دادند ونهالی راکه ایشان کاشتند درقرنهای بعد ثمرات واثرات ارزنده‌ای ببارآورد.

## سامانیان

ظهور صفاریان درترویج زبان فارسی وتقویت ازآن بسیار مؤثر بود وچنانکه قبل ازاین نیز گفته‌ایم پادشاهان این سلسله توجه خاص بشعر وادب فارسی معطوف میداشتند لیکن اوضاع‌واحوالی که درقلمروفرمانروائی صفاریان حکومت میکرد وآنان را برآن میداشت که پیوسته درحال جنگ وستیز با دشمنان ودست‌نشاندگان خلفا باشند بایشان فرصت نمیداد آنچنانکه بایسته بوده بادب وفرهنگ زبان فارسی بپردازد. خدمت آنان بزبان فارسی همین بس که زمینه قیام‌های دودمانهای دیگری را درنقاط مختلف ایران فراهم آورد وموجب شکست نفوذ عرب درایران گردید. ظهور سامانیان در ماوراءالنهر وخراسان که نفوذشان بسرعت دردیگر نقاط ایران چون گرگان وقسمتی‌ازعراق وکرمان گسترش یافت محیط آماده وآرامی برای نشوونمای ذوقیات وتجلی فکر وهنر ایران بوجود آورد وازاین رهگذر است که در دستگاه سامانیان گویندگان ونویسندگان نامداری ظهورکردند. وخوشبختانه پادشاهان سامانی همه مردمی دانش‌دوست و سخن‌شناس و هنرپرور بودند وهمین امرسبب گردید که فرهنگ وادب وهنر رونق ورواجی فوق‌العاده یافت وپایه واساس فرهنگ نوین ایران گذاشته شد. درآغاز دوران سامانیان به شعرائی برخورد می‌کنیم مانند: سپهری بخارائی – ابوالمثل بخارائی – ابوالمؤید رونقی بخارائی وابوالمؤید بلخی که اوگذشته ازاینکه باستادی شعرمیسروده درنثرفارسی نیز ازدبیران ونویسندگان چیره‌دست بوده است وبطوریکه نوشته‌اند داستان یوسف وزلیخا را بنظم آورده بود وهم‌چنین ازخداینامه داستانهای مربوط به‌گرشاسب راکه بسیار موثق بوده‌است منظوم ساخته بود.

ابوالمؤید کتابی نیز به نثر درعجایب بلدان نوشته است که آنرا به نوح‌بن منصور (۳۶۶–۳۸۷) تقدیم کرده که خوشبختانه ازاین کتاب نسخه‌ای دردست است.

دربار نصربن احمد سامانی درخشندگی وتابناکی دیگری داشته. شعرای دربار او بسیاربوده‌اند وتوجه بنام ونشان شعرا ونویسندگان دربارش نشان‌دهنده مجد وعظمت وشکوه وشوکت فرهنگ وادب درزمان اوست. فهرستی ازشعرا ونویسندگان زمان او میآوریم: ابوطبیب مصعبی صاحب دیوان رسالت – احمدبن اسمعیل – ابوالعباس ربنجنی بخارائی – خبازی نیشابوری – ابوحفص حکیم – ابن‌احوص سغدی (که جز شاعری درموسیقی نیز سرآمد اقران بوده وسازی اختراع کرده که بنام شهرود معروف است وکتابی هم درلغت فارسی تألیف ساخته که باید گفت کهن‌ترین فرهنگ فارسی پس ازاسلام بوده‌است) دیگر– ابوعبدالله قرالاوی – ابوشکور بلخی (که

چهار مثنوی بدو منسوب است که یکی از آنها **آفرین‌نامه** نامیده شده وبسال ۳۳۶ هـ . آنرا بپایان آورده است)- ابوالحسن شهیدبن حسین وراق بلخی از **خطاطان** بنام وشهیر **خط فارسی** دراوائل قرن چهارم که درحکمت نیز صاحب‌نظر بوده‌است وبا محمد زکریای رازی تعریضاتی داشته ودرحکمت تألیفاتی باو نسبت میدهند[۵۸] - ابوالحسن محمد مرادی بخارائی - طخاری طخارستانی - رابعه بنت‌کعب قزداری نخستین زن شاعره صاحب دیوان- ایرانشاه‌بن ابوالخیر که داستانهای باستانی را درباره بهمن بنظم آورده بود- ابوالعلاء شوشتری ازفحول شعرای ایران- ابواسحق جویباری وسرانجام ابوعبدالله جعفربن‌محمد رودکی‌سمرقندی است که گویند **نزدیك به‌یکمیلیون وسیصدهزاربیت شعرسروده** بوده‌است !!! ابوذرعه معمری گرگانی - ابوطاهر خسروانی - امیرابوالحسن‌آغاجی ازشاهزادگان سامانی- ترکی‌کشی‌ایلاقی- ابوعبدالله معروفی‌بلخی - ابوعبدالله نوایجی مروزی - ابوشعیب هروی - ابوعمر و زجاجی- ابوطبیب سرخسی - استغنائی‌نیشابوری - ابوعلی‌سیمجور ازامرای سامانی وماکان‌بن‌کاکی ازامرای سامانی .

سامانیان نزدیك به دوقرن تا سال ۳۹۵ هـ . سلطنت کردند باتوجه بفهرستی که یادکردیم وآن نمونه‌ایست از رواج فرهنگ و ادب در دوران سلطنت ایشان به یقین‌باید‌گفت احیای زبان‌ادبی‌وعلمی فارسی‌مدیون ومرهون همت وتوجه وعلاقه ایشان بوده است .

پادشاهان سامانی هریك به تأسیس کتابخانه‌های عظیم وگردآوری آثارمخطوط وتشویق‌نویسندگان وشعرا به‌تصنیف وتألیف اثری نو بذل‌عنایت وتوجه‌کردند ودراین‌راه افتخاروسربلندی برای‌آینده‌ایران فراهم آوردند. (کتابخانه‌های سامانیان را درصفحه‌های پیش به‌تفصیل آورده‌ایم) .

**چغانیان :**

درحدود سال ۳۲۱ (هـ. ق.) نصربن احمد سامانی سپهسالارخراسان فرمانروائی چغانیان را به‌ابوبکر محمدبن محتاج چغانی واگذاشت وپس‌از او پسرانش تا سال ۳۷۷ هـ. درچغانیان وخراسان باستقلال فرمان راندند .

از آنجا که چغانیان دست‌پرورده دربار سامانیان بودند به تبعیت از ایشان درترویج زبان فارسی‌کوشیدند و درجلب سخنوران ونویسندگان ایران اهتمامی خاص ورزیدند وآنان را به‌تصنیف وتألیف‌کتاب بزبان فارسی تهییج وتشحیذکردند . و بهمین‌جهت دربار چغانیان یکی از مراکز مهم ترویج زبان‌فارسی‌وپرورش سخنوران‌نامدارگردیدکه میتوان ازبرگزیدگان آنها فرخی سیستانی ومنجیك ترمذی را یادکرد .

ابوالمظفر طاهربن فضل چغانی‌که بسال ۳۷۷ درگذشته است خود بزبان فارسی شعرمیگفت ابوعلی محمدبن احمد دقیقی بلخی‌که از گویندگان

پیش‌آهنگ زبان‌فارسی است ، در دربار چغانیان میزیست و هم او بودکه نخستین‌بار به‌نظم شاهنامه پرداخت ولی باکشته‌شدنش بسال ۳٤۱ ه. این‌اثر گرانقدر ناتمام مـــاند و چنانکه میدانیم حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی درشاهنامه خود ۱۰۵٤ بیت ازاو در داستان‌گشتاسب وارجاسب آورده وبااین اقدام فرزانه اثر ناتمام دقیقی را برای ایرانیان وتاریخ وادب فارسی مخلّد وجاوید ساخته است . هم‌چنین بدیعی بلخی از شاعرانی بودکه در دربار چغانیان میزیست ومیتوان‌گروه دیگری از شاعران را نامبردکه تك‌بیت‌هائی ازایشان با نام ونشانشان درفرهنگ فرس اسدی توسی ثبت است.

دربار چغانیان سالها کعبه آمال‌گویندگان ونویسندگان فارسی‌زبان بود وامرای چغانی درگردآوری آثارگویندگان از پیش‌گامان این نهضت بشمارند ومسلم وبدیهی‌است‌که‌امرای چغانیان‌کتابخانه‌های نفیس وگرانقدری داشته‌اند (۱۵۰) .

زیاریان :

زیاریان نیز تا اوائل قرن پنجم هجری بهم‌چشمی از سامـــانیان به‌تربیت وپرورش‌سخنوران ونویسندگان وترویج واحیای‌زبان وخط فارسی مجاهدتی قابل تقدیس داشته‌اند . دراثر توجه و تشویق ایشان‌گویندگان بسیاری در عرصه دانش و ادب زبان‌فارسی‌گوی نام‌آوری ربوده‌اند که از برگزیدگان ایشان میتوان از : خسروی سرخسی – ابالیث‌گرگانی – قمری گرگانی– ادیب طبری – مخلدی‌گرگانی – دیلمی‌قزوینی –کفائی‌گنجه‌ای – پورکله وخود شمس‌المعالی قابوس‌بن‌وشمگیرکه مردی دانشمند ونویسنده‌ای ارجمند بود یادکردکه بسال ٤۰۳ ه . کشته شد .

بویهیان :

از مشاهیر گویندگان و نویسندگان دربار بویهیان تنی چند را یاد می‌کنیم تا خدمت ایشان نیـــز بفرهنگ و زبان و ادب فارسی مشهود افتد . بختیاری اهوازی‌که پس‌از ابوالمؤید بلخی وامانی شاعر ، داستان یوسف وزلیخا را بسال ۳۷۵ ه . بنظم آورده بوده‌است . منصور منطقی رازی که از شاگردان بدیع‌الزمان همدانی است وآثار او در شعر فارسی وادب عرب شهرت وآوازه یافت واز نزدیکان صاحب‌بن عباد می‌بود ، بندار رازی از مشاهیر گویندگان اواخر قرن چهارم‌که لغتی در زبان دری وزبان پهلوی تألیف‌کرد بنام منتخب‌الفرس واین خود نشانی‌است گویا ازاینکه تا پایان قرن چهارم در دربار بویهیان وحدود قلمرو ایشان هنوز زبان وخط پهلوی رایج بوده است . دیگر ابوعبدالله ضمیری – حکیم میسری شاعر که طب منصوری (کتاب المنصوری تألیف محمدبن زکریا رازی) را بنام دانشنامه بشعر آورده بود (بسال ۳۵۸) و خوشبختانه از این اثر نفیس وگرانقدر

هم‌اکنون نسخه‌ای در دست است که آنرا بنام حسنویه‌بن حسین فرمانروای کردستان پرداخته و کتابخانهٔ حسنویه نیز از کتابخانه‌های نامی و قابل‌توجه قرن چهارم هجری بوده‌است (۱۵۱) .

**خاندان بلعمی :**

بلعمیان نیز چون سمعانیان و نوبختیان همه از اهل فضل و کمال ومروج دانش وفرهنگ ایران بوده‌اند . بنابراین جا دارد ازاین دودمان که در تألیف و تصنیف‌آثار ادبی و تشویق نویسندگان و گویندگان نقش برجسته‌ای درتاریخ ادب فارسی داشته‌اند یادکنیم .

نخستین‌کس از خاندان بلعمی‌که شهرت و معروفیت یافته است . ابوالفضل بلعمی است . سمعانی در انساب اورا وزیر اسمعیل‌بن احمد سامانی دانسته است (۲۷۹ - ۲۹۲) و بیهقی در تاریخ مسعودی (بیهقی) او را بزرگترین وزیر نصربن احمد سامانی نیز نوشته است . بنابراین بایدگفت تا زمان نصربن احمد سامانی وزارت داشته است . سمعانی وفات اورا دهم صفر ۳۲۹ ثبت‌کرده است ، صله بخشودن ابوالفضل بلعمی برودکی آنچنان بوده است‌که میان گویندگان ایران صورت ضرب‌المثل بخودگرفته بوده است چنانکه سوزنی سمرقندی بخشش‌های بیکران بلعمی را برودکی برای ممدوح خود متذکر میگردد و او را در اینکار تحریص وتشویق میکند . میگوید :

رودکی‌وار یکی بیت ز من بشنوده است

بلعمی‌وار بده تا صلتم فرموده است.

سمعانی در انساب خود ضمن ترجمه حال رودکی بنقل از ابوالفضل بلعمی مینویسدکه : « او میگفت درعرب وعجم نظیر رودکی‌کسی نیست » و پرفسور ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود بنقل از کتاب‌الاوائل که درحدود ۶٤۰ ه. تألیف یافته چنین آورده است : « مراتب فضل ودانش ابوالفضل بلعمی در زبان وادب فارسی وعربی تا بدان پایه است‌که حکیم ناصرخسرو (قبادیانی) درباره او میگوید :

بوالفضل بلعمی بتوانی شدن بفضل

گر نیستی به نسبت بوالفضل بلعمی

ورودکی نیز مراتب دانش وفضیلت اورا چنین ستوده است:

چه فضل میرابوالفضل برهمه ملکان

چه فضل‌گوهر و یاقوت بر نبهره پشیز

بلعمان آبادی‌یی بوده‌است ازقریه بلاسگرد نزدیك بخارا ودودمان بلعمیان تازمان تألیف انساب (۵۵۰) معروفیت ووجود داشته‌اند زیرا سمعانی درشرح حال ابوالفضل بلعمی مینویسد : « او ازمردم بخاراست واحفادش تا امروز در بخارا هستند» .

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر واعن

كتاب صنعة الآلة الشاملة

والعمل بها استخرجها حامد بن الخضر المعروف

بابي محمود الخجندي

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا
الله فله الحمد والشكر على نعمائه وجزيل عطاياه حمدا
يوجب حسن المزيد والصلاة على خيرته من خلقه محمد النبي
وعلى آله الطاهرين وسلم تسليما وبعد فانا وجدت
العلم وان كان شريفا فانه يزداد شرف مكان وعلو
شان اذا نسب الى احد ملوك الزمان وكان مولانا الامير
السيد الاجل ولي النعم شاهانشاه فخر الدولة وملك الامة
ادام الله سلطانه وحرس في العز مكانه شمس العالم التي
تضيء ووجه التي تحييه وانفتحت من خواص علم الهيئة ما لم
يسبقني اليه احد ولا شاركني فيه بشر استمددت من انوار
ادام الله علوه المشرقة في الآفاق فهذبت بها الى ما في

کتاب صنعت‌الالة الشامله اثر محمود خجندی که برای شاهنشاه فخرالدوله تألیف کرده است

**بلعمی دوم :** نامش ابوعلی محمدبن محمد بلعمی فرزند ابوالفضل محمدبن عبدالله بلعمی است که وزارت عبدالملک بن نوح وابوصالح منصوربن نوح سامانی را داشته وبفرمان منصوربن نوح سامانی دست بکار ترجمه تاریخ طبری تألیف جعفربن محمدبن جریر طبری شده بوده است .

بلعمی‌دوم ضمن‌ترجمه تاریخ طبری که بنام تاریخ‌الرسل والملوک

نامگذاری کرده از مآخذ ایرانی زمان خود درقسمت تاریخ ایران فصولی افزوده ودربرخی قسمت‌ها درترجمه از نقل‌آن خودداری کرده وبطوریکه استاد دکتر ذبیح‌الله صفا هم متذکرند درحقیقت تاریخ‌الرسل والملوك را باید تألیفی جداگانه درتاریخ شمرد .

این اثر بسیارنفیس وارزنده زبان‌فارسی نشان‌گویائی است ازعظمت واهمیت **کتابخانه خاندان بلعمی** ومیرساندکه چه نسخ گرانقدری درکتابخانه بلعمیان وجود داشته که مورد استفاده او در تألیف تاریخ‌الرسل قـــرار گرفته است .

**مرغنیان :**

ایشان امرائی بوده‌اند ایرانی‌که مدتها در خراسان فرمان راندند . ملك عمرعزالدین وملك عثمان تاج‌الدین وملك رکن‌الدین مرغنی ازمشاهیر ومعاریف این ملوکند[٨٦] که در بزرگداشت دانشمندان و سخنوران اهتمامی خاص میداشته‌اند وشعرای خراسان آنان را مدایحی‌گفته و از صلات ایشان برخوردار بوده‌اند .

**ملوك نیمروز :**

بطورکلی تاریخ‌نویسان ایران سلطنت و فرمانروائی صفاریان را پس‌ازشکست خلف‌بن احمد سیستانی بدست سلطان محمود غزنوی بسال ٣٩٣ (تصرف قلعه طاق سیستان) پایان یافته میشمارند درحالیکه این‌خلاف حقیقت است و اولاد و احفاد صفاریان تا حدود ششصدوبیست‌ودو در سیستان بنام ملوك نیمروز پادشاهی و فرمانروائی میکرده‌اند و آخرین فرمـــانروای صفاریان بنام ملك شهاب‌الدین حرب بود که پس از قتل او ملك تاج‌الدین نیال‌تکین از خاندان خوارزمشاهی از طرف براق حاجب در زمان سلطان جلال‌الدین منکوبرنی مأمور سیستان شد و آنجا را از امیرعلی حرب برادر ملك شهاب‌الدین حرب گرفت[٨٧] و این زمان را باید پایان حکومت وپادشاهی صفاریان دانست . ملوك نیمروزکه از اولاد و احفاد صفاریان بودند وخودرا از دودمان کاووس کیانی می‌شمردند در زنده کردن آداب وسنن ایران‌باستان ورواج زبان‌فارسی وتحکیم مبانی‌آن سهمی برجسته برعهده داشته‌اند .

ملك تاج‌الدین ابوالفتح حرب که در دوران سلطان سنجر سلجوقی بفرمانروائی نیمروز رسیدگذشته از شجاعت وشهامت اهل فضل وهنر وادب بود ودرتشویق دانشمندان وسخنوران میکوشید وخطابه‌های او درفن بلاغت و فصاحت شهرت و معروفیت دارد . **او در ایجاد مدرسه‌ها و دارالعلم‌ها وکتابخانه‌ها در سیستان** همت وکوشش فوق‌العاده مبذول میداشت ، ملك‌- تاج‌الدین‌بن عزالدین حرب نیز از فرمانروایانی است‌که **درساختن مدرسه‌ها**

وکتابخانه‌ها اهتمامی خاص میداشت و اهل فضل و ادب را بسیار گرامی می‌شمرد .

یمین‌الدوله بهرامشاه حرب نیز دربزرگداشت علما وفضلا سعی‌بلیغ میکرد وشعرا را بسیار مینواخت وابونصر فراهی را درمدح او قصاید بسیار است و مدرسه سرحوض را در سیستان او پی‌افکند وکتابخانه این مدرسه یکی از کتابخانه‌های معروف سیستان بوده است(۱۵۲)[۸۸] .

**ملوك پادوسیان** : هنگام ورود عرب بایران فرمانروای مازندران وطبرستان مردی‌بود بنام‌گیل‌گاوباره . این‌مرد دلیر باعرب به ستیز برخاست و اعلام سلطنت‌کرد . پس‌از او سلطنت به دابویه رسید. پسر گیل‌گاوباره که پادوسیان نامداشت ، با دابویه نساخت و برسر سلطنت با یکدیگر بنزاع برخاستند ، پادوسیان حکومت مازندران را به دابویه واگذاشت و خود بطبرستان رفت ودرآنجا فرمانروائی‌کرد . سلطنت پادوسیان در رستمدار بسال چهلم از هجرت آغاز میگردد واز این دودمان سی‌وپنج تن بسلطنت رسیده‌اند وتا سال (۸۸۱) با استقلال فرمانروائی داشته‌اند .

اهمیت وارزش حکومت مستقل این دودمان از نظر فرهنگ وادب زبان فارسی وحفظ سنن ایرانیان بدان لحاظ است‌که ازسال چهلم هجرت آغاز میگردد و مدت هفت قرن دوام داشته و در حقیقت حکومت ایشان پایگاهی برای‌نگاهبانی ونگاهداری زبان وفرهنگ وسنت‌های دیرین‌ایرانیان بوده است .

پادوسیان درترویج زبان فارسی سهمی بزرگ وبرجسته داشته‌اند واین دودمان را باید یکی از پاسداران فرهنگ وسنن ملی ایرانیان دانست .

**باوندیان** : این دودمان نیز که در مازندران حکومت‌کرده‌اند نخست باقیام اسپهبد باوند در ٤٥ هجری بفرمانروائی رسیده‌اند — ولاش — و — سرخاب درتحکیم مبانی حکومت باوندیان سهمی دارند واین دودمان تا سال ۳۱۸ ه . که تاریخ درگذشت شهریار پورشروین دوم آخرین باوندیان‌است فرمانروائیشان دوام داشته است.

**کاکویه‌ها :**

در همدان واصفهان تا ٤٤۸ ه. و **فریغونیان** در بلخ و جوزجانان از ۲۷۹ تا ٤۰۱ ه. و **اسپهبدگیل** از ۲۵ ه. تا ۱۱٦ سلطنت میکرده‌اند[۸۹] .

**نتیجه** : هجوم عرب برایران و عدم اطلاع و آگاهی‌گروهی از وقایع‌نگاران از رویدادهای واقعی تاریخی درگوشه وکنار ایران این توهم را پیش‌آورده است‌که نزدیك به دوقرن ایرانیان دربلاتکلیفی وانقیاد خلفا بسر برده‌اند درحالیکه حقیقت واقع جز اینست وچنانکه یادآور شدیم ازسال بیست‌وپنجم هجری **پورگیلانشاه** درطبرستان و رویان علم استقلال برافراشت

و درناحیه دیگر مازندران **اسپهبد باو** در سال چهل‌وپنجم هجرت و **دابویه پورگیل** در ٥٦ وپادوسیان در چهلم هجری وبه تبعیت آنان پس‌از چندی صفاریان وسامانیان بویهیان وزیاریان و . و . و . پرچم استقلال برافراشتند وبمرور بنفوذ بیگانگان پایان دادند .

طرح این مسأله برای گروهی غیرمترقبه و باورنکردنی است‌که ادبیات و فرهنگ ایران پس از دوران اسلامی متعلق بخود ایرانیان است وعرب را درآن سهمی‌نیست و وجودگویندگان ونویسندگان ودانش‌پژوهان قرن سوم وچهارم هجری برپایه واساس افکار وآثارگویندگان قرون قبل‌از آنست . اینك درمی‌یابیم که برخلاف تصور شکاکان در قسمتی از ایران در بیستمین سال هجرت قیام علیه بیگانگان آغاز شده بوده وبرای حفاظت وصیانت زبان و فرهنگ ایران از دستبرد حوادث پناهگاهی امن وامان بوجود آمده بوده است .

آیا قابل قبول است‌که حکومت وسلطنتی از بیستمین سال هجرت در مازندران درویان وطبرستان با استقلال فرمانروائی‌کند ولی فاقد خط وزبان باشد؟! آیا این دودمانهاکه دربخش اعظمی ازشمال ایران حکومت میکرده‌اند درسال بیستم هجری بخط‌کوفی دفترها ورسائل حکومتی خودرا مینوشته وتنظیم میکرده‌اند ؟! آیا درسالهای بیست تا چهل هجری خط‌کوفی یا مدنی یا مکی درخارج از حوزه عربستان هم رواج یافته بوده است؟! آیا این ملوك وفرمانروایان‌که قهراً با فرهنگ وادب پهلوی وپارتی آشنائی داشته‌اند (بدلیل وجودکتیبه‌های پهلوی دربرجهائی درمازندران از جمله برج‌گنبد لاجیم ورسگت) باشعر وسرود دوران پیش‌ازاسلام بیگانه بوده‌اند؟! وآیا یکباره وناگهانی در زمان صفاریان ویا سامانیان شعرخلق‌الساعه باآنهمه عظمت وبزرگی وبلاغت و فصاحت پدید آمده بوده است ؟!

تحقیق عمیق دراینگونه مطالب ومسائل به‌بسیاری از مجهولات میتواند پاسخ مستدل‌دهد ومارا به‌عظمت وارزش‌فرهنگ جهانی وفروغ‌بخش ایران رهبری وهدایت‌کند واین واقعیت وحقیقت را برملا وآشکار سازدکه ایرانیان از دیرباز درعلوم ودانشهای‌گوناگون صاحب آثار ونظر بوده‌اند ووجودکتابخانه‌های عظیم در دوران قدیم بحثی نظری وتخیلی نبوده وهمین سنت دربوجود آوردن‌کتابخانه‌های بسیار و بی‌شمار دوران پس از اسلام وهم‌چنین تأسیس وایجاد مدرسه‌ها اثری مستقیم وغیرقابل انکار داشته است.

## نکاتی چند درباره کتابخانه‌های مدارس قدیمه

با اینکه درصفحات پیش برای رفع هرگونه شبهتی یادآورشدیم که کتابخانه‌ها جزء لاینفك مدرسه‌های قدیمی بوده است بهمان نسبت که

محراب ومنبررا بامسجد همبستگی غیرقابل تفکیك است ، بهمین‌نظر با ذکر مدرسه‌های مهم وبزرگی‌که ازآنها نام ونشان بجامانده ازکتابخانه‌های‌آن نیز یادمی‌کنیم. بطوریکه‌نویسنده استنباط‌کرده‌است امکان‌داردآن‌توضیح‌مختصر برای دسته‌ای ازعلاقمندان بتاریخچه کتابخانه‌ها مقنع ومکفی نبوده باشد و بنابراین لازم دانست توضیحات بیشتری بدهد تا رفع هرگونه شبهت ازاین واقعیت بشود .

چنانکه درآغاز این تاریخچه آورده‌ام تا قرن اخیر هیچگونه اثر مستقل وجداگانه‌ای در زبان فارسی و یا عربی درباره‌کتابخانه‌ها ومدارس قدیمه ایران تألیف وتنظیم نیافته بوده است . تنها دربرخی ازتاریخچه‌های محلی و تذکره‌ها واحیاناً تاریخ دودمانها بشرح حال بانیان مدارس و یا کتابخانه‌ها مختصر اشارتی رفته است . وبهمین علت وجهت وسبب شرح مستند ومستدل ومستوفی ازچگونگی اداره وسازمان‌کتابخانه‌ها ومدرسه‌ها در دست نیست وپژوهندگان ومحققان باید با امارات وقرائنی‌که از لابلای آثار مختلف بدست میآید ازآن اشارات ونشانه‌ها مطالبی استدراك واستنتاج کنند . درباره مدرسه‌های قدیمه ایران این نکته قابل‌توجه است‌که برای مدارس‌کتابخانه جزء لاینفك آن بوده است همچنانکه مدّرس برای آن اجتناب‌ناپذیر می‌نموده‌کتابخانه نیز از وسائل ولوازم ضروری ایجاد وبنیاد هرمدرسه‌ای بوده است .

کسانیکه همت بتأسیس وبنیاد مدرسه‌ای می‌گماشتند لازم می‌بودکه چهار اصل را برای ایجاد یك مدرسه درنظر بگیرند :

۱ – ساختمان مدرسه

۲ – تعیین مدرسان ورزیده ونامور

۳ – تهیه کتاب وتأسیس کتابخانه

٤ – اختصاص موقوفاتی‌که از محل درآمد آن بتوانند هزینه‌های مدرسه را ازقبیل پرداخت حق‌التدریس – حقوق مستخدمان وماهانه یا سالانه مختصری برای‌کمك خرج طلاب وسوخت وروشنائی ومانندآن‌را تأمین‌کند. بانی هر مدرسه یکنفر متولی تعیین میکرد ورونق و شکوه و ترقی و تعالی هرمدرسه موقوف به همت ومجاهدت وعلاقه متولی آن بود . وجودکتابخانه درمدرسه‌های قدیمه حقیقتی است روشن ومبیّن‌که برای اهل اطلاع وبینش نیاز بدلیل وحجّت ندارد ، آنچنانکه : «آفتاب‌آمد دلیل آفتاب» . بااینهمه از لحاظ آنکه این‌حقیقت و واقعیت بوضوح بیان‌گردد و برای آندسته از کسانیکه برای هر حقیقتی مدرك وسند میخواهند جای بحث باقی نگذارد چند مورد مستندرا بعنوان دلیل ونمونه ومستوره ازهزار مورد ارائه‌میدهم.

۱ – یاقوت حموی در معجم‌البلدان ۹کتابخانه متعلق به ۹ مدرسه
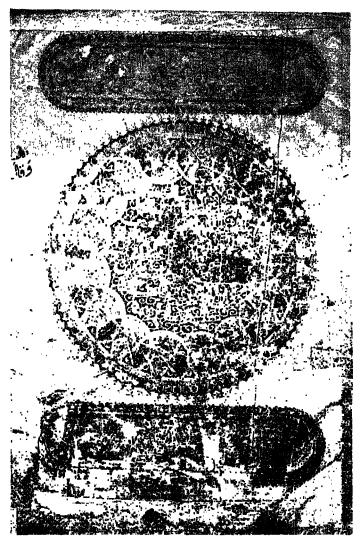
**ترنج پشت جلد کتاب ذخیره خوارزمشاهی که برای کتابخانه محمدبن پهلوان نوشته شده‌است (متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی)**

درشهر مرو را ذکر میکند ونمیتوان تصور کردکه یاقوت حموی که باعتراف خود از برخی از کتابهای این کتابخانه‌ها استفاده کرده است جعل مطلب کرده باشد .!!

کتابخانه‌هائی راکه یاقوت حموی برمی‌شمارد همه متعلق بمدرسه‌هائی است که اکثر بانیان آنرا هم ذکر میکند بنابراین نمیتوان در واقعیت آن

شك وتردید کرد زیرا اگر وجود کتابخانه‌ها درمدارس قدیمه جزء لاینفك آن نبوده است پس چگونه ۹ مدرسه درمرو همگی کتابخانه داشته‌اند ؟

کتابخانه‌هائیکه یاقوت یاد میکند بدین‌قرارند : ۱- کتابخانه مدرسه عزیزیه‌که ۱۲ هزار جلدکتاب داشته است! ۲- کتابخانه مدرسه‌کمالیه ۳- کتابخانه مدرسه شرف‌الملك ٤- کتابخانه مدرسه نظام‌الملك (حسن‌بن اسحق) ٥- کتابخانه مدرسه عمیدیه ٦- کتابخانه مدرسه مجدالملك ۷- کتابخانه مدرسه خاتونی ۸- کتابخانه خانقاه ضمیریه ۹- کتابخانه خاندان سمعانی .

گذشته از این ۹ کتابخانه‌که یاقوت حموی در شهر مرو صورت میدهد کتابخانه‌های متعدد مدارس دیگری نیز هست که به سند ومدرك ازآنها ذکرشده وبرای پرهیز از تطویل کلام بذکر ۹ باب کتابخانه مدارس دیگر در یك عهد وزمان که در شهر ری بوده است وهم‌چنین ۹ باب دیگر ازآنها درقرون مختلف می‌پردازیم :

عبدالجلیل قزوینی صاحب کتاب‌النقض بمناسبتی ضمن بیان مطلبی از مدرسه **رشید رازی** در شهر ری مینویسد : « هرروز ختم قرآن ومنزل صلحاء وفقهاء **هست و کتب خانه‌ها دارد**»[۹۰] بطوریکه ملاحظه میشود ومتن کتاب‌النقض نیز حاکی‌است بیان واظهار واعلام کتب‌خانه مدارس بنابمناسبتی است نه‌آنکه قصد مؤلف کتاب درواقع معرفی کتابخانه‌های **مدارس ری درعهد او باشد** وهمین اشاره وسند ما را به حقیقتی رهبری میکندکه نوشته‌کتاب تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار نیز مؤید ومکمل آنست .

ابن‌اسفندیار درآغازتاریخ طبرستان مینویسد: «**روزی دردارالکتب مدرسه شاهنشاه غازی** رستم‌بن علی‌بن شهریار درمیان‌کتب جزوی چند یافتم درذکر گاوباره نبشته ...»[۹۱] بطوریکه خوانندگان ارجمندملاحظه میفرمایند ابن‌اسفندیار نیز منظورش شرح وبیان ومعرفی‌کتابخانه مدرسه شاهنشاه غازی نیست بلکه شرح بدست آوردن اسنادی مخطوط در بارگاه گاوباره است . بنابراین باستناد این دوسند معتبر که هریك بمناسبتی **از کتابخانه دو مدرسه** از مدرسه‌های شهر ری در یك عهد وزمان یادکرده‌اند **میتوان با حجّت وقاطعیت تمام گفت که مدرسه‌های دیگر شهر ری درهمان زمان** بشرحی‌که در زیر معرفی میکنم همه کتابخانه داشته‌اند : ۱- **مدرسه وزانیان** که بانی‌آن وزین‌الملك ابوسعد هندوی قمی بوده‌است[۹۲] ۲- مدرسه **زیدیان** ۳- مدرسه محمد **قطب‌الدین‌راوندی**[۹۳] ٤ - مدرسه **سلطانمحمد** از مستحدثات سلطانمحمد ملکشاه‌سلجوقی[۹٤] ٥ - **مدرسه کوی فیروزه** ازساخته‌های پادشاهان‌سلجوقی[۹٥] ٦ - مدرسه **فقیه علی‌جاستی** بکوی اصفهانیان شهر ری‌که خواجه میرك آنرا بناکرده بود واز مدارس مشهور ومعروف عهد سلطان ملکشاه سلجوقی بوده است[۹٦] ۷ - مدرسه **عبدالجبار مفید** که درزمان سلطان برکیارق برای‌شیعیان

احداث گردیده بود وشهرت آن تا بدان‌پایه بوده‌است که چهارصد نفر طالبعلم از نقاط مختلف جهان برای کسب معرفت ودانش بدان روی آورده‌بوده‌اند[97]
۸ – **مدرسه خواجه شرف مرادی** که بنوشته ابن‌اسفندیار جز مدرسه خانقاهی نیز ساخته بوده‌است[98] ۹ – **مدرسه شاهنشاه غازی** . از مستحدثات رستم‌بن علی‌بن‌شهریار پنجمین پادشاه باوندیان ازملوك طبرستان که درمحله زامهران ری بوده‌است وابن‌اسفندیار شرحی‌مبسوط از چگونگی **این مدرسه وکتابخانهٔ** آن بدست میدهد که به‌تفصیل درجای خود آورده خواهد شد . اولیاءالله درتاریخ خود (تاریخ رویان) ومرعشی درتاریخ طبرستان نیز ازاین مدرسه یاد کرده‌اند[99] .

اینك بمعرفی ۹ باب کتابخانه دیگر درنقاط مختلف ایران که متعلق بمدارس بوده است می‌پردازیم .

۱ – بطوریکه درکتاب تاریخ بدایع‌الزمان وتاریخ کرمان آمده‌است مدرسه جامع گواشیر کتابخانه‌ای بسیارمهم ومعظم داشته‌است وبنای این‌مدرسه از مستحدثات ملك محمد سلجوقی از سلجوقیان کرمان بوده است .

۲ – کتابخانه مدرسه رکنیه یزد بنوشته جامع مفیدی[100] .

۳ – کتابخانه مدرسه بوطاهرخاتونی درساوه بنوشته قزوینی درآثار البلاد وعبدالجلیل قزوینی درالنقض[101] .

٤ – کتابخانه مدرسه قطبیه کرمان بنوشته صریح ناصرالدین منشی درکتاب سمط‌العلی للحضرةالعلیا[102] .

۵ – کتابخانه‌های مدرسه‌های نظامیه دربغداد ، هرات ، اصفهان .

٦ – کتابخانه مدرسه فاضلیه مشهد مقدس: بانی این‌مدرسه شادروان فاضل‌خان ملقب به علاءالملك تونی بوده است که مدرسه خودرا بسال ۱۰٦۰ هجری پی‌افکنده وبنا بنوشته کتیبه موجود در سردر مدرسه اتمام آن بسال ۱۰۷۵ دردوران شاه‌عباس ثانی‌بوده‌است[103] . مطلع‌الشمس به‌نقل‌ازسیاحتنامهٔ فریزر انگلیسی مینویسد که کتابهای کتابخانه مدرسه فاضلیه در حدود هفتاد هزارتومان ارزش داشته است!! باید توجه داشت که هفتاد هزارتومان پول زمان فریزر نزدیك به هفتصد هزارتومان امروز است وازاین میزان ومعیار میتوان باهمیت وارزش کتابهای‌آن کتابخانه پی‌برد (شرح مفصل این کتابخانه در صفحات آینده بموقع خواهد آمد) .

۷ – کتابخانه مدرسه میرزاجعفر درمشهد مقدس که تا سال ۱۳۱۲ کتابهای آن موجود بود . این مدرسه نیز ازبناهای دوران صفویه بوده است وکتابهای آن بشرحی که درموقع خود خواهد آمد بکتابخانه مدرسه نواب مشهد منتقل گردیده است .

۸ – کتابخانه مدرسه نواب مشهد : بانی این مدرسه بنابنوشته کتیبه

موجود سردر مدرسه نواب مستطاب عمدةالسادات میرزا صالح نقیب رضوی بوده که در زمان سلطنت شاه‌سلیمان صفوی مدرسه را با سرمایه خود بنیاد نهاده است وتاریخ بنای آن ۱۰۸۶ هـ. است . مطلع‌الشمس شرح حال اورا بدست میدهد . میرزا صالح نوّاب پس‌از اینکه بنای مدرسه بپایان رسیده کتابخانه قابل‌توجهی نیز ترتیب داده وتاخودش زنده بوده است کتابهای بسیار نفیسی خریداری ووقف[۱۰۴] مدرسه کرده بودکه‌شرح‌مفصل‌این‌کتابخانه بجای خود خواهد آمد .

۹ – کتابخانه مدرسه اسفندیاربیك میرشکار در شوشترکه وقف‌نامهٔ آن درتذکره شوشتر آمده است[۱۰۵] .

بطوریکه خوانندگان ارجمند ملاحظه میفرمایند ۹ مورد درباره کتابخانه‌های مدارس قدیمه «فقط» در یك شهر مرو در یك‌زمان و ۹ مورد هم ازکتابخانه‌های مدارس شهر ری در یك عهد وزمان و۹ مورد هم از مدرسه‌های مختلف درقرون مختلف نمونه بدست دادیم . ضمناً درپیرو این موارد بایدگفت بهترین‌سند ودلیل ومدرك وشاهد مستند موجودکتابخانه‌های مدارس قدیمه امروز هستندکه ازگذشته بجا مانده‌اند مانند مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی در تهران و ده‌هاکتابخانه مدارس قدیمه در شهرستانها که درباره هریك ازآنها بموقع خود دراین تاریخچه بیان مطلب خواهد شد واز تکرار مطلب دراینجا خودداری میشود .

اینك نویسنده با دردست بودن اینهمه قرائن وامارت مستند می‌پرسد که ، آیا جای شك‌وتردید باقی‌میماندکه مدارس قدیمه ایران‌دارای‌کتابخانه بوده‌اند ؟

بطوریکه پیش‌از این‌گفته شد وجودکتابخانه در مدارس قدیمه با توجه‌بفلسفه وجودی‌آن‌که به‌تفصیل بیان میکنیم حقیقتی‌غیرقابل انکاراست.

باید متذکر بودکه اهم وسیله برای تحصیل دانش‌کتاب است وبدون کتاب نمیتوان هیچ دانش و علمی را فراگرفت و چون عمر صنعت چاپ در ایران از دویست سال تجاوز نمیکند بنابراین قدر مسلم اینست‌که پیش‌از رواج صنعت چاپ‌کتابها همه خطی ودست‌نویس بوده است ، کاغذ نیز قبل‌از اینکه‌کارخانه‌های جدید تعبیه وساخته شود ازچین میآمد ویا ازمحصولات کارخانه‌های دستی معدود ومحدود اصفهان – سمرقند – بخارا وبغداد تأمین میگردید وچون محصول‌کارخانه‌های دستی بسیار ناچیز بود بهای‌آن بناچار گران می‌بود وهمه‌طبقات نمیتوانستند ازآن استفاده‌کنند. جای‌تأسف وتعجب است‌کسانیکه میخواهند درباره‌گذشته قضاوت‌کنند معیارسنجش وبینش‌خودرا عصرحاضر قرار میدهند !

دانشجویان و باصطلاح دوران‌گذشته طالبعلمان ازکسانی بودندکه

دست از زخارف دنیوی فرومی‌شستند وعاشقانه بفراگرفتن‌دانش می‌پرداختند، این گروه که عمر خود را فقط وقف دانش‌اندوزی میکردند بکار دیگری اشتغال نداشتند که ممّر معاش داشته باشند وبتوانند با درآمد حاصله از آن مبلغی برای تهیه کاغذ جهت رونویس کردن و یا احیاناً خرید خودکتاب اختصاص بدهند . با توجه باین حقایق خیراندیشان و دانش‌پروران ایران برای آنکه علاقمندان دانش وفرهنگ بتوانند با فراغبال به‌تحصیل بپردازند از اواخر قرن سوم هجری (تا آنجاکه نام ونشان در دست است) بایجاد مدارس درجنب مساجد همت گماشتند (واین نیز دلائل وعلل متعدد داشت) باری . بانیان اینگونه مدرسه‌ها از نظر اینکه دانش‌پژوهان در ازای صرف عمرخود نتیجه‌ای‌حاصل کنند درمدرسه‌ها وهم‌چنین‌مساجد حجراتی میساختند تا آنانکه ازشهرهای دور دست ویا دیها برای فراگرفتن علم میآمدند بدون جا ومکان نباشند وبادراختیار گرفتن‌اتاقی برای مطالعه وبیتوته‌آنهم درجوار وکنارمدرسه ازاتلاف وقت وتحمل هزینه زندگی مصون بمانند . دیگرآنکه، برای هردانش‌پژوهی که درمدرسه پذیرفته می‌شد مقرری ماهانه ویا سالانه‌ای ازمحل درآمد موقوفه‌ای که به‌مدرسه اختصاص داده شده بود تعیین میکردند تا طلبه‌ها قادرباشند بامختصر درآمدی که دراختیارشان گذاشته می‌شد قوت لایموتی فراهم کنند و بدرس وبحث بپردازند و برای آنکه دانشجویان از مهم‌ترین وسیله تحصیل بی‌نیاز شوند کتابخانه‌ای هم درمدرسه ترتیب میدادند ونوع کتابهای هرمدرسه بستگی بچگونگی ونحوه تدریس وتحصیل درآن مدرسه‌را داشت . چه‌بسا درمدرسه‌ای علم طب وفلسفه وکلام درس گفته می‌شد وبنابراین کتابهای کتابخانه بیشتر ازاین‌نوع علوم‌بودند واگر درس الهیات وفقه واصول ومعقول ومنقول بودکتابها نیز درآن زمینه‌ها بودند . بانی مدرسه برای‌کتابخانه مدرسه کتابهائی تهیه و آنرا وقف مدرسه میکرد . هم‌چنین مردان خیراندیش ودانش‌دوست زمان هم وصیت میکردند که کتابهایشان وقف طلاب شود . هم‌اکنون نویسنده میتواند بیش از پنجهزار جلدکتاب نشان بدهدکه پشت هریک‌ازآنها جمله «وقف برطلاب مدرسه فلان» ثبت شده‌است. آیا مفهوم وقف‌کتاب برطلاب مدرسه جز اینست که کتاب وقف کتابخانه مدرسه شده است ؟

حال اگر درگذشته کسی متذکراین‌مطلب نشده ویاباستقلال تألیفی دراین‌باره تدوین نیافته باید این حقیقت را انکار کرد وگرد این تحقیق نگشت ؟

طرح تحقیق درباره کتابخانه‌های مدارس قدیمه وکتابخانه‌های خصوصی وشخصی دراین‌کتاب متضمن نکته قابل‌توجه دیگری نیز هست‌که بازگوکردن آن‌را دراینجا بمورد وبجا میداند .

کتابخانه‌های متعلق بمدارس ویا افراد واشخاص درقرون گذشته چه‌بسا که بیش‌از چند صد جلدکتاب نداشته‌اند لیکن توجه باهمیت وارزش اینگونه‌کتابخانه‌ها از نقطه‌نظر کیفیت است نه‌کمیت ونویسنده باتوجه باهمیت موضوع که توضیح داده میشود بذکر آنها دست یازیده است . باید توجه داشت‌که فراهم آوردن سیصد یا چهارصد جلدکتاب خطی‌کاری بسیار مهم وارزنده‌بوده‌است زیرا بهائی که‌برای‌خریدچهارصدجلدکتاب‌دستنویس‌پرداخت می‌شده حداقل معادل بهائی است‌که امروز برای خرید پنجهزار جلدکتاب مطبوع داده می‌شود. باید بیاد داشت‌که مثلاً درقرن پنجم وششم مگرچه‌تعداد تألیف وتصنیف در رشته‌های مختلف در ایران انجام‌گرفته بوده است که انتظار داشته باشیم مثلاً کتابخانه بلعمی یا سمعانی یا غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی ده هزار جلدکتاب میداشت تا در مقیاس امروزی آنرا در شمار کتابخانه‌های مهم بشمار آوریم !!؟

اهمیت وارزش وجودی صدهاکتابخانه درقرون‌گذشته زمانی‌بخوبی تجلی وخودنمائی میکندکه تحقیق‌کنیم وتوجه داشته باشیم‌که مثلاً در قرن پنجم هجری در اروپا بزرگان وامراء ویا مدارس آنجا آیا اساساً کتابخانه داشته‌اند ؟ این حقایق را نباید بدست فراموشی بسپاریم . نویسنده افتخار میکند ومباهی است براینکه پدرانش درقرون‌گذشته این چنین با علم ودانش مأنوس بوده و در سراسرکشور عزیزش در هرگوشه وکنار ده‌ها مدرسه و دارالعلم وکتابخانه وجود داشته‌است ودانشمندان وبرگزیدگان عمرخودرا در راه تحقیق وتتبع وفرهنگ وادب مصروف میداشته‌اند . وتصور نمی‌کنم هرایرانی غیور ومیهن‌خواهی جز این بیاندیشد ؟

با توضیحی‌که داده شد رجاء واثق داردکه بدبین‌ترین افراد نیز براین حقیقت واقف ومعترف باشندکه مدارس قدیمه ایران دارای‌کتابخانه بوده‌اند .

نکته دیگری که یادآوری آنرا بمورد میداند اینکه بسیاری از خانقاههای ایران‌که بصورت دانشگاههای عرفان زمان بوده است‌کتابخانه داشته‌اند مانندکتابخانه خانقاه ضمیریه‌که یاقوت حموی متذکر آنست ویا کتابخانه شیخ ابومسعود که ذکرآن به تفصیل‌گذشت وبرهمین اساس ومبنا وقرائن وامارات دراین تاریخچه متذکرکتابخانه چندتن از مشاهیر مشایخ وزعمای صوفیان وعارفان نیز شده‌است .

**۱۵۳ –کتابخانه مدرسه سلطانمحمد سلجوقی دراصفهان :** سلجوقیان در ری و اصفهان بناهای بسیار ساختند و در ترویج علم ودانش درآغاز سلطنتشان مساعی وافی وکافی بکاربردند ثمره‌کوشش ومجاهدت وبذل‌توجه وعنایت‌آنان اوج فرهنگ‌وهنر دردوران فرمانروائی ایشان بود. سلطانمحمد

آرامگاه شاه علاءالدوله سمنانی بنام صوفی‌آباد سمنان - سالها این ساختمان مرکز تجمع دانش‌پژوهان وعارفان ایران بود

سلجوقی دراصفهان مدرسه‌ای عظیم ساخت و برای‌آن کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورد واین مدرسه سالیان دراز بصورت دانشگاهی اسلامی درتربیت وپرورش دانشمندان وطالبعلمان نقش برجسته وبزرگ ایفا کرده است.

حَمَد مستوفی درتاریخ گزیده مینویسد : « سلطانمحمد بغزای هندوستان رفت وجنگی سخت کرد واز بتخانه هندوستان بتی‌که مهتر بتان بود ، «سنگین» بوزن قریب ده هزار من بیرون آورد هندوان از او برابر مروارید عشری میخریدند نفروخت وگفت مردم باز گویندکه«آزر بتتراش ومحمد بتفروش!!» آن بترا باصفهان آورد و جهت خواری در آستانه مدرسه‌ای که‌**خوابگاه** سلطان‌است انداخت وامروزهمچنان[۱۰۶]هست»درگذشت سلطانمحمد را رابع عشرین ذی‌الحجه سنه عشر و خمسمایه نوشته‌اند ۵۱۱ ه . ق .

هم امروز نیز خوشبختانه قسمتی از بنای این مدرسه ومناره‌ای‌که درکنارآن بوده پابرجاست وبنابنوشته تاریخ‌گزیده گور سلطانمحمد سلجوقی نیز آنجاست . این بنا در مقابل در ورودی صحن هارون ولایت و متصل به مسجد علی قرار دارد . درضلع شمالی آن فعلاً مدرسه کوچکی است‌که ساختمان آن از نظر سبك معماری‌کاملاً به‌آثار دوران سلجوقی مانند است

وباید گفت باقیمانده قسمتی از مدرسه سلطانمحمد سلجوقی است .

باکمال تأسف این بنای تاریخی درحال انهدام وویرانی است ، مدرسه مذکور دوطبقه دارد و دورادور آنرا ایوانهای کوچکی فرا گرفته که در پشت آن حجراتی برای طالبان علم ساخته بوده‌اند . درجنوب غربی مدرسه مناره مسجدعلی قرار دارد که آنرا هم باشتباه بنام سلطان سنجر میخوانند ! !

دراین‌مکان واین‌بنا روزگاران درازمدرسه‌ای بزرگ وکتابخانه‌ای عظیم قرار داشت‌که کعبه آمال دانش پژوهان و طالبعلمان ایران وجهان بوده است .

**۱۵٤ – کتابخانه مدرسه ملکشاهی دراصفهان :** بطوریکه درکتاب تجارب‌السلف‌آمده‌است[۱۰۷] جسد ملکشاه‌را پس‌ازآنکه بسال۴۸۵ هـ . درگذشت نخست در شونیز بعاریت وامانت‌گذاشتند وپس‌ازچندی محمود پسرش کالبد اورا باصفهان آورد و باشکوهی تمام در مدرسه‌ای‌که ملکشاه بانیش بود بخاك سپرد .

**مدرسه ملکشاهی** درمحله «کران» واقع بوده و این همان مکانی است که امروز آرامگاه خواجه نظام‌الملك و دیگر شاهزادگان سلجوقی درآن قرار دارد وبنام دارالبطیخ معروف است .

متأسفانه این مدرسه عالی وبزرگ بمرور دهور دستخوش تجاوز وتصاحب قرارگرفته ودرحال حاضر تنها صحنی‌که‌آرامگاه ملکشاه – خواجه نظام‌الملك وفرزندانشان درآن باقی است باقیمانده .

مجمل‌التواریخ والقصص نیزکه بسال۵۲۰ هـ. تألیف یافته است باین موضوع اشارتی دارد ودرذکر مقابرآل‌سلجوق مینویسدکه «ملکشاه باصفهان بمدرسه‌ای‌کەساخته مدفون‌است[۱۰۸] واین‌خود سندی‌است معتبرازاینکه‌آرامگاه کنونی خواجه نظام‌الملك‌وملکشاه سلجوقی قسمتی ازمدرسه‌ای‌است‌که‌معروف ومشهور بمدرسه ملکشاهی بوده است . حمد مستوفی نیز درتاریخ‌گزیده مدفن ملکشاه را درمحله کران اصفهان ثبت کرده است .

مدرسه ملکشاهی یکی ازمدارس نام‌آور ایران درقرون پنجم وششم وهفتم بود وطلاب‌آن ممتاز واز تحصیل درآن سرافراز بودند . **کتابخانه مدرسه ملکشاهی** نیز ازکتابخانه‌های قابل توجه قرن ششم بوده‌که مرجع مراجعه دانش‌پژوهان وفقهای اسلامی بوده است .

**۱۵۵ – کتابخانه مدرسه خواجه نظام‌الملك در اصفهان (نظامیه اصفهان) :** درترجمه تاریخ محاسن اصفهان تألیف مافروخی‌که بسال ۷۲۹ وسیله حسین‌بن محمدبن ابی‌الرضا علوی انجام‌گرفته وشخص اخیرالذکر نیز خود ذیلی برآن نوشته است . در معرفی این مدرسه چنین مینویسد :

«مدرسه خواجه‌نظام‌الملك درمحله دردشت و نزدیك جامع‌بزرگ قرار داشته» ودرتوصیف آن اضافه میکند که «این مدرسه درمحله دردشت درنزدیك جامع بزرگ برمحلت دردشت بروضعی واصلی هرچه خوبتر وهیأتی وشکلی‌هرچه مرغوب‌تر درغایت رفعت ازجهت صنعت وعمل ونهایت رتبت ومنزلت وبردر آن مناری چون ستون قبه بآسمان‌کشیده ودراز وبا عیوق وفرقدان هم‌نشین وهمراز عجیب شکل ، برسه پایه آن صعود وعروج نمایند تا برکنگره وقفسه نرسند خودرا بیکدیگر ننمایند . **خرج بی‌پایان وبی‌حد برآن صرف وضیاع بی‌شمار وبی‌عدد برآن وقف ، چنانکه هرسال مبلغ ده هزار دینار محصول ومستغلات و موقوفات آن بوده** ! واکنون بکلی مستأکله بوده !!»[109]

متأسفانه امروز اثری ازاین مدرسه نیست زیرا هم‌چنانکه ابی‌الرضا علوی متذکراست درقرون ماضی موقوفات بی‌شمار آنرا ربوده‌اند وبرای محو آثار جرم بانهدام بنای مدرسه دست یازیده‌اند !

آنچه مسلم است این بنای باشکوه تا اواخر قرن هشتم زمان ترجمه محاسن اصفهان وجود داشته است بطوریکه درشرح وبیان تاریخ‌کتابخانه‌های مدرسه‌های نظامیه بغداد وهرات گذشت ، مدرسه‌هائی‌که خواجه نظام‌الملك ساخته بود همه دارای‌کتابخانه‌های بزرگ وغنی بودند وبرای تأیید این‌نظر کافی است متذکرشویم‌که : **ابوزکریا یحیی‌بن علی معروف به‌خطیب تبریزی** که درسال ٤٢١ متولد شده ودرسال ٥٠٢ در تبریز درگذشته است مدتها ریاست کتابخانه نظامیه بغداد بعهده او محول بوده است[110] . خطیب‌تبریزی از دانشمندان عالیقدرایران است وآثار او درادبیات عرب مقامی شامخ دارد. خوشبختانه ازآثار این‌دانشمند شهیرمانند : شرح حماسه — دمیةالقصر — شذرات‌الذهب نسخه‌هائی بخط مصنف ومؤلف عالیقدرآن در دست است .

**١٥٦ — کتابخانه مدرسه طغرلیه در همدان** : بطوریکه راوندی درراحةالصدور وظهیری درسلجوقنامه متذکرند سلجوقیان وخاندان‌عربشاه، درهمدان مدارس ومساجد عالی ساختند وبخصوص طغرل وفخرالدین‌عربشاه توجه خاصی بدانشمندان ونویسندگان وشعرا مبذول میداشتند . طغرل اول درهمدان مدرسه‌ای عالی بنا نهادکه بنام او **طغرلیه** نام‌گرفت .

مجمل‌التواریخ والقصص ضمن معرفی آرامگاه پادشاهان سلجوقی مینویسد : «سلطان محمدبن محمود درمدرسه سلطان طغرل مدفون است» و «سلطان طغرل‌بن محمد نیز درهمدان درمدرسه طغرلیه‌که خودش بانی‌آن بود مدفون گردید»[111] .

کتابخانه مدرسه طغرلیه ازجمله‌کتابخانه‌های مورد توجه بوده‌است.

**١٥٧ — کتابخانه تمرتاش** : «بنوارتق» خاندانی هستند منشعب از سلجوقیان ایران ، این خاندان از مروجان زبان‌وفرهنگ‌فارسی بودند واز

سال ۵۰۲ – ۸۱۱ ه . در دیار بکر فرمان راندند ، پادشاهان این دودمان درآن نواحی از حامیان دانشمندان وفرهنگ وزبان فارسی بشمارند . الب اینانج قتلغ شهاب‌الدین ابوالمظفر تمرتاش (دمرتاش – تیمورتاش) که از سال ۵٤۷ – ۵۷۵[۱۱۲] سلطنت کرده‌است یکی‌ازفرمانروایان مقتدر این‌دودمان است که بزبان وفرهنگ فارسی عشق میورزیده است وآثار بسیاری بخواهش وخواسته او از زبانهای سریانی – عربی – پهلوی – بفارسی ترجمه شده‌است. کتابخانه او ازکتابخانه‌های بنام وشهیر ایران بوده است هم‌اکنون کتابهائی درکتابخانه‌های جهان موجود است که یا بخواهش او تألیف وتصنیف گردیده ویا برای کتابخانه‌اش خطاطان استنساخ کرده‌اند ازجمله میتوان کتاب **حشائش** را یادکرد که **مهران** ایرانی که بزبان پهلوی وسریانی آشنائی داشته است آنرا برای کتابخانه این پادشاه دانش‌دوست ترجمه کرده بوده است ودرمقدمه آن چنین آورده است : « . . . در زمان پهلوان ثغور **خسرو ایران ملك دیاربکر** الب اینانج قتلغ‌بك‌ابوالمظفر . . .»

این نسخه عزیزالوجود درکتابخانه آستان‌قدس رضوی نگاهداری میشود و نسخه منحصر بفرداست . بنوارتق در۸۱۱ بدست آق‌قویونلوها منقرض گردیدند .

**۱۵۸ – کتابخانه معین‌الدین پروانه** : معین‌الدین سلیمان‌بن مهذب‌الدین علی دیلمی (پروانه) صاحب سینوب از پادشاهان پروانیان است (تیره‌ای از سلجوقیان آسیای صغیر) که درباره این دودمان درفصل گذشته به‌تفصیل سخن رانده‌ایم . معین‌الدین پروانه به دانشوران وسخن‌گستران – عارفان وپیشوایان دین وآئین اعزاز واکرامی فوق‌العاده میداشت و خود اهل فضل وادب بود . کتابخانه او ازکتابخانه‌های معروف ومورد توجه بوده است هنوزازنسخه‌هائی که‌برای کتابخانه‌او استنساخ کرده‌بوده‌انددرکتابخانه‌های ترکیه موجود ودر دسترس است.

**۱۵۹ – کتابخانه تاج‌الدین فیروزشاه بهمنی**[۱۱۳] : او هشتمین‌پادشاه بهمنی دکن است که درگلبرگه پادشاهی میکردند – پادشاهان بهمنی بادبیات وآثار زبان‌فارسی توجهی خاص داشتند وآنان را باید ازمروجان بنام ادب وفرهنگ زبان فارسی دانست ، بخصوص تاج‌الدین فیروزشاه بهمنی که شیفته ادب و فرهنگ ایران بود و غزل نیکو می‌سرود و **فیروزی** تخلص میکرد ودربارش مرکز سخنوران وموسیقیدانان بود واز اکناف ایران اهل علم ودانش بدربارش روی‌آوربودند وتألیفات‌بسیاری بنامش‌پرداخته وساخته‌اند. کتابخانه او یکی‌ازکتابخانه‌های معظم از مخطوطات زبان فارسی بوده است وهنوز درکتابخانه‌های خصوصی واختصاصی جهان کتابهای بسیاری میتوان یافت که زمانی متعلق بکتابخانه تاج‌الدین فیروزشاه بوده است . از جمله

میتوان کتاب توضیح‌الالحان راکه در موسیقی نوشته شده ومصنف آنرا بنام وبرای کتابخانه فیروزشاه تحریر وتصنیف کرده‌است یادکردکه نسخه منحصر آن متعلق بکتابخانه خصوصی آقای فخرالدین نصیری امینی است[۱۱۴] .

**۱۶۰ – کتابخانه نجم‌الدین کبری :** نجم‌الدین ابوالجناب احمدبن عمرخیوقی‌خوارزمی– ملقب به طامةالکبری که ازعارفان نامدار وعالیمقدار قرن ششم هجری است این رهبر وپیشوای ادب واخلاق مکتبی گشودکه بنام او نامزداست وتوفیق‌یافت درمکتب خاص‌خود دانشمندان ومتفکران ومربیان بزرگ وشهیر بپروردکه ازآنجمله میتوان ازمجدالدین بغدادی – نجم‌الدین دایه – سیف‌الدین باخزری – سعدالدین حموی – رضی‌الدین علی لالا – نورالدین اسفراینی یادکرد .

نجم‌الدین‌کبری از مشاهیر گویندگان اشعار عارفانه ومحققان بنام عرفان ایران است – آثار بسیار تألیف وتصنیف‌کرده است‌که باید از میان آنها تفسیرقرآن‌بروجوه عرفانی‌در۱۲ مجلد – آداب‌المریدین–رسالةالطریق وده‌ها رساله دیگر درعرفان را یادکرد .

نجم‌الدین‌کبری بسال ۶۱۸ درفتنه مغول درخوارزم شهید گشت ودرگرگانج (خیوه) بخاك سپرده شد و هنوز آرامگاهش بجاست و مطاف اهل دل است .

این عارف دانشمند مجلس درس وارشاد ترتیب میداد وباید مجلس درس اورا دانشگاه عرفان ایران خواند . این دانشمند عالیمقام برای مطالعه وارشاد شاگردانش کتابخانه‌ای قابل‌توجه داشته است . . (عکس آرامگاه این عارف عالیمقام درصفحه ۹۸ از نظر خوانندگان میگذرد) .

## هجوم مغول دوران فترت – تعطیل مدارس وکتابخانه‌ها

بررسی حمله مغول ونتایج حاصله ازآن درطی قرون پس‌از آن واقعه دراین تاریخچه ازآن رهگذر است تا بدانیم چه شدکه نام بسیاری از ازکتابخانه‌ها درقرن هشتم بفراموشی سپرده شده ویا مدارسی‌که آنهمه‌کتاب ونام وعنوان داشتند چگونه ازمیان برداشته شدند ونامشان فراموش وچراغ روشنگر دانششان خاموش شد ؟! چه شدکه آن عظمت وشکوه درپیشرفت علم ودانش‌که نمونه‌های بارز آن تألیفات وتصنیفات‌گرانقدری است‌که تعداد معدودی از آنهاهم امروز نیز در دسترس ماست دچار رکود ووقفه گشت؟ ودرخت تناور وثمرپروری‌که ببار نشسته بود بجای آنکه درقرون بعد بار وثمر بیشتر وفراوان‌تری بدهد خشك وبی‌ثمر گردید ؟

بررسی درعلل وجهات بوجود آمدن این‌وقایع واثرات وثمرات
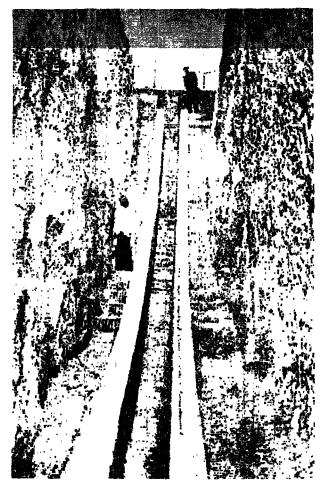
رصدخانه الغ بیك درسمرقندكه كتابخانه الغ بیك در آن‌جا دائر بوده‌است

مترتب بر آن از وظایف محقق ومورخ است .

براساس تحقیق وبررسی که از قرون دوم تا پایان قرن ششم دراین تاریخچه نسبت بفرهنگ وهنر بعمل آمد پیشرفت حیرت‌انگیزی را در رواج دانش وفرهنگ وپدید آمدن کتابخانه‌ها وتأسیس دانشگاهها بما نشان داد وبراین پایه انتظار میرفت که ازقرن‌هفتم وهشتم نتایج درخشان‌تری ازاعتلای فرهنگ وهنر چشم داشته باشیم وکتابخانه‌های غنی‌تر وبیشتری را بشناسیم وبرشماریم ؟ لیکن باکمال تأسف وتأثر باتحقیق درآثار این دوقرن خلاف آنرا درمی‌یابیم وبجای پیشرفت وترقی رکود وفترت وتعطیل می‌بینیم .

پس‌از بررسی تاریخی چنانکه خواهد آمد مستحضر و آگاه میشویم اثرات نامطلوب وقایع از نیمه قرن ششم تا نیمه قرن هفتم که منجر به‌ویرانی دانشگاهها - مدارس - کتابخانه‌ها وپراکندگی دانشمندان ونابودی ومحو حوزه‌های علمی گردید نه‌تنها برای آن دوقرن دوران فترت واختناق فراهم آورد بلکه درقرنهای‌نهم ودهم به‌بعد نیز آثارناگواری بجای‌گذاشت وموجب رکود معنوی وعلمی و هنری‌گردید و با توجه باین سرآغاز خوانندگان ارجمند توجه میفرمایندکه بچه علت وسبب حمله مغول وعلل بوجود آمدن آن فاجعه را مورد تجزیه وتحلیل قرار داده‌ایم .

تحقیق عمیق ودقیق درباره حمله مغول وعلل‌وجهات و نتایج مترتب ازآن ازحوصله این مقال بیرون است لیکن بطور اختصار میگوئیم که :

از اواسط قرن ششم هجری تشتت ونفاق جایگزین یگانگی واتفاق شده بود وازطرفی حکومت‌های محلی درگوشه وکنار دست تعدی وتجاوز بیکدیگر می‌گشودند ودراثر این عوامل عرصه مملکت میدان جنگ وستیز برای جلب منافع ومطامع سرکردگان وامرا شده بود ودر نتیجه این وقایع مزارع‌کشور در سراسر نقاط ویران‌گردید ومردم از فشار ظلم وتعدی ازپای درآمدند تاآنجاکه همه منتظر ظهوروبروز بلائی آسمانی شدند تا بدان‌وسیله آنهمه‌فساد وتباهی‌را درهم نوردند ولوث‌زمین‌را ازشروجودگروهی‌خودکامه وطماع پاك ومبرّا سازند!!

مطالعه وبررسی وقایع از ۵۵۰ تا ۶۱۲ هـ. ق. بما نشان میدهدکه مردم سراسر خراسان ، ماوراءالنهر - عراق وقسمتی از فارس وآذربایجان درطی شصت سال ، هرسال چه مظالم وفجایعی را تحمل میکردند وچگونه شهرها دراثر تهاجمات بی‌جا دچار ویرانی وخرابی وقحط غلا میگردید ، درطی آن شصت سال چنانکه خواهیم‌گفت‌گروهی بی‌شمار طعمه شمشیر تیز وقحطی و وبا شدند ودرحقیقت با مطالعه این وقایع توانگفت‌که :

چنگیز خونریز هنگامی بایران لشکرکشیدکه دیوارها فرو ریخته وموانع برداشته شده وکشور بلادفاع مانده بوده است . اکنون وقایع شصت ساله قبل‌از هجوم مغول را باختصار مرور وبررسی میکنیم تا باحقایقی تلخ از آنچه‌گفتیم وبرشمردیم آشنا شویم .

راوندی در راحةالصدور درپایان کار دولت سلجوقیان سخن از چگونگی **نهب و غارت دارالعلم‌ها وکتابخانه‌ها** بمیان میآورد و وقـایعی بر می‌شماردکه هرطالب علم ودانش‌پژوهی را ازشنیدن آن موی برتن سوزن میگردد !! وبرآن همه فجیعت وفضیحت خون دل میخورد !

درغارت **فارس** بدست سواران ولشکریان اتابك پهلوان مینویسد :

« . . . شنیدم‌که میان‌نهب‌ها وآنچ ازغارت فارس آورده‌بودند جامه خوابی

باصفهان ازبار برگرفتند کودکی دوسه ماهه مرده ازمیان جامه‌خواب بدرافتاد! وهم‌چنین دیدم که **مصاحف و کتب وقفی که ازمدارس ودارالکتب‌ها غارت**[115] **کرده بودند در همدان به نقاشان میفرستادند و ذکر وقف محو میکردند** ونام والقاب آن ظالمان بر آن نقش میزدند وبه یکدیگر تحفه‌می‌ساختند»[116].

آنچه بعنوان نمونه از پایان دوران حکومت سلجوقیان آوردیم اعمالی بود که از عمّال حکومت سرمیزد درسال ٥٤٨ هـ. **غزان** دراثر فساد دستگاه حکومت آنچنانکه راوندی میگوید[117] بماوراءالنهر وخراسان تاختند وفجایعی ببارآوردند که کم از وقایع فتنه مغول نبود .

راوندی ماجرای غارت مرو ونیشابور را بدست غزان شرح میدهد که شمه‌ای از آن را برای آگاهی از وضع نامطلوبی که **برای دانشمندان وعالمان ومدارس وکتابخانه‌ها** پیش آمده است دراینجا میآوریم :

« . . . غزان مرو راکه دارالملك بوده . از روزگار چغری‌بیك وچندین‌گاه ، بذخایر ودفاین وخزاین ملوك و امرای دولت آکنده بود ، سه روز متواتر می‌غارتیدند . اول روز زرینه وسیمینه وابریشمینه ، دوم روز – برنجینه ، روئینه ، آهنینه ، سوم روز – افگندنی وبالش‌ها ونهالی‌ها وخم وخمره **ودر وچوب !!** بردند . واغلب مردم شهر را اسیر کردند وبعداز غارت‌ها عذاب میکردند تا نهانی‌ها مینمودند . برروی زمین و زیرزمین هیچ نبگذاشتند»[118] .

ودرباره غارت ونهب نیشابور مینویسد : « . . . پس روی به‌نشابور نهادند وچندانك عدد ایشان بود سه‌چندان اتباع لشکر بدیشان پیوست . . . اغلب خلق زن ومرد واطفال در مسجد جامع منیعی گریختند ، غزان تیغ درنهادند وچندان خلق را درمسجد کشتند که کشتگان درمیان خون ناپیدا شدند ، **مملکت افاضل هلاك اراذل بود** . چون شب درآمدی مسجدی برطرف بازار بود آنرا مسجد مطرز گفتندی . مسجدی بزرگ که دوهزار مرد درآنجا نمازکردی وقبه‌ای عالی داشت منقش ازچوب مدهون کرده وجمله ستونها مدهون . آتش درآن مسجد زدند وشعله‌ها چندان ارتفاع گرفت که جمله شهر روشن شد . تا روز بدان روشنی غارت میکردند واسیر می‌بردند . چند روز بر درشهر بماندند وهرروز بامداد بازآمدندی . . . واسیران را شکنجه میکردند وخاك در دهان می‌آگندند تااگرچیزی دفن کرده‌بودند می‌نمودند . اگرنه می‌مردند . درشمار نیاید که دراین چند روز چند هزارآدمی بقتل آمد. وجائی که شیخ **محمد اکاف** که مقتدا و پیشوای مشایخ عالم وخلف وسلف صالحین بود ومثل **محمد یحیی** که سرور ائمه عراق وخراسان بود . ایشان‌را به شکنجه بکشتند وبدهانی که چندین سال مطلع علوم ومنبع احکام بوده‌باشد چنین کنند برکسی دیگر چه ابقا رود[119] خراسان از آن ناکسان خراب شد

وتابش با عراق داد . . . چون غزان برفتند مردم شهر را به سبب اختلاف مذاهب حقاید قدیم بود . هرشب فرقتی از محلتی حَشَر میکردند وآتش درمحلت مخالفان میزدند تا خرابه‌هاکه از آثار غز مانده بود اطلال شد وقحط ووبا بدیشان پیوست تاهر که ازتیغشکنجه جسته‌بود به‌نیاز بمرد . . . . درشهری چون **نشابور آنجاکه مجامع انس ومدارس‌علم** ومحافل بود . مراعی اغنام‌ومکامن وحوش وهوام‌شد **وباجمله‌بلاد خراسان همین‌معامله کردند**»[۱۳۰]

باید گفت صدمات ولطماتی که غزان بخراسان و ماوراءالنهر وارد آوردندکم از بلای خانمانسوز مغول نبود . متأسفانه درباره هجوم وحشیانه غزان بایران‌آباد و خراسان عروس جهان‌که مصر ایرانش خوانده و نیل مکرمتش نامیده‌اند آنچنانکه بایسته وشایسته است تحقیق نشده ونتایج حاصله ازآن هجوم نامیمون مورد بررسی قرار نگرفته است ، غزان از آنجا که مردمی بیابان‌گرد ووحشی بودند بااورباب علم وادب بخشونت رفتار میکردند ونمونه بارز این اعمال وحشیانه آنان رفتاری است‌که با امام محمد اکاف وامام محمد یحیی کرده‌اند .

اعمال ناهنجار این گروه‌که چون سیلی مخرّب وبنیان‌کن سالی‌چند خراسان و ماوراءالنهر را درخود فروکشید و آثار معمور را برانداخت وکتابخانه‌ها ومدارس را دستخوش آتش وفنا ساخت ودانشمندان را بخاک وخون‌کشید وطالبعلمان را پراکنده وآواره‌کرد نه‌آنچنان است‌که دراین مختصر بتقریر وتحریرآید وجای بسط مقال باشد .

پس‌ازاین‌وقایع ناهنجار نباید اعمال سلطان‌محمد خوارزمشاه را هم در لشکرکشی‌هایش بعراق و دیگر نقاط از نظر دور داشت . راوندی در راحةالصدور تحت عنوان «مستولی شدن خوارزمشاه به مملکت عراق **وذکر ظلم‌ها وشرح غارت‌کردن او ولشکرش**» فصلی مفصل دارد ودرآنجا مینویسد : « . . . خوارزمشاه چهارم ماه رجب سنه تسعین و خمسمایه با عراقیان بدارالملك همدان رسید وبرتخت نشست وعراقیان‌را خواروخاکسار داشت وبالهای عراق بکلی برداشت واثر آبادانی نگذاشت ولشکر از دیه‌ها خاك برمیگرفتند»[۱۳۱] .

باتوجه بوقایع ناگواری‌که طی سالهای یاد شده برشمردیم سرانجام باید ازجور وظلمی‌که بمردم درطی آن شصت سال میرفته است یادکرد . راوندی تحت عنوان «ذکر جور وظلمی‌که درعهد مصنف درعراق میرفت» ازنوائب ومصائب مردم سخن میگوید ونمونه را از آن توصیف، سطری‌چند برای مزید فایدت میآورد :

**« . . . وعلما را چندان افتاد ازاین بنیادکه هیچ را زبان‌گفتار نماند وچون علمارا حرمت نماندکس بعلم‌خواندن رغبت نمی‌نمایدودرشهور**

سنه ثمان وتسعین وخمسمایه درجمله عراق کتب علمی واخبار وقرآن به‌ترازو می‌کشیدند ویك من به‌نیم دانگ میفروختند و قلم ظلم و مصادرت برعلما ومساجد ومدارس نهادند وهمچون از جهودان سرگزیت ستانند درمدارس از علما زر میخواستند لاجرم ملك سرنگون شد وجمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی رحمةالله در وصف جهان واهل این روزگار ، خوش قصیده‌ای گفته است :

الحذر ای عاقلان زین وحشت‌آباد الحذر
الفرار ای عاقلان زین دیو مردم الفرار

. . . . . . . . .

. . . . . . . . .

چند سختی با برادر ای برادر نرم شو
تا کی آزار مسلمان ای مسلمان شرم‌دار

آخر اندر عهد تو این قاعدت شد مستمر
درمساجد زخم‌چوب‌ودرمدارس گیرودار»

بطوریکه دراین مختصرآوردیم واوضاع واحوال شهرهای مختلف ایران را قبل از هجوم وحشیانه مغول بطور نمونه نشان دادیم دانستیم‌که مردم شهرها و دیه‌ها قبل‌ازآنکه چنگیز بایران بتازد چگونه طی شصت‌سال عرصه‌تاخت‌وتازهای وحشیانه وخانه‌برانداز بوده . مردم مرو ، بخارا ونیشابور وری واصفهان وهمدان بروزگار سیاهی نشسته بودند . مدارس تعطیل وکتابخانه‌ها دستخوش آتش وعلما ودانشمندان‌کشته واسیرشده یا از ترس متواری وآواره‌گشته‌اند .

در چنین اوضاع و احوالی تشتت ونفاق برسراسرکشور فرمـــان میرانده ، قهروغضب الهی «بگفته خود چنگیز» ومعتقدات مردم آنزمان چون صاعقه‌ای مرگبار ونابودکننده برسراسر این‌کشور پهناور فرود آمده وشهرها را یکایك با خاك یکسان وآدمیزادگان وحتی چرندگان را بکام مرگ فرو می‌برده است این‌صاعقه مرگ‌زا از هرجا میگذشته درسرراه خود گورستانی خاموش وویران بجا میگذاشته است .

آنچه را مغول درهجوم خودبایران وارد کرد نه آنچنان است‌که بتوان به‌بیان آورد موجزترین ودرعین‌حال‌کامل‌ترین توصیف همان است‌که درجهانگشای جوینی آمده است «بردند وکشتند وسوختند» .

چه بسیارکتابهائیکه اثر دانشمندان ومصنفان ومتفکران ایران بود وبا صرف قرنها عمر مردم دانش‌پژوه بوجود آمده بود دراین حمله وهجوم نسخ معدود ومحدود آن ازمیان رفت وحتی امروزهم نام ونشانی از آنها بجا نیست !
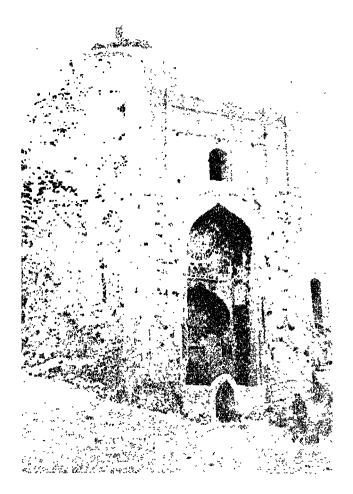
آرامگاه شیخ ابوسعید ابوالخیر درشهر مهنه - خانقاه او دانشگاه عرفان بود

آثار برجسته مدنیت ایران طی هزاران سال همان آثار مخطوط (دستنویس) علمی وادبی بود . مختصر آثاری که از نهب وغارت وحریق و نابودی مغول امروز برای ما بجای مانده در برابر آنچه بوده است ، یك ازهزار ومن ازخروار است .

لطمه‌بزرگی‌که ازاین‌تهاجم وآشوب بایران واردآمد ، برهم‌ریختن وپراگنده‌شدن مراکزومجامع علمی بودکه دانش‌پژوهان وعلاقه‌مندان بدانش وفرهنگ طی قرنها با بذل مال فراوان فراهم آورده بودند . این مراکز همه درهم‌کوبیده و نابود شد و مردمی انگشت‌شمار از صدها مراکز علمی ودانشگاههای بزرگ ایران توانستند با فرار، جان سلامت‌بدربرند وهم‌اینان بودندکه‌کوشیدند باردیگر مشعل فروزان فرهنگ وادب فارسی را درنقاط دیگر ایران برافروزند وما را امروز ازآن بهره‌ور سازند .

# دو پناهگاه امن برای دانشمندان و سخنوران ایران

چنانکه گذشت هجوم نابهنگام وبلای جهانسوز مغول مراکز علمی ایران را که بیشتر در ماوراءالنهر وخراسان وهمدان و ری قرار داشت، دستخوش نابودی وفنا کرد. اما درهمان هنگام پادشاهان سلجوقی روم که در حقیقت پادشاهانی ایرانی بودند و بزبان فارسی سخن میگفتند به جلب دانشمندان متواری از نقاط مختلف ایران پرداختند ودرنتیجه شهرهای روم مانند: **قونیه** - **ارض‌الروم** - **ارزنجان** مرکز تجمع دانشمندان وعارفان ودانش‌پژوهان گردید وهمین امر سبب شد که در آنجا بنیان مدرسه‌ها وخانقاههای بسیار گذاشته شود.

پادشاهان آسیای صغیر چون **سلطان علاءالدین کیخسرو سوم سلجوقی** و **رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم سلجوقی**[۱۴۲] وهم‌چنین **معین‌الدین محمدبن معین‌الدین سلیمان پروانه** که درناحیه سینوب وسامسون حکومت داشت[۱۴۳] ازدانشمندان وعلماء وعارفان با اعزاز واکرام فراوانی پذیرائی میکردند وبه‌همین‌مناسبت هنگام سیطره‌مغول‌درایران - درقونیه وارض‌الروم دانشمندانی چون مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی - شیخ صدرالدین قونوی - شمس‌الدین‌محمدتبریزی - اوحدالدین کرمانی - فخرالدین‌عراقی - شمس‌الدین ماردینی - سید برهان‌الدین محقق ترمذی وده‌ها تن دیگر از دانشمندان گرد آمده بودند که هریك درمدرسه ویا خانقاهی بارشاد وتدریس اشتغال داشتند.

در یکی ازهمین مدرسه‌هاست که فخرالدین عراقی نزد صدالدین قونوی آثار محیی‌الدین عربی‌را میخوانده وبرآن شرح معروف خود را نوشته است.

همین‌زمان دراین‌مراکزعلمی کتابهای بسیار بخصوص دررشته عرفان وادب وتاریخ برشته تحریر درآمده است، چنانکه میدانیم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مجلس درس داشته ودرخانقاه خود **کتابخانه‌ای** از آثار بزرگان ادب وعرفان بخصوص آثار منظوم ومنثور شیخ فریدالدین عطار وسنائی غزنوی برای مطالعه پیروان خود فراهم آورده بود که امروز نیز نمونه‌هائی از آن درکتابخانه‌های قونیه دیده میشود (۱۶۱).

همین هنگام در دمشق وحلب نیز دانشمندان ایرانی مجتمع بوده‌اند چنانکه درشرح حال مولانا شمس‌الدین محمد تبریزی ومولانا جلال‌الدین

محمد بلخی میخوانیم[۱۲۴] . که این دوتن مدتها برای تحصیل معرفت دردمشق بسر برده‌اند . **کتابخانه حلاویه** حلب نیز دراین‌زمان شهرتی داشته است واین کتابخانه درمدرسه حلاویه بوده‌که درمسجد بازار درجوار جامع میان شهر حلب قرار داشته است[۱۲۵] .

خطه فارس نیزکه دراثرحسن‌تدبیر ودرایت **سلغریان** از خطرانهدام و نابودی در فاجعه مغول مصون مانده بود **پایگاه دومی** برای دانشوران وطالبعلمان بشمار میآمد .

چنانکه شمس‌الدین قیس رازی شاعر ونویسنده ومحقق ومؤلف المعجم فی‌معائیر اشعار عجم درکتاب خود متذکر گردیده از برابر مغول گریخته وپس‌از اندك توقفی در ری چون آنجا را هم ناامن دیده به شیراز آمده ودرپناه حمایت سلغریان مجدداً به تألیف‌کتاب کم‌نظیر خود توفیق یافته است .

## کتابخانه‌های دوران مغول

گرچه تدبیر **سلغریان** خطه فارس را ازنهب وغارت مغول در امان داشت ، لیکن هیچگونه اطلاع دقیقی ازکتابخانه‌های فارس ازآن دوره در درست نداریم .

**اتابك سعدبن زنگی** چندین مدرسه ومسجد بنا ساخت وچند مدرسه و مسجد را هم تعمیر اساسی‌کرد برطبق اصول میتوان اظهارنظرکرد که مدرسه‌های دایر درشیراز وسایر شهرهای فارس‌کتابخانه‌هائی نیز داشته است وبایدگفت اگر از میراث آثار ادبی وعلمی قرون قبل‌ازهجوم مغول درایران امروز کتابهائی در دست داریم ، این کتابها بیشتر کتابهائی است که درخطه فارس و روم‌که ازآسیب وفتنه مغول برکنار بوده‌اند باقی مانده‌اند .

از دوران حکومت اولاد چنگیز درایران پس‌از اینکه حکومتشان رنگ وفرهنگ ایرانی بخودگرفت چندکتابخانه معظم ومعتبر می‌شناسیم‌که بذکر آنها می‌پردازیم :

**۱۶۳ — کتابخانه رصدخانه مراغه :** حمدالله مستوفی درتاریخ‌گزیده و **میبدی** درکشکول خود درشرح ساختن رصدخانه مراغه نوشته‌اند :

«**هلاکوخان** پس‌ازتسخیربغداد به**خواجه‌نصیرالدین توسی** مأموریت داد رصدخانه بزرگی بسازد وزیج ایلخانی را بنیاد نهد» .

اما حقیقت اینست‌که مغولان به‌اخترشناسی وپیشگوئی اخترشناسان توجهی خاص داشتند وخواجه نصیرالدین توسی بااستفاده ازموقعیت وتوجه وعلاقه هلاکوخان باین امر اورا تشویق وترغیب کرد تا جائیکه توفیق یافت فرمان ساختن رصدخانه مراغه را ازاو بگیرد .

هلاکوخان مغول برای تأمین هزینه ساختن رصدخانه ونیازمندیهای

آن درآمد موقوفات ایران را دراختیار خواجه نصیرتوسی گذاشت تا یک‌دهم آنرا بدین مصرف برساند .

خواجه نصیرالدین توسی درمقدمه زیج ایلخانی مینویسد :

« هلاکو ، همدان را قهرکرد وبغداد را بگرفت وخلیفه را برداشت وتاحدود مصر را بتصرف آورد وآنانکه یاغی بودند نابود ساخت ، هنرمندان را بانواع صلت‌ها بنواخت وبفرمود تا هنرهای خودرا بازنمایند ورسم‌های نیکو بنهاد واین بنده نصیر را که توسیم وبولایت همدان افتاده بودم ازآنجا بیرون آورد ورصد اختران فرمود ودانشمندانیکه فن ودانش رصد میدانستند چون : مؤیدالدین‌العرضی که بدمشق بود وفخرالدین مراغی که بموصل بود وفخرالدین اخلاطی که به تفلیس بود ونجم‌الدین دبیران که بقزوین بود از آن ولایات بطلبید وزمین مراغه را رصد اختیار کردند وبفرمود تا کتاب‌ها از بغداد وشام وموصل بیاوردند» .

بنابراین به تصریح خواجه‌نصیرالدین دررصدخانه مراغه کتابخانه‌ای نیز بنیاد نهادند ودرعظمت این کتابخانه مطالبی هست که واقعاً اعجاب‌آور وشگفت‌انگیز است وباید گفت کتابخانه مراغه یکی از بزرگترین کتابخانه‌هائی بوده است که در ایران پس‌از اسلام بوجود آمده وترتیب یافته بوده است.

کتابخانه مراغه‌را درحقیقت باید وارث‌چندین کتابخانه عظیم‌دانست که درشام وجزیره وموصل وبغداد والموت وسمرقند وبخارا ومرو وقزوین وساوه ونیشابور بوده ومغول باقیمانده آنهارا غارت کرده بوده است .

جرجی‌زیدان مینویسد: «قسمت مهم کتابهای آن کتابخانه (رصدخانه مراغه) ازکتابخانه‌های شام وبغداد وجزیره بوده که در فتنه تاتار غارت شده وعدد آنرا بالغ برچهارصد هزار جلد گفته‌اند» .

ابن‌العبری مینویسد: درآن کتابخانه کتابهائی وجودداشت که ازمنابع مختلف چینی ، مغولی ، سانسکریت ، آشوری ، عربی ، ترجمه ودردسترس استفاده دانشمندان رصدخانه قرار میگرفت .

تاریخ بنیاد کتابخانه ورصدخانه مراغه را درتاریخ گزیده وهم‌چنین زیج ایلخانی ٦٥٧ هـ. نوشته‌اند ودرهمان سال ساختمان رصدخانه وکتابخانه بپایان رسیده است .

کتابخانه مراغه تاسال ٧٣٦ که سلطان ابوسعید بهادرخان‌بن محمد خدابنده وفات یافت وجود داشته و پس‌ازوفات ابوسعید که درقلمرو ایلخانان تجزیه رخ داد وترکان آق‌قویونلو و آل‌جلایر پدید آمدند وهرچندگاه برآذربایجان دست می‌یافتند بمرور کتابخانه مراغه بتاراج‌رفت وهریك ازاین سلسله‌ها سهمی ازآن برگرفتند . نسخه‌ای ازآثار خواجه نصیرالدین توسی بخط خودش موجود است که تعلق بدرصدخانه داشته وزمانی در تصرف سلطان

احمد جلایر بوده است وسپس بکتابخانه الغبیك رفته ودرپشت‌جلد نخست آن خط سلطان احمد جلایر والغبیك هست که مالکیت‌کتاب را بایشان نشان میدهد .

**دانشگاههای ایران پس‌از دانشگاههای نظامیه**

پس‌از ویرانی وخرابی مغول ایرانیان برای تجدید فرهنگ وادب وعلوم خود باردیگر بپا خاستند ودراین راه دانشوران بنامی چون : خواجه نصیرالدین توسی – خواجه رشیدالدین فضل‌الله – خواجه غیاث‌الدین محمد طی‌مدت هشتادسال **درایران پنج حوزه علمی وتاریخی وادبی بوجودآوردند** که این حوزه‌ها گذشته ازاینکه دانشمندانی درهریك از رشته‌های مورد بحث پرورش دادند بتألیف وتصنیف‌کتابهای ارزنده‌ای درعلوم مختلف نیز کمك ومساعدت‌کردند و درطی مدت هشتاد سال‌کتابهای بسیاری درفنون تاریخ ونجوم وریاضی وادبیات برشته تحریر درآمد وباردیگر پایه‌واساس فرهنگی نو گذاشته شد .

این‌پنج حوزه علمی ودانشگاهی‌را میتوان به‌ترتیب زیرمشخص‌کرد:

۱ – **مسجد بی‌سقف علیشاه** که اختصاص به‌تدریس ادبیات وتاریخ داشته ودرآنجاکتابخانه بزرگی برای تدریس وتحصیل طلاب ادب وتاریخ فراهم آورده بودند (۱٦۳) .

۲ – **شنب غازانی** که اختصاص بعلوم داشت وآنرا باید ازبزرگترین مراکز علمی ایران دانست (۱٦٤) .

۳ – **ربع رشیدی** که خواجه رشیدالدین فضل‌الله پزشك و مورخ وادیب دوره ایلخانی آنرا درکنار تبریز بنیاد نهاد وشرح مفصل آنرا بعد خواهیم آورد .

٤ – **رصدخانه مراغه** که بهمت وسرپرستی خواجه نصیرالدین توسی بنیادیافت ودرآن علوم ریاضی ونجوم تدریس‌می‌شد وکتابهائی نیز بهمکاری دانشمندان رصدخانه تألیف یافت . (شرح‌کتابخانه این رصدخانه‌گذشت) .

٥ – **حوزه علمی سلطانیه** که بنیان آنرا **غازان‌خان**گذاشت وسلطان محمد خدابنده آنرا بپایان رسانید **ودراین حوزه هفت مسجد بزرگ بودکه هریك مدرسه‌ای داشتند ودارالشفاء نیز داشته وکتابخانه‌آن ازکتابخانه‌های معروف ومشهور دوران ایلخانیان است**(۱٦٥) .

**۱٦٦ – کتابخانه ژنده‌پیل :** ابونصر احمدبن ابی‌الحسن نامقی‌جامی معروف به ژنده‌پیل متولد سال ٤٤۱ هـ. ودرگذشته بسال ٥۳٤ – ومدفون درجام. عارفی بنام وسخنگوئی عالیمقام است .

این‌عارف‌بیداردل درزمان حیات‌محضرش قبله‌گاه عاشقان‌وپس‌ازممات آرامگاهش مطاف دلسوختگان و طالبان وادی حقیقت وعرفان بوده است .
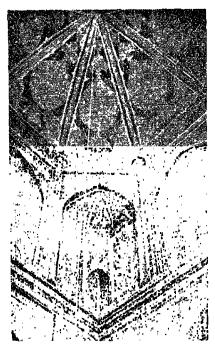
نمای بیرونی و درونی آرامگاه پهلوان محمود قتالی درخیوه
قتالی ازعارفان صاحب مکتب بوده وخانقاهش که امروز آرامگاه اوست مجمع دانشوران بود

**شیخ جام** دردوران زندگی خانقاهی داشت که عاشقان حق را راهنمائی وارشاد میکرد وپس ازاینکه بجوار رحمت ایزدی پیوست درهمان خانقاه بخوابگاه ابدی آرمید .

درخانقاه او که **مدرسه‌ای** برای اهل دل بوده است **کتابخانه‌ای** وجود داشته واینك ما ازکتابهائی که بر **کتابخانه آرامگاهش** وقف‌شده‌بوده است آگاه میشویم ازجمله میتوان ازتفسیر گرانقدر ابوبکر عتیق‌بن محمد نیشابوری سورآبادی هروی یادکرد که درعهد سلجوقیان میزیسته‌است[۱۳۶].

ابوبکر عتیق تفسیرش را بسال ٤٨٠ بپایان آورده بود این‌تفسیر نفیس اکنون درچهار مجلد درموزه ایران باستان نگاهداری میشود که تا سال ۱۳۱٦ درکتابخانه آرامگاه شیخ قرار داشته است[۱۲۷] . درصفحات اول هریك از مجلدات چهارگانه شیخ‌الاسلام ابوالفتح محمدبن شمس‌الدین مطهربن نامقی جامی آنرا بکتابخانه آستانه شیخ ژنده‌پیل درنیمه رجب سال ٦٥٤ هـ . وقف کرده بوده‌است واین اثر نشان میدهد که تا سال ٦٥٤ کتابخانه آستانه ژنده‌پیل دائر وبرقرار بوده است[۱۲۸] .

**۱۶۷ – کتابخانه مدرسه فخرالدین ابوبکـر در شیراز** : امیر فخرالدین ابوبکربن ابونصر حوایجی از وزرای اتابك ابوبکربن سعدبن زنگی بوده است ، او یکی ازمردان بادرایت ووزرای باکفایت سلغریان بود ، در علّو همت وسخا وکرم ونیکخواهی برای مردم و رعایت وتربیت اهل دانش وفضل وایجاد واحداث آثار وابنیه خیر بی‌نظیر بود ومانند نداشت ، تاریخ وصاف شمه‌ای از اعمال وافعال نیك این وزیر را درتاریخ خود آورده ومورخان دیگر نیز آنرا تأییدکرده‌اند[۱۲۹] . ودر مورد میزان ومقدار آن متذکراند که در زمان او (۶۹۹ هـ . ق) «ازاشخاص رقبات خیر وآنچه امروز معمور ومزیّن است ومراسم **درس وتلقین** ووعظ و تذکیر درآن معین وذخایر املاك که درسلك وقیفه کشیده هنوز زیادت از سی‌هزاردینار زر رایج درسالی ارتفاع آن است باوجود تغلب و تعدی بیگانگان وفساد وتصرف فرزندان[۱۳۰]» .

مدرسه او بنام مدرسه ابونصر ویا ابوبکر درشیراز مدتها مجمع ومحفل تربیت دانشوران می‌بود و **کتابخانه** آن ازکتابخانه‌های معتبرشیراز بشمار میرفت ، کرم وسخا ودانش‌پروری این وزیر با تدبیر مورد ستایش شیخ‌سعدی قرارگرفته وازاو درمقدمه گلستان جاویدانش پس از ستایش ابوبکروپسرش سعد بعداز تبجیل وتعظیم چنین یاد میکند «دیگر عروس فکر من از بی‌جمالی سربرنیاورد ودیدهٔ یأس ازپشت‌پای خجالت برندارد ودر زمره صاحبدلان متجلی نشود مگرآنگه که متحلی گردد بزیور قبول امیرکبیر عادل . . . »

**۱۶۸ – کتابخانه شمس‌الدین محمد جوینی** معروف بصاحبدیوان : ازوزرای دانشمند ودانش‌پرور ایران است واورا باید یکی ازکسانی دانست که دراحیای خرابیهای دورهٔ مغول وبخصوص ترویج زبان وادب فارسی کوشش ومجاهدتی بسیار کرد وتوجه او بدانشمندان وسخنوران وتعظیم وتکریم ازایشان باردیگر سبب احیای مدارس وگرمی بازار فضل‌وهنر گردید ، این‌وزیرکم‌نظیربراثردسائسی درچهارم شعبان سال ۶۸۲ درنزدیکی اهر بفرمان ارغون خان مغول شهید شد ، ترجمه کامل وجامع او درمقدمه جلد اول جهانگشا آمده است[۱۳۱] .

برای معرفی اوهمین بس‌که شیخ اجل سعدی قصایدی غـّرا وشیوا درستایش او سروده و ۲رساله از شش رساله شیخ درباره روابط او با شمس‌الدین محمدجوینی‌است وهم‌چنین‌رساله‌ای ازشیخ بنام‌رساله‌صاحبدیوان یا صاحبیه بنام این وزیر مزیّن است .

این وزیر فضل‌دوست ودانش‌پرور **کتابخانه‌ای** عظیم فراهم‌آورده بودکه پس‌از شهادتش دستخوش تاراج وغارت‌گردید، هنوز درکتابخانه‌های

بزرگ جهان نسخه‌هائی که برای کتابخانه این وزیر کم‌نظیر استنساخ شده بوده است بیادگار مانده ونمونه را نسخه‌ای از کتابخانهٔ آصفیه دکن که بسال ٦٤٠ هـ . تحریـــر یافته و کتابی است در علم موسیقی و ادوار معرفی میشود .

درپشت برگ نخستین کتاب درترنجی زیبا چنین نوشته است « . . . من کتب المحدثین من بعدهم . . . خزانة الموالی الصاحب الاعظم . . . بشمس الاسلام و المسلمین مالك ازمة العلوم و آلاداب الموالی الصاحب الاعظم العادل المؤید المظفر المنصور صاحب السیف والقلم ملك الملوك الوزراء شرقاً وغرباً وقرباً باصلاح العالمین . . . المعالی صاحبدیوان الممالك وشمس الدین بهاء الاسلام محمدبن محمد الجوینی.»

**١٦٩ – کتابخانه عطا ملك جوینی** : عطاءالله فرزند بهاءالدین محمد ملقب به علاءالدین عطاملك جوینی ، برادر شمس الدین محمد جوینی است. او نیز درعهد هلاکو واباقاآن وتکوداراز (٦٥٧-٦٨١) وزارت بغداد وعراق عرب وخوزستان را داشت او نیز بدسائس مجدالملك یزدی مورد غضب هلاکو قرار گرفت لیکن با تدبیر ووساطت خواجه نصیرالدین توسی از مهلکه نجات یافت وتا سال ٦٨١ هـ . زندگی کرد ودرنزدیکی دشت مغان درگذشت ودر گورستان چرنداب تبریز مدفون شد ، این وزیـــر مانند برادرش بدانش‌پروری وتکریم دانشمندان شهره آفاق بود درادب وتاریخ ازاستادان مسلم است وبهترین سند این مدعا تاریخ جهانگشای اوست .

با شیخ اجل سعدی مناسبات خصوصی ودوستانه داشته وشیخ سعدی درقصائدی چند مراتب دانش وفضل اورا ستوده است ازجمله :

هزار دستان برگل سخن‌سرای چو سعدی
دعای صاحب عادل علاء دولت ودین را
وزیر مشرق ومغرب امیر مکه و یثرب
که هیچ ملك ندارد چنو حفیظ وامین را
ایا رسیده بجائی کلاه گوشه قـــدرت
که دست نیست بر آن پایه آسمان برین را
گـــر اشتیاق نویسم بوصف راست نیاید
کاز اشتیاق چنانم که تشنه ماء معین را
تو قدر فضل شناسی که اهل فضلی و دانش
شبه فروش چه داند بهای دُرِّ ثمین را

ودر بیان نویسندگی وقدرت قلم او میفرماید :

چو بر صحیفه املی روان شود قلمش
زبان طعن نهـــد بر بلاغت سحبان

ودرمقام دانش‌پروری این وزیر سخن‌شناس کافی است گفته شود که شیخ اجل شهرت و معروفیتش را مدیون توجه وعزت برادران صاحبدیوان میداند ومیفرماید :

اگر نه بنده‌نوازی از آنطرف بودی
من این شکر نفرستادمی بخوزستان
مرا قبول شما ، نام در جهان گسترد
مرا بصاحبدیوان عزیز شد دیوان

تاریخ جهانگشا از آثار مستند و گرانقدری است که وقایع اززمان خوارزمشاهیان را تا سال ٦٥٨ دربردارد عطاملك همچون برادرش برای مطالعه وتهیه مآخذ ومدارك جهت تألیف حنیفش کتابخانه‌ای بسیار گرانبها بوجود آورده بود .

**١٧٠ – کتابخانه مدرسه‌عضدی‌شیراز :** این‌مدرسه‌ازمستحدثات‌ترکان خاتون‌دختراتابك‌یزد قطب‌الدین‌محمودشاه وزن‌سعدبن‌ابوبکربن‌سعدبن‌زنگی ممدوح‌شیخ‌اجل‌سعدی‌بوده‌است ودرآنجا اتابك‌سعدبن‌ابوبکرواتابك‌محمدبن سعد وترکان خاتون واتابك ابش‌خاتون مدفون شدند ، این مدرسه بنائی بسیار رفیع وعظیم بوده وقسمتی از آثار آن‌که هم‌اکنون بجا مانده نشانه‌ای از عظمت بنای آن در دوران عمران وآبادیش است . این مدرسه نیز کتابخانه‌ای داشته است ، دانش دوستی وخیرخواهی او موجب شد که شیخ سعدی اورا در دوقصیده مدح گفته است . (عکس‌ص١٠٥)

**١٧١ – کتابخانه ربع رشیدی – تبریز :** یکی ازکتابخانه‌های‌نفیس وگرانقدر ایران کتابخانه ربع رشیدی بوده است ، کتابخانه ربع رشیدی‌را باید یکی از **کتابخانه‌های بزرگ ومهم عمومی** وکم نظیر ایران و جهان بشمار آورد ، بانی این کتابخانه بزرگ یکی ازرادمردان و دانشمندان بنام ایران است وبجاست دراین تاریخچه ازشرح حال واحوال بنیان‌گزار این‌کتابخانه عظیم به تفصیل گفتگو شود .

خواجه رشیدالدین فضل‌الله فرزند عمادالدوله ابوالخیر همدانی کسی است که جدش با خواجه نصیرالدین توسی در دژ اسماعیلیان که در قهستان واقع بود بسر می‌برد و پس از فتح آنجا بدست هلاکوخان مغول بخدمت هلاکو درآمد .

رشیدالدین فضل‌الله جوانیش را در همدان به تحصیل دانش و بخصوص علم طب گذرانید وسپس بعنوان پزشك بدستگاه اباقاآن راه یافت وتاوزارت غازان‌خان ارتقاء مقام گرفت و آنگاه دردوران سلطنت اولجایتو وابوسعید بهادرخان نیز وزیر بود سرانجام بفرمان ابوسعید شهید گردید .

از آنجائیکه غازان خان بتاریخ علاقه مفرط داشت به رشیدالدین

فضل‌الله مأموریت داد که تاریخ مغول را بنویسد : خواجه رشیدالدین فضل‌الله که بزبانهای – ترکی – مغولی – عربی آشنائی داشت با استفاده از منابع مغولی تاریخ غازانی را نوشت و سپس بدستور الجایتو به تدوین وتألیف جامع‌التواریخ رشیدی که یکی از منابع مهم وقابل اعتماد تاریخ عمومی وبخصوص تاریخ دوران مغول است پرداخت .

خواجه رشیدالدین‌فضل‌الله‌یکی‌ازفضل‌دوست‌ترین‌وزرای ایران‌است‌وبا اینکه خود نویسنده و محققی عالیمقام بود ، معذالك شهرت اورا باید مدیون توجه وعلاقه مفرطش به تیمار خاطر علما و دانشمندان و عارفان دانست ، او با ثروت سرشاری‌که داشت **کتابخانه‌ها ومدرسه‌ها** دارالشفاها – خانقاه های بسیار ساخت ومستغلات فراوانی برآنها وقف‌کرد . بسرمایه اودانشمندان درنقاط مختلف‌کشورپهناورایران به‌تحریروتألیف‌وتصنیف‌آثار بسیاری پرداختندکه امروزهریك ازآنها جزومفاخرعلمی وادبی بشمارند .

**درمکاتب رشیدی** که مجموع نامه‌های اوست . نامه‌ای میخوانیم‌که بفرزندش امیرعلی حاکم بغداد نوشته واورا موظف ساخته است برابر فهرستی که داده برای پنجاه‌ویك‌تن از فحول علما و مشاهیر زمان امثال ، قاضی عضدالدین ایجی – عبدالرزاق کاشی ریاضی‌دان شهیر – قطب‌الدین رازی – خواجه همام‌الدین تبریزی – اصیل‌الدین‌بن خواجه نصیر توسی – قطب‌الدین شیرازی – قاضی بیضاوی انعامی راکه مقرر داشته تقدیم‌دارد[۱۳۲] ودر پایان مینویسد : « . . . براین جمله برود وعدول نجوید و چون **این ضعیف‌که خادم علمای زمان وچاکر افاضل دوران‌است مراجعت کند. ادرارات ومواجب سالیانه علماء وقضات وسادات ووظائف مشایخ وحَفَظ قرآن وحکما واطباء وشعرا وصاحبان اقلام ممالك ایران ازسرحد آمویه تا سرحد آب‌جول واقاصی مصر وتخوم روم ، چنانکه معهود بوده برقاعده قدیم داده شود ونوعی‌کندکه ایشان ازسر رفاهیت بافادت واستفادت‌مشغول گردند ومارا بدعای خیریاد کنند .»**

ربع شیدی [۱۳۳] درحقیقت شهرکی بوده‌است‌که خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله آنرا درجوار وکنار تبریز بنا کرد وبرای آن **مدرسه‌ای ساخت که کتابخانه این مدرسه** بشرحی‌که خواهد آمد یکی از کتابخانه‌های معتبر و معظم ایران بوده است ، ربع شیدی هم چنین دارای دارالشفاء ودارالسیاده بود وخواجه رشید برای آرامگاهش گنبد مجلل وزیبائی نیز طرح افکنده بوده است .

**کتابخانه مدرسه** ربع رشیدی دردوطرف بنای گنبد آرامگاه‌خواجه رشید درمدرسه رشیدی قرارداشته‌است واین ازآن جهت‌بود که رشیدالدین خواجه فضل‌الله میخواست حتی‌پس‌ازمرگ‌نیزدرکنار وجوار کتاب وکتابخانه

درخواب ابدی باشد وازشمیمه بهشتی کتاب وانفاس قدسی دانشمندان‌مستفید باشد وازجمله نفائس این کتابخانه هزار مجلد قرآن مجید بخط استادان ومشاهیر خوشنویسان خط بوده است . **علاوه براین هزارجلد ، شصت‌هزار جلد کتاب دستنویس نفیس دیگر** نیز وقف کتابخانه کرده بود که بطور اختصار بشرح‌آن می‌پردازیم .

خواجه رشیدالدین فضل‌الله دروصیت‌نامه‌ای‌که برای اطلاع مولانا صدرالدین محمد ترکه فرستاده است مینویسد « . . **.دیگر دو دارالکتب که درجوار گنبد** خود ازیمین ویسارساخته‌ام ، **ازجمله هزارمصحف** درآنجا نهاده‌ام وقف کرده‌ام برربع رشیدی وتفصیل آن بدین موجب است .

قرآن بحل طلا نوشته شده **چهارصد جلد** ، قرآن **بخط یاقوت ده جلد** ، قرآن‌**بخط ابن مقله هشت جلد** ، قرآن **بخط سهروردی بیست جلد** ، قرآن بخط **اکابر بیست جلد** ، قرآن‌هائیکه بخط خوب نوشته شده است **٥٤٨ جلد ، دیگر ، شصت (٦٠٠٠٠) هزار مجلد کتاب درانواع علوم و تواریخ واشعار وحکایات وامثال وغیره‌که ازممالك ایران وتوران ومصر وروم‌وچین وهند جمع کرده‌ام . همه را وقف گردانیدم برربع رشیدی .»**

برای نگاهداری واداره امور دارالشفاء ومدرسه وکتابخانه آن مینویسد « . . . بیست‌هزار مرغ که بدست دهاقین ورعایای قراء مواضع تبریز وسلطانیه وهمدان سپرده‌ام وقف کرده‌ام .»

خواجه رشیدالدین فضل‌الله ضمناً از نظر اینکه آثارش دستخوش حوادث ونابودی نشود از کلیه آنها بدو زبان عربی و فارسی صدها نسخه استنساخ‌کرده وبرای کلیه شهرهای ایران فرستاد تا در **کتابخانه‌های مدارس** محفوظ بمانند .

در **کتابخانه مدرسه** ربع رشیدی ازتألیفاتش نسخه‌های متعدد گذاشت و استنساخ از روی آنهار برای عامه آزاد کرد . وهم‌چنین از مجموع تألیفاتش نسخه ضخیمی فراهم آورد بنام **جامع تصنیف رشیدی** با نقشه وصور لازم وآنهارا درکتابخانه رشیدی جای داد[١٣٤] وموقوفاتی تعیین کرد تا هرسال از محل درآمد آن ازهریك ازتألیفاتش‌دونسخه بزبان‌فارسی وعربی بنویسند وبرای شهرهای بلاد اسلام جهت اهداء بدانشمندان هرسامان بفرستند خوشبختانه درجزوکتابهای نفیس کتابخانه سلطنتی ایران مجموعه رشیدی‌که شامل کلیه آثار اوست مظبوط است .

حاسدان وبداندیشان که بجاه و مـــال خواجه رشیدالدین حسد میورزیدند با انجام نقشه‌های خیانت‌آمیز ابوسعید بهادرخـــان را اغوا کردند وخون آن دانشمند عالیقدر را بناحق ریختند ودست‌بغارت وچپاول اموالش گشودند ، اوباش واراذل تبریز ربع رشیدی‌را چندروزدستخوش

آرامگاه بوعلی دقاق دربیرون شهر نسا
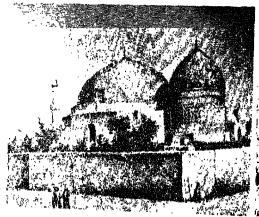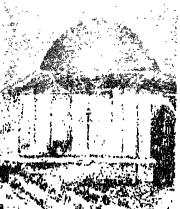
آرامگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی وشیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد

نهب وغارت قراردادند ودر آن غوغای عام **کتابخانه مدرسه** نیز بغارت و یغما رفت ونسخه‌هائی ازکتابهای بی‌نظیر آن کتابخانه که از حریق‌ونابودی مصون مانده بود درسراسر جهان پراکنده شد ونمونه را برای ابنای بشر از آن کتابخانه گرانقدر یادگارماند. شومی خون خواجه رشید دامن ابوسعید را گرفت وسرانجامی ناگوار یافت.

**۱۷۲ ــ کتابخانه صدرجهان :** صدرجهان از معاریف دانشمندان ایران است کتابخانهٔ صدرجهان معروفیت وشهرتی عالمگیر داشته ، کتابهائیکه برای کتابخانه صدرجهان استنساخ ویا خریداری کرده‌بودند همگی در پشت برگ نخستین کتاب ترنجی بسیار زیبا در زمینه طلا و لاژورد دارند و درمیان ترنج به خط تزئینی نوشته شده‌است : **العبد صدر جهان‌الحسینی** ازکتابهای کتابخانه صدر درکتابخانه آصفیه دکن نسخه‌هائی مضبوط است از جمله میتوان ازکتاب‌النصاب وفی‌حساب الوصیه تألیف سراج‌الـدین سجاوندی یادکرد که مورخ بسال ۷۶۸ است.

**۱۷۳ ــ کتابخانه صوفی‌آباد سمنان :** رکـن‌الدین ابوالمکارم علاءالدوله احمدبن شرف‌الدین محمدبن احمدبن محمد بیابانکی سمنانی از عارفان نامدار ایران است که بسال ۶۸۷ پس ازترك مقامات دیوانی انزوا گزید ودر سال ۷۲۰ در نزدیکی سمنان[۱۳۵] خانقاهی پی افکند ودر آنجا بارشاد ودستگیری‌وراهنمائی طالبان حقیقت پرداخت وآنرا صوفی‌آباد نام نهاد.

علاءالدوله سمنانی آثار بسیاری درادب وعرفان دارد که آنهارا باید از آثار فصیح وبلیغ زبان فارسی‌دانست ، این عارف نامی درصوفی‌آباد

که بنائی بس عظیم وبلندمرتبه بود برای شاگردانش کتابخانه‌ای ترتیب داد تا پژوهندگان معرفت را گنجینه‌ای گرانقدر وطالبان وادی طلب را مرجع وملجأ باشد . صوفی‌آباد برای عارفان ایران بیش ازیك قرن مرکزیت علمی داشت ودرآن عرفای نامی به‌هدایت وراهنمائی صرف عمرمیکردند. علاءالدوله سمنانی پس‌ازدرگذشت درخانقاهش بخاك سپرده شد ومزار پر انوارش مطاف اهل دل گردید . هم‌اکنون نیز آثاری ازاین بنای عظیم برجاست ویاد ازشکوه گذشته خود میکند. (عکس ص۷۲)

**امیراقبال سیستانی** یکی از شاگردان بنامش رساله‌ای درشرح حال واحوال ومناقب او نوشته که برای اهل تحقیق بسیار ارزنده است .

**نکته :** درپایان این مقال بجاست از پادشاهان **هرمز** وجزائرخلیج فارس نیز یاد کنیم زیرا آنها چند قرن از پاسداران زبان و فرهنگ واز حامیان ومروّجان ادب وسنن ایران بودند ، بخصوص دوتن ازپادشاهان نامی هرمز ، **قطب‌الدین تهمتن وتورانشاه‌بن قطب‌الدین** .

تورانشاه بن قطب‌الدین مردی بسیار فضل‌دوست بود واز ۷٤۷ - ۷۷۹ ه . باشکوه وشوکتی بسیار پادشاهی کرد و همین پادشاه شاعرپرور است که صلت‌های گرانقدر برای خواجه حافظ شیرازی میفرستاده است وخواجه نیز اورا دردوغزل مدح گفته‌است . شاهنامه‌ای نیز درتاریخ‌دودمان این پادشاهان سروده شده که متأسفانه یك نسخه بیشتر از آن بدست نیست . آنچه مسلم است این خاندان نیز کتابخانه‌هائی داشته‌اند لیکن هیچگونه اطلاعی از آن بدست نیست همین اندازه به تذکری بسنده شد .

## اثرات شوم مغول و رکود بازار فضل و ادب

دراین تاریخچه میتوان بروشنی ووضوح آثار و عواقب ناگوار حمله مغول وتاتار را مورد بررسی قرار داد . چنانکه خواهد آمد ازسال ٦۲۰ - ۸۰۰ ه . هیچگونه آثاری ازاحداث مدارس‌ودارالعلم‌ها درشهرهای خراسان بزرگ وآذربایجان وعراق نمی‌بینیم وآنچه میتوانیم درطی‌سالهای از ٦۲۰ - ۸۰۰ از این قبیل آثار نشانی درکتابها بدست آوردیم منحصراً محدودداست به فارس ویزد واحیاناً اصفهان واین نیز بدان سبب وجهت‌است که فارس به همت اتابکان سلغری ویزد ودراثر نرمش اتابکان یزد ازکشتار وخرابی مغول مصون ماندند ، شهرستان یزد با اینکه منطقه‌ای کم‌آب و کم‌جمعیت بود چون ازدستبرد وتاراج وخرابی وقحط غلا امان ماند ، مردم بی‌پناه وآواره شهرستانهای دیگـر ایران که ازتیغ خانمانسوز مغول و قتل‌عام‌های دسته‌جمعی وگرسنگی ووبا نیمه‌جانی بدربرده بودند ازاطراف

خراسان وری روی بدانجا نهادند تا آنجا که شهر یزد دیگر گنجایش پذیرائی آوارگان وپناهندگان را نداشت وبناچار مردم دراطراف باروی شهر سکنی گزیدند ومحله‌هائی نو وجدید پدید آمد ، امیر **مبارزالدین محمد مظفری** که پس از پدرش به حکومت یزد رسید ناچار شد با روی قدیمی شهر را خراب کند وباروئی بسازد که محله های‌جدید را نیز دربر گیرد وازاین زمان است که شهر یزد بسرعت روبآبادی وعمران میگذارد وشهری پرجمعیت وبزرگ میشود تاجائیکه مطمح نظر نصرت‌الدین‌شاه یحیی مظفری قرار می‌گیرد وساليان درازمقر سلطنت وحکومت او میگردد .

دانشمندان وعلما ومشاهیر وطالب علمانیکه ازاکناف ایران زنده مانده بودند بآن شهر دورافتاده وآرام روی نهاده بودند وتجمع آنان‌سبب شد که امراء ووزراء وصدور ومردمِ دانش‌دوست وخیراندیش تشویق به ساختن مدارس ودارالعلم‌ها شدند ودرطی سالهای از ۷۱۲-۸۰۰ هجری دارالعلم های بسیاری در یزد ساخته شدکه بالنتیجه این شهرکوچك بلقب دارالعلم ملقب‌گردید وبطوریکه درصفحات آینده خواهد آمد درطی‌سالهای از ٦١٢ - تاحدود هشتصد هجری ، جز دریزد هیچگونه آثاری ازتجدید حیات علمی وادبی درشهرهای خراسان وآذربایجان وعراق نمی‌بینیم .

ایلخانان جزدرتبریزوسلطانیه ومراغه که تحت عنوان دانشگاههای پنجگانه دوران مغول از آنها یادکردیم‌کار برجسته دیگری انجام ندادند .

طی‌حکومت خاندان **اینجو** درفارس ، درشیراز تنها درزمان شاه **شیخ ابواسحق** که مردی علم دوست بود مدت کوتاهی توجه بارباب معرفت وعلم مبذول گشت ونتیجه آن تألیف چندکتاب بنام شاه شیخ ابواسحق و ظهور سخنورانی شهیر چون عبید وخواجو وخواجه حافظ شیرازی شده است . متأسفانه لجاج شاه شیخ ابواسحق با حکومت امیر مبارزالدین محمد مظفری در کرمان و یزد سبب شدکه دوران حکومت این پادشاه کریم و فضل‌دوست بمبارزه ومحاربه با امیر مبارزالدین بگذرد وحاصل‌کشمکش و جنگهای هفتگانه او با امیر مبارزالدین برای اصفهان ویزد وشیرازوکرمان خرابی ببار آورد وسرانجام با دستگیری و قتل شاه شیخ به زوال دودمان اینجو پایان پذیرد .

درحکومت مظفری‌ها نیزتنها درزمان شاه شجاع که مردی‌دانشمند وشاعر ونویسنده بود توجه خاص بارباب علم وادب مبذول میگشت ودر زمان او حوزه‌های علمی اندك رونقی گرفت لیکن جدال او با برادرانش شاه محمود و برادرزادگانش نیز نمیگذاشت این مرد فضل‌دوست در راه گسترش علم ومعرفت‌ورونق‌کتاب ومدرسه ، آنچنانکه انتظارمیرفت‌اقداماتی چشم‌گیر وقابل‌توجه بعمل آورد .

دربغداد وآذربایجان نیز **شیخ اویس ایلکانی** که مردی دانشمند وهنردوست بود کوشید که هنرمندان ونویسندگان را به پایتخت های تبریز وبغداد جلب وجذب کند وتاحدی توفیق یافت وسلطان احمد جلایر نیز دراین راه بذل جهدی کرد لیکن چون مدت سلطنت وحکومت آنان دیری نپائید حوزه‌های علمی بغداد وتبریز هیچیك رونقی نگرفت .

پادشاهان **آق قویونلو** درعراق وقسمتی از آذربایجان توانستند اندك زمانی به جلب وپرورش نویسندگان وهنرمندان توفیق یابند وبنیان مدارسی بگذارند وکتابخانه‌هائی تأسیس کنندکه بجای خود خواهد آمد .

**۱۷٤ – کتابخانه مدرسه مظفریه میبد یزد :** این مدرسه ازبناهای امیر مظفر مبارزی پدر امیر مبارزالدین محمد بوده است که آنرا درحدود سال ۷۰۰ هجری ساخت ودر یزد شهرت فراوانی بدست آورد ونزدیك یك قرن مرکز علما وطلاب بود ، مدفن امیر مظفر نیز دراین مدرسه است ، کتابهای کتابخانه این مدرسه همه از کتب فقهی بوده است .

**۱۷۵ – کتابخانه مدرسه نصرتیه یزد :** شاه یحیی مظفری این‌مدرسه را در یزد بسال ۷۷۷ در جنب خانقاه و مدرسه جدش امیرمظفر ساخت وآنرا بنام خودش نصرتیه نام نهاد وبازار ودکاکین دارالطبیخ را نیز وقف برآن کرد ، پس‌ازاینکه بدست امیرتیمور خود وپسرش جهانگیر کشته شدند جسدشان را درهمین مدرسه بخاك سپردند .

**۱۷٦ – کتابخانه مدرسه اتابك یزد :** مدرسه اتابك سام وکتابخانه آن از مستحدثات اتابك یوسفشاه ، از اتابکان یزد بودکه دربیرون شهر قرار داشته وبسال ۷٤۷ که امیر مبارزالدین محمد یزد را بتصرف آورد وبرقسمتی از محلات بیرون شهر یزد از جمله براطراف باغ بهشتی وکوچه محمد جلال و کوچه دارالشفاء حصارکشید این مدرسه نیز داخل شهر یزد قرار گرفت .

**۱۷۷ – کتابخانه مدرسه صفوتیه یـزد :** سلطان محمود شاه‌بن ابومنصور سلطان قطب‌الدین کـه دخترش **کردوجین** را بعقد **قاآن‌خان** درآورد درجوار مدرسه رکنیه مدرسه‌ای عالی بسال ٦۳۷ طرح افکندلیکن عمرش کفاف آن را نداد که باتمام آن توفیق یابد همسرش این بنا را باتمام رسانید وچون با نظارت صفوت‌الدین یاقوت ترکان اتمام پذیرفت بمدرسه صفوتیه معروف شده بود . این مدرسه وکتابخانه آن از مدارس عالی وبنام شهر یزد بوده است .

**۱۷۸ – کتابخانه مدرسه رکنیه یزد :** جامع مفیدی درباره این مدرسه وکتابخانه آن چنین مینویسد : « . . . بانی آن عمارت فلك‌ارتفاع که مشهور ومعروف گشته به ام‌البقاع[۱۳٦] سلاله خاندان مصطفوی دوحه

چمن مرتضوی سید رکن‌الدین محمدحسین بوده واین عمارت برعلو همت آن جناب دلالت میکند . درگاه رفیعش رشك معموره آفاق ، ورفعت مناره او باقامت ودل‌آرائی در روی زمین طاق ، گنبد وصفه وغرفه‌های اوغرفات وشرفات جنان (را) نشانه‌ای . . . واتمام این بقعه شریفه که مضمون کلمه : «روضة من ریاض‌الجنة» درشأن او آیتی است در سنه خمس و عشرین وسبعمایه ۷۲۵ اتفاق افتاده وسبب بنای آن درمقام سیوم همین مجلد دراحوال سید رکن‌الدین محمد بانی . سمت تحریریافته ودرشهور اثنی وثلثین وسبعمایه‌که حضرت بانی بعالم جاودانی شتافت درگنبد بقعه مذکور دفن گردید واکنون اکابر واصاغر ومقیم ومسافر درآن مزار متبرك تبرك وتیمن میجویند وبپای عجز ونیاز تردد مینمایند وبجهت مطالب دارین دعا کرده شرف استجابت درمی‌یابند .

درتاریخ جدید یزد مذکور است[۱۳۷] که «حضرت سیدرکن‌الدین محمد درجنب مدرسه مزبوره کتابخانه ساخته وسه‌هزارجلد کتاب وقف طلبه علوم نمود وچندان ازقراء ومزارع وباغات ودکاکین‌وخان وطواحین وقف نموده که محاسب وهم از تعداد آن بعجز وقصوراعتراف دارد[۱۳۸] » .

**۱۷۹ – کتابخانه مدرسه حسینیان یزد :** این مدرسه از مدارس معتبر وقدیمی یزد بوده که بسال ۷۲۶ هـ . وسیله امیرشرف‌الدین حسین‌پدر امیر معین‌الدین اشرف ساخته شده ومجمع طلاب علوم دینی (شیعی) بوده وبدیهی است کتابهای کتابخانه آن نیز کتب فقه واصول وشرایع شیعی بوده است .

**۱۸۰ – کتابخانه مدرسه میرآخور یزد :** این مدرسه از مدارس زمان‌امیر مبارزالدین محمد مظفری است که میرآخور او بسال ۷۲۹ آنرا بانضمام مسجدی رفیع بساخت وکتابخانه آنرا وقف طلاب علوم دینی‌کرد.

**۱۸۱ – کتابخانه مدرسه حافظیه اهرستان یزد :** قاضی ندوشنی مولانا امام‌الدین علی معمار آنرا بدستور سلطان امیرزاده اسکندر بسال ۷۱۲ ساخته بود وچون‌آرامگاه حافظ رازی درآنجاست بنام مدرسه حافظیه نامبردار گردیده است .

**۱۸۲ – کتابخانه مدرسه غیاثیه یزد :** بانی آن مرتضی اعظم امیر غیاث‌الدین وزیر امیرشاه شیخ ابواسحق اینجو بوده است که آنرا بسال۷٤۰ بناکرده بود . کتابخانه این مدرسه نیز ازکتابخانه‌های قابل ذکراست .

**۱۸۳ – کتابخانه مدرسه شمسیه در محله چهارمنار یزد :** مرتضی اعظم ، شمس‌الدین‌بن‌رکن‌الدین بسال ۷۲۷ آنرا ساخته بود وبرآن موقوفات بسیار وقف کرده بود . این مدرسه وکتابهای آن برای شیعیان یزد وفارس بوده است[۱۳۹] .
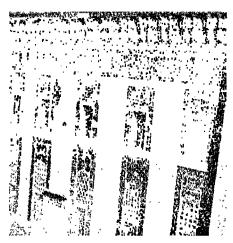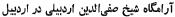
گنبد شیخ نجم‌الدین کبری در خیوه

آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل

**۱۸٤ – کتابخانه مدرسه خانقاه رشیدیه یزد :** بانی‌این‌مدرسه‌وخانقاه خواجه رشیدالدین فضل‌اللهبن ابی‌الخیر همدانی بوده است که آنرا بسال ۷۲۵ ساخته واختصاص به متصوفه و عرفا داشته است (شرح حال خواجه رشیدالدین به تفصیل گذشت)[۱۴۰] .

**۱۸۵ – کتابخانه مدرسه کمالیه یزد :** بانی این مدرسه عالی‌خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی بن‌خواجه برهان‌الدین وزیرامیرمبارازالدین مظفری بوده‌است ، دراین مدرسه جز **کتابخانه داروخانه (بیت‌الادویه) ودارالشفاء وگرمابه هم برای طلاب علوم ساخته وتأسیس کرده بودند** بنای مدرسه و کتابخانه آن همه با کاشی‌های نقاشی شده مزین بوده وبرای اداره امور آن موقوفات بسیار وقف‌کرده بودند این مدرسه بسال ۷۲۰ بنایش پایان یافته بوده است[۱۴۱] .

**۱۸٦ – کتابخانه مدرسه صفائیه یزد :** تاریخ یزد درباره این‌مدرسه وکتابخانه آن مینویسد : «مدرسه‌ای مُروج وعالی است ودرگاهی رفیع با دو منار بتکلف دارد وتمام مدرسه بکاشی تزئین دارد وزاویه و **کتبخانه** نیکو دارد . بانی آن مولانا ضیاءالدین حسین‌بن رضی‌بن مولانا شرف‌الدین علی‌است.» این مدرسه وکتابخانه آن بسال ۷۰۵ ه . ساخته شده بود[۱۴۲] .

**۱۸۷ – کتابخانه دارالشفاء شیراز :** این مدرسه که درآن علم طب نیز آموخته می‌شد و مدتها مولانا سیدشریف جرجانی عالم شهیر منصب تدریس آنرا برعهده داشته است ازمستحدثات شاه‌شجاع مظفری در شیراز بوده است که در حدود سال ۷۵۷ آنرا بنا نهاده بود[۱۴۳] .

**۱۸۸ – کتابخانه مدرسه صاعدیه مشهور به – بسحاقیه :** بانی این

مدرسه وزیردانشمند وسخنورنامور رکن‌الدین صاعد . وزیرامیرمبارزالدین و شاه شجاع بوده است که آنرا بسال ۷۶۲ بنا نهاد وچون معروف است که آرامگاه‌بسحاق اطعمه درمدرسه مذکور است به بسحاقیه شهرت‌یافته‌است.

**۱۸۹ – مدرسه غیاثیه معروف به گنبد کبیریزد :** بانی آن امیر غیاث‌الدین محمودبن قطب‌الدین سلیمان‌شاه از نزدیکان شاه‌شجاع مظفری بوده است که مدرسه را بسال ۷۸۱ بناکرده وموقوفاتی بسیار برای اداره امور آن اختصاص داده بوده است .

**۱۹۰ – مدرسه خواجه حاجی ابوالمعالی یزد :** این مدرسه علاوه برکتابخانه برای آسایش طلاب مقیم مدرسه گرمابه‌ای نیز داشته است وبانی آن خواجه ابوالمعالی‌بوده‌که آنرا بسال ۷۸۷ بناکرده بوده‌است . طنبی‌های منقش این مدرسه شهرتی داشته است[۱۴۴] .

**۱۹۱ – مدرسه ضیائیه سرپولك یزد :** خواجه ضیاءالدین محمد وزیر آنرا ساخت ودر جوارمدرسه بازارچه‌ای نیز احداث‌کرد که وقف مدرسه بود تاریخ اتمام بنای این مدرسه را ۷۸۸ نوشته‌اند[۱۴۵] .

**۱۹۲ – کتابخانه مدرسه خواجه شهاب‌الدین قاسم طراز . یزد :** خواجه شهاب‌الدین قاسم مشهور به طراز این مدرسه را بسال ۷۸۷ ساخته وبنای آن از نظر کاشی کاریهای تراش ممتاز وبی‌نظیر بوده‌است .

**۱۹۳ – کتابخانه مدرسه خانزاده خاتون یزد :** خان‌زاده دختر سلطان مبارزالدین محمد بوده است واو یکی ازبانوان فرهنگ دوست و روشن‌فکر دودمان مظفری است . بنای این مدرسه بسال ۷۸۶ بوده‌است .

**۱۹٤ – کتابخانه مدرسه اصلیه دهرك یزد :** اصیل‌الدین‌محمدبن مظفر بانی این مدرسه بوده است وبطوریکه درجامع مفیدی وتاریخ جدید یزد آمده است . یکی از مدارس رفیع یزد بوده وجزکتابخانه ، گرمابه نیز برای طلاب داشته وکاروانسرا ومسجدی نیز بآن منضم ساخته بودند وعلاوه برکاروانسرا موقوفات دیگری هم برآن وقف شده بود تا هزینه‌های عمومی وروزمره مدرسه را کفایت کند . این مدرسه سالیان دراز مجمع طلاب علوم بود . تاریخ بنای مدرسه وکتابخانه آن سال ۷۸۷ هـ. است .

**۱۹۵– کتابخانه مدرسه‌خاتونیه یزد :** خاتون‌بانونوه‌امیرمبارزالدین محمد وخواهرشاه‌منصور وشاه‌یحیی‌مظفری‌است. این‌بانو ازبانوان‌خیراندیش دودمان مظفری بوده‌است. مدرسه‌او یکی‌ازمدارس نام‌آور وشهیر قرن هشتم ونهم است . دراین مدرسه اکثر اولاد واحفاد آل‌مظفر که بدست تیمور بقتل رسیدند مدفونند . تاریخ بنای مدرسه سال ۷۸۰ هـ . است .

**۱۹٦ – کتابخانه مدرسه قطبیه سرپولك یزد :** خواجه قطب‌الدین محمود ، در جوار مزار پدرش خواجه علی مدرسه‌ای عالی ساخت و آنرا

بنام خودش قطبیه نام نهاد . کتابخانه مدرسه قطبیه از کتابخانه‌های قابل استفاده طالبان علوم بوده‌است . بنای این مدرسه بسال ۸۳۲ هـ . بوده است.

**۱۹۷ – کتابخانه مدرسه باوردیه بموضع اسکندر یزد :** فرزندان صدرالدین ابیوردی ، خواجه شمس‌الدین محمد ، خواجه زین‌العابدین این مدرسه را بسال ۸۴۲ ساخته بوده‌اند وکتابخانهٔ آن مرجع طلاب علوم دینی بوده است .

**۱۹۸ – کتابخانه مدرسه یوسف‌چهر یزد :** ابویوسف‌بن‌حاجی‌حبیبی مشهور به چهره ازطرف امیرجلال‌الدین چقماق بامرحکومت یزد منصوب شد ودرتاریخ ۸۳۴ درمحله دهوك سفلی مدرسه‌ای عالی ساخت که بنامش یوسف‌چهر خوانده شد . این مدرسه نیز کتابخانه‌ای برای استفاده طالبعلمان داشت [۱۴۶] .

**۱۹۹ – کتابخانه محمودبن ملکشاه آملی – درآمل :** این پادشاه‌که بین سالهای ۷۹۰ – ۸۰۰ حکومت مازندران را داشته درآمل کتابخانه‌ای معتبر وبزرگ فراهم آورد . ازکتابخانه او کتابهائی درکتابخانه‌های جهان توان یافت . از جمله‌کتاب شماره ۳۵۸۹ کتابخانه آستان قدس رضوی‌است.

**۲۰۰ – کتابخانه مدرسه سلطان بخت آغا – اصفهان :** سلطان بخت آغا دختر سلطان غیاث‌الدین‌کیخسرو اینجو همسر شاه محمود مظفری بوده است . این بانوی فاضله بسیار شجاع وزکی وهوشمند ومدبّر بود . درزمان حیاتش مدرسه بسیارعالی‌دراصفهان ساخت وخود اویکی‌ازمروجان فرهنگ‌وادب بود . سرانجام بدست‌شوهرش‌خبه‌شد وجسدش را درمدرسه‌ای که بنا کرده بود بخاك سپردند . این مدرسه هنوز پابرجاست وازبناهای دیدنی اصفهان است تاریخ بنای آن ۷۶۹ هـ . است .

**۲۰۱ – کتابخانه شیخ صدرالدین جنید شیرازی :** شیخ‌صدرالدین جنیدبن‌فضل‌الدین شیخ عبدالرحمن‌بزغش‌شیرازی‌مؤلف ذیل‌عوارف‌المعارف از دانشمندان شهیر ایرانست – این دانشمند عالیقدر در شیراز کتابخانه‌ای نفیس فراهم آورد وکتابهای کتابخانه او از کتابهای نفیس ونادرالوجود بوده است . نسخه‌ای از کتابهای کتابخانه او که درسال ۷۷۵ – استنساخ گردیده درکتابخانه آستان قدس رضوی موجود است[۱۴۷] .

**۲۰۲ – کتابخانه باباقاسم اصفهانی :** باباقاسم اصفهانی‌یکی‌ازعرفای نامی اوائل قرن هشتم است که دراصفهان میزیسته ، یکی ازمریدانش بنام سعدالدین سلیمان ابی‌الحسن طالوت دامغانی بمنظور اینکه استادش حوزه ارشاد ومجلس بحث ودرس داشته بسال ۷۲۵ هـ . دراصفهان مدرسه‌ای‌عالی ساخت ودراختیار استادش‌گذاشت ، این مدرسه بسرپرستی بابا قاسم سالها مرکزارشاد طالبان حق بود . هم‌اکنون بنای این مدرسه رفیع برپاست و

کاشی کاریهای آن ازز مره کاشی کاریهای هنری و کم‌نظیر اصفهان است .
این مدرسه از قدیمترین مدارس طلبه نشین اصفهان بوده است .

**۲۰۳ – کتابخانه خانقاه خلوتی :** سید یحیی‌بن‌بهاءالدین شیروانی، درجوانی بطریقه خلوتی پیوست واین طریقه از فروع طریقت نقشبندیه است . او دست ارادت به شیخ صدرالدین خلوتی داد وپس ازطی مراحل کمال بباد کوبه‌رفت ودرآنجا بارشاد پرداخت وبرای‌این‌منظور بنای‌مدرسه‌ای عظیم را پی‌افکند ودرمدرسه کتابخانه‌ای معتبروغنی فراهم آورد ودرجوار مدرسه خانقاه ومعبدی هم ساخت . گویند بیش‌ازده هزارمرید براو گرد آمده‌بودند . سید یحیی تألیفاتی‌هم دارد ازجمله اسرارالطالبین‌وشفاءالاسرار واسرار الواح وشرح گلشن‌راز ، خلوتی بسال ۸۶۸ درگذشته ودرخانقاهش بخاك سپرده شده است .

**۲۰٤ – کتابخانه خواجه ملك – اصفهان :** مدرسه خواجه ملك از مدارسی است‌که قبل ازصفویه دراصفهان بناگردید وبنای آن فعلاً در جوار مسجد شیخ‌لطف‌الله قرار دارد . این مدرسه قرنها دراصفهان مرکزیت علمی داشته وعلما ودانشمندان بنامی ازاین مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند . مولانا محمد زمان تبریزی درکتاب فرایدالفواید شرح حال دانشمندانی‌را بدست میدهدکه درمدرسه خواجـه ملك به تحصیل پرداخته و از آنجا فارغ‌التحصیل شده‌اند و بمقامات عـالیه علمی رسیده‌اند از جمله حکیم شمس‌الدین گیلانی مؤلف حاشیه برشرح حکمة‌العین ، ومولانا حسین‌گیلانی که اورا درادانش وحکمت وحیدالعصر لقب داده‌اند – وامیرسیدحسینی عاملی و امیرقوام‌الدین تهرانی مؤلف عین‌الحکمه و حاج محمد مؤمن مؤلف روضات‌الجنات که در معرفی این مدرسه نوشته است «وهی من‌اکثر مدارس‌البلدة‌المشاراليه برکته و ادفرها تأثیراً فی‌بلوغ طلبة‌العلوم الی معارج‌العلم والیقین» .

این‌مدرسه‌قدیمی‌درزمان‌بنای‌مسجدشیخ‌لطف‌الله‌به‌همت‌شاه‌عباس‌بزرگ تعمیر شد ومدرسی آن به شیخ‌لطف‌الله میسی عاملی واگذار گردیده بود ازجمله طالبعلمان این مدرسه میتوان از آقاحسین خونساری بزرگ یادکرد که دراین دارلعلم به تحصیل پرداخته وبشرحی که خود او نوشته است دوران تحصیل براوبسیار سخت میگذشته است . کتابخانه این مدرسه که مرجع مراجعه دانشمندان بوده ازکتابخانه‌های عظیم ومعتبر اصفهان بشمار میرفته است .

**۲۰۵ – کتابخانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی :** شیخ‌صفی‌الدین‌اردبیلی درسال ۷۰۰ ه . جانشین و خلیفه شیخ زاهد گیلانی شد واز همان زمان در اردبیل طرح خانقاه افکند ودعوت او درمیان شیعیان قبول عام یافت

والحمد لله الذی منه الابتدا والیه الانتها والابتدا ... والصلوة والسلام

خاتم الانبیا وحبیب سید الاولیا محمد وآله الاصفیا وعترته البررة الاتقیا ما دامت الارض والسما

... من تسوید هذه النسخة الشریفة التی تجمع فیها الغرایب من النکات واللطایف والعجایب ...

... الصادر من الحضرت السلطانیة والعتبة العلیة المظفریة السلطان ابن السلطان ...
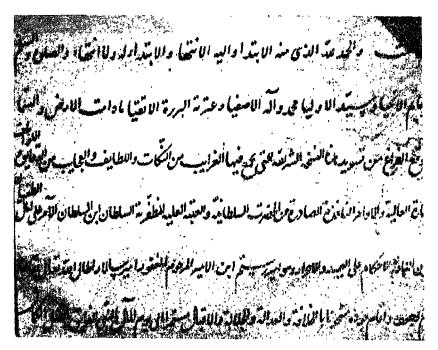
نسخه‌ای که برای کتابخانهٔ سلطان امیر رستم بن امیرسالار استنساخ شده‌است . این نسخه متعلق بکتابخانه‌های فخرالدین نصیری امینی‌است

وحتی مغولان نیز باو ارادتی عظیم میورزیدند .

خواجه رشیدالدین فضل‌الله درنامه‌ای که باو نوشته وضمن‌مکتوبات او موجود است ضمن عرض ارادت برای او حواله‌ای فرستاده تا خرج‌خانقاه خود کند . شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی جدخاندان صفویه چون مریدان‌خودرا تعلیم میداد ودر حقیقت خانقاهش‌مدرسه‌ای برای ارشاد پیروانش بود وازهمان اوان ایجاد خانقاه کتابخانه‌ای نیز احداث وتأسیس شده بوده‌است. ومریدان شیخ از اطراف واکناف کتابهای نفیس بدکتابخانه مراد خود تقدیم میداشته اند .

پس‌ازمرگ شیخ صفی‌الدین اردبیلی‌چون درهمان خانقاه آرمید ، خانقاه به آرامگاه او مبدل شد وکتابخانه آرامگاه که ضمناً مجمع پیروان ودوستارانش بود رونق گرفت وپس‌از تشکیل دولت صفویه توجه بآرامگاه شیخ صفی موجب ترقی وکمال آن گردید .

شاه عباس بزرگ نیز خود کتابهائی به کتابخانه آرامگاه شیخ‌صفی اهدا ووقف کرده بود[۱۴۸] این‌کتابخانه عظیم ونفیس متأسفانه دچارسوانحی

شد . کتابخانه شیخ‌صفی تا زمانیکه **افندی** مؤلف **ریاض‌العلماء** حیات داشته رونق واعتبار خودرا از دست نداده بوده‌است .

**آدام اورلئاری** که درسنه ۱۶۳۷ میلادی ازآن دیدن کرده‌مینویسد « . . . **صدهاکتاب خطی بزبان فارسی وعربی‌وترکی درکتابخانه شیخ صفی موجوداست که هم ازنظرهنروهم ازلحاظ‌معنی درجهان نادروبی‌مانند‌است.»**

**جان موریر انگلیسی** نویسنده حاجی‌بابا که درسال ۱۸۱۲ میلادی ازکتابخانه شیخ‌صفی دیدن کرده است مینویسد : «کتابها بروی هم انباشته شده وبیم آن میرود که طعمه بید وموریانه شود .»

هم زمان با نوشته جان موریر درزمان فتحعلیشاه قاجار ووقایع آذربایجان چون پروفسور شرق‌شناس روس **سنکوسکی** بآثار ادبی شرق علاقمند بود ازگریبایدوف که او نیز مردی نویسنده بود وآن هنگام همراه نیروی دولت روسیه درآذربایجان می‌بود . خواست‌که ازکتابهای خطی فارسی کتابخانه شیخ‌صفی استفاده کند . سرانجام در۲۵ ژانویه سال۱۸۲۸ م . بشرحی که درکتاب گریبایدوف درگرجستان وایران[۱۴۹] آمده‌است کتابهای کتابخانه شاه‌صفی را بعنوان امانت بمنظور مطالعه به تفلیس بردند[۱۵۰] و هم‌اکنون بنای این آرامگاه رفیع که یکی از شاهکارهای معماری وکاشی‌کاری ایران است بجاست . (عکس ص۹۸)

## ظهور تیمور ـ مکتب ادبی وهنری هرات

بررسی دقیق وواقع‌نگری نسبت برویدادهائیکه نتیجه ظهور تیمور درایرانست کاری بس خطیرودشواراست جهانگشائی تیمور گرچه درایران خرابیها وخونریزیهائی‌ببارآورد لیکن سبب تحول‌ودگرگونی‌شگفت‌انگیزی دربسیاری ازشئون اجتماعی وفرهنگی شد !!

آثارشوم سانحه وفاجعه مغول‌ازیك‌طرف‌وپدیدآمدن‌ملوك‌الطوایفی وحکومت‌های خانخانی که ایلخانیان موجد آن بوده‌اند از طرف دیگر . دراطراف واکناف ایران چنان هرج‌ومرج وناامنی‌وعدم ثبات بوجودآورده بود که هیچکس درهیچ نقطه از ایران برفردای خود ایمن نبود .

پس از مرگ شاه شجاع مظفری فارس واصفهان ویزد وکرمان وخوزستان وشبانکاره و جزایر ، میان برادران و فرزندان شاه شجاع دست‌بدست میگشت واوضاع آذربایجان و همدان و لرستان و کردستان وخراسان نیز وضعی آشفته‌تر از فارس داشت .

دراثر نزاعهای خانوادگی ولشگرکشی‌های موضعی وپی‌درپی ، کشتزارها به بیابانهای خشك وسوزان مبدل می‌شد وکمبود خواربار ودر

نتیجه آثار فقر وادبار مردم شهرنشین را نیز دچار تنگدستی و فلاکت ساخته بود .

مردم از آن نابسامانی که زائیده خودخواهی گروهی جاه‌طلب وخودکامه بودند بجان آمده ویگانه راه علاج وتثبیت اوضاع زمان را بسته بظهور پادشاهی مقتدر ومدبّر میدانستند وبـرای وقوع چنین حادثه‌ای روزشماری میکردند .

امیرتیمور درتزوکش مدعی است‌که مردم فارس وکرمان و یزد وخوزستان از ستمگریهای شاهزادگان مظفری باو ملتجی شده وخواسته‌اند که آنان را از آن (بلا) نجات بخشد . تیمور نیز پس ازتصرف اصفهان وفارس ویزدوکرمان‌کلیه شاهزادگان مظفری را یکجا کشت تا مردم ازشر وجودشان خلاصی یابند !

این یك حقیقت تلخ تاریخی است ! خواجه حافظ شیرازی در غزلی نغز وپرمغز برآن اوضاع نابسامان وناگوار ، افسرده خاطر وملول اشك تحسر میبارد وازآن چنان (زمانه عجیبی) که ناظروشاهد آنست اظهار تأثر میکند ومیخواهد وآرزو میکندکه برای مداوای مزاج علیل وبیمار زمان خداوند حکیمی مدبّر وراهنمائی روشن‌بین بفرستد ومردم را از (بلا) نجات ورهائی بخشد . ثبت این غزل وتوجه بمعانی ابیات شیوای آن دراینموقع ومقام مناسب وبجاست .

دویار زیرك واز باده‌ی کهن دومنی
فراغتی و کتابی و گوشه‌ی چمنی
من این مقام بدنیا و آخرت ندهم
اگر چه درپی‌ام افتند خلق انجمنی
ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
دراین چمن‌که‌گلی بوده‌است یا سمنی
به‌بین در آینه جام نقش‌بندی غیب
که‌کس بیادندارد چنین عجب زمنی
ازاین‌سموم‌که برطرف بوستان بگذشت
عجب کدبوی‌گلی‌هست ورنگ نسترنی
بصبرکوش تو ایدل که حق رها نکند
چنین عزیز نگینی بدست اهرمنی
مزاج دهر تبه شد دراین بلا حافظ
کجاست فکر حکیمی ورأی برهمنی

باید این حقیقت را پذیرفت که تیمور از مردم سمرقند و ایرانی بود و به همین علت به شعائر ایران توجه و علاقه فراوان داشته است .
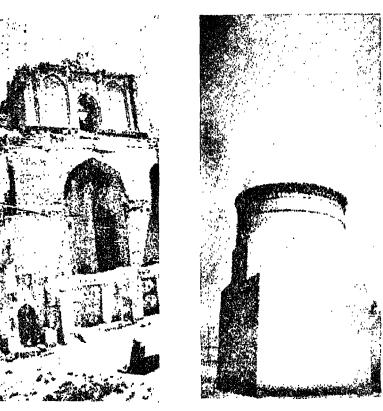
راست : آرامگاه حمدالله مستوفی درقزوین     چپ : این بنای عظیم مدرسه عضدی است که ترکان‌خاتون همسر سعدبن ابوبکر سعد زنگی ساخت و آرامگاه ابش خاتون نیز آنجا بود . این بنا درکنار گورستان دارالسلم شیراز است ودرمیان شیرازیان به‌آرامگاه ابش خاتون معروف است افسوس‌که این بنای تاریخی رو به‌انهدام گذاشته است .

گرچه ازنظر تبلیغ وسیاست برای سلطه واقتدار ودست انداختن به چین وترکستان‌ومغولستان برای‌خود نسب‌نامه مجعول ساخته‌وخودش‌را ازدودمان چنگیزخان دانسته است .

تتبع دراحوال واعمال تیمور آدمی را از این خلقت ضدونقیض ، درّاك ، باهوش — مصمّم ، به شگفتی واعجاب وامیدارد . آنچه مسلم‌است تیمور عشق وعلاقه وافر بصنایع وهنر وادب ایران داشت ودرجمع‌آوری دانشمندان وارباب حرف و هنر سعی بلیغ مبذول میکرد .

خونخواری وخودخواهی وقساوت قلب او نمیتواند مانع ازاظهار این نظر گرددکه تیمور هرجارا می‌گشود ارباب فضل وادب را گرامی

میداشت وبا برگزیدگان اجتماع رفتاری باعزاز واحترام داشت وآنان را بسمرقندگسیل میکرد تا پایتختش بهترین وزیباترین شهرهای جهان گردد.
فرزندان تیمور به تبعیت از او دراحیای ادب‌وفرهنگ وهنربجان کوشیدند ونتیجه توجه و علاقه ودلبستگی آنان به معماری و فرهنگ این شد که عصر تیموری یکی‌از درخشانترین دورانهای تاریخ و ادب وهنر گردید .
از آنجائیکه رواج کتاب وایجادکتابخانه قبل ازاختراع چاپ‌بستگی مستقیم با رواج خط و هنر خوشنویسی داشته است ، بنابراین هرهنگام که ازطرف سران و زعمای دولت وبالنتیجه مردم اقبال وتوجهی بخط و خوشنویسی مبذول‌میگردیده ، کتاب رواج میگرفته وبا بوجود آمدن‌کتابها کتابخانه‌ها رونق می‌یافته‌است . دراین تاریخچه ناچاریم در هرقرن‌وعصری ازنظر بررسی درچگونگی ایجاد وبنیاد کتابخانه‌ها باین اصول توجه داشته باشیم وآنرا مورد نقد قرار دهیم .
اوضاع سیاسی واقتصادی واجتماعی هرعصر وزمان بهترین‌نمودار ومبیّن اوج ترقی ویا افول وتنزل هنرکتاب‌نویسی است ، امیرتیمور توجه وعلاقه خاص به هنر زیبانویسی داشت وخوشنویسان در دربار او بسیارعزیز وگرانقدر میزیسته‌اند . خطاطان بزرگی که در دستگاه تیمور نام‌آور شدند بسیارند وبرگزیدگان آنها عبارتند از : سید عبدالقادربن سید عبدالوهاب که خط ثلث را تالی یاقوت مستعصمی مینوشته است . او برای امیرتیمور قرآنی نوشت که باید آن را ازنظر خط وتذهیب از شاهکارهای هنر جهان ونفایس روزگار شمرد . این نسخه بی‌نظیرهم‌اکنون درجامع سلطان سلیم اسلامبول نگاهداری میشود . دیگر امیرمحمد بدرالدین تبریزی که نویسندهٔ نامهٔ هفتادگزی به خدیو مصر ازطرف تیموراوست . همچنین آلتون‌تاش که‌گذشته ازخطاطی حکاك عقیق نیزبود ونگین‌هائیکه اوحکاکی کرده بخط ثلث از خط یاقوت خوش‌تر است .
توجه فوق‌العاده امیرتیموربه هنرزیبانویسی موجب‌شدکه‌فرزندانش بخصوص **شاهرخ بهادرخان** باین هنر دلبستگی پیدا کنند وفرزندان‌شاهرخ، **بای سنقر والغ‌بیك** دراثرتوجه پدرشان ازگاه طفولیت‌بخوشنویسی‌پرداختند تا آنجاکه بای سنقر میرزا درخط ثلث ازبرگزیدگان ومشاهیر زیبانویسان ایران شد . توجه شاهرخ بهادرخان سبب‌گشت که در زمان او خوشنویسان ناموری ظهورکنند ازجمله عبدالله طباخ – یحیی سیبك فتاحی نیشابوری – نورکمال ماوراءالنهری – عبدالله کاتب هروی – پیرمحمد صوفی هروی– یحیی صوفی وسرآمد همه خوشنویسان زمان او میرعلی تبریزی که خطوط هفت‌گانه را استادانه مینوشت وتوفیق یافت برای زیباترنوشتن خط فارسی

خط هشتمی ابداع کند که بنام نستعلیق یعنی نسخ‌کننده خط نسخ وتعلیق، نام‌گذاری شده است . والحق این خط درزیبائی نظیر وتالی ندارد .

دراثرتوجه وعنایتی که در زمان شاهرخ بخوشنویسان مبذول می‌شد ، میرعلی تبریزی توفیق یافت که شاگردان بنامی درخط تربیت‌کند مانند ، پسرش عبدالله شیرین‌قلم و اظهرتبریزی وجعفربای‌سنقری ، فهرست خوشنویسان‌دوران شاهرخ وپسرش بای‌سنقر میرزا خود تذکره‌ای بزرگ‌را شامل میگردد ودراین مقال تنها به تذکری مختصر بمناسبت موقع ومقام اکتفا میرود .

باید توجه داشت‌که اظهرتبریزی شاگردانی چون سلطانعلی‌مشهدی پرورش داد که اونیزبسهم خود دردوران سلطان‌حسین بای‌قرا خوشنویسانی چون ، شاه محمود نیشابوری – سلطان محمد خندان ، میرعلی هروی ، سلطانمحمد نور تربیت کرد که توانستند درهنرکتاب‌نویسی شاهکارهائی بوجود آورند .

درزمان شاهرخ وفرزندانش مدارس‌وکتابخانه‌های‌بسیاری‌درسراسر ایران بنیاد یافت وچنانکه خواهد آمد **بزرگترین کتابخانه جهان درزمان شاهرخ درایران تأسیس گردید .**

شهر هرات در زمان شاهرخ بهادرخان باردیگر مجد وعظمت دوران قبل‌از حمله مغول را بازیافت ویکی ازمراکز علمی وادبی وهنری آسیا گشت .

**درزمان شاهرخ وبای‌سنقر پایه مکتبی نو درهنر کتاب‌نویسی در ایران‌گذاشته شدکه درجهان بنام مکتب هرات شهرت گرفته‌است وبدایع هنری این مکتب در هیچ نقطه‌ای ازجهان ودرهیچ عصری ازاعصار وزمان مانند ونظیر نداشته است .**

**۲۰۶ – کتابخانه بای‌سنقرمیرزا – هرات :** قولی‌که جمله محققان ومورخان برآنند اینست‌کـه غیاث‌الدین میرزا بای‌سنقر فرزند شاهرخ شاهزاده‌ای بوده است که درتهیه واستنساخ و جمع‌آوری کتاب ورواج هنرهای مربوط بآن تا سرحد جنون عشق میورزیده‌است .

بای‌سنقر میرزا در هرات دارالصنایعی برای کتابخانه بی‌مانند ونظیرش فراهم آوردکه درآن‌گروه بیشماری اززبردست‌ترین نویسندگان، مصوّران، مذهبّان ، وراقان، صحافان ، جلدسازان ، وصاقان ، حل‌کاران، زرافشانان ، بکار اشتغال داشتند وازانعامهای بی‌حدوشمار آن شاهـزاده هنردوست بهره‌ور می‌گشتند . بنوشته دولتشاه سمرقندی درکتابخانه اوچهل نفر ازخطاطان شهیر شب‌وروز کتابت میکرده‌اند .

تذهیب وتصویر ودیگر فنون وهنرهای متعلق بکتاب در دوران

او رواج یافت واوج گرفت . در هیچ عهد وعصری هنرخط نویسی‌وکتاب سازی بآن اندازه رواج نداشته است . ودر هیچ دورانی باندازه زمان او نسخه‌های نفیس‌وزیبا نوشته وتذهیب وتصویر نشده‌است . بطوریکه درکمتر کتابخانه‌ای درجهان ممکن‌است ازکتابهای کتابخانه بای‌سنقر میرزا نسخه‌ای یافت نشود . دراسلامبول درهرکتابخانه‌ای لااقل یك نسخه ازکتابهای عهد اورا توان یافت ، درکتابخانهٔ جامع اسلامبول نسخه‌ای ازکتاب فرج بعداز شدت و همچنین نسخه‌ای از نزهةالارواح امیرحسینی هست که هردوی این کتابها ازلحاظ خط وهنرهای تزئینی شایان توجه وزیارت وموجب شگفتی واعجاب هربیننده است .

بای‌سنقرمیرزا خود درخط استاد بود وبیشتر خطوط را استادانه مینوشت. خط وخطاطان‌درهنرنویسندگی اومینویسند : « . . . درایران چهارنوع خط چهاراستاد بی‌مانند دارد . درثلث بای‌سنقر میرزا در نستعلیق میرعماد ، درنسخ میرزا احمدنیریزی، درشکسته‌عبدالمجیددرویش‌طالقانی»

بای سنقرمیرزا درشعر وخط یکتای زمانه بود برادرش الغ‌بیك نیز درهندسه نظیر وهمتا نداشت درحق برادرش گفته‌اند :

چون الغ‌بیکی بعلم هندسه　　　　یافت نتوان درهزاران مدرسه

خلاصه آنکه درهیچ عهد وزمان مانند دوران بای‌سنقرمیرزا علم وهنر آن اندازه ارجمند نبوده ورواج وترقی نکرد واهل علم وهنر معزز ومکرم نزیسته‌اند.

بای‌سنقر میرزا توجه خاصی بخط و نقاشی و تذهیب داشت و خوشنویسانی را که درایران بودند همه را در هرات گرد آورد وبرآن داشت تا شب‌وروز بکار پردازند واز آثار گرانقدر ادبیات فارسی نسخه‌های دستنویس تهیه‌کنند وآنهارا با تذهیب وتزئین وتشعیر وتصویر زینت دهند وباجلدهای نفیس سوخت ولاکی آنهارا بصورت گنجینه‌هائی از مجموع هنر درآورند .

توجه خاص وفوق‌العاده بای‌سنقرمیرزا به‌تهیه‌کتابهای نفیس وهنر کتاب سبب گردید که نقاشی وتذهیب‌وتجلید وخطاطی ووصافی وزرافشانی ووصالی وصحافی باوج‌کمال وترقـی برسد ومکتب هنری هرات که از درخشانترین‌مکتب‌های هنری‌ایران‌است پی‌ریزی‌شود خوندمیر درحبیب‌السیر مینویسد: «... به‌مجالست ارباب‌علم وکمال بغایت راغب ومایل‌بود ودرتعظیم وتبجیل اصحاب فضل وهنر درهیچ وقتی ازاوقات اهمال واغفال نمی‌نمود وخردمندان کامل ازاطراف واکناف ایران وتوران به هرات آمده درآستان مکرمت‌آشیانش مجتمع می‌بودند وبلغاء وافر فراست وفصحای صاحب‌کیاست ازاقطار امصارعراق وفارس وآذربایجان بدرگاه عالم‌پناهش شتافته صبح

وشام ملازمت مینمودند وآن شاهزاده عالیشأن درتربیت ورعایت تمامی آن طایفه‌گرامی کوشیده وهمه را بوفور انعام واحسان مسروروشادمان میساخت وهرکس **ازخوشنویسان ومصوران ونقاشان ومجلدان درکارخویش ترقی میکرد به همگی‌همت بحالش میپرداخت[151] .»**

کتابخانه بای‌سنقرمیرزا یکی ازکتابخانه‌های بسیارنفیسی است‌که درطول تاریخ ایران بوجود آمده وتنها نظیر آن‌را باید کتابخانه «سلطان حسین میرزا بای‌قرا» که شرح آن هم خواهد آمد دانست .

نسخه‌های گرانقدری که ازکتابخانه بای‌سنقر وشاهرخ بهادرخان بجای مــانده بهترین نمودار ترقی وتکامل فن کتاب‌سازی و هنر تجلید وتذهیب ونقاشی کتاب درایران است . درکتابخانهٔ سلطنتی ایران نسخه‌های بی‌مانندی ازکتابخانه بای‌سنقر میرزا وشاهرخ محفوظ است که ازنظرارزش هنری ومادی نمیتوان برای آن حد ومعیاری تعیین کرد .

درکتابخانه آقای حاج‌محمدنخجوانی[152] جنگی‌ارزمندهست که‌بخط مولانا اظهرتبریزی خوشنویس شاگردکمال‌الدین جعفربای‌سنقری خطاط شهیر کتابخانه بای سنقرمیرزاست . ایــن جُنگ حاوی اشعاری است که خطاطان کتابخانه بای‌سنقر میرزا پس ازدرگذشت ناگهانی این شاهزاده فضل دوست وهنرپرورکه در۳۵ سالگی بناگهان درگذشت سروده وبعنوان تسلیت‌نامه بحضور شاهرخ تقدیم داشته‌اند سیف‌الدین نقاش نیزکه‌ازنقاشان کتابخانه او بوده است ترجیع‌بندی ساخته است که هرمصرع اول تاریخ ولادت وهرمصرع دوم تاریخ‌درگذشت بای‌سنقرمیرزاست[153] ومطلع این ترجیع‌بند به ثبت روضةالصفا چنین است :

چندانکه گشت چرخ بدوران روزگار

نقش وفا نیافت ز دوران‌روزگار (!)

بای‌سنقرمیرزا درسنین جوانی دریافت‌که منجمان درطالع وزایچه او گفته‌اندکه درجوانی درخواهدگذشت ، ازآنگاه که براین تفأل آگاه شد تغییر حال داد ووجود ذیجودی‌که سراسر هستی‌اش را عشق به هنر وادب فراگرفته ومالامال ساخته بود ، بموجودی منزوی ومغموم مبدل‌گشت‌وبرای فرار از غم مرگ ، روزوشب درباغ سفید هرات ودیگر نزهت‌گاهها مست ولایعقل میگذرانید تا سرانجام دراثر افراط درشرب شراب ومخدرات مسموم شد ودر ریعان جوانی بکام مرگ فرو رفت ومرگ اورا باید ضایعه جبران ناپذیری برای دنیای هنر وادب بشمار آورد .

کتابه‌های مسجدگوهرشاد بیگم‌که ازمستحدثات مادرش بود بخط ثلث ازاوست‌که آنهارا به سن بیست‌سالگی نوشته وازقدرت وقوت‌واستحکام قلم سحر ومعجزی بیادگارگذاشته است . قرآنی نیز بخط ثلث نوشت که‌طول

صحایف آن ۲ گزونیم بوده‌است وپدرش شاهرخ صله آنرا خراج یکساله خراسان داد .

این قرآن نفیس پس‌ازگذراندن حوادثی برای امان ماندن‌ازتاراج پس‌ازروی‌کارآمدن‌دولت‌صفویه به‌آرامگاه‌سلطان‌ابراهیم فرزندحضرت‌رضا علیه‌السلام درقوچان سپرده شده‌بود. پس‌ازفتح قوچان بدست نادرشاه اوراق این قرآن نفیس بدست لشگریان نادر تاراج شد ونادر پس‌ازاطلاع ازاین واقعه دستور جمع‌آوری آنرا داد لیکن‌بسیاری ازاوراق آنراتاراج‌کنندگان شکسته ولت زده بودند .

شاهزاده افسرشاعر قرن اخیر هنگامیکه ریاست معارف (فرهنگ) خراسان‌را برعهده داشت برای بدست آوردن این قرآن عدیم‌النظیربقوچان رفت وضمن‌کاوش خرابه‌های منضم بآرامگاه سلطان ابراهیم درزیرخاك وخاشاك صندوقی چوبین بدست آوردکه خوشبختانه درآن اوراق این‌قرآن را قرار داده بودند . شاهزاده افسر باکسب اجازه از رضاشاه‌کبیر قرآن را بموزهٔ آستانه قدس رضوی منتقل ساخت که هم‌اکنون درآنجاست .

رئیس کتابخانه بای‌سنقرمیرزا ، میرزا جعفر تبریزی خطاط شهیر شاگرد میرعلی تبریزی بوده‌است . جعفر تبریزی درنوشتن هفت خط‌استاده بوده ونستعلیق را از استاد خود امیرعلی‌که مبتکر این شیوه بود آموخت . اوشاگردان بنامی درخط تربیت‌کرد از جمله اظهر تبریزی وحاجی‌مقصود واحمد رومی را میتوان یاد کرد .

بای‌سنقرمیرزا به خط وربط جعفرتبریزی علاقه داشت وباو اجازه دادکه بای‌سنقری رقم زند . جعفربای‌سنقری از طرف بای‌سنقر میرزا مأمور نوشتن شاهنامه‌شد وپس ازاتمام آن‌مصوران دارالصنایع شاهرخی برصحایفی ازآن سی‌مجلس بسرپرستی سیف‌الدین نقاش‌کشیدندکه شاهکار هنرنقاشی است وتذهیب آن نیزاز بهترین‌کارهای دوران شاهرخ‌است وبای‌سنقرمیرزا براین شاهنامه مقدمه‌ای نوشت‌که بنامش مقدمه بای‌سنقری خوانده‌میشود[۱۵۴] این‌نسخه بی‌مانند درکتابخانهٔ سلطنتی ایران موجود است[۱۵۵] شمس‌بای‌سنقری نیز که از خطاطان شهیراست مأموریت داشت کــه ازدیوانهای شعرا نسخه‌برداری کند[۱۵۶] .

ادواربرون‌درتاریخ‌ادبیات خود متذکر است که[۱۵۷] بای‌سنقرمیرزاکتاب دوست‌ترین‌وبانی‌زیباترین‌مکتب‌کتاب‌سازی‌درایران‌بوده‌است[۱۵۸] خطوخطاطان می‌نویسد : چهل‌نفر استادکار و هنرور بریاست مولانا جعفر تبریزی وصالان – وصاقان – زرافشانان ودیگر حرف و اصناف مربوط به هنر کتاب از اکناف واطراف ایران گرد آمده بودند وآنان دراثر انعام واحسان

فراوان که بایشان می شد ، بدایع صنایع بوجود میآوردند وبه همین‌علت وسبب هنرپیش‌رفت ومکتب تازه‌ای در هنر گشوده شد . نوادر آثاری‌که درآن زمان بوجود آمده است تا دامن قیامت دست حوادث زمان نمیتواند فرسود وانقلابات جهان نیز نمیتواند برآن دست‌یافت . درکشورهای‌شرقی وغربی درکتابخانه‌های عمومی وخصوصی ومجموعه‌های شخصی وموزه‌ها ممکن نیست که نمونه‌ای ازهنر آن دوران را نداشته باشند .»

درجنگی که ازآن یاد کردیم ضمن یکی از مراثی چون اشاره‌هائی به چگونگی امور کتابخانه بای‌سنقر میرزا شده است و نمونه‌ای ازعشق وعلاقه بای‌سنقر بکتاب است منتخبی ازآنرا میآوریم :

ازکمال‌الدین جعفر بای‌سنقری .

شهریارا تا برفتی از سر اهل هنر
شد کتاب صبر ما ابتر ورق زیر و زبر
یافتی ازلطف شه هرکهنه خطی عمرنو
بشکندپشتش کنون‌چون‌رفت‌پشتیبان‌زسر
ازمرقع نامه‌هاآید بگوش جان مرا
صورت‌بی‌جان‌مگرگشتندازاین‌غم‌باخبر
خواندن اشعاربی‌معنی‌شدوصورت‌حرام
پادشاه صورت و معنی ز عالم شد مگر
قطعه‌ای یاقوت‌دادی قطعه یاقوت را
صیرفی‌کوتاشناسد لعل‌ویاقوت ازحجر
گشت‌خط‌منسوخ‌وصورتگربجان‌درمانده‌است
چون‌عطانبودکشدجدول‌کش‌ازخون‌جگر
داشتی‌صدبرگ‌جلدنسخه اززرّ وکنون
ای‌مذهب مشکلت اززرنگردد حل‌اگر
می‌نویسم‌جُنگ‌ودردم‌میشودترزآب‌چشم
کرده‌ام‌بعدازتوحاشا خط‌خودراخوب‌تر

*

نسخه‌ها رفتند درجلد سیاه ازسوز و درد
بسته برسرجدول زر هم‌کبود از لاژورد

*

تا محقق گشت برکتّاب عالم این خبر
در زبان کلک‌ها ناید برون جز آه ، آه

تا بتوقیع اجل شد نامــه عمرش سجل
حال‌من‌چون خط پریشان گشته‌خط اینك گواه
نسخ‌وتعلیق از غبار غم نسازد چهره پاك
چون نخوانندش دگر هرگز به نزد پادشاه.

از مولانا منشی :

دی درکتابخانه شدم دیدم اندر او
جمعی بگریه جمله گره برجبین زده
اهل کتابخانه همه جامه هــا سیاه
انداخته دوات و قلم بر زمین زده
کاتب سیاه کرده قد و قامت الف
بی نقطه سیه برخ حرف شین زده .

**۲۰۷ – کتابخانه مدرسه ومسجد وخانقاه گوهرشاد بیگم :** گوهرشاد آغابیگم همسر شاهرخ بهادرخان ومادر بای‌سنقر والغ‌بیك ازبانوان خیّر ومدبّر ودانش دوست بود . درباره درایت وکفایت او همین‌بس که‌مورخان نوشته‌اند شاهرخ درکلیه امور کشورداری با او بمشاوره میپرداخت .

این بانوی نیك‌اندیش در جوار حرم مطهر حضرت رضا (ع) مسجد ومدرسه وخانقاهی بسیار باشکوه بسال ۸۲۸ ﻫ . بنا نهاد که از نظر معماری وکاشی‌کاری از شاهکارهای بی‌نظیر جهانست .

مدرسه‌گوهرشادبیگم کتابخانه بسیار بزرگ وقابل توجه داشت که هنگام تجاوزازبکان بخراسان دستخوش تاراج گردید وپس ازاینکه بفرمان شاه عباس بزرگ شیخ‌بهاءالدین عاملی مجدداً بجمع‌آوری‌کتابهای تاراج شده پرداخت وکتابخانه آستان‌قدس رضوی مجدداً دائر شد کتابخانه مدرسه گوهرشاد آغا تقریباً بصورت تعطیل درآمد .

**۲۰۸ – کتابخانه مدرسه شاهرخیه :** شاهرخ بهادرخان درهرات بسال ۸۱۳ ﻫ . مدرسه شاهرخیه را بنا کرد ودانشمندانی چون محیی‌الدین غزالی توسی و یوسف اوبهی وناصرالدین لطف‌الله را درآن بتدریس گماشت وریاست مدرسه وکتابخانه عظیم آن‌را بخواجه علاءالدین چشتی عارف‌شهیر سپرد[۱۵۹] .

**۲۰۹ – کتابخانه مدرسه‌غیاثیه هرات :** خواجه غیاث‌الدین‌پیراحمد وزیر شاهرخ بهادرخان‌بود واویدر خواجه مجدالدین محمد خوافی‌معروف است . این وزیر دانشمند در خرگرد خواف طرح مدرسه‌ای عالی افکند وکتابخانه این مدرسه یکی از کتابخانه‌های معتبر و معروف دوران شاهرخ بوده است[۱۶۰] .

**۲۱۰ – کتابخانه مدرسه دودر – مشهد** : مدرسه دودررا خواجه یوسف بسال ۸٤۲ ﻫ . ساخت واین مدرسه همچنان دائر بوده ودر زمان شاه سلیمان صفوی برطبق کتیبه‌ای که در مدرسه موجوداست تعمیراساسی شده است . کتابخانه این مدرسه نیز از کتابخانه‌های معروف و مشتهر شهر مشهد بود .

**۲۱۱ –کتابخانه‌مدرسه‌پریزاد . مشهد** : بانی‌این‌مدرسه‌وکتابخانه‌آن **نجفقلی خان بیگلربیگی** قندهار بوده وبرطبق کتیبه‌ای‌که درمدرسه موجود است این‌مدرسه نیز درزمان سلطنت شاه سلیمان صفوی یکبارتعمیراساسی‌شده است . نجفقلی‌خان بیگلربیگی در دوران شاهرخ بهادرخان هنگامیکه در مشهد رضوی اقامت داشته است آن‌را ساخته وکتابهای بسیاری برکتابخانه مدرسه وقف‌کرده بوده است .

**۲۱۲ –کتابخانه مدرسه‌نصرآباد . *اصفهان*** :کتابخانه‌مدرسه‌نصرآباد وخانقاه جنب آن را صدرالدین علی طیب بسال ۸٥٤ بنا کرده بود وچون جسد مولانا ابوالقاسم نصرآبادی شاعرعارف دوران صفویه‌را در آن‌مدفون ساختند . بعدها این مدرسه بنام این عارف شهیر مشتهر گردید . کتابخانه مدرسه نصرآباد در دوران صفویه از کتابخانه‌های معتبر بشمار میرفته است.

**نکته**

هرات در زمان شاهرخ بهادر خان باردیگر رونق واعتبار خودرا ازسرگرفت و مرکز تجمع دانشمندان وطالبعلمان خراسان شد وبه همت وتوجه شاهرخ و فرزندانش مدارس آن دائرگشت ودارالعلمهای تازه و نوبنیاد نیز ساخته شد . بطوریکه شهر هرات تا سال ۸۹۷ به نهایت درجه ترقی واعتلاء رسید – معین‌الدین اسفرازی درروضات‌الجنات فی‌اوصاف مدینه هرات مینویسد[۱۶۱] .

« . . . . وحالا شرف ومزیت این شهر که برهان او برهمه عالم روشن است آنست که‌منبع علوم دینیه ومحل ظهور واستکشاف قوانین یقینیه است . چنانکه ازتمامی روی زمین طلاب علوم وصیاد حقایق وفنون روی بدین نقطه پاکیزه دارند وچندین هزارند ازاین طایفه دراین بلده طیبه که میامن صدقات ومبرات ارباب خیرات همه اسباب آماده دارند وشبانروزی بجدوجهد واجتهاد تمام برسرمطالعه وتکرارند وبمطلوب خود فایزگشته باطراف عالم میروند ونشر قواعد و قوانین دین اسلام میکنند»

از مهمترین مدارس زمان شاهرخ که درهرات دائروطلبه‌نشین بوده و **کتابخانه‌های** بسیاربزرگ ومفصلی داشته‌اند میتوان مدارس زیر را یاد کرد :

**۲۱۳– کتابخانه مدرسه خواجه‌کمال‌الدین ۲۱٤– کتابخانه مدرسه**
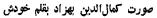
سلطان حسین میرزا بایقرا اثر کمال‌الدین بهزاد

صورت کمال‌الدین بهزاد بقلم خودش

**بدیعیه ۲۱۵ – کتابخانه مدرسه خواجه اسمعیل حصاری ۲۱٦ – کتابخانه مدرسه صحیه ۲۱۷ – کتابخانه مدرسه نظامیه .**

**۲۱۸ – کتابخانه الغبیك در سمرقند :** الغبیك میرزا فرزند شاهرخ بهادرخان پس‌ازاینکه در ماوراءالنهر بحکومت رسید سمرقند را پایتخت خود قرار داد . این شاهزاده علم دوست مانند پدر وبرادرش عشق وعلاقه وافری به هنر وادب وبخصوص به علوم ریاضی‌وهیأت‌داشت‌ودر این علوم از سرآمدان ونام‌آوران آن دانش گردید وآثار ارزنده‌ای بیادگار گذاشت .

الغ بیك درتاریخ ۸۲۳ ﻫ . درسمرقند مدرسه‌ورصدخانه‌ای ساخت که بنام او نامیده شده است[۱٦۲] در این رصدخانه با همکاری دانشمندانی برجسته مانند **غیاث‌الدین جمشید کاشانی** و **مولانا معین‌الدین کاشانی** و **صلاح‌الدین موسی** معروف به قاضی‌زاده روم ومولانا **علاءالدین** شاشی ،

زیج الغ‌بیکی را طرح افکند ورصد بست که بنام زیج ایلخانی یا زیج الغ‌بیکی معروف است.

این رصدخانه کتابخانه ای بس معظم ومهم داشت که الغ‌بیك کتابهای آنرا از اقصی نقاط ایران وجهان با بذل مال فراوان گرد آورد و مستغلات ودیه‌های بسیار برای‌اداره امورآن وقف‌کرد[۱۶۳] (عکس ص۷۷).

ازجمله کتابهای بسیار ارزنده این کتابخانه که امروز دردست است یکی نسخه صورالکواکب بخط خواجه نصیرالدین توسی است‌که قبلاً متعلق به کتابخانه سلطان احمد جلایری بوده واین سلطان درپایان کتاب شرحی دایر برتملك خود برآن نوشته وسپس بکتابخانه الغ‌بیك انتقال‌یافته والغ‌بیك‌میرزا نیز درصحیفه پایان کتاب تاریخ تملك خودرا نوشته وامضا کرده‌است[۱۶٤] دیگر نسخه بسیار نفیسی است از دیوان کامل و جامع نزاری قهستانی مورخ بسال ۷۱٤ که متعلق بکتابخانه الغ‌بیك میرزا بوده‌است[۱۶۵].

**۲۱۹ - کتابخانـه سلطان ابوسعید گورگان :** سلطان ابوسعید گورگانی نیز از شاهزادگان تیموری است‌که عشق وعلاقه مفرطی بکتاب داشت وکتابهای بسیار گرانقدر وازنظر هنری بسیار ارزنده برای‌کتابخانه او تهیه می شده‌است یك نسخه ازکتابهای کتابخانه سلطان ابوسعیدرا برای نمونه معرفی می‌کنیم . این نسخه نفیس‌کتاب یوسف وزلیخای جامی‌است‌که بخط خطاط شهیر میرعلی هروی نوشته شده وتذهیب آن بسیار عالی است. جلد سوخت وطلاکاری آن از نمونه‌های برجسته هنر جلدسازی دوره تیموری است و برکناره لچك جلد با حروف برجسته نوشته شده است «خزانةالکتب سلطان ابوسعید خلدالله ملکه[۱۶۶] » عکسی از جلد این کتاب در ص۱۲۰ بنظر خوانندگان ارجمند میرسد .

**۲۲۰ - کتابخانه پیرمحمدبن عمرشیخ . شیراز :** میرزا پیرمحمدبن عمرشیخ فرزند تیمورکه سالها درفارس حکومت داشت او نیزمانند برادر وبرادرزادگانش به جمع‌آوری‌کتاب واستنساخ آنها عشق می‌ورزید. عمرشیخ درشیرازکتابخانه‌ای ترتیب داد وگروهی‌ازخوشنویسان ومصوران ومذهّبان نامی راگرد آورد‌که برای‌کتابخانه اوکتابهای بسیاری را استنساخ وبا بهترین صورتی تجلید وتذهیب ومصور میکردند . ازشاهکارهای هنری‌که برای‌کتابخانه عمرشیخ فراهم آمده‌است نسخه‌های بسیار درکتابخانه‌های خصوصی ومعروف جهان میتوان دید .

عمرشیخ برقابت با دربار شاهرخ ودیگر شاهزادگان تیموری در اعتلای هنرنقاشی درشیرازکوشید وهمین امرسبب‌گردید‌که تلفیقی ازهنر کتاب سازی هرات وعراق بوجود آید وبنام مکتب شیراز نامگذاری شود . آثار این مکتب امروز ازنفایس‌کتابخانه‌های مهم جهانست . نویسنده را

نسخه‌ای گرانقدر از لیلی ومجنون اثر بختیاری اهوازی است که آنرا بسال ۳۸۰ ه . برشته نظم کشیده بوده‌است و گمان میرود نسخه منحصربفرددرجهان باشد . این نسخه نفیس ازجمله کتابهائیست که دردوران پیرمحمدبن عمرشیخ استنساخ گردیده ودارای ۹ مجلس نقاشی‌است اثر نظام‌بن ابوتراب مرودشتی.

**۲۲۱ – کتابخانه سلطان خلیل میرزا . تاشکند :** یکی دیگر از شاهزادگان با ذوق وهنردوست تیموری سلطان‌خلیل یا خلیل سلطان است که اورا نیز باید ازعاشقان وشیفتگان‌کتاب وهنرهای آن دانست وبسابقه این علاقه‌کتابخانه بزرگی درتاشکند فراهم آورده بود . نسخه‌ای درعلم تشریح وطب درکتابخانه نویسنده هست که متعلق بکتابخانه این شاهزاده بوده‌است .

**۲۲۲ – کتابخانه سلطان‌حسین میرزا بای‌قرا :** ابوالغازی سلطان حسین میرزا بای‌قرا ، آخرین پادشاه مقتدر تیموری بودکه درخراسان وماوراءالنهر وگرگان سلطنت میکرد ، او مردی هنردوست ودانش‌پرور بود ، شعر میگفت و حسینی تخلص میکرد ، منظومه **گل‌وم‌ل** از اوست[۱۶۷] . این پادشاه ادب‌دوست ، درباری بوجود آوردکه دربار سلطان محمود غزنوی را ازنظرتجمع شعراونویسندگان خط بطلان‌کشید، وزیردانشمند وخردمندش **امیرعلیشیر** نوائی نیز خود از ادب‌پروران وهنردوستان نامی جهان بوده است ، این پادشاه ووزیردانشمندش طی سی‌ودوسال سلطنت ووزارت با یاری ویاوری‌یکدیگرچنان محیطی‌درهرات وخراسان برای رشد ونموّ هنرمندان وسخنوران ونویسندگان فراهم آوردندکه درسراسر تاریخ ادبی و هنری ایران جز دوران بای‌سنقرمیرزا برای‌آن نمیتوان تالی ونظیری یافت .

به همین سبب درطی مدت سلطنت آن پادشاه وصدارت آن وزیر بی‌نظیر، تألیفات وتصنیفات بسیاری درتاریخ ، ادب ، عرفان ، طب ، هیأت ، برشته تحریر درآمدکه فهرست آنها خودکتابی بزرگ را شامل میگردد وهمین‌آثار بدیع درغنی ساختن فرهنگ ودانش ایران نقش برجسته ومؤثری را ایفا میکند .

**سلطان‌حسین میرزا بای‌قرا** گروهی ازخوشنویسان نامی ایران راکه بیشترشان دست‌پرورده او یا وزیر با تدبیرش بودند گردآورده بودکه در کتابخانه سلطنتی روزوشب بکار استنساخ نسخه‌های بدیع اشتغال داشتند ، توجهی‌که درزمان او به زیبائی خط فارسی مبذول‌گشت موجب شدکه‌گروه کثیری ازخوشنویسان چیره‌دست ظهورکنند وخط فارسی نستعلیق ونسخ وثلث را به اعلاترین وزیباترین صورتی جلوه‌گرسازند .

غیاث‌الدین‌بن **همام**الدین‌بن میرخوند درکتاب **خلاصةالاخبار**درباره خوشنویسانی‌که درکتابخانه سلطان‌حسین میرزا بای‌قرا بکار تحریرواستنساخ کتاب مشغول بوده‌اند مینویسد[۱۶۸] : « . . . ذکربعضی از خوشنویسان‌که در

کتابخانه معموره عالیحضرت خداوندی ابدت ظلال هدایته کتابت کرده ومیکنند : برضمیر اکسیر تأثیر اهل دانش وبینش پوشیده نماناد که خاطر خجسته مآثر بزیب وآرایش مصنفات بلاغت‌آیات وفصاحت صفات چنان مشعوف وراغب است که عقول واوهام درآن حیران وبه تعجب است ! بنابر آن ازمبداء طلوع سعادت واقبال الی‌یومناهذا . همگی همت عالی نهمت برتربیت خطاطان و خوشنویسان مصروف داشته‌اند و پیوسته نقش فراغت ورفاهیت این طبقه برلوح ضمیرآفتاب اشراق نگاشته واین مختصر گنجایش ذکرجمیل کاتبانی که درکتابخانه معموره آنحضرت کتابت کرده‌اند ندارد . لاجرم برتحریراسامی بعضی‌ازایشان که حالا درقید حیاتند اختصارنموده شود.

**مولانا سلطانعلی مشهدی** که برحسن سیرت ولطف سریرت موصوف است خط نستعلیق را بعدازمولانا جعفر بای‌سنقری کسی برابر این ننوشته ، بلکه رقم نسخ برخط اکثرخوشنویسان کشیده ، مدتها درکتابخانه عالیحضرت خداوندی کتابت میکرد وازموايد انعام واحسان بیکران بهره تام می‌برد حالا نیز منظور نظرعاطفت آنحضرت است وهرکتابت که میفرمایند مانند نی‌قلم درتحریرآن کمرخدمت می‌بندند .

**خواجه حافظ محمد** . سرآمد خطاطان‌وفاضل‌ترین‌اکثرخوشنویسان است وهرشش قلم خط را درکمال خوبی مینویسد ، **مولانا سلطانعلی قاینی** نستعلیق را بغایت صاف وپراصول مینویسد و سالها درکتابخانه معموره به مهم خود مشغول بود . **مولانا زین‌الدین محمود** او نیز نسخ ونستعلیق را درغایت لطافت مینویسد وازجمله شاگردان سلطانعلی مشهدی خوشنویس‌تر است ، **مولانا درویش‌محمد باج شهری** مشهور بشریفی بسرعت کتابت معروف است وبه صنعت راست‌نویسی موصوف ، **مولانا سلطانعلی سبز** ازجمله کاتبانی است که به یمن تربیت مقرب‌الحضرت‌السلطانی (مقصود امیرعلیشیر است) ترقی نموده وبحسن خط ازدیگران بیش‌است ، **مولانا علاءالدین محمد** درکتابخانه مذکور خط نستعلیق راآموخته واورا ترقی تمام‌دست داد ، **مولانا عدیمی** وهم‌چنین **مولانا هجرانی** درسلك مشاهیر نستعلیق‌نویسان کتابخانه معموره هستند » .

خواندمیر در حبیب‌السیر[۱۶۹] درباره سلطانعلی مشهدی مینویسد : «درخط نستعلیق مهارت حاصل کرد که خطوط استادان متقدمین ومتأخرین‌را منسوخ ساخت و درزمان خاقان مغفور همواره باشارت آنحضرت والتماس امیرعلیشیر بکتابت نسخه‌های شریفه میپرداخت» .

ازخوشنویسان دیگری که درکتابخانه سلطان‌حسین میرزا بای‌قرا ، بکار اشتغال داشته‌اند باید از : **سلطانمحمد نور** ، **سلطانمحمد خندان** ، **خواجه عبدالله مروارید** ، **عابد خطاط** ، **خواجه نصیرخطاط** ، **میرزا بایرم خطاط** ،

**کمال‌الدین‌حسین گازرگاهی ، کمال‌الدین محمود رفیعی ، حاج محمد نقاش** یاد کرد .

از نقاشان بنام ومذهبان نامداریکه درتصویر وتشعیر و سرلوح کتابها هنرنمائی میکرده‌اند باید از : **جلال‌الدین یوسف نقاش ، شاه مظفر نقاش ، حاج‌محمدتقی نقاش ، ملایاری نقاش ، منصور مُذهب ، ومیرك ،** یاد کرد .

هنرکتاب سازی دراین دوره پس اززمان **بای سنقر** ، بحد کمال رسید وباتوجهی که سلطان‌حسین میرزا **بای‌قرا** بکتاب سازی معطوف‌میداشت کتابهائیکه دراین زمان بعرصه وجود آمده ازنظر تجلید وتذهیب وتشعیر وتصویر بی‌نظیر ومانند است .

سلطان حسین‌میرزا بای‌قرا برای آنکه کتابهای **کتابخانه سلطانی** با هنر نقاشی نیز آراسته گردد گروهی ازنقاشان ومذهبان را پرورش داده بود تا برای کتابهائیکه بخط استادان فن تحریر می‌یابد مجالس‌زیبائی نقاشی کنند وبرجلوه وجلال وزیبائی ودلربائی آن بیافزایند ، سرآمد **نقاشان دربار واستاد هنرمندان جهان ، خلاق خیال‌انگیزترین صحنه ها ، فرمانروای ملك رنگ وقلم ، مبدع ومبتکر سبك وروش نو درچهره‌نگاری وصحنه‌آرائی استاد کمال‌الدین بهزاد بوده‌است** (تصویربهزاد بقلم‌خودش در ص۱۱٤ از نظرخوانندگان میگذرد) .

سلطان حسین میرزا بای‌قرا از فرط توجه و علاقه‌ای که به هنرداشت واز عشقی که بکتاب میورزید استاد کمال‌الدین بهزاد را بریاست **کتابخانه سلطنتی** برگزید تاگذشته ازاینکه درپرداختن وساختن مجلس‌های نقاشی برای کتابهای کتابخانه سلطانی بذل همت ورزد بکار هنروران وخوشنویسان ومجلدان ومذهبان نیز سرپرستی کند ، نوشته‌اند گاه تا چهل تن استاد در کارگاههای کتاب‌سازی کتابخانه سلطنتی تحت نظارت وراهنمائی استاد کمال‌الدین بهزاد بکار اشتغال داشته‌اند .

**فرمان کتابداری** استادکمال‌الدین بهزادرا غیاث‌الدین میرخونددر کتاب **نامه نامی** آورده که از نظر اهمیت آن دراین موقع ومقام به نقل قسمت‌هائی ازآن بسنده میشود[۱۷۰] . (نقل ازنسخه خطی مجلس شورایملی)

« . . . . . نشان کلانتری کتابخانه هرات‌بنام‌استادکمال‌الدین‌بهزاد.

« . . . . چون ارادت مصورکارخانه ایجاد وتکوین ومشیت محرز **نگارخانه آسمان وزمین . . . . . دراین ولا . نادرةالعصر ، قدوةالمصورین،** استادکمال‌الدین بهزاد . . . حکم فرمودیم که منصب استیفای کلانتری مردم **کتابخانه** همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبان و جـدول‌کشان وحل‌کاران وزرکوبان وسایر جماعتی‌که بامور مذکور منسوب باشند در

ممالك محروسه مفوّض بدو باشد . تحریراً فی‌جمادی‌الاولی سنه ۸۸۹» .

میر سلطان ابراهیم امینی صدرسلطان حسین میرزای بای‌قرا نیز که از شاعران و منشیان ومترسلان دوران اوست تاریخ‌دوران سلطنت‌سلطان حسین میرزا را بنام «**فتوحات شاهی**» بنظم کشیده‌است تا آنجاکه نویسنده اطلاع دارد یك نسخه از این کتاب درکتابخانه شادروان آقاشیخ مرتضی نجم‌آبادی وجودداشته است . میرسلطان ابراهیم امینی درمرقعی‌که از آثار کمال‌الدین حسین بهزاد برای سلطان‌حسین‌میرزا فراهـم آورده بود دیباچه‌ای نوشته و با قلمی دلپذیر وصف هنرمندی آن استاد یگانه را کرده بوده است[۱۷۱] .

در دوران سلطنت سلطان حسین میرزای بای‌قرا ، شهر هرات و شهرهای دیگر خراسان در اوج عظمت علمی سیر میکرده است مدارس بسیاری معمور ودائر بوده‌اند و بطوریکه بکرات متذکر شده‌ایم این‌مدارس همه کتابخانه‌های عمومی داشته‌اند که مورد استفاده طلاب علوم قـرار میگرفته است واینك برای مزید فایدت فهرستی ازاینگونه کتابخانه‌ها بدست میدهیم[۱۷۲] .

**۲۲۳ – کتابخانه مدرسه سلطان ۲۲٤ – کتابخانه مدرسه غیاثیه** ساخته و پرداخته ملك غیاث‌الدین کُرت[۱۷۳] **۲۲۵ – کتابخانه دارالحدیث** هرات **۲۲٦ – کتابخانه خواجه ملك زرگر ۲۲۷ – کتابخانه مدرسه حضرت مخدومی جامی ۲۲۸ – کتابخانه مدرسه خواجه کمال‌الدین گیرنگی .** **۲۲۹ – کتابخانه** مدرسه پیش‌بره از مستحدثات مولانـا جلال‌الدین قاینی **۲۳۰–کتابخانه** مدرسه **خواجه اسمعیل حصاری ۲۳۱–کتابخانه مدرسه خواجه آفرین ۲۳۲ – کتابخانه** مدرسه **امیر محمود ۲۳۳ – کتابخانه مدرسه طفلگان ۲۳٤ – کتابخانه** مدرسه **سبزفیروزآباد ۲۳۵ – کتابخانه مدرسه نظامیه** (ساخته علیشیر نوائی . نظام‌الدین) **۲۳٦ – کتابخانه مدرسه فصیحیه** بناکرده مولانا فصیح‌الدین محمد بسطامی **۲۳۷ – کتابخانه مدرسه خواجه جلال‌الدین فرنخودی ۲۳۸ – کتابخانه خانقاه پیرهرات** ( خواجه عبدالله انصاری ) **۲۳۹ – کتابخانه خانقاه ملك حسین کرت ۲٤۰ – کتابخانه مدرسه بیل‌بند . ۲٤۱ – کتابخانه** مدرسه **سبزدرمان ۲٤۲ – کتابخانه مدرسه مهدعلیا ملکت‌آغا ۲٤۳ – کتابخانه** مدرسه **شریفه مهدعلیا گوهرشادبیکم** (این مدرسه درهرات بوده و با مدرسه گوهرشاد در مشهد نبأید اشتباه شود) **۲٤٤ – کتابخانه** مدرسه **سرپل انجیل** ساخته سلطان حسین میرزا **۲٤۵ – کتابخانه مدرسه** غربی که حالا دراین مدرسه خانقاه آن هشت‌نفر ازمشاهیر علمای دانشور بمنصب تدریس مفتخر و سرافرازند[۱۷٤] **۲٤٦ – کتابخانه مدرسه اخلاصیه** که هفت تن از علمای اعلام وفضلای واجب‌الاحترام به تحقیق وتدقیق در

جلد سوخت که درحاشیه آن نوشته‌است متعلق به‌کتابخانهٔ سلطان ابوسعید میرزا گورکانی

تصویر امیر علیشیر نوائی

علوم یقینیه مشغولی میفرمایند و طلبه آنجا بفراغ بال بمطالعه واستفاده قیام واقدام میکنند ، وبه یمن این‌برکت بقاع نفّاع بمرتبه‌ایست که اززمان ولایت پناهی الایومناهذا چندین هزارکس ازاطراف عالم باینجا آمده‌اند وباندك‌زمانی دانشمند شده بموطن خویش مراجعت نموده‌اند بسیاری ازطلبه این بلده که دراین بقعه تحصیل کرده‌اند بمنصب تدریس سرافرازگشته‌اند.

۲٤۷ – کتابخانه مدرسه بدیعیه از ساخته‌های سلطان بدیع‌الزمان میرزا که امیر صدرالدین استاد آن[۱۷۵] بوده است ۲٤۸ – کتابخانه مدرسه امیر فرمان شیخ حالی ۲٤۹ – کتابخانه مدرسه سلطان‌آغا ۲۵۰ – کتابخانه مدرسه امیرعلاءالدین‌علیکه کوکلتاش ۲۵۱–کتابخانه مدرسه امیرغیاث‌الدین چشتی ۲۵۲ – کتابخانه مدرسه مولانا لطف‌الله صدر ۲۵۳ – کتابخانه مدرسه بالاسر مشهد مقدس که در زمان شاه سلیمان صفوی تعمیر گردید وهنوز پابرجاست .

۲۵٤ – کتابخانه امیرعلی جلایر : امیر علی جلایر از صدور زمان

سلطان حسین میرزا بای‌قرا است . او مردی دانش‌دوست و اهل فضل بود ، دخترش **آفاق بیگم** یکی از شاعران با ذوق آن دوران‌است . امیرعلی‌جلایر کتابخانه قابل توجهی داشته ودرویش علی برادر امیر علیشر نوائی مدتها تصدی کتابخانه اورا برعهده داشته است . ازکتابهای کتابخانه امیرجلایر درکتابخانه های خصوصی نسخه‌هائی هست .

**۲۵۵ – کتابخانه سلطان احمد میرزا** : سلطان احمد میرزا از فرزندان سلطان ابوسعید است که کتابخانه اورا معرفی کردیم . *خلاصة‌الاخبار* تحت عنوان «کتابخانه حضرت سلطنت‌شعاری سلطان احمد میرزا» ازاهمیت وعظمت کتابخانه این شاهزاده اطلاعات مختصری بدست میدهد .

**۲۵٦ – کتابخانه بدیع‌الزمان میرزا** : بدیع‌الزمان میرزا فرزند برومند سلطان‌حسین میرزاست . شرحی ازکمالات او درتذکره تحفه سامی آمده‌است[۱۷٦] بدیع‌الزمان میرزا شاهزاده‌ای با ذوق وهنرشناس وشاعر بوده است ومدت زمان کوتاهی باستقلال سلطنت کرده‌است . این شاهزاده با ذوق توجهی خاص به شاعران و سخنوران وارباب هنر داشت و کتابخانه اورا باید یکی از کتابخانه‌های بنام دوران سلطان حسین میرزا بشمار آورد .

**۲۵۷ – کتابخانه سلطان فریدون حسین‌میرزا** : او نیز از فرزندان سلطان حسین میرزاست . او شاهزاده‌ای دانش‌پرور بود نویسندگان وشعرا را در دربار خود گرد میآورد وبهمین مناسبت تألیفات وتصنیفات چندی بنام او انجام گرفته ونامش را مخلد ساخته است – خوشنویسان کتابهای نفیسی برای کتابخانه او تهیه کرده بوده‌اند . ازجمله نسخه‌ای از دیوان حافظ شیرازی است که بنا بنوشته مقدمه مبسوط آن این نسخه از روی‌پانصد جنگ وسفینه که اکثر آنها درزمان حیات خواجه حافظ نوشته شده بود است جمع‌آوری واستنساخ گردیده این نسخه نفیس متعلق بکتابخانه‌نویسنده این اثر است وتنها یك نسخه دیگر از آن دردنیا موجود است که در کتابخانه بریتش موزیوم نگاهداری میشود . نسخه این حقیر مقدم بر نسخه بریتیش موزیوم است ومتعلق به زمان حیات سلطان‌فریدون‌حسین‌میرزاست.

**۲۵۸ – کتابخانه امیرعلیشیر نوائی (فانی)** چنانکه گذشت امیر نظام‌الدین علیشرنوائی که در شعر فارسی فانی تخلص میکرده است[۱۷۷] او ازوزیران نامدار و پرافتخار ایران است . این وزیر دانشمند و سخنور ارجمند وجود ذیجودش منشأ آثاری است که قرنها ایران بدان مباهی ومفتخر خواهد بود .

امیر علیشر نوائی سبب بوجود آمدن مکتبی درادبیات فارسی‌است که باید آنـــرا مکتب هرات نامید و گروهی باشتباه آنرا **مکتب هندی** خوانده‌اند . امیر علیشر دراعتلای هنر نقاشی نیز سهیم است واگر تشویق

وبذل وبخشش وکرم فوق‌التصور او نبود کمال‌الدین بهزاد بچنان مقام ارجمندی نمیرسید وتوفیق نمی‌یافت که شاگردانی چون **جلال‌الدین یوسف نقاش** ، **شاه مظفر نقاش** ، **میرك نقاش** وده‌ها صورت‌ساز دیگر بپرورد و هنر ایران را زبانزد خاص‌وعام سازد .

برای اینکه نمونه‌ای از هنر پروری امیر علیشر بدست داده باشیم شرحی را که **مولانا واصفی** درکتاب عالیقدر **بدایع‌الوقایع**[۱۷۸] آورده است عیناً میآوریم .

« . . . القصه روزبروز وساعت‌بساعت‌هنرومرتبه **استادکمال‌الدین بهزاد** در ترقی بود ، بهرنقش‌که میکشید از پرده غیب و فتح رشدی روی مینمود ومشهور است که استاد مذکور صحیفه مصور به مجلس فردوس آئین سپهر تزیین امیرکبیر علیشیر روح‌الله روحه آورد وصورت حال آنچنانکه باغچه‌ای آراسته بود مشتمل بردرختان گوناگون وبرشاخسارش مرغان خوشنوا وبوقلمون وبرهرطرف جویباری جاری وگلبن‌های شگفته زنگاری وصورت مرغوب میر آنچنانکه تکیه بر عصائی زده ایستاده وبرسم ساچیق طبق‌های پر زر در پیش نهاده چون حضرت میرآن صورت هارا مشاهده و ملاحظه نمود از عندلیب طبعش بر شاخسار شوق وذوق نوای الاحسن الاحسن برخاست بعداز آن روی بحضار کرد وگفت عزیزان را درتعریف وتوصیف این صحیفه لازم‌التشریف چه بخاطره میرسد ؟

مولانا فصیح‌الدین که استاد میر وازجمله مشاهیر اهل خراسان بود فرمود که «مخدوما . من این گل های شگفته رعنا را دیدم خواستم دست دراز کنم وگلی برکنم وبرسر دستار خودمانم . . »

میراستاد بهزادرا اسب با زین ولجام وجامعه مناسب‌واهل‌مجلس‌را هرکدام لباسهای فاخر انعام فرمود» امیر علیشرنوائی که حلقه ارادت **مولانا عبدالرحمن جامی** را برگردن افکنده بود و چون استادش محضرش پیوسته محفل دانشمندان و مجمع سخنوران وادیبان بود وآنان را بمناسبت بوجود آوردن آثار بدیع صلت‌های فاخر می‌بخشید (تصویر علیشر کار استاد بهزاد ص۱۲۰) .

امیر علیشر که شیفته ودلباخته کتاب بود برای خود **کتابخانه‌ای** فراهم آورده بود که گذشته از جمع‌آوری نسخه‌های نایاب ونادرالوجود نسخه‌هائی نیز وسیله خطاطان شهیر چون سلطانعلی مشهدی وسلطان علی قاینی ومحمد نور وخواجه عبدالله مروارید وامثالشان برای او مینوشتند وامیر کتابخانه خودرا بدانها زینت می‌بخشید .

امیرعلیشیر برای اداره کتابخانه نفیس‌خود دانشمندی‌رابرگزیده‌بود که درفنون‌گوناگون استاد بود. این‌کتابدار بنوشته **روضةالصفا** ، **مولانا حاج**

راست : تصویر سلطان یعقوب .      چپ : صفحه کتابی متعلق به کتابخانهٔ امیر شجاع‌الدین حمزه بیك ازامرای آق قوینلو - الدرالفرید تصنیف مولا محمد شیرین است .

محمد ذوفنون نامداشته . روضة‌الصفا مینویسد « . . ذوفنون هم نقاش بود وهم مذّهب و هم خطاط» بنوشته حبیب‌السیر محمد ذوفنون مدتها ریاست کتابخانه امیر را برعهده داشته است .

**۳۵۹ - کتابخانه مولانا عبدالرحمن جامی :** عبدالرحمن جامی سخنور نامی‌که از اجله محققان ومؤلفان وسخنوران ایران در قرن نهم است ، **درهرات کتابخانه‌ای** معروف و مشهور داشته و خواهرزاده‌اش خوشنویس شهیر **محمد نور** وهمچنین سلطانعلی مشهدی وسلطان محمد خندان برای کتابخانه او نسخه‌برداری میکرده‌اند وبخصوص محمدنورآثار مولانا را مینوشته وبرای پادشاهان وامرای ایران وهند وعثمانی‌که تقاضای آثار مولانا جامی را داشته‌اند . میفرستاد . نسخه‌هائی از کتابخانه جامی در دست است که مولانا دراطراف صحیفه‌های آن بخط خود مطالبی نوشته ویا اشعارش‌را ثبت ورقم‌کرده است درکتابخانه آقای ادیب برومندنسخه‌ای هست که مولانا درپایان آن قطعاتی از خود نوشته ورقم کرده است .

**۲۶۰ – کتابخانه مدرسه خواجه فضل‌الله ابواللیثی – سمرقندی :** ازجمله مدرسه‌هائی‌که در زمان شاهرخ بنیاد یافت مدرسه خواجه ابواللیثی درماوراءالنهر شهرتی بدست آورد . ودراین مدرسه امیر علیشر نوائی پس‌ازتحصیل درمشهد مقدس مدتها به تکمیل معلومات و تحصیلات خود پرداخته وازکتابخانه معظم آن استفاده میکرده است . فارغ‌التحصیلان این مدرسه بیشتر از اکابر واعاظم دانشمندان ایران بوده‌اند . این مدرسه بیش ازیك قرن مرجع دانشمندان وطالبعلمان بوده است .

**۲۶۱ – کتابخانه میرزا اسکندربن عمرشیخ . شیراز :** سلطان اسکندر نیز چون دیگر اولاد شاهرخ علاقـه‌ای خاص به کتاب داشت و کتابخانه‌ای درشیراز فراهم آورد که آن را باید ازکتابخانه‌های نامی ایران شمرد ، کتابدار کتابخانه او **مولانا معروف**[۱۷۹] شاعر وخوشنویس بوده است که قبل‌ازآن درملازمت سلطان احمد جلایربسرمی‌برده‌است . مولانا معروف درکتابت سریع‌القلم بوده وروزانه میتوانسته است پانصد بیت کتابت بدون غلط واشتباه بکند ! مولانا معروف بعدها مورد توجه شاهرخ قرار گرفت واورا بهرات خواست ودرکتابخانه شاهرخ عهده‌دار خدمت گردید .

**۲۶۲ –کتابخانه سلطان ابوالنصر شیخ‌ابوالمؤید :** سلطان‌ابوالنصراز پادشاهان فضل دوست بود وکتابخانه او از کتابخانه‌های قرن هشتم بوده است . ازکتابهائی‌که برای کتابخانه این پادشاه تهیه‌کرده‌اند هنوزنسخه‌هائی درکتابخانه‌های‌مهم جهان موجوداست ازجمله نسخه‌کتاب‌نصب‌الرایه‌لاحدیث الهدایه تلخیص جمال‌الدین یوسف‌که درکتابخانه دکن محفوظ است[۱۸۰]

## یادآوری

درپایان تاریخچه‌کتابخانه‌های‌دوران‌تیموری‌بموردداست‌که‌ازسه‌سلسله **آق‌قویونلو – قره قویونلو – بنی‌شیبان** نیز یادکرد . زیرا پادشاهان این سه سلسله نیزکم‌وبیش درساختن مدارس وکتابخانه‌ها وترویج و تشویق نویسندگان‌وشاعران وکمك بتألیف وتصنیف کتابها بزبان فارسی خدماتی ارزنده کرده‌اند . بنابراین بطوراختصار دراین‌باره اشارتی میرود .

**الف – ترکمانان قره قویونلو :** نخستین‌کس ازاین‌دودمان بیرم‌خواجه بوده است که درخدمت سلطان اویس‌جلایری بوده وتوانسته است حکومت موصل وسنجار را بدست آورد او بسال ۷۸۲ درگذشت وپسرش **قرا محمد** بجای او نشست وپس‌از قرا محمد **قرایوسف** جانشین او شد واونخستین‌کس از قره‌قویونلوهاست که خودرا پادشاه خواند وشهرتبریز را پایتخت‌قرار داد . پس‌ازظهور تیمور قره‌یوسف به ایلدرم بایزید وسپس به فرخ یسار

پادشاه مصر پناه برد ، پس ازمرگ تیمور باردیگر به تبریز آمد وبغداد را هم تصرف کرد وسرانجام درسال ۸۱۳ هـ . سلطان احمد جلایر را کشت وعراق وآذربایجان وموصل وقزوین وسلطانیه را هم فتح کرد (۸۲۲ . هـ) پس‌ازاو **اسکندر** بسلطنت‌رسید وباشاهرخ بمنازعه‌پرداخت واخلاط وکردستان را هم ضمیمه حکومت خودکرد . پس‌ازاسکندر **جهانشاه** در ۸۳۹ هـ . بکمك شاهرخ بسلطنت رسید واصفهان وفارس و کرمان را هم بحکومت خود افزود وسرانجام در ۸۷۱ . هـ . درجنگی‌که با ازون حسن آق‌قویونلوکرد کشته شد ودولت قره‌قویونلو منقرض گشت .

**قرایوسف و جهانشاه** به اهل علم ودانش و ادب توجهی خاص داشتند بخصوص جهانشاه به احداث وایجاد مدارس ومساجد وابنیه خیر بذل‌جهدی میکرد .

**۲۶۳ – کتابخانه جهانشاه قره‌قویونلو :** کتابخانـه جهانشاه از کتابخانه‌های قرن نهم ایران است وکتابهائیکه خوشنویسان وهنرمندان به هم‌چشمی با شاهزادگان تیموری فراهم آورده‌اند از شاهکارهای نفیس هنری ایران بشمار است . جهانشاه خود مردی فاضل بود وشعر میسرود و **حقیقی** تخلص میکرد . دیوان اشعارش را فراهم آورد و برای مولاناجامی فرستاد ومولانا نیز دربرابر این محبت درمقام سپاسگزاری قصیده‌ای بمطلع «مهرشاه جهان جهانشاهست» سرود وبا نسخه‌ای ازکلیه آثارش بکتابخانه جهانشاه اهدا کرد .

**ب – آق‌قویونلوها – یا – بانیدری‌ها :** نخستین‌کس از این طایفه‌که لوای امارت برافراشت **بهاءالدین قره عثمان** نامداشت ، قره عثمان حکومت دیاربکر را گرفت وپس ازمرگش سلطنت به **اوزون حسن** رسید ، او از مقتدرترین پادشاهان بانیدری است . سالها با دولت عثمانی جنگید و در زمانیکه اروپائیان ازسپاهیان ینی‌چری خواب وآرام نداشتند چون‌نگاهبانی هوشیار وبیدار ایران را ازتهاجم نیروی خارجی حفاظت کرد . **منجم‌باشی** درتاریخ صحایف‌الاخبار مینویسد[۱۸۱] «وی سلطانی عادل ، شجاع ، متقی ودیندارودوست اهل فضل‌وعلم‌وصلاح بود باعمال خیروکارهای عام‌المنفعه راغب وعمارات بسیاربه‌نیت مقاصد مذهبی بنیاد نهاد ، وی تبریزرا تخت‌گاه خود قرار داده از ممالك مجاور ودیار اطراف بسیاری ازدانشمندان را در آنجا جمع آورد ومورد عنایت وحرمت خاص خـود قرار داد یکی از معروف‌ترین آن رجال دانش وادب که از دست وی پاداش ونیکی بسیار یافت «**مولانا علی قوشچی‌است**» .

**۲۶٤ – کتابخانه اوزون حسن . تبریز :** کتابخانه اوزن حسن در تبریز ازجمله کتابخانه هائی بوده‌است‌که مورد توجه دانشمندان بود و

شاه اسمعیل اول صفوی

خط مولانا عبدالرحمن جامی

کتابهای این کتابخانه که غالباً ازنظر نفاست کم نظیراست درکتابخانه‌های خصوصی بسیار است .

۲۶۵ – **کتابخانه سلطان خلیل** : سلطان خلیل پس از اوزن حسن بسلطنت رسید واونیزتوجهی خاص به دانشمندان‌وسخنوران مبذول میداشت وبه همین نظر مولانا جامی وجلاالدین دوانی دوتن از مشاهیر دانشمندان قرن نهم بنام او تألیفاتی کرده‌اند . پدرسلطان خلیل امیرحسین‌بیك هم مردی شاعرنواز بوده است .

۲٦٦ – **کتابخانه سلطان یعقوب** : سلطان یعقوب بسال ۸۸۳ ه . بسلطنت رسید او یکی از پادشاهان فضل‌دوست وهنرپرور ایرانست ، در دوران سلطنتش بناهای عالی ورفیع ساخت که بازمانده این آثار نشان‌میدهد هنر کاشی‌کاری دردوران اوکم اززمان صفویه نبوده است . ازجمله بناهائی که ساخت قصرهشت‌بهشت درتبریز بوده است که شهرتی عالمگیریافت تا آنجاکه مولانا جامی درقصیده‌ای به توصیف زیبائیهای آن پرداخته‌است. منجم‌باشی درباره سلطان‌یعقوب مینویسد «به شعررغبتی بسیارداشت ، بسیاری ازشعرا ازاطراف عالم بدربار اوگرد آمده ودرمدح‌وی قصاید شیواساختند»

سلطان یعقوب خود نیز شعر می‌سروده وسام میرزا از او در تحفه سامی شرح حال بدست میدهد ودوران سلطنت اورا زمان درخشان فرهنگ وادب می‌شمارد ومینویسد «. . . علی‌ای‌حال درزمان او اختر شعر ازحضیض هبوط باوج ثریا رسید وشیوه شعر وشاعری چون ملت سامری در میانه بنی‌اسرائیل شیوع تمام یافت» .

سام میرزا اورا پادشاهی‌عادل خوانده‌است ، دربار سلطان‌یعقوب‌مجمع فضلا ودانشمندان و شعرا بوده است ومیتوان از شعرای دربار او تنی چند را یاد کرد ازجمله : **میرهمایون** که سلطان یعقوب اورا امیرخسرو کوچك خطاب میکرده ، **مولانا انیسی** که خط نستعلیق را بهتراز سلطانعلی مشهدی می‌نوشته ، **مولانا بنائی** که **بهرام وبهروز** را بنام او سروده ، **بابافغانی** ، **شهیدی قمی** که منصب ملك‌الشعرائی داشته ، **درویش دهکی** ، **بابانصیبی** ، **الف ابدال** ، **مولانا حبیبی برگشادی** .

کتابهائی که برای کتابخانه سلطان یعقوب تهیه شده است از نظر نفاست با کتابهای کتابخانه سلطان حسین میرزا بای‌قرا لاف برابری‌میزند.

ازکتابخانه هـــای معروف دوران آق قویونلوها میتوان از سه کتابخانه یاد کرد . بشرح زیر :

**۲۶۷ – کتابخانه مدرسه نصیریه . تبریز** : این مدرسه تا اواخر دوره صفویه معمور بوده وکتابخانه معتبری داشته است درزمان شاه‌اسمعیل اول وشاه تهماسب اول . مولانا امیرفیض‌الله حاجی برمکی تولیت و کتابداری آنرا برعهده داشته است[۱۸۲] .

**۲۶۸ – کتابخانه مدرسه مظفریه . تبریز** : این مدرسه نیز از مدارس بنام تبریز بود وکتابخانه آن کمال شهرت را داشت کتابدار و متصدی آن درزمان شاه اسمعیل صفوی در عهده **کمال اسمعیل** شاعر ودر زمان شاه تهماسب اول با امیر فصیح بوده است[۱۸۳] .

**۲۶۹ – کتابخانه مدرسه منصوریه . شیراز** : این مدرسه را **مولانا صدرالدین‌دشتکی**بنیادنهاد وکتابخانه آن‌ازکتابخانه شهیرشهرشیرازبوده‌است وبرای اداره آن موقوفات بسیاروقف‌کرد وسلطان یعقوب‌آق‌قویونلو برطبق فرمانی‌موقوفات این‌مدرسه‌را ازهرگونه‌مالیاتی‌معاف‌کرده‌بود[۱۸٤] این‌کتابخانه تاقرن یازدهم دائر بوده‌است .

**۲۷۰ – کتابخانه حمزه‌بیك آق‌قویونلو . تبریز** : حمزه‌بیك درسال ۸۰۹ درتبریز حکومت میکرد وعلاقــه وافربادب وهنر داشت از جمله کتابهای کتابخانه حمزه‌بیك کتاب الدّرالفرید که متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی است قابل ذکر است (عکس این‌نسخه را درص۱۲۳ آمده است) .

پ : **بنی‌شیبان** : شیبك خان‌بن‌براق‌خان خودرا ازخاندان چنگیز میدانست ، نخست درخدمت سلطان احمد میرزا‌بن‌سلطان ابوسعید حاکم ماوراءالنهر بود وسپس خود او درماوراءالنهر تسلط یافت وپس‌از درگذشت سلطان حسین میرزا بای‌قرا ، بقلمرو حکومت او دست انداخت وخراسان‌را بتصرف آورد . او بنیان سلسله‌ای را گذاشت که بنام بنی‌شیبان خوانده میشود . مردی سفاك وخونریز بود ولی به شعرا ونویسندگان وهنرمندان توجهی خاص مبذول میکرد ، بهزاد نخست در دربار او بود . بنقاشی و خط علاقه مفرط داشت ، شهرهائی را که میگشود بکتابخانه های آن‌دستبرد میزد وبا این‌ترتیب درسمرقند کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورد (**۲۷۱**) پس‌از اوعبیدالله‌خان‌بن **سلطان محمود** قابل ذکر است ، این مرد نیزچون‌شبیك‌خان بیرحم وسفاك بودواونیز بشعر وادب علاقه‌ای داشت وشعرمیگفت ، دیگراز این خاندان **عبدالقدوس شیبانی** را باید یاد کرد که مردی اهل ادب بود وکتابخانه‌ای‌بزرگ فراهم‌آورد (۲۷۲) ومدتها **خواجه عبدالسلام بخارائی شاعر**[۱۸۵] کتابدار کتابخانه او بوده است .

**۲۷۳ — کتابخانه مدرسه خانیه . سمرقند** : محمدخان شیبانی این مدرسه را بسال ۹۰۸ در سمرقند ساخت ، مدرسه خانیه از مدارس بنام و برجسته سمرقند بود وکتابخانه آن که وصفش را فضل‌الله روزبهان در مهمان‌نامه بخارا آورده است قابل ذکر وتوجه است[۱۸۶] .

**۲۷٤ — کتابخانه امیرترخان . سمرقند** : مدرسه امیرترخان در سمرقند یکی از مدارسی است که در زمان شیبانیان بنیان یافت وکتابخانه این مدرسه نیز معروف ومشهور بوده کتابهائی در دست است که زمانی تعلق بکتابخانه ایـــن مدرسه داشته است از جمله حاشیه مولانا مسعود شیروانی برشرح مواقف که درکتابخانه آصفیه دکن محفوظ است[۱۸۷] .

**۲۷۵ — کتابخانه سلطان احمد جلایر تبریز** : امیر شیخ‌حسن نویان باشیخ‌حسن بزرگ درسال ۷۳٦ . ه بنیان دودمان جلایری یا ایلخانی را گذاشت وبغداد وتبریز را پایتخت خود اعلام کرد ، او به شعروادب توجه داشت وخواجه سلمان ساوجی ازتربیت‌شدگان اوست ، پس‌ازاو شیخ اویس جلایری بسلطنت رسید ۷۵۷ ه . سلطان اویس پادشاهی بود با ذوق و هنردوست وخود در موسیقی دست داشت وشعر میسرود ومدت بیست‌سال سلطنت کرد ودانشمندان و هنرمندانی را درتبریز گرد آورد ، پس ازاو پسرش سلطان احمدکه گذشته از صباحت‌منظر درهنر نیز بی‌مثل‌وهمتا بود به سلطنت رسید . سلطان احمد درنوشتن خطوط ونقاشی مهارت داشت ودرموسیقی نیزصاحب اطلاع‌بود . ازنامه‌ای‌که درتقدیر ازموسیقی‌دان‌نامی ایران **عبدالقادر گوینده** نوشته است ذوق وادب اوکاملاً آشکاروهویداست.
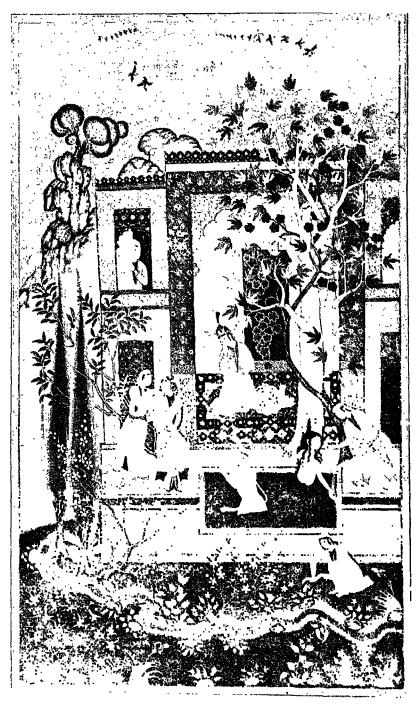
مینیاتور کار آقارضا مصور

این پدر وپسر هردو از ممدوحین خواجه شیراز حافظ خوش‌لهجه خوش آواز بوده‌اند .

سلطان اویس وسلطان احمد هردو دربسط و ترویج خطاطی و نقاشی و هنر کتاب سازی درمیدان رقابت با تیموریان گوی برتری‌میزدند. وبه همین مناسبت گروه کثیری از نقاشان و مذهبان ازخراسان وعراق روی به تبریز وبغداد آوردند وسطح هنررا دراین دوشهر باوج ترقی و کمال رسانیدند .

کتابخانه سلطان اویس وسلطان احمد جلایر شهرتی عالمگیرداشته وتیمور در هجوم به بغداد ازاین کتابخانه متمتع شد ، هنوز درکتابخانه‌های معروف جهان نسخه‌هائی هست که زمانی تعلق بکتابخانه سلطان احمدجلایر داشته است . از آنجمله نسخه‌ای درتحریر اقلیدس است‌که بخط خواجه نصیرالدین توسی است و سلطان احمد در آخرین برگ کتاب تملك خودرا نوشته است .

**نکته** : با تشکیل سلطنت **تیموری هند** که توسط بابرشاه‌انجام‌گرفت وهمچنین حکومت **ارغونیان** درپتنه که باید هردو این سلسله‌ها را ایرانی وتربیت شده ایران دانست رواج زبان وادب فارسی درشبه‌قاره هند باوج عظمت واعتلا رسید وتوجه خاص پادشاهان ادب‌دوست تیموری هند و ارغونیان پتنه وپادشاهان دیگری‌که درآن شبه‌قاره سلطنت میکردندواکثراً ایرانی وفارسی زبان بودند ، موجب بنیاد کتابخانه‌های بزرگ وباعظمت وبسیار غنی گردید واین کتابخانه‌ها در جلب وجذب کتابهای نفیس ایران نقش برجسته‌ای داشته‌اند وبعضی از کتابخانه‌های این دوران چنان عظمت وشکوهی داشته‌است‌که نظیرآنرا‌کمترمیتوان‌یافت مانندکتابخانه‌های - بابر - اکبر - همایون ، دارا شکوه واینك از اینکه این کتابخانه‌ها کتابهایشان فارسی وبیشتر وسیله ایرانیان بنیان یافته واداره می‌شده است . فهرست‌گونه از آنها یاد می‌کنیم **ولیکن جزو کتابخانه‌های ایران بشمار نمیآوریم .**

۱ - کتابخانه پادشاهان بهمنیه ۲ - کتابخانه پادشاهان عادلشاهیه ۳ - کتابخانه پادشاهان نظامشاهیه ٤ - کتابخانه فاروقیان برهانپور ٥ - کتابخانه پادشاهان بنگاله ٦ - کتابخانه سلاطین شرقی جونپور ۷ - کتابخانه امــرا ی‌سند ۸ - کتابخانه امرای مولتان ۹ - کتابخانه پادشاهان کشمیر ۱۰ - کتابخانه پادشاهان اوده ۱۱ - کتابخانه پادشاهان قطب شاهیه .

(رئیس‌کتابخانه پادشاهان دهلی مهاوت خان بود ورئیس کتابخانه عالمگیر محمدیحیی بوده است وکتابهائی‌که از عرض میگذرانیده مهرمیزده است «محمدیحیی فدوی خانه‌زاد پادشاه عالمگیر»

# کتابخانه‌های دوران صفویه

باظهور شاه اسمعیل صفوی فصل تازه ونوی درفرهنگ وهنر و اقتصاد واجتماع ایران گشوده شدکه برای آن نظیر ومانندی جز دوران کورش نمیتوان یافت ، این دوران ، دوران تحول است وبه همین مناسبت بجاست درباره آن بحث شود .

دراین‌تاریخچه تاآنجاکه باموضوع کتاب بستگی‌داشته‌است اوضاع‌هر قرن از لحاظ اجتماعی وسیاسی‌واقتصادی وفرهنگی وهنری بررسی‌گردیده وعواملی‌که موجب انحطاط وسقوط یا ترقی وتعالی هردوران گردیده به وضوح نموده شده است .

وضع فرهنگی وهنری ورواج کتاب وتأسیس کتابخانه‌هارا تاقبل ازظهور شاه اسمعیل صفوی بخوبی روشن کرده ونشان داده‌ایم که خاندان تیموری چه خدمات و اقدامات با ارزشی برای اعتلای فرهنگ وادب انجام دادند ودراین دوران دراثر توجه پادشاهان وصدور وامرا بکتاب وهنرهای کتاب چه کتابخانه های باعظمت وبی‌نظیری درنقاط مختلف ایران بوجود آمد وباردیگر توجه عموم بکتاب جلب شد ومدارس ودارالعلمها رونق گرفت ونویسندگان ومتفکران وگویندگان وهنرمندان‌بسیاری ظهورکردند وزمینه ومحیط برای بروز استعدادها کاملاً مساعد وآماده شده‌بود لیکن باردیگر بلای‌ملوك‌الطوایفی‌وتشتت‌وتفرقه درکلیه شئون‌رکودی‌بوجودآورد.

درشمال ایران ازبکان ودرغرب دولت عثمانی با قدرتی‌شگرف نیرو میگرفتند وخطری عظیم وحدت ملی وجغرافیائی ایران را سخت مورد مخاطره‌وتهدیدقرارداده بوددریك‌چنین‌موقعیت‌حساسی‌واقعاً‌امری‌خارق‌العاده بظهور رسیدکه برای بیان آن در زبان فارسی جز معجزه نمیتوان کلمه دیگری بکار برد .

شاه اسمعیل صفوی نه تنها از نظر شجاعت و شهامت ، دل‌آوری بی‌همتا بود بلکه آنچه اورا از نظر یك محقق نابغه وقابل تقدیس جلوه میدهد ابتکار درمدیریت وسازمان دادن است ، ازاین‌نظر جزکورش‌بزرگ نمیتوان تالی ونظیری برای او در سپاهیگری وکشورداری درتاریخ‌ایران یافت ، مهم این نیست که شاه اسمعیل اول با دل‌آوری وشهامت وقهرمانی بکشورگشائی پرداخته ، مهم اینست که بنیان سلطنتی که بر پایه تدابیر و قوانین و اصولی محکم استوار بود بوجود آورد که این سلطنت و دولت با قدرت وشوکت دویست سال دوام کرد وواحد جغرافیائی برای ایران پدید آوردکه هنوزهم برآن بنیاد واساس پایدار است .

تصویر شاه عباس دوم

تصویر شاه سلیمان صفوی

شاه اسمعیل صفوی دربیشتر شؤون مملکت بنیان های تازه گذاشت واساس پوسیده گذشته را درهم نوردید ، همانگونه که توانست مذهب رسمی ایران را تشیع قرار دهد با همان قدرت ونفوذ توانست قوانین مدنی و اداری تازه‌ای را جایگزین سنت‌های گذشته سازد[۱۸۸] .

پیش از تشکیل دولت صفویه درهرقسمتی از ایران مقررات و قوانین ورسوم وقراردادهای اجتماعی خاصی حکومت میکرد آثاری از دوران چنگیز وایلخانیان وسپس تیموریان با قواعد و قوانین دیوانی دوران سلجوقی درهم آمیخته ووضع ناهنجاری را بوجود آورده بود . عقاید ومعتقدات مذهبی نیز یکسان نبود واختلاف‌های دینی گاه منجر بکشتارهای دسته‌جمعی می‌شد وبزرگترین بلا وآفت وحدت ملی همین‌گونه اختلاف‌ها بودند .

تذکره زندگی شاه اسماعیل صفوی بنوشته سام میرزا فرزندش بطور خلاصه چنین است . در ۸۹۲ تولد یافته ودر ۹۰۵ که سیزده سال داشته است از گیلان خروج کرده ودر ۹۰۶ آذربایجان وشیروان را تصرف کرد وبرالوندبیك آق‌قویونلو فائق وغالب آمد ودر ۹۰۸ عراق وفارس‌را گرفته ودر ۹۰۹ یزد وابرقو ودر ۹۱۰ کردستان ودر ۹۱۳دیاربکر وبغداد

ودر۹۱۹ خراسان وماوراءالنهررا مسخر ساخته وسپس‌در۹۲۰ بادولت‌عثمانی درچالداران مصاف داده واز ۹۲۱ – ۹۳۰ بکشورداری گذرانیده است یعنی مدت ۱٦ سال به جهانگیری ومدت ده سال به جهانداری صرف کرده است ودر ۹۳۰ بسن سی‌وهشت سالگی چشم ازجهان پوشیده است .

درمدت ده‌سالیکه بکشورداری‌گذرانید با دهاء ونبوغی که خاص‌او بود درکلیه شؤون اجتماعی ایران دگرگونگی بوجود آورد وقراردادهای اجتماعی تازه‌ای بنیاد نهاد وبرای امورکشور سازمانهای نوینی که باسنت ومحیط سازگاربود ترتیب داد . مطالعه چگونگی سازمانهای اداری صفویه این حقیقت‌را آشکارمیکند که شاه اسمعیل صفوی مدیری مدبر وفرماندهی عالیقدر بوده است **عجب اینست که این نابغه نظامی درکشورداری نیزنظیر وتالی نداشته وگذشته ازاینکه خود واضع قوانین وفنون سپاهیگری بود درعین حال واضع مقررات وقوانین مالی واجتماعی واداری هم بوده‌است!!** وبا اینهمه ازامور معنوی نیز غافل نمانده وبادب وفرهنگ وهنر توجهی خاص مبذول میداشت ودر رونق بخشودن بآن جهدی کافی وسعیی وافی بعمل میآورد .

شاه اسمعیل خط ثلث‌را خوش مینوشته وبفارسی وترکی شعرمیگفته و**خطائی** تخلص میکرده‌است[۱۸۹] عشق وعلاقه وافری بکتاب داشته وازهمین رهگذر است‌که پس ازفتح هـرات هنرمندانیکه درآنجا اززمان سلطان حسین میرزا بای‌قرا گرد آمده‌بودند **بسرپرستی کمال‌الدین بهزاد** با اعزاز واکرام تمام همراه خود به تبریز برد وبهزاد را با سمت **کتابداری‌کتابخانه همایونی** بسرپرستی هنرمندان دارالصنایع تبریزگماشت .

شاه اسمعیل تربیت فرزندانش را وجهه همت ساخت وشاه‌طهماسب را بخوش‌نویسی وفراگرفتن نقاشی واداشت وبرای آموزش آنان دانشمندانی را به تعلیم آنان گماشت ، فرزندانش را به هنر وکمال آشنا کرد واین شد که هنر کتاب‌سازی ومعماری وادب در دوران صفویه طرفدار ودوستدار یافت وراه ترقی وکمال را پیمود .

هم‌چنانکه این‌نابغه بی‌نظیر توانست درشؤون مختلف تحولی بوجود آورد درهنر وادب نیز موجد مکتب جدیدی شد که پس ازمکتب هرات بنام مکتب تبریز شهرت گرفته است **وما بحق میدانیم که این مکتب را بنام او مکتب خطائی بنامیم** [۱۹۰]

دردوره صفویه‌کتابخانه‌ها ودارالعلم‌های بسیارتأسیس یافت‌که‌مشابه این دوران را از این نظر کمتر درتاریخ ایران میتوان یافت ، دردوران صفویه دراثر همین توجه وعنایت بارباب معرفت ودانش محققانی ظهور کرده‌اند که وجودشان برای ادب وفرهنگ ایران سرمایه افتخار است ،

تعداد تألیفاتی که درطی مدت دویست سال ازسال ۹۱۵ – ۱۱۱۵ . ﻫ . انجام گرفته متجاوز از سه‌هزار جلد است !

اثرات معجزآسای تحول دوران شاه اسمعیل را در علم وادب و هنر میتوان در تذکره تحفه سامی که نوشته فرزند او سام میرزاست مطالعه کرد . تذکره سامی بما نشان میدهد که تبریز ، اصفهان ، مشهد ، قزوین، شیراز ، کاشان ، تهران ، چگونه مرکزیت می‌گیرد و مجمع علما و محل پرورش طالبعلمان میشوند اینك با این مقدمه بمعرفی کتابخانه‌های دوران صفویه می‌پردازیم .

**۲۷۶ – کتابخانه شاه اسمعیل صفوی . تبریز :** بطوریکه گفته شد شاه اسمعیل صفوی پس از فتح هرات هنرمندانیکه درزمان سلطان حسین میرزا بای‌قرا . درهرات گرد آمده بودند وبرای کتابخانه همایونی به خلق آثارهنری مشغول‌بودند همه را به تبریزآورد وکتابخانه باشکوهی ترتیب داد و سرپرستی کتابخانه را به‌کمال‌الدین بهزاد سپرد . از هنرمندانیکه در کتابخانه شاه اسمعیل صفوی بخلق آثار هنری اشتغال داشتند چندتن از مشاهیر آنان را معرفی می‌کنیم . سلطانمحمد خندان – محیبی شیرازی – میرك تبریزی – محمد قاسم شادیشاه – نباتی تبریزی – میرمصور – زینی بخارائی – شاه محمود رهی مشهدی – مانی نقاش شیرازی – مظفرعلی تربتی – حیدرعلی نقاش خواهرزاده بهزاد . آثاریکه برای کتابخانه شاه اسمعیل صفوی تهیه شده همه از گـــرانقدرترین کتابهای زینتی هستند و نمونه‌های آنهارا درکتابخانه‌معروف جهان مانندکتابخانه‌های‌بریتیش‌موزیوم کتابخانه کنگره وکتابخانه سلطنتی ایران میتوان دید .

**۲۷۷ – کتابخانه شاه طهماسب اول . تبریز :** شاه طهماسب در سال ۹۳۰ که ده سال وشش ماه داشت بسلطنت رسید و چون نزد نقاشانی نظیر مانی نقاش ، مظفرعلی و حیدرعلی نقاشی آموخته بود وخط نسخ وثلث را هم نزد محیبی شیرازی وشاه محمود نیشابوری مشق کرده بود به کتابت وکتاب علاقه وافر یافت و بهمین مناسبت دارالصنایعی که پدرش ترتیب داده بود گسترش داد ، کتابخانه شاه‌طهماسب روز بروز دراثر این توجه غنی‌تر میگردید تاجائیکه درشمار معظم‌ترین کتابخانه های هنری جهان درآمد . **شاه محمود نیشابوری** مدتها کتابدار کتابخانه شاه‌تهماسب بود و برای‌کتابخانه شاهی‌نسخه‌برداری میکرد. **محیبی‌شیرازی** نیزکه ازخوشنویسان نامی ایرانست مدت زمانی **کتابدار کتابخانه** شاه تهماسب بـــوده است **امیرنظام‌الدین اسکوئی** که او نیز از شعرای قرن دهم است مدتی سمت **کتابداری کتابخانه** شاهی را برعهده داشته است[۱۹۱] .

**۲۷۸ – کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا صفوی :** او پسر بهرام‌میرزا

**امام قلیخان بقلم صادقی کتابدار**

**سام میرزا اثر سلطان محمد خندان**

فرزند شاه اسمعیل صفوی وضمناً داماد شاه تهماسب بود . ابراهیم میرزا از شاهزادگان هنردوست صفوی است مدتها از طرف شاه تهماسب حکمران خراسان بود ودربارش مجمع دانشمندان وهنرمندان . کتابخانه مجللی‌فراهم آورد وهنروران وخطاطان نامی امثال — **شیخ محمد سبزواری** ، **علی‌اصغر کاشی** ، **عبدالله شیرازی** ، برای او آثار هنری بوجود میآوردند . این شاهزاده هنردوست بجمع‌آوری آثار نفیس ومرقعات وخطوط استادان خط اهتمامی خاص داشت وبنوشته گلستان هنر[۱۹۲] یکی از مرقعاتش محتوی خطوط نادر وکمیاب ازآثار مشاهیر خوشنویسان ایران ونقاشیهای گرانقدر از آثار بهزاد ومیرسیدعلی وقاسم‌علی وحیدرعلی ومظفرعلی ومانند آنها بوده‌است که درهمان‌زمان میگفته‌اند بهای آن باخراج‌مملکتی برابری‌میکند!

سلطان ابراهیم میرزا درموسیقی صاحب نظر ودرآن دست‌داشت ودراین فن شاگرد **مولانا قاسم قانونی** بود ، خط نستعلیق را بسیار زیبا وبجا می‌نوشت ودرنقاشی نیز چیره‌دست بوده است . **خلاصة‌التواریخ** مینویسد[۱۹۳] ·تذکره سودمندی بنام **فرهنگ ابراهیمی** — تألیف کرده بود که **سفینهٔ‌خوشگو**

براساس آن تنظیم یافته است . ابراهیم میرزا شعر می‌سرود و جاهی تخلص میکرد . عیشی تبریزی که شاگرد میرعلی هروی خطاط بود مدتها سمت کتابداری کتابخانه ابراهیم میرزا را داشته است .

این شاهزاده دانشمند درزمان شاه اسمعیل دوم بقزوین آمد ومدتی سمت مهرداری سلطنتی‌را داشت . درروزشنبه پنجم ذی‌الحجه‌سال ۹۸۴ ه . چون بکتابخانه وآثار نفیس دیگرش چشم طمع دوخته بودند اورا شمخال خان‌کشت وچون همسرش دانست که بخاطر اموال نفیسی که فراهم‌آورده بود بجان شوهرش سوء قصد شده ، کتابها ومرقعات بی مانند ونظیر را از فرط غم وشدت خشم در محوطه حیات خانه گرد آورد وبآتش زد تا بدست قاتلان شوهرش نیفتد وخود او نیز از غم جانگداز شهادت ابراهیم میرزا چند روز پس ازآن درگذشت . کتابخانه ابراهیم میرزا یکی‌ازکتابخانه‌های بسیارغنی از نظر نسخه‌های هنری بوده است که متأسفانه در آتش جهل وآزسوخت !!

**۲۷۹ – کتابخانه سام‌میرزا :** سام میرزا فرزند شاه اسمعیل اول از شاهزادگان فاضل وفضیلت پرورصفوی‌است تذکره تحفه سامی بهترین معرف اوست واین تذکره یکی ازآثار ارجمند زبان فارسی است . او مردی شایسته ومتدین بوده ودربارش پیوسته محفل ادبا ومجمع فضلا و شعرا بوده است . بطوریکه خود در تحفه سامی متذکر است نویسندگان وخوشنویسان بنامی مانند شوقی یزدی ، لسانی شاعر ، خواجه شهاب‌الدین‌عبدالله‌مروارید، قاضی احمد غفاری مؤلف تاریخ جهان‌آرا درکتابخانه و دیوان او بخدمت اشتغال داشته‌اند ، او در خوشنویسی شاگرد شهاب‌الدین عبدالله مروارید بوده است .

این‌شاهزاده دراواخر عمر در قلعه قهقهه تحت نظربود وبا اولادش درآنجا میزیست واوقات بتألیف میگذرانید کتابخانه او نیز دراین قلعه قرار داشت . سال ۹۷۵ . ه زلزله‌ای شدید قلعه را درهم کوبید وسام میرزا که با سلطان احمد وسلطان فرخ پسران القاس میرزا دراطاقی مشغول بحث ادبی بودند درزیر آوار ماندند وجان‌بجان آفرین سپردند[۱۹۴] .

**۲۸۰ – کتابخانه ظهیرالدین بهرام میرزا :** یکی دیگر از فرزندان شاه اسمعیل اول است ، این شاهزاده نیز به تبعیت از پدرنامدار خود شیفته هنر وادب بود . شعر میگفت و بهرامی تخلص میکرد . درخط نستعلیق استاد بود ، مدتها حکومت هرات را داشت ودرآنجا کتابخانه قابل توجهی فراهم آورد ، بسال ۹۵۶ درگذشت وسپس فرزندش بدیع‌الزمان میرزا جانشین اوشد واین‌شاهزاده نیز همچون پدر بسیارفضل‌دوست بود وسرانجام بفرمان شاه اسمعیل دوم درعنفوان شباب شهید شد[۱۹۵] .

**۲۸۱ – کتابخانه شاه محمد خدابنده** : شاه محمد خدابنده به هنرو کتاب علاقه‌مند بود ودر قزوین کتابخانه بزرگی فراهم آورد که تصدی آنرا **بخواجه عبدالعزیز** نقاش شاگرد بهزاد سپرد ، درکتابخانه او **شاهقلی** و **عبدالصمد** و **میرسیدعلی** و **مظفرعلی** کارمیکردند ، مظفرعلی شهرتی عالمگیر درنقاشی یافت وشاه محمد خدابنده کارهای اورا برکارهای بهزاد برتری میداد وازهمین رهگذرباواجازه دادکه **نقاشباشی شاهی** رقم کند[۱۹۶] آثارنفیسی که برای کتابخانه شاه محمد خدابنده هنرمندان کتابخانه او فراهم آورده‌اند ازبرجسته‌ترین شاهکارهای هنری ایران محسوب است .

**۲۸۲ – کتابخانه مدرسه ذوالفقار . اصفهان** : بانی این مدرسه شیخ محمد صفی است که در زمان شاه تهماسب اول بسال ۹۵۰ . ﻫ . براساس کتیبه‌ای‌که دارد آنرا بنا نهاده است . این مدرسه از مدارس طلبه‌نشین و از قدیمی‌ترین مدارس اصفهان است وبنام مدرسه ذوالفقار مشهور گردیده است .

**۲۸۳ – کتابخانه شاه‌عباس بزرگ . اصفهان** : شاه عباس بزرگ به تبعیت از شاه اسمعیل وشاه تهماسب وپدرش سلطان محمد خدابنده و هم‌چنین تحت تأثیر محیطی که آنها بوجود آورده بودند به هنر وکتاب عشق میورزید وگوئی این ذوق وشوق باخون وروح او عجین شده بود .

با اینکه وارث کتابخانه نفیس شاه‌تهماسب وسلطان محمد خدابنده بود با اینهمه درتکمیل وافزایش این گنجینه‌های هنر وادب بجان میکوشید وبرای تأمین این منظوردارالصنایع تبریز را باصفهان منتقل‌ساخت ومساعی جمیله بکار برد تا خوشنویسان و مصوران ومذهبان وجلدسازان وزرافشانان وحل‌کاران را برای خلق آثار ارزنده هنری درکتابخانه سلطنتی اصفهان گرد آورد .

شاه عباس بنقاشی آشنائی داشت و خودش نیز نقاشی میکرد وبخط خوش عشق میورزید وازدیدار آن به‌نهایت درجه محظوظ ومتلذذمیگردید. واز همین رهگذر است که دردوران او خوشنویسان عالیقدری ظهورکردند وخط ثلث ونستعلیق ونسخ را باوج زیبائی وکمال رسانیدند . وترقی هنر کتاب‌سازی دردوران او تا بآنجا رسیدکه‌کثرت این مشاهیر فنون وهنر قاضی احمدبن میرمنشی ابراهیمی قمی را بتألیف تذکره گلستان هنر که بمعرفی این دسته از هنرمندان زمان شاه‌عباس اختصاص دارد واداشت !

برای آنکه از عظمت وشکوه وجلال کتابخانه شاه عباس نموداری بدست داده باشیم بجاست گروهی از خوشنویسان وهنرمندان ومصورانیکه برای کتابخانه آن پادشاه بنوشتن وتزیین کتابها اشتغال داشته‌اند معرفی کنیم وبدین منظور اینك بمعرفی چندتن از مشاهیر ایشان می‌پردازیم .

. **علیرضای عباسی تبریزی** ، **میرزا سلطانعلی میرمنشی** ، **علی‌بیك نیشابوری** ، **اسکندربیك منشی** ، **میرعلی‌جامی** ، **عبدی نیشابوری** ، **مالك دیلمی** ، **ابوالفتح‌سلطان ابراهیم میرزا** ، **میرعماد سیفی حسنی** ، **حکیم‌رکنا** ، **علیرضا اصفهانی** ، **ابوسعیدبن‌حسن‌الحینی،** کتاب‌تاج‌آلماثرتألیف‌حسن‌نظامی بخط این نویسنده اخیراست که برای کتابخانه شاه عباس نوشته واینك در کتابخانه سلطنتی ایــران محفوظ است ، **محمدرضابن میرزا علی کاتب** خاتون‌آبــادی ، **میرمحمد معصوم** ، **میر محمد شریف مخاطب بــه** کاتب‌السلطانی خواهرزاده میر عبدالله خــوش نویس ، **عبدالجبار** از شاگردان میرعماد .

وازنقاشان ومصوران نامی باید از : **آقارضای‌عباسی** ، **رضای‌کاشی،** **میرمنصور بدخشانی** ، **معین مصور** شاگرد رضا عباسی **آقاسید محمود** ، **محمد شفیع عباسی** ، **آقا عنایت** ، **حبیب‌الله** ساوجی ، **سیاوش بیك** ، **شیخ محمد سبزواری** ، **میریحیی تبریزی** ، **مولانا کپك هراتی** ، **محمدبیك خلیفةالخلفائی** معروف به خلیفه سلطان ، **میرابراهیم دردی** ، **محمدمحسن** ، **محمد یوسف** ، یاد کرد .

سرآمد نقاشان **کتابخانه شاهی صادقی‌بیك افشارارومیه‌ای**بوده‌است که از شاگردان چیره‌دست مظفرعلی خواهرزاده بهزاد بشمار است ومدتها **ریاست کتابخانه** شاه عباس را برعهده داشته و پس ازاو **ریاست کتابخانه** **درعهده علیرضای عباسی تبریزی** خوشنویس واگذار شده است .

**گلستان هنر** درباره علیرضای عباسی چنین مینویسد « . . مولانا علیرضا تبریزی شاگرد مولانا علی‌بیك تبریزی است . صاحب اخلاق حمیده واوصاف پسندیده ، بعداز فترت رومیه و خرابی دارالسلطنه تبریز بقزوین آمده درآن بلده توطن اختیار نموده درمسجد جامع آنجا رحل اقامت انداخته بکتابت اشتغال نموده درتلو خوشنویسان ثلث ونسخ ذکرایشان‌شد. اماچون‌درجبلت‌بیعلتش مذکوربوده‌که درفن‌نستعلیق‌سرآمدزمان‌ونادردوران گردد طبع شریفش بدان مایل وذهن منیفش بدان راغب گشت وشروع در مشق آن نمود ودراندك زمانی بزور وقوت ام‌الخطوط که عبارت از ثلث است خوشنویس گشت و خط را بجای بلند رسانید وهرچه از مولانا میرعلی تبریزی نقل مینماید تفرقه چندانی ندارد وآنچه از قلم گوهرریز ایشان می‌ریزد . روزبروز تفاوت بیّن ظاهر شود وی بعداز ایامی که در مسجد جامع دارالسلطنه قزوین بکتابت و قطعه‌نویسی اشتغال داشتند بملازمت **فرهاد خان** رسیدند و فرهادخان مشارالیه اورا تربیت ورعایت فرمود و جهت‌مومی‌الیه کتابت میکرد . دوسال همراه خان بخراسان ومازندران رفت . چون شاه مالك رقاب سپهر رکاب برحقیقت احوال او اطلاع‌یافتند

ایشان را ازخان گرفته ملازم خود ساختند ، اکنون ۱۲ سال شد که در ملازمت رکاب ظفرانتساب شاه کام‌بخش کامیاب درجمع یورشها وساق‌ها اقدام دارند واز جمله مقربان ومخصوصا ن پادشاه عالمیانند وگاهی بکتابت وقطعه نویسی اشتغال دارند ، پیوسته درمجلس بهشت‌آیین ومحفل خاص خلد برین در سلك مقربان شرف اختصاص داشته وبه تفقدات وانعامات و نوازشات بی‌نهایات سرافراز ومفتخرند[197] .

دانشمندان ومشاهیر وصدور وامرا چون بعشق وعلاقه شاه‌عباس بکتاب آگاه بودند آثار برجسته ونفیسی را که بدست میآوردند بشاه‌عباس تقدیم میداشتند . برای‌نمونه ازنخستین‌برگ کتابی که شیخ بهائی به شاه‌عباس تقدیم داشته و شاه‌عباس بخط خود مطالبی برپشت آن نوشته است عکسی درص ۱٤۳ میآوریم .

همچنین امام‌قلیخان فرمانروای فارس بشرحی که خواهیم گفت در شیراز دارالصنایعی ایجاد کرد وکتابهای نفیس درآنجا بوجود میآورد وبه کتابخانه شاه عباس تقدیم میداشت .

شاه عباس دوبار از کتابهای کتابخانه خود به دوکتابخانه معظم عصر یکی کتابخانه آستان‌قدس رضوی ودیگری آستانه شاه صفی وقف کرد. از جمله کتابهائیکه از کتابخانه شاه عباس بزرگ وقف آستانه شاه‌صفی شده بوده‌است وخوشبختانه اینك درموزه ایران باستان از آن‌ها نگاهداری‌میشود میتوان ازنسخه نفیس خلاصةالتواریخ میرمنشی‌قاضی احمد خراسانی (قمی) نویسنده تذکره گلستان هنر یاد کـــرد . این کتاب درتاریخ ۹۷۷ ﻫ . بکتابخانه شاه عباس وارد شده ودرتاریخ ۱۰۱۷ وقف آستانه شاه‌صفی گردیده‌است . دیگر ازدیوانها باید از دیوان خاقانی – دیوان شاه اسمعیل (خطائی) طالب آملی ، عصمت‌بخارائی ، امیرعلیشرنوائی وکتابهای ذخیره خوارزمشاهی روضةالصفا ، شاهنامه فردوسی ، شاهنامه قاسمی گنابادی و پنج گنج نامبرد .

صورت کتابهائیکه وقف آستان قدس رضوی شده بوده‌است در ده مجلد فهرست چاپی کتابهای خطی آستانه قدس آمده است و نشان میدهد که کتابخانه شاه عباس تا چه اندازه غنی بوده است .

**۲۸٤ – کتابخانه ابن‌خاتون (محمدبن علی) . اصفهان : محمدبن** علی معروف به ابن‌خاتون ازمشاهیر دانشمندان دوران شاه عباس کبیراست. این دانشمند کتابخانه معظمی دراصفهان داشته است . پس ازاینکه ازبکان بکتابخانه آستان قدس دستبرد زدند وکتابخانه بوضع نامطلوبی درآمد و شاه عباس همت بجمع‌آوری کتاب برای کتابخانه آستانه مبذول میداشت وخود تعدادی بکتابخانه آستانه تقدیم داشته بود این دانشمند نیز به تبعیت‌از

شاه‌عباس بزرگ درسال ۱۰۲۸ مجلداتی از کتب نفیس کتابخانه‌اش رابکتابخانه آستانقدس اهدا کرد از جمله میتوان نسخه (۵۷٤۰) کتابخانه آستان قدس را ذکر کرد .

**۲۸۵ – کتابخانه شیخ بهائی . اصفهان** : شیخ بهاءالدین عاملی از اجله دانشمندان و متفکران ونویسندگان وسخنوران نامی ایران و معاصر با شاه عباس بزرگ بوده‌است . شاه‌عباس نسبت باین مرد دانشمند وارجمند نهایت درجه اعزاز واکرام روا میداشت .

پس ازاینکه ازبکان شهر مقدس مشهد را تاراج کردند ونفایس کتابخانه آستانقدس را بغارت بردند شاه‌عباس بزرگ پس ازسرکوبی‌ازبکان برای احیای کتابخانه آستان قدس شیخ‌بهائی را مأمور کرد که بجمع‌آوری کتابهای تاراج شده بپردازد ووجوهی نیز برای خریدکتاب دراختیار شیخ گذاشتند . شیخ‌بهائی مدت دوسال برای انجام این مهم صرف وقت کرد و تعدادی ازکتابهای نفیس کتابخانه‌اش را نیز بکتابخانه آستانه تقدیم داشت‌که هم‌اکنون بسیاری از آنها موجود است . درکتابخانه مجلس شورایملی نیز آثاری چند بخط شیخ بهائی محفوظ است .

**عبدالله افندی**[۱۹۸] ضمن شرح‌حال ظهیرالدین‌ابراهیم‌بن قوام‌الدین حسین همدانی از کتابخانه معظم شیخ‌بهائی یاد میکنند . هم‌اکنون نیز در آرامگاه شیخ‌بهائی که بفرمان «**شاهنشاه آریامهر** بزیباترین صورتی در جوار مرقد مطهر ثامن‌الائمه بنا گردیده کتابخانه‌ای برای آثار وتألیفات وهم‌چنین مؤلفاتی‌که درباره شیخ‌بهائی تألیف‌گردیده ترتیب‌داده‌شده‌است .

**۲۸٦ – کتابخانه کلیسای وانگ جلفا – اصفهان** : کلیسای وانگ جلفای اصفهان درزمان شاه‌عباس بنیاد نهاده‌شده واز همان اوان ارمنی‌های ایران کتابخانه‌ای برای آن ترتیب داده بودند . خوشبختانه این کلیسا و کتابخانه آن تاکنون از دستبرد حوادث زمان مصون و محفوظ مانده‌است .

درکتابخانه کلیسای وانگ از کتابهای مخطوط ارمنی (مذهبی- علمی – ادبی) متعلق بقرون هفتم و هشتم هجری به بعد نگاهداری می‌شده هم‌اکنون نیز این کتابها موجود است واز نظر قدمت وکمیابی بسیار نفیس وگرانقدر اند .

**۲۸۷ – کتابخانه فرهادخان معتمدالدوله . اصفهان** : فرهادخان از امرای شاه عباس کبیراست که مدتها حکومت خراسان و سپس مازندران را داشته‌است . این امیرنیزعلاقه وعشقی‌وافربکتاب‌داشت‌وکتابخانه‌اختصاصی قابل توجهی فراهم آورده بود . علیرضای عباسی خوشنویس درآغازکار مدت دوسال برای کتابخانه او کار میکرده است . **سلطان حسین باخرزی** ازخوشنویسان معروف سمت‌کتابداری کتابخانه فرهادخان را داشته است .

راست : خط شاه طهماسب اول مضبوط درکتابخانه سالتیکوف شچدرین در لنین‌گراد .
چپ : رضای عباسی - اثر معین مصور شاگرد رضا عباسی .

**۲۸۸ - کتابخانه امام قلیخان فرمانروای فارس . شیراز :** امام قلیخان امیرالامرای فارس ازعلاقه‌مندان بکتاب و هنربود درشیراز برای استنساخ وتهیه کتابهای تزئینی دارالصنایعی بوجود آورد که در این دارالصنایع خطاطان ومصوران ومذهبان نامداری بکار اشتغال داشتند ، از مشاهیر هنرمندان دارالصنایع شیراز میتوان از **حکیم لایق** ، **ملا یگانه** ، **ملامفید** ، **ملاترابی** نام برد . کتابخانه امام قلیخان از کتابخانه‌های عظیم و کم نظیر دوران صفویه بوده است که پس از قتل امام قلیخان وپسرانش متفرق گردید .

**۲۸۹ - کتابخانه مدرسه گنجعلیخان - کرمان :** گنجعلیخان که از طرف شاه عباس بزرگ حکومت کرمان را داشت در سال ۱۰۰۷ مدرسه بزرگی درکرمان ساخت وبرای آن نیز کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورد .

**۲۹۰ - کتابخانه زینل‌بن زکریای عباسی:** زینل‌بن زکریا از امرای دانشمند زمان شاه‌عباس و از دودمان صفویه بوده است . او از طرف شاه به خطاب عباسی مفتخر گردید . این مرد دانشمند دراصفهان کتابخانه‌ای ترتیب داد وخوشنویسان را برآن داشت‌که برای کتابخانه‌اش نسخه‌هائی

رونویس کنند کتابهای کتابخانه او همه بمهر (عبده زینل‌بن زکریای عباسی ۱۰۲۹) ممهوراند . ازجمله این کتابها بعنوان نمونه میتوان ازحاشیه بر نفحات‌الانس جامی اثر رضی‌الدین لاری (ملا عبدالغفور) یاد کرد که بکتابخانه مجلس شورایملی تعلق دارد .

**۳۹۱ – کتابخانه میرزا محمدطاهر قمی** : این دانشمند شهیر از محدثان معــروف است . مباحثة‌النفس از جمله تألیفات اوست ، کتابهای کتابخانه این دانشمند همه مهر کتابخانه اورا دارند وتاریخ آن ۱۰۵۰ است.

**۳۹۲ – کتابخانه معیل‌بن محمد مدعو بکوچك چلبی** : کتابهای بسیاری متعلق باین دودمان دیده شده‌است ازجمله حلبه‌الکمیث شمس‌الدین محمد تواجی که متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی است .

**۳۹۳ – کتابخانه شاه‌صفی** : شاه صفی نیز به جمع‌آوری کتاب علاقه بسیار داشت و کتابهای بسیاری متعلق بکتابخانه شاه‌صفی در کتابخانه‌های خصوصی فراوان است از جمله دیوان شاپور تهرانی متعلق بکتابخانه این حقیر که بسال ۱۰۳۶ تحریر یافته و مهر شاه‌صفی بر پشت صفحه کتاب ثبت است .

**۳۹٤ – کتابخانه رستم‌خان شاملو** : رستم خان شاملو از امرای بنام دوران صفوی است ومردی فضل دوست بود . کتابخانه معظمی ترتیب داده بود و محمد امین عقیلی شاگرد مولانا محمد حسین تبریزی جلی و خفی‌نویس مشهور کتابدار کتابخانه او بوده است .

**۳۹۵ – کتابخانه شاه‌عباس ثانی** : شاه عباس ثانی نیز مانند شاه تهماسب وشاه عباس اول و سلطان محمد خدابنده به نقاشی و کتابت علاقه وافر داشت ودر زمان او کتابخانه سلطنتی رونق وشکوهی تازه گرفت و محمد امین مشهدی که از شاگردان میرعماد بود تصدی کتابخانه اورا بعهده داشته است .

**۳۹٦ – کتابخانه شاه سلیمان صفوی** : کتابخانه شاه سلیمان صفوی را هم باید یکی ازکتابخانه‌های مهم ایران بشمار آورد زیرا **پانزده هزار جلد** ! کتاب دستنویس ونزدیك به **پانصد** جلد کتابهای آلمانی – فرانسوی – هلندی داشته‌است ، **شاردن فرانسوی** که بایران مسافرت کرده در سفرنامه‌اش متذکر کتابخانه شاه صفی شده وچنین مینویسد « ... در کنار عمارت شاه تالاری وجود دارد که بتالار طویله شاهی معروف است وآن چندین اوتاق بزرگ دارد ، دراین اوتاقها کتابخانه شاهی جای دارد وریاست **کتابخانه برعهده میرزا مقیم** کتابدار ، محول است .

**کتابهای کتابخانه شاهی پانزده هزارجلد است** وبیشتر کتابهایش بزبانهای فارسی ، عربی ، ترکی‌است ودراین کتابخانه دوصندوق‌هم‌از کتابهای

درسال ۱۳۱۲ کتابهای این مدرسه را بکتابخانه مدرسه نواب منتقل ساخته‌اند وبنای آن به ادارات دولتی (اوقاف) اختصاص یافته است .

**۳۰۲ – کتابخانه مدرسه نواب . مشهد :** براساس کتیبه‌ای که درسردر مدرسه موجود است بانی آن میرزاصالح نقیب رضوی بوده است که آنرا درزمان پادشاهی شاه سلیمان صفوی از سرمایه خود بنا کرده وتاریخ بنای آن ۱۰۸۶ هـ . نوشته شده است . مطلع‌الشمس شرح حال اورا بدست میدهد ومینویسد[۳۰۳] «... مادرش فخرالنساء بیکم صبیه شاه‌عباس ماضی‌بوده وخود او درعهد شاه عباس ثانی بصدرالممالکی ایران مفتخر بوده است» .

میرزا صالح نواب که صدرالممالکی کل ایران را بر عهده داشته پس‌ازاینکه بنای مدرسه‌اش بپایان رسید ، کتابخانه بزرگی نیز برای مدرسه تأسیس کرد وبطوریکه نوشته‌اند[۳۰٤] میرزا صالح تا زنده بوده است (در حدود هیجده‌سال ازتاریخ اتمام بنای مدرسه) تعداد قابل توجهی کتب مخطوط ونفیس برای کتابخانه مدرسه خریداری ووقف کرد .

درسال ۱۳۱۲ مدرسه نواب بصورت دبیرستان معقول ومنقول‌تغییر وضع میدهد وکتابهای مدرسه فاضلیه نیز بکتابخانه مدرسه نواب منتقل میگردد وتالاری برای مطالعه و کتابها نیز احداث میکنند پس ازشهریور ۱۳۲۰ که شادروان نوقانی بتولیت مدرسه تعیین میگردد بوضع کتابخانه مدرسه نواب سروصورتی میدهد وکتابخانه را بداخل مدرسه منتقل میکند طبق آماری که در دست است هم‌اکنون مخطوطات این‌کتابخانه درحدود هزار مجلداست ونسخه‌های نفیسی نیزدرمیان کتابهای کتابخانه یافت‌میشود. بقرار اطلاع فهرستی نیز برای کتابهای این کتابخانه تهیه کرده‌اند[۳۰۵] .

**۳۰۳ – کتابخانه منشار در مشهد :** شیخ علی منشار همسر دختر شیخ بهائی بوده است او نیز مردی دانشمند بود ومدتی درهندوستان میزیست وازآنجا کتابهای نفیسی باخود بایران آورد وپس‌ازاینکه درگذشت‌همسرش (دختر شیخ‌بهائی) کتابهای کتابخانه اورا وقف کتابخانه آستان‌قدس‌رضوی کرد وبرگنجینه کتابهای آستانه افزود .

**۳۰٤ – کتابخانه مدرسه شاه‌سلیمان (سلیمانیه) – اصفهان :** این مدرسه قرینه مدرسه عباسی درجوار صحن مسجدشاه اصفهان قرار دارد وبر اساس کتیبه آن از بناهای شاه سلیمان صفوی است . این مدرسه طلبه‌نشین بود وهنوز غرفه های کاشی‌کاری آن که کاشی هفت رنگ است پابرجاست ونماینده شکوه وجلال این مدرسه دردوران گذشته است .

**۳۰۵ – کتابخانه مدرسه جده بزرگ . اصفهان :** دلارام خانم جده بزرگ شاه عباس دوم بانی آن بوده وبراساس کتیبه آن بسال ۱۰۵۷ بنا گردیده است ، وباید گفت پس از ساختن این بنا جده کوچك هم باو

تاسی جسته ومدرسه‌ای هم او ساخته است . این مدرسه حجراتی دارد و طلبه‌نشین بوده است .

**۳۰۶ – کتابخانـه مدرسه جده کوچك** : بانی این مدرسه طبق کتیبه آن که بقلم محمدرضا امامی است بسال ۱۰۵۸ ﻫ . ساخته شده وبانی آن جده کوچك شاه عباس دوم بانویی نیکوکار وخیراندیش بوده‌است ، این مدرسه دوطبقه است وحجرات آن برای سکونت طلبه ساخته شده و کتابخانه این مدرسه از کتابخانه‌های مهم زمان خود بوده است .

**۳۰۷ – کتابخانه مدرسه ملاعبدالله . اصفهان** : این مدرسه درزمان شاه صفی ساخته شده وموقوفات بسیاری هم برای اداره امور آن وقف شده، در زمان فتحعلیشاه تعمیراساسی شده است . کتابخانه آن درتاراج افغان از میان رفته ومجدداً کتابخانه آن دایر گردیده وهم‌امروز نیز آثاری ازاین کتابخانه در مدرسه مذکور باقی است .

**۳۰۸ – کتابخانه شاه نعمت‌الله باقی** : شاه نعمت‌الله باقی نوه شاه نعمت‌الله کرمانی واز امرای دوره صفوی است که دریزد میزیسته . کتابخانه بزرگی دریزد ترتیب داده بود که مرجع دانشمندان وعارفان واهل حق بوده است . **ملاحسین یزدی متخلص به مؤمن** که از شاگردان میرزاجان شیرازی بوده‌است تصدی کتابخانه اورا برعهده داشته است .

**۳۰۹ – کتابخانه عبدالله‌خان‌بن اسکندربن جانی‌بیك** : در سال ۹۶۵ . ﻫ که عبدالله‌خان‌بن اسکندرخان سلطان ماوراءالنهر ملازم سعیدخان شد . تصدی کتابخانه‌اش را به مولانا عبدالرحمن مشفقی بخارائی که از شاگردان کوکبی شاعر بود واگذاشت . این کتابخانه در سمرقند بود واز کتابخانه‌های ممتاز ماوراءالنهر بشمارمیرفته است .

**۳۱۰ – کتابخانه مدرسه سهراب مکری . مهاباد** : در دوران سلطنت شاه سلیمان سهراب خان مکری که از اعاظم مردم مهاباد بود بسال ۱۰۸۹ مدرسه بزرگی ساخت این مدرسه کتابخانه بزرگی داشته که بیشتر کتابهای آن مربوط به فقه شافعی بوده است .

**۳۱۱ – کتابخانه شیخ نجیب . در اصفهان** : شیخ نجیب‌الدین رضا متخلص به نجیب از مشایخ سلسله ذهبیه ، که تألیفات متعددی دارد واز جمله کتاب نورالهدایه اوست که بچاپ هم رسیده ، از معاصران شاه‌سلیمان صفوی بود این دانشمند نامی کتابخانه معظمی دراصفهان فراهم آورده بود که مورد استفاده ومراجعه پیروان سلسله ذهبیه بوده است ، کتابهای متعلق بکتابخانه او در کتابخانه‌های خصوصی بسیار است[۲۰۶] این دانشمند بسال ۱۰۸۰ درگذشته است .

**۳۱۲ – کتابخانه کمال‌الدین خضرشاه دزفولی . شوشتر** : خضرشاه

از دانشمندان اواخر قرن نهم است . درشوشتر کتابخانه قابل توجهی فراهم آورده بود وکتابخانه او دردسترس استفاده دانشمندان واهل تحقیق‌بوده است . کتابهای متعلق بکتابخانه خضرشاه تاریخ ۱۰۰۳ دارند[۲۰۷] .

**۳۱۳ – کتابخانه مدرسه مریم‌بیگم . اصفهان :** این مدرسه نزدیك محله خواجو درکنار چهارسوی نقاشی قرار داشته که آنرا مریم بیگم دختر شاه صفی بسال ۱۱۱۵ . ه بنا وبرای اداره آن نیز موقوفاتی تعیین کرده بوده‌است . مدرسه مریم‌بیگم تا زمان **فرصت‌الدوله شیرازی** پابرجا بوده است زیرا فرصت‌الدوله درآثار العجم مینویسد : « ... یك طلبه درآن ندیدم مگر دربعضی اوتاقها سگ بچه گذاشته و دردالانش تاپو میساختند» دراثر عدم‌توجه این‌مدرسه ویران‌شد وموقوفات آن به‌تصاحب افراد درآمدواکنون درمحل آن دبستانی بنا کرده‌اند ودولوح سنگ مرمر که حاکی از وقف‌نامه مدرسه بوده‌است به موزه ایران‌باستان‌انتقال داده‌اند مطالب این‌لوح‌ها حاوی اطلاعاتی است از اداره امور مدرسه وشرایط پذیرفتن طلاب که قسمتی از آنرا برای مزید فایده‌دراینجا نقل می‌کنیم . «... ازجمله آن شروط اینست که سکنه مدرسه مذکوره مشغول تحصیل علوم‌دینی که فقه و حدیث وتفسیر ومقدمات آنهاست ... صالح ومتقی وپرهیزکار واز اهل قناعت باشند واز زمره ارباب بطالت وکسالت وشرارت نبوده حجره خودرا معطل و مقفل نگذارند ، بلکه شب‌وروز درحجره خود بمباحثه ومطالعه وعبادت مشغول باشند واگریکسال براحدی بگذرد که ترقی درحال او به حسب علم وعمل نشده باشد یا مظنون مُدّرس شودکه قابل ترقی نیست ازمدرسه اخراج نماید وجماعتی‌که درعرض یکسال به‌حسب علم وعمل ترقی کنند ومظنون نشود قابلیت و ترقی ایشان باید که زیاده از پنج سال درآن مدرسه ساکن نشوند . اگر احیاناً حرکت بعضی ازاشخاص بعدازمدت پنجسال متعذر یا متعسر باشد یا آنکه درعوض ایشان جمعی متصف بصفات مذکوره حاضر نباشد باید که تا برطرف شدن عذر درمدرسه باشند ونهایتش تا هفت‌سال ، اما بعداز هفت‌سال البته بایدکه بدر روند وبرمدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر که متصف بصفات مذکور باشند تحصیل نموده بجای ایشان ساکن سازد وحجره‌ها را خالی ومعطل نکند وهرکه بعداز هفت‌سال یکروز بماند غاصب باشد وبغضب خدا ورسول‌گرفتار شود . وباید که کتابهای علوم وهمیه یعنی علوم شکوك وشبهات که بعلوم عقیله وحکمت مشهور ومعروف است . **مثل شفا** واشارات وحکمت‌العین وشرح هدایت وامثال ذالك بشبهه دخول درمقدمات علوم دینی نخوانند ووجه معاش خواه وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیر آنها از هیچ ممری نداشته باشند وباید که مدرس درتمشیت و اجرای امور مزبور اهتمام ورزد . **شروط سکنی** مدرسه ازجمله شروط‌سکنی

مدرسه مزبوره آنست که باید زوجه یا خانه یا پدر صاحب‌خانه ، یا مادر صاحب خانه در شهر اصفهان یا دور وحوالی شهر تا چهار فرسخ شرعی نداشته باشد وهرگاه یکی ازآنچه مذکور شد یعنی زوجه یا خانه یا پدر صاحب خانه یا مادر صاحب‌خانه در چهار فرسخی[۲۰۸] شهر یا زیاده برچهار فرسخی داشته باشد که ماهی زیاده بردوشب درآنجا نماند ....» کتابخانه این مدرسه محتوی کتابهای فقه واصول و شرایع بوده است .

**۳۱٤ – کتابخانه مدرسه خالصیه . اصفهان :** بانی‌این‌مدرسه براساس کتیبه‌ای‌که داشته است میرزا تقی نام بوده که مدرسه را درسال ۱۰۷۱ . ه بمنظور توطن سید نعمت‌الله جزایری صاحب کتاب انوار نعمانیه دراصفهان نزدیك حمام شیخ‌بهائی ساخته بوده است . سرپرستی این مدرسه را به سید نعمت‌الله جزایری واگذاشته . تاریخ بنای مدرسه را چنین ثبت‌کرده‌اند[۲۰۹]

این بنا را سه نام نامـــی آن		که فرح‌بخش‌شاب‌وهم‌شیخ‌است
اولین . مـــدرسه. دویم طیبه		سیمین خالصیه تاریـــخ است

این مدرسه کتابخانه قابل توجه داشت وکتابهای آن کتابهای علمی وحکمی بوده است .

**۳۱۵– کتابخانه محمد مکی‌عاملی (ازاحفاد شهیداول) :** محمدمکی‌بن شمس‌الدین‌عاملی از احفاد شهید اول‌است ودر اعیان‌الشیعه شرح حال‌کامل او آمده‌است این دانشمند کتابخانه معظمی داشته است‌که درکتابخانه‌هـــای اختصاصی ومعروف نسخه‌های بسیاری از آنها دردست است ازجمله مجموعه شماره ۹۰ کتابخانه دانشکده ادبیات تهران[۲۱۰] و نسخه‌ای ازآداب‌الفلاسفه ونوادر از اسحاق‌بن حنین شماره ۲۱۰۳ – کتابخانه دانشگاه ولغت‌نامه‌ای عربی بفارسی ودرمان چهارپایان وپرندگان متعلق بکتابخانه نویسنده و کتابخانه مجلس شورایملی ، این دانشمند تا ۱۱۷۸ حیات داشته است .

**۳۱٦– کتابخانه مدرسه آقاکمال‌خازن . اصفهان :** آقاکمال‌خزانه‌دار شاه سلطان ‌حسین صفوی بوده‌است ودراشعاریکه درمدرسه چهارباغ اصفهان کتیبه شده ازاو یاد گردیده است . این مرد از شیفتگان علم وادب بود ودر سال ۱۱۰۸ مدرسه‌ای درجنب مزار شاهزاده ابراهیم ساخت وبه تشویق او شاه سلطان حسین بسال ۱۱۱٦ بساختن مدرسه چهارباغ پرداخت ، متأسفانه بنای این مدرسه را ویران کردند وسپس امنای خیر ازمصالح آن مسجد رحیم‌خان را ساختند ، این مدرسه نیز کتابخانه‌ای بزرگ همانند کتابخانه چهارباغ داشت که در فتنه افغان ازمیان رفت .

**۳۱۷ – کتابخانه مدرسه حکیمیه نیم‌آورد :** این مدرسه را امیر محمد مهدوی حکیم‌الملك اردستانی بسال ۱۱۰۵ ساخته وکتیبه آن بخط ثلث اثر عبدالله رجال موجود است جابری انصاری درتاریخ اصفهان[۲۱۱] درباره

این مدرسه مینویسد که بانی مدرسه کاسه‌گران حکیم‌الملك اردستانی است که آنرا مدرسه حکیمیه نیز میخوانند . حکیم‌الملك در زمـان اورنگ زیب بهندوستان رفت ودرآنجا موفق شد بیماری صعب‌العلاج اورنگ‌زیب را معالجه کند ودرنتیجه از انعامات آن شاه برخوردارگردید وپس‌از مراجعت باصفهان اووهمسرش دومدرسه ازسرمایه‌ای‌که آورده بودندساختند وبرابر هزینه‌ای‌که صرف ساختمان مدرسه‌ها شد مستغلاتی نیزخریده ووقف اداره آن کردند ، این مدرسه طلبه نشین بوده ودر حال حاضر نیز دائراست، کتابخانه حکیم‌الملك نیز وقف این مدرسه شده بوده است .

**۳۱۸- کتابخانه ابراهیم‌بن‌محمدنصیرمدرس. مشهد:** ابراهیم‌بن‌محمد نصیر، مدرس دانشمندی بود وازجمله خدام آستانه بشمار میرفت ، کتابخانه مفصلی داشته است‌که مهرکتابخانه او درپشت کتابهای کتابخانه‌اش باتاریخ ۱۱۱۰ مشخص است . مجلداتی ازکتابهایش را وقف آستانه قدس رضوی کرده که هم‌اکنون درکتابخانه مذکور موجوداست .

مدارس دیگری نیز دراصفهان بوده که بطورفهرست از آنها یاد میشود : ۳۱۹- مدرسه جلالیه ۳۲۰- مدرسه شمس‌آباد ۳۲۱- مدرسه عربان ۳۲۲- مدرسه ترکها ۳۲۳- مدرسه حاجی‌کرباسی ۳۲٤- مدرسه اسماعیلیه ۳۲۵- مدرسه درکوشك ۳۲٦- مدرسه حاج شیخ محمدعلی ۳۲۷- مدرسه سارونقی ۳۲۸- مدرسه نوریه ۳۲۹- مدرسه میرزا مهدی .

**۳۳۰ - کتابخانه مدرسه چهارباغ مدرسه سلطانی :** کتابخانه مدرسه چهارباغ ازکتابخانه‌هـای معظم وبسیارغنی دوران صفویه بوده است ، چگونگی بنا وافتتاح این مدرسه که **درتاریخ وقایع‌الاسنین‌والاعوام** که هم درآن‌ایام نوشته شده‌است به‌تفصیل‌آمده تلخیصی‌ازآنرا دراینجا میآوریم[۲۱۴].

برطبق نوشته این کتاب شاه‌سلطان حسین بنای مدرسه را درسال ۱۱۱٦ آغازکرده ودرسال ۱۱۱۸ ساختمان آن باتمام رسیده وتا سال ۱۱۲٦ تزئینات وکاشی‌کاریهای آن بطول انجامیده است ، این مدرسه یکصدوپنجاه حجره برای سکونت طلاب دارد . ودرسال ۱۱۲۰ برای سکونت رئیس مدرسه‌که آقامیر محمدباقر بوده است خانه‌ای درجوار مدرسه بمبلغ سیصد تومان صفوی میخرند .

وقایع السنین‌والاعوام در ذیل وقایع سال ۱۱۲۲ مراسم تشریفات روز افتتاح مدرسه را چنین ثبت کرده است «مسکون شدن مدرسه جدیده سلطانی که واقع است درجنب چهارباغ اصفهان درجمعه دهـم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۱۲۲ ودرآن روز درمدرسه مذکوره حسب‌الامر پادشاه مجمعی منعقد شد از امراء وارباب منصب وعلمای اعلام ومدرسین وطلبه مدرسه ، درآن روز مدرس مدرسه مذکور اعنی زبدة‌العلماء‌المتبحرین

حمزه بیك آق‌قوینلو که بسال ۸۰۹ درآذربایجان فرمان میرانده.

علامة‌العلمائی مجتهدالزمانی . . . آمیرمحمدباقرا سلمه الله خلف مرحوم مبرورازهد اهل زمانه میرمحمد اسمعیل خاتون‌آبادی، شروع‌بدرس نموده وتهذیب حدیث وشرح مختصر اصول وشرح لمعه را شروع فرموده . . . . وتا این زمان در دولت صفویه چنین مجمعی منعقد نشده بود ، محمودآقا ناظربیوتات ومحمد سلیم‌خان ایشیك آقاسی باشی وعمله مجلس پادشاهی در خدمت بودند وهیچیك نه‌نشستند درآنروز دویست خوان ازتنقلات ودویست خوان ماحضرودویست قاب طعام ازسرکارپادشاه صرف شد درمدرسه . . . واعتمادالدوله شاهقلی‌خان بعلت آزار نیامد وپنجاه خوان شیرینی فرستاد وپنجاه خوان شیرینی دونفر دیگر فرستاده بودند . . .»

استاد فقید اقبال آشتیانی بنقل ازنسخه علامه آقای سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی صورت علما ورجالی را که درآن روز بوده‌اند بدست میدهد ازجمله آقاجمال فرزند آقاحسین خونساری آقا میرمحمدصالح شیخ‌الاسلام وملابهاءالدین مشهوربفاضل هندی ، ملامحمدجعفر وملاهادی و . . .[۲۱۴]»

شاه سلطان‌حسین‌صفوی‌کتابهای نفیس وارزنده‌ای که درکتابخانه

سلطنتی بود بکتابخانه مدرسه چهارباغ (سلطانی) منتقل کرد وتازمانیکه واقعه افغان رخ نداده بود آنچه ممکن بود کتاب فراهم میآورد وبکتابخانه سلطانی اهدا میکرد. اینك بشرح سرنوشت کتابهای نفیس این کتابخانه‌بنقل از جغرافیای اصفهان می‌پردازیم[۲۱۴].

«سلاطین صفوی انارالله‌برهانهم کتب هر علمی را تصحیح وتنقیح کرده سه دسته از کل آنهارا بخط خوش نویسانده وقف فرموده. یکدسته را درکتابخانه مبارکه امام ثامن حضرت رضا علیه‌آلاف‌التحیه‌والثنا و نیز یکدسته درکتابخانه شاه صفی قدس‌الله سره باردبیل فرستاده بودند، دسته دیگـرش را درکتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ضبط ومحفوظ میداشتند واز نسخ آنها بعضی دون بعضی درکتابخانه‌های مدارس ولایات ومملکت بود وقتی دولت بهیه روسیه براردبیل استیلا یافت کتب وسایر اسباب نفیسه شاه صفی را از میان برد.

کتابهای مدرسه چهارباغ اصفهان را هم مدرسش درزمان غلبه افغان احتیاط کرد ودر خانه خود بسردابی ریخت ودر آنرا مسدود نمود وهشت نه سال اغتشاش این طایفه وغیره سرکشی نشد، بسیاری ازاین‌کتب بگرد وبید وموریانه ضایع شد پس‌ازآنهم الی‌آلان درهمان سردابه‌ها مانده وبمرور ودهور موریانه آنهارا ازحیز انتفاع انداخته !!»

**۳۳۱ – کتابخانه میرفندرسکی. اصفهان**: صدرالدین‌میرفندرسکی ازدانشمندان وعلمای بنام ایران ومعاصر با شاه تهماسب دوم صفوی بوده است، کتابخانه میرفندرسکی شهرت و معروفیت بسزائی داشته و این کتابخانه گرانقدر را بنا بروصیتش بکتابخانه آستانه شاه‌صفی منتقل ووقف کردند وچنانکه گذشت به سرنوشت کتابهای کتابخانه شاه صفی‌الدین دچار شد وبغارت رفت.

**۳۳۲ – کتابخانه مدرسه غازی. قزوین**: مولی خلیل‌بن غازی قزوینی‌که درسال ۱۰۸۹ درگذشته بانی مدرسه غازی درقزوین است. غازی قزوینی تألیفات متعدد در معقول ومنقول دارد. ایـن مرد دانشمند در مدرسه‌اش کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورد که آثار آن باقی است.

**۳۳۳ – کتابخانه ملانصیر معروف به نصیرای همدانی**: نصیرای همدانی از دانشمندان بنام قرن یازدهم وشاگرد نامدار میرداماد شهیراست. کتابخانه اورا افندی شخصاً دیده ومینویسدکه کتابهای کتابخانه ملا نصیرا اکثر نسخه‌های نایاب ونادر وقیمتی بوده ونصیرا درحواشی آنها بخط خود تعلیقاتی نوشته است.

**۳۳۴ – کتابخانه خاندان آل مشعشع. حویزه**: خاندان آل‌مشعشع یا موالی از ۸٤۰ – ۱۰۲۵ دراهواز وحدود آن حکومت داشته‌اند شرح

حال این خاندان بطور تفصیل درجلد چهارم آثارالشیعه آمده‌است . دراین خاندان مردمی فضل‌دوست ودانش‌پرور بودند وکتابخانه مهمی درحویزه بنیاد نهادند سیدعلی‌خان معروف بوالی حویزه‌که خود از دانشمندان ایران وآثار متعددی نیز تألیف کرده است برمجد وعظمت کتابخانه دودمان خود افزود **عبدالله افندی** شرح این کتابخانه را بدست میدهد ومتذکر است که کتابخانه آل مشعشع در غائله سال ۱۱۱۷ ازمیان رفته است .

**۳۳۵- کتابخانه‌خاتون‌آبادی . اصفهان :** امیراسماعیل‌خاتون‌آبادی سر دودمان خاندان معروف خاتون‌آبادی کتابخانه معظمی دراصفهان فراهم آورد واکثر افراد این خاندان‌که همه ازرجال شیعه هستند برکتابهای آن افزودند وهنوز نیز ازاین کتابخانه آثاری درخاندان خاتون‌آبادی‌برجاست.

**۳۳۶ - کتابخانه ملامحسن فیض‌کاشانی . اصفهان :** ملامحسن‌فیض از اعاظم دانشمندان شیعی است عبدالله افندی متذکراست که این دانشمند کتابخانه معظمی دراصفهان داشته است .

**۳۳۷ - کتابخانه سید نورالدین جزایری :** سردودمان خاندان جزایری دانشمند عالیقدر سیدنورالدین جزایری هم‌عصر علامه مجلسی بوده است ، جزایری کتابخانه بزرگی‌فراهم آورد وپس ازاو فرزندان‌ونوادگانش نیز برکتابهای آن افزودند .

**عبدالله افندی** از کتابهای کتابخانه او یاد میکند ودر زمان سید عبدالله‌بن سیدنورالدین کتابخانه جزایری را بازدید کرده و کتابهائی راکه سید عبدالله جزائری مؤلفان آنهارا نمی‌شناخته او برمی‌شمرده وفهرست میکرده است . **افندی** عظمت کتابخانه جزایری را ستوده است ، هم‌اکنون نیز درخاندان جزایری ازکتابهای سیدنورالدین موجود است .

**۳۳۸ - کتابخانه آستانه شاهزاده عبدالعظیم - ری :** در دوران سلطنت صفویه شهر ری باردیگر بمناسبت مشهد مبارك شاهزاده عبدالعظیم علیه‌السلام اعتبار وشهرت یافت وپادشاهان صفویه بدانجا توجهی خاص مبذول میداشتند و**آستانه شاهزاده عبدالعظیم** مدرسه‌ای معروف داشت که مولی خلیل‌بن غازی قزوینی درزمان صفویه مدرس آن بود ، عبدالله‌افندی مؤلف ریاض‌العلماءدرشرح حال عبدالکاظم‌بن عبدالعلی گیلانی از معاصران شیخ بهائی ومیرداماد از اونقل میکندکه او گفته است : «رساله اثنی‌عشریه را درکتابخانه شاهزاده عبدالعظیم دیده ومطالعه کرده است» این‌کتاب‌بعدها بکتابخانه آستان‌قدس رضوی منتقل گردیده وهم‌اکنون جزو ذخایر آن کتابخانه است . ، باید‌گفت پس‌ازاینکه مدرسه حضرت عبدالعظیم از رونق افتاد کتابهای این کتابخانه را بنا براسنادی که بدست است بکتابخانه آستان قدس منتقل کرده‌اند . هم‌اکنون نیز باردیگر کتابخانه‌ای برای آستانه

ترتیب داده‌اند که نسخه‌های نفیسی نیز دارد .

**۳۳۹ – کتابخانه ملامحمدباقرمجلسی :** مجلسی یکی از پرکارترین نویسندگان ایرانست ، تنها کتاب بحارالانوار او ۲٤ جلد است . مجلسی بنوشته سید محمدنورالدین جزایری درکتاب اجازات برای تألیف کتاب بحار کتابخانه عظیمی فراهم آورد وحتی برای نسخ نادر ونایابی‌که بدان احتیاج داشت به شاه‌سلطان حسین صفوی متوسل می‌شد وآن پادشاه برای او فراهم میآورد ازجمله مینویسد مجلسی نیازمند به کتاب مدینةالعلم شیخ صدوق ابن‌بابویه بود ونسخ این‌کتاب دردسترس نبود پس‌ازتفحص وتجسس معلوم شد نسخه‌ای از آن درکتابخانه پادشاه یمن موجوداست نیاز خودرا باطلاع شاه سلطان حسین رسانید وپادشاه با ارسال تحف وهدایا از پادشاه یمن آنرا بخواست وپس ازدریافت دراختیار مجلسی قرار داد . کتابخانه مجلسی ازجمله کتابخانه‌های غنی وقابل توجه بوده است وتألیفات اونشان دهنده این حقیقت است‌که چه مقدار مآخذ ومصادر معتبر دراختیار داشته است . درکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی مجلداتی از بحارالانوار بخط مجلسی موجود است . (عکس خط مولانا محمدباقر مجلسی ص۱۶۹ – ۱۷۵ ) .

**۳٤۰ – کتابخانه محمد مقیم . اصفهان :** بطوریکه نوشتیم مولانا مقیم کتابدار کتابخانه شاه سلیمان بوده است . او مردی کتابدوست ونسخه شناس بوده وخود او نیز کتابخانه‌ای دراصفهان فراهم آورده بود و مدتی نیز بسفارت ایران بهند رفت وازآن سرزمین کتابهای نفیسی ره‌آوردآورد. (۱۰۶۸) از جمله کتابهائیکه برای کتابخانه او نوشته شده ومارا بروجود کتابخانه او مطلع میدارد کتاب لوامع صاحبقرانی است درکتابخانه مجلس شورایملی که بشماره ۸۳٤ ثبت شده است .

**۳٤۱ – کتابخانه اعتقادخان . اصفهان :** یکی ازکتابخانه‌های مهم اصفهان کتابخانه اعتقادخان ازرجال ومعاریف دوران شاه‌عباس اول بوده است . این مرد از متمکنان اصفهان بوده وبجمع‌آوری کتاب علاقه وعشق مفرط داشته است وبرای کتابخانه‌اش نسخه‌هائی فراهم میآورده‌که بخط استادان وخوشنویسان شهیربوده است . بیشترخوشنویسان دربار شاه عباس مانند علیرضای عباسی ومیرعماد برای‌کتابخانه اونسخه‌های نفیسی نوشته‌اند. بعنوان نمونه میتوان از نسخه بوستان سعدی بخط میرعماد یاد کرد که‌برای کتابخانه اعتقادخان نوشته شده واین نسخه عزیزالوجود در کتابخانه مجلس شورایملی محفوظ است .

**۳٤۲ – کتابخانه حاج حسن‌بیك . اصفهان :** حاج حسین‌بیك از اعیان‌واشراف اصفهان ومعاصربا شاه‌عباس بزرگ بوده‌است. حاج‌حسین‌بیك

یکی ازعلاقه‌مندان بکتاب بوده ونسخه‌های گرانقدر وبرجسته وهنری برای کتابخانه‌اش تهیه میکرده است ازجمله گرشاسب‌نامه‌ایست که درسال ۱۰۲۵ برای کتابخانه او نوشته اند و رضای عباسی نقاش شهیر هفت‌مجلس برای آن تصویر کرده است[۲۱۵] وهمچنین **کلیات خاقانی** بخط محمدصادق خاتون‌آبادی که درسال ۱۰۳۸ تحریر یافته متعلق بکتابخانه مجلس‌شورایملی است (ثبت بشماره ۹۷۸)

**۳٤۳ – کتابخانه خونساری . اصفهان** : مؤسس کتابخانه خونساری دراصفهان آقا حسین‌بن جمال‌الدیـن خونساری است که درسال ۱۰۹۸ درگذشته واولاد واحفاد او همه از مردان دین ودانش بوده‌اند . افندی متذکر کتابخانه معظم این خاندان است .

**۳٤٤ – کتابخانه رضی قزوینی** : آقا رضی‌الدین‌بن محمدبن‌الحسن قزوینی کتابخانه معتبر ومعروف داشته که با استفاده از آن مآخذ ومصادر توفیق یافته‌است کتاب لسان‌الخواص را درشرح و معانی الفاظ واصطلاحات علمی به ترتیب حروف تهجی تألیف کند .

**۳٤۵ – کتابخانه نوروزعلی تبریزی . قزوین** : افندی کتابخانه نوروزعلی تبریزی‌را درقزوین دیده وازکتابهای نفیس این کتابخانه‌فهرست بدست میدهد .

**۳٤٦ – کتابخانه رستم مجوسی . یزد** : حزین در خاطراتش ضمن شرح مسافرتش به یزد مینویسد : رستم مجوسی منجم مشهوررا درآنجادیدم. کتب مجوسی وحکمی بسیارداشت وبه هیأت ونجوم وضوابطرصد ماهربود ، با او صحبت بسیار داشتم ورصدی‌راکه اثمرت مجوسی درچهار هزارسال پیش‌ازاین نوشته بود نزد وی دیدم[۲۱٦] .

**۳٤۷ – کتابخانه مجذوب تبریزی** : شرف‌الدین محمدرضا تبریزی متخلص به مجذوب از علماء وشعرای عارف قرن یازدهم است که محضرش پیوسته مجمع طالبعلمان ودانش‌پژوهان بوده است . درمنزلش که بصورت خانقاه درتبریز دائر بوده کتابخانه‌ای فراهم آورده بودکه مورد استفاده طالبعلمان قرار میگرفته . مثنوی معروف به شاهراه نجات ازاوست که‌بسال ۱۰٦۳ سروده است. کتابهائی‌ازکتابخانه مجذوب تبریزی‌درکتابخانه مجلس شورایملی موجود است .

**۳٤۸ – کتابخانه حزین ، اصفهان** : شیخ محمدعلی حزین از سخنوران ودانشمندان اواخر دوران صفویه وآغاز افشاریه است ، شاعری است توانا وقادر ، او پنج دیوان فراهم آورد. ، وچند مثنوی سروده‌است.

شیخ محمدعلی‌حزین‌درتذکره حالش اوضاع‌ایران‌را ازحمله‌محمود افغان‌که خود ناظر برآن بوده تا فتح دهلی بدست نادرشاه برشته تحریر

آورده . تذکره او اثری مستند است زیرا مشاهداتش را آورده ، این شاعرعالیقدرومحقق عالیمقام که پدرش نیزازجمله علما بوده است کتابخانه بزرگی دراصفهان داشته که دراثر هجوم محمود افغان باصفهان ازمیان رفته است . او در باره کتابخانه‌اش چنین مینویسد « .. درآن سال (۱۱۳۵) سانحه اصفهان روی داد[۲۱۷] **وکتابخانه فقیروآنچه بود بغارت رفت و مرا بر تلف شدن آن نسخه‌ها تأسف است»** .

حزین درواقعه اصفهان دچار عسرت شده و ناچار آنچه داشته میفروخته وامرار معاش میکرده است خود دراین باره میگوید « . . . بر این دوران واحوال روزگاری گذشت که عالم‌السرار بدان آگاه است ، هرآنچه قدرتم میرسید صرف میکردم **و بغیراز کتابخانه چندان چیزی باقی‌نمانده بود وباوجود بی‌مصرف بودن دوهزار جلدکتاب نیزمتفرق ساخته بودم وتتمه درآن خانه بغارت رفت!»**[۲۱۸] .

**۳٤۹ – کتابخانه ملاحسین اردبیلی – استرآباد :** میرزا عبدالله افندی درمعرفی کتاب کامل‌الفقیه معروف به کامل بهائی تألیف عمادالاسلام حسین‌بن‌علی طبری ازدانشمندان قرن هشتم که ایـــن کتاب را بنام خواجه بهاءالدین صاحب دیوان جوینی تألیف کرده است . مینویسد « . این‌کتاب را درکتابخانه ملاحسین اردبیلی که کتابخانه غنی ومعظمی دراسترآباد بود دیدم ومطالعه کردم» وبا این ترتیب یکی از کتابخانه‌های معروف ایران‌را معرفی میکنند که درقرن دوازدهم وجودداشته است .

**۳٥۰ – کتابخانه افندی – اصفهان :** در این تاریخچه به‌کرات در شرح کتابخانه‌ها از افندی یاد کرده‌ایم برای اینکه خوانندگان ارجمنداین شخصیت علمی را بشناسند بمعرفی او می‌پردازیم :

میرزا عبدالله‌بن عیسی‌بیك تبریزی معروف بافندی مؤلف کتاب عالیقدر ریاض‌العلماء وفیاض‌الفضلاست که در شرح حال واحوال علمای اسلامی‌است[۲۱۹] . افندی برای تهیه مطالب کتابش‌درسراسرایران‌بکتابخانه‌های معروف ومعتبر مراجعه میکرده وبه همین‌سبب درکتابش ازکتابخانه‌هائی که شخصاً دیده است گاه‌گاه یاد میکند . حزین که از معاصران ومعاشران او بوده شرح حالش را بدست میدهد که عیناً دراینجا میآوریم :

میرزا عبدالله‌بن عیسی‌بیك تبریزی ، خاندانش‌ازبزرگان تبریزبوده‌اند لیکن پس ازسیروسیاحت دراصفهان سکنی گزیده است ... اکنون ذکری از اعیان که با این فقیر دوستی داشتند پیش‌ازحادثه حائله اصفهان ودرآن اوان درگذشتند می‌نماید . ازآن جمله مولانای فاضل میرزا عبدالله‌مشهور به **افندی** است . بفنون متداوله ماهر وبغایت متتبع بود ودراصفهان در جوار منزل خودمدرسه‌ای عمارت کرده بافاده اشتغال داشت وروزگاری

مهیا میگذاشت ، چون به بلاد روم (عثمانی) افتاد علمای آنجا بدانش او آگاه شدند وبقاعده خود وی را **افندی** خطاب داده باین لقب معروف شده بود وبامن الفت تمام داشت تا چندی پیش ازآشوب اصفهان رحلت کرد[۲۳۰]»

بطوریکه دراین‌شرح‌حال‌آمده‌است افندی مدرسه‌ای درکنارخانه‌اش بنیاد کرد وکتابخانه شخصی‌اش را بمدرسه اختصاص داد . درکتابش از نسخه‌های نفیسی که داشته مآخذی نقل میکند .

**۳۵۱ – کتابخانه شاه سلطان‌حسین صفوی :** شاه سلطان حسین صفوی گذشته ازاینکه درمدرسه سلطانی (چهارباغ) کتابخانه‌ای دائر کرد. کتابخانه پانزده هزارجلدی شاه سلیمان نیز باو بارث رسیده بود واوکه عشق وعلاقه مفرطی بکتاب داشت ذخائر آنرا افزود . شاه سلطان‌حسین برای اداره امور مدرسه وکتابخانه چهارباغ دیه‌ها ومستغلات بسیاری وقف کرد ، خوشبختانه اصل این وقفنامه بخط خوشنویس معروف میراحمد نیریزی موجود ودرموزه ایران‌باستان محفوظ‌است ومفادآن مبین این‌حقایق است .

شاه سلطان‌حسین بخط خوش عشق میورزید ودراثرتوجه او به هنر خطاطی بزرگترین خوشنویس خط نسخ میراحمد نیریزی تربیت شد ، میراحمد نیریزی برای کتابخانه شاه‌سلطان حسین کتابت میکرد وبطوریکه نوشته‌اند ۹۰ تومان صفوی دستمزد کتابت گرفته است . واین اجرت و دستمزد گران‌ترین اجرتی است‌که بابت کتابت پرداخت شده است . متأسفانه درفتنه افغان وغارت شهر اصفهان بیشتر ذخائر معنوی کتابخانه‌های اصفهان دستخوش تاراج ویغما گردید . نسخه نادرالوجودی از ترجمهٔ **طرائف** تألیف علی‌بن طاووس بر ترجمه **محمدبن جعفربن محمد فاضل** و همچنین کتاب التحفةالقوامیه فی‌فقه‌الامامیه‌الحسینی‌السیفی‌القزوینی‌که بامرسلطان حسین بسال ۱۱۱۸ تألیف گردیده در کتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی موجوداست‌که درپشت‌ورق هریك‌ازکتابها نوشته‌شده‌است جهت خزانه‌الکتب شاه سلطان‌حسین تصنیف گردیده است .

**۳۵۲–کتابخانه میرزا ابوتراب اصفهانی :** میرزا ابوتراب از افاضل اصفهان بود وکتابخانه اوازکتابهای‌نفیس بخط استادان خط ممتاز بوده‌است. برای نمونه نسخه‌ای راکه میرزا احمد نیریزی برای‌کتابخانه او نوشته است گراور می‌کنیم . ص۱۸۲

**۳۵۳ – کتابخانه مدرسه فیضیه قم :** مدرسه فیضیه قم از بناهای شاه تهماسب اول است که قسمتی از آن هنوز برجاست وکتیبه آن نیز خوشبختانه باقیمانده است ، این مدرسه از مدارس بنام دوران صفویه بوده وبصورت دارالعلمی اداره می‌شده‌است کتابخانه مدرسه فیضیه را باید از کتابخانه‌های عمومی طراز اول دوران صفوی بحساب آورد .

۳۵٤ – **کتابخانه مدرسه مؤمنیه . قم** : مدرسه مؤمنیه را شاه‌سلطان حسین صفوی در قم بناکرد وهم‌اکنون نیز سردر آن باقی است وکتیبه باقی مانده یادآور بانی آنست . ابیات باقیمانده از کتیبه اصلی چنین است :

ساخت این مدرس سپهر اساس — که ازآن شد بنای دین محکم
خسرو عهـد و داور دوران — شاه گیتی و قبله عالم
در رقم کرد از پی تاریخ — بهترین مدارس عالم (۱۱۱۳)

مدرسه مؤمنیه تا دوران فتحعلی شاه که موقوفات آن دستخوش تصرف وتصاحب نشده بود رونقی داشت وکتابخانه آن از کتابخانه های بزرگ قم بشمار میرفت .

## فتنه افغان ودوران فترت

دویست سال آرامش و سکون وامنیت وفراوانی نعمت و تعمیم آسایش وتأمین رفاه‌که نتیجه درایت وتدبیر وحسن مدیریت‌بنیان‌گذار دودمان صفوی شاه اسمعیل بزرگ وکفایت شاه طهماسب اول وشاه عباس کبیر بود . موجب غفلت عمال دولت صفوی وصدور مملکت گردیدوچنان می‌پنداشتند که دنیا درامن وامان آسوده وکسی را دیگر جرأت وزهره ویارای آن نیست که پا از گلیم خود فرا تر نهد ودم از طغیان وعصیان زند ! بجای بسط نفوذ و حاکمیت درمرزهای مملکت عمال دولت بجان یکدیگر افتاده بودند وازضعف وخوش‌بینی وحسن‌خلق شاه سلطان‌حسین سوء استفاده میکردند ، تجاوز وتعدی رایج بود ومرجعی برای رسیدگی به تظلم مظلومان وجلوگیری از تعدی متعدیان وجود نداشت . تاریخ دوران شاه سلطان‌حسین ووقایعی که درآن اوان رخ داده است بقلم ناظران و مورخان آن زمان موجود است ومارا مجال بحث وبسط مقال درآن احوال نیست تنها باشاره‌ای اکتفا میرود تازمینه بحث برای بیان دوران فترت روشن باشد .

طغیان‌وعصیان‌وهجوم‌محمودواشرف‌افغان‌وشکست‌مدافعان‌چنان‌برای مردم کشور غیر مترقبه وغیرمنتظره بود که همه‌را چون صاعقه‌زدگان‌دچار بهت‌وحیرت‌ساخت، قتل‌وغارت‌چنان بالاگرفت که‌خاطره هجوم‌چنگیزوتیمور را باردیگر زنده کرد . بسیاری ازشهرهای ایران ازاین مصائب ونوائب سهمی داشتند وچنانکه درشرح کتابخانه شیخ محمدعلی حزین متذکر شدیم قحط غلا ونهب وغارت دامنگیر کتابخانه‌های عمومی وخصوصی شد و گنجینه‌های معرفت دستخوش غارت وپایمال حرص وشهوت مشتی اراذل و اوباش گشت . باردیگر مدارس ودارالعلم‌ها بیغوله سگان ومأوای جغدان

شد وسکوت ووحشت برمجامع علم ودانش چیره وحکمفرما گشت .
**نادرشاه ظهور کرد** وباشدت و قدرت به سرکوب ومنکوب کردن قوای طاغی ویاغی پرداخت وچون شیرازه حکومت گسیخته بود این‌مرد دل‌آور و پهلوان نامور کوشید باردیگر شاهنشاهی ایران را از تلاشی و انهدام نجات بخشد وبا تمام همت بانجام این نیت بذل مساعی کرد وتوفیق یافت که مرزهای کشوررا ازتجاوز بیگانگان دراماں دارد . چون اهتمام نادرشاه دردوران سلطنتش مصروف سرکوبی معاندان وطاغیان وجهانگشائی بود متأسفانه توجهی به بسط معارف مبذول نگشت ودراین دوره مدارسی که دراثر واقعه افغان وویرانی شهرها بحال تعطیل درآمده بود همچنان بوضع نامطلوبی باقی ماند . بایدگفت . نادرشاه پس‌ازتصرف اصفهان وشکست افغانان تا آنجا که توانست آثار نفیس و نسخه‌های گرانقدر کتابخانه شاه سلطان حسین که بغارت رفته بود بازپس بگیرد واین‌کتابها با دیگر نفایس وذخایر دودمان صفوی وآنچه را که پس از فتح دهلی بدست آورد در خزائن کلات گذاشت .

پس از قتل نادر ، برادرزاده‌اش **عادلشاه** قیام کرد وفرزندان نادر را جز **شاهرخ میرزا** پسر **نادرقلی‌میرزا** که بیست‌سال‌داشت همه‌را بکشت و بخزائن کلات دست یافت .

سلطنت عادلشاه دیری نپائید واونیز بدست ابراهیم برادرش مخلوع وکور وزندانــی شد ابراهیم نیز پس ازچندماه اسیر ومقتول گردید و **شاهرخ میرزا** بکمك یوسفعلی باردیگر بسلطنت رسید . شاهرخ از ۱۱۶۱–۲۱۰ که کشته شد دورانی پرمصیبت را بنام پادشاه خراسان گذرانید .

سلطنت شاهرخ محدود به خراسان بود وزمان سلطنت اومقارن است با سلطنت کریمخان زند و سپس قیام آقامحمدخان قاجار . فرزندان شاهرخ . نادرمیرزا ونصرالله‌میرزا برسر ذخایر ودفاین نادر با یکدیگر به ستیز وجدال برخاستند تاجائیکه به خزائن آستانقدس رضوی هم دستبرد زدند وپس ازاین عمل شنیع ، نادرمیرزا با تصاحب قسمتی ازخزائن نادری بافغانستان گریخت ونصرالله میرزا نیز پس‌ازچندی درگذشت .

پس ازاینکه نادرکشته شد متأسفانه باظهورمدعیان سلطنت وتقسیم شدن کشور میان چند قدرت وجدال وکشمکش متوالی میان این‌قدرت‌ها مانع دیگری بود از اینکه حوزه‌های علمی مملکت دیگربار رونق گیرد . **کریمخان زند** پس از بدست آوردن قدرت و حکومت متأسفانه در راه احیای مدارس و دارالعلمها گام برجسته‌ای برنداشت و اینست که بایدگفت در دوران افشاریه وزندیه از فعالیت های علمی هیچگونه اثر چشم‌گیری نمی‌بینیم . پس ازدرگذشت کریم‌خان زند آقامحمدخان قاجار که مردی

فاضل و جسور بود قیام کرد ودراندك مدتی توانست برسراسر ایران دست یابد وحکومت‌های کوچك ومحلی را براندازد . آقامحمدخان قاجار در سال ۱۲۱۰ ق پس‌ازتاجگذاری درتهران بعزم تسخیر خراسان حرکت کرد وبدون مقاومت قابل توجهی مشهد را تسخیر و شاهرخ را دستگیر کرد .

شاهرخ قبل ازورود آقامحمدخان قاجار که شیفته و فریفته جواهرات نادری بود وبرای بدست آوردن آنها خواب وآرام نداشت ، خزائن باقیمانده‌را درنقاط مختلف مشهد وخراسان مخفی وپنهان ساخته‌بود.

آقا محمدخان برای دست یافتن بآنها شاهرخ را به شکنجه کشید وپس‌از شکنجه‌های بسیار به جواهرات دست یافت وشاهرخ نیز ازآزارهای وارده درگذشت . با درگذشت شاهرخ بازمانده **کتابخانه دوران صفوی** که درمحلی‌مختفی‌بود بدست آقامحمدخان نیفتاد وهمچنان درتصرف‌بازماندگان خاندان افشاریه باقیماند .

نویسنده از مردم ثقه خراسان شنیدکه قسمتی از این‌کتابها درزمان ناصرالدین شاه به کتابخانه سلطنتی فروخته شد و مازاد آن تاقیام کلنل محمدتقی خان پسیان درخراسان باقی بود ودرآن زمان بازماندگان‌دودمان شاهرخ قصد فروش آنرا داشته‌اند ، گویا اعظم این کتابهای نفیس باروپا رفته وبیشتر آنها اینك درکتابخانه بریتیش موزیوم نگاهداری میشود . ازکتابخانه‌های‌معروف دوران افشاریه وزندیه چندکتابخانه بیشتر نمی‌شناسیم که اینك بمعرفی آنها می‌پردازیم . درتائید نظراتی که‌داده شد بجاست بنوشته میرزا **محمد تنکابنی** درقصص‌العلماء استناد جوئیم . این نویسنده در شرح حال میرزای قمی مینویسد که « . . . . میرزا آن تنخواه را گرفته باصفهان مراجعت کرد وچون اسباب اجتهاد نداشت بعضی ازکتب استدلالیه وکتب لغت وکتب احادیث ابتیاع نمود . گویندکه درآن زمان (سلطنت کریم‌خان زند) کتاب را بمن میفروختند ومن بوزن شاه که معادل دومن تبریز بود (٦کیلو) بده‌تومان معامله ودادوستد میکردند[۳۲۱] .

**۳۵۵ – کتابخانه آذر بیکدلی . قم** : لطفعلی خان آذر بیکدلی مؤلف تذکره آتشکده شاعرعالیقدر دوره زندیه وبنیان‌گذار بازگشت‌مکتب ادبی ، درقم کتابخانه‌ای تأسیس کرده بود که هزار جلد کتاب مخطوط داشته است[۳۲۲] .

**۳۵٦ – کتابخانه مفتون . تبریز** : عبدالرزاق بیك دنبلی متخلص بمفتون از دانشمندان وسخنوران دوره زندیه است‌که تا اوائل قاجار حیات داشته‌است تذکره‌حدائق‌الجنان–وتاریخ‌مآثرسلطانیه ازمؤلفات‌اوست.تألیفات او متجاوز از بیست‌جلد است خود او در حدیقه سوم از حدائق‌الجنان از کتابخانه نفیسش یاد میکند . کتابخانه او به پسرش بهاءالدین محمدبن

عبدالرزاق بیك نویسنده تفسیر قرآن بزبان عربی[۲۲۳] رسید و سپس کتابهای این کتابخانه متفرق شد ونسخه‌هائی ازآنهارا درکتابخانه‌های خصوصی توان یافت .

**۳۵۷ – کتابخانه فیض‌اللّه‌بن بهبود . سنندج** : فیض‌اللّه‌بن بهبودعلی خراسانی مردی عارف وعالم بود وکتابهائی چند ترجمه وتألیف کرده‌است از جمله ترجمه عوارف‌المعارف سهروردی . این مرد فاضل کتابخانه معتبری درسنندج فراهم آورد که نسخه‌هائی ازآن اینك درکتابخانه آستان‌قدس‌است.

**۳۵۸ – کتابخانه اسفندیاربیك میرشکار . شوشتر** : میراسفندیاربیك میرشکارشوشتری درشوشتر مدرسه‌ای بزرگ ساخت‌وجنب‌مدرسه‌کتابخانه‌ای معظم ترتیب داد . درواقعه وهجوم افغانان به جنوب این کتابخانه ویران شد وقف‌نامه این مدرسه وکتابخانه آن درتذکره شوشتر به تفصیل آمده است[۲۲٤] .

**۳۵۹ – کتابخانه سید نعمت‌اللّه جزایری – حویزه** : سید نعمت‌اللّه جزایری از اجله دانشمندان قرون اخیر ایران‌است اومدت نه سال درشیراز درمحضردانشمندانی چون ابراهیم بن‌ملاصدرا وشیخ جعفربن‌کمال بحرینی وسیدهاشم احسائی تلمذکرده وسپس باصفهان رفته وسالها ازمحضراستادانی چون آقاحسین خونساری وملامحمدباقر خراسانی – مولا محسن فیض کاشانی وآقامحمدباقر مجلسی استفاده کرده وسپس بشوشتر رفته ومرجع تقلید شده‌است . حاج محمد کلانتر برای او مدرسه‌ای رفیع درحویزه‌ساخت وکتابخانه‌ای مجلل وعظیم فراهم آورد . سید نعمت‌اللّه جزایری تألیفات متعدد دارد . نویسنده بسیاری از آثار اورا بخط خودش زیارت کرده‌است. کتابخانه سید نعمت‌اللّه جزایری از کتابخانه‌های بسیار معروف و شهیر قرن یازدهم ایران بوده‌است . پس ازدرگذشتش سید عبداللّه صاحب تذکره‌شوشتر فرزند او درحفظ کتابخانه پدرش اهتمامی داشته است[۲۲۵] .

**۳٦۰– کتابخانه میرنوراللّه شوشتری . شوشتر** : میرنوراللّه شوشتری بزرگ‌خاندان شوشتری‌جد قاضی‌نوراللّه‌شوشتری‌مرعشی‌بوده‌است که‌درشوشتر میزیست (۸۵۰ – ۹۲۰ ق) این مرد دانشمند کتابخانه بزرگی فراهم آورد که تا زمان حیات میرشریف شوشتری وجود داشته است[۲۲٦] .

**۳٦۱ – کتابخانه میرزا عبداللّه‌بن میرزاشاه‌میر . شوشتر** : بنوشته تذکره شوشتر این مرد دانشمند کتابخانه بزرگی فراهم آورده‌بوده است .

**۳٦۲– کتابخانه میرعبدالوهاب شوشتری**: تذکره شوشترمینویسد[۲۲۷] «میرعبدالوهاب درسفرایروان درخدمت‌نواب‌گیتی‌ستان شاه عباس بود و بعد از فتح بلد آنچه را درآن یورش کتاب بدست آمده بود پادشاه همگی را بآنجناب بخشید وآن جناب کتب را حیازت نموده ازدست قشون‌استنقاد
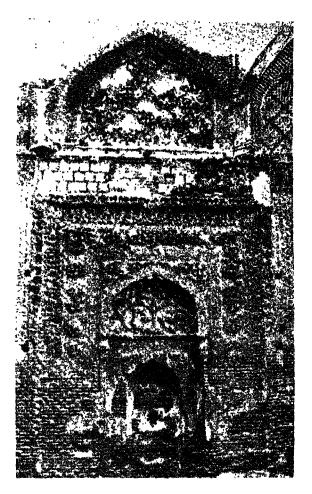
محراب مدرسه وکتابخانه حیدریه قزوین

نمود وبعدازفرو نشستن غبار فتنه مردم آنجارا طلبید، وکتابها را بایشان نشان‌داد هرچه صاحب‌آن‌بهمرسید بصاحب تسلیم نمود وآنچه بی‌صاحب‌بماند نگاه داشت وبانضمام کتبی که از خود وآبا واجداد کرام داشت همگی را وقف نمود ومجموع دوازده هزارجلد بود ووقف‌نامه مشتمل برتفصیل‌اسامی این کتابها با جمیع خصوصیات ازخط وکاغذ ورنگ وجلد وتاریخ کتابت وغیره وشروطیکه درمتن وقف اعتبار نموده بود قلمی- واندرونی بسیار وسیع ازعمارت خود جهت کتابخانه معین وازاملاك خالصه خود همه‌ساله وجهی معتدبه جهت تعمیرکتابخانه ومرمت کتابها ووظیفه متولی آن وقف

گردید قرارداده بود(کذا) وبمرورایام همه آن سررشته‌درهم‌ومختل‌وکتابها متفرق واکثر به‌بلاد بعیده افتاده واین فقیر دربلده بروع آذربایجان ازکتب وقفی میرعبدالوهاب حاشیه میرسید شریف بر شرح شمسیه دیدم که بنشان وخط ومهر عبدالوهاب شناختم وازمرحوم والد خود شنیدم‌که در مکه معظمه بدکان کتاب‌فروشی‌که نزدیك باب‌السلام است جلدی از کشاف دیده بود وکتاب‌فروش میگفته ازشخصی مصری است که از مصر آورده ! وقلیلی ازآن‌کتاب‌ها الحال نزدطلبه این بلد باقی‌است وآنچه از این ها بنظرآمده همه نسخه‌های خوش خط صحیح – مذهّب ، محشی‌که طبع را از مشاهده آنها نشاط وذهن را از مطالعه آنها نهایت انبساط حاصل میگردد» .

# کتابخانه‌های دوران قاجار

## رواج چاپ

آقا محمدخان قاجار گذشته از اینکه درجوانی بمرسوم خانوادگی تا اندازه‌ای با علوم وادب زمان آشنائی پیدا کرده بود اقامت اجباری او در شیراز که بعنوان گروگان نزدکریم‌خان زند میزیست برای اواین فرصت را بوجود آورد که بسفارش کریم‌خان زند اوقاتش را بمطالعه وتحصیل گذرانید وچون بمطالعه وتحقیق و تحصیل با هوش سرشاری که داشت علاقه میورزید این شد که پس ازصرف چندسال وقت در زمره مردان دانشمندایران درآمد وپس‌ازاینکه بسلطنت رسید ازآنجاکه با اهل علم حشرونشر کرده بود نسبت بآن طبقه ارادت خاص نشان میداد ووجودشان‌را گرامی می‌شمرد ودراحیای مدارس قدیمه بذل همت میکرد . برادرزاده‌اش باباخان (فتحعلیشاه) را نیزبرآن داشت که تحصیل کند وچون‌فتحعلیشاه نیز اهل‌ذوق‌بود وشعرمیگفت وبه‌خط ونقاشی شیفتگی نشان‌میداد این شدکه در اوان‌دوران قاجار برخلاف‌زمان افشاریه وزندیه هنروصنایع ظریفه باردیگر مورد توجه قرارگرفت وعنایت اولیای دولت موجب‌گردید که مکتب‌خاصی درهنر بوجودآید ونثرونظم فارسی‌که ازاواخر دوران صفویه بطرف‌انحطاط میگرائید باردیگر با ظهور نویسندگان وگویندگان عالیقدری ازخطرسقوط نجات یابد وآثار ارزشمندی درفرهنگ وادب فارسی بوجود آید . مدارس قدیمه احیا گردید ومدرسه‌های جدیدی نیز بنیاد یافت وعلاقه بنشرکتاب افزایش گرفت وکتابخانه‌های خصوصی واختصاصی وعمومی بسیار دائر و ایجاد گشت .

باید گفت مقارن با سلطنت فتحعلیشاه دراروپا دوران تحول پدید آمد وناپلئون بناپارت با قیامی ناگهانی امپراطوری فرانسه را بنیانی تازه گذاشت واز انقلاب فرانسه بهره‌برداری کرد . دراروپا انقلاب‌کبیر فرانسه اثراتی گذاشته وگوئی ملت‌های اروپائی‌را از خواب بیدارکرد . درهمه اروپا جهشی سریع بطرف کمال ظاهر شد وقرن ابتکار واکتشاف واختراع فرا رسید . عباس میرزاکه شاهزاده‌ای رشید ودانا بود به راهنمائی وزیر مدبرش‌خواست‌که ایرانیان ازکاروان مدنیت نوظهوراروپا بازنمانند وبرای تأمین این‌نظرچنددوره‌دانشجو بمنظور فراگرفتن فنون جدید باروپا فرستاد وهمین کاروان‌بودکه‌تخم‌آزادی‌را درایران کاشت‌وپنجاه‌سال‌بعدبارور گردید.

عباس میرزا وسیله منوچهرخان گرجی معتمدالدوله یکدستگاه ماشین‌چاپ سربی از انگلستان خریداری کرد و ازراه روسیه بـه تبریز آورد (۱۲۲۷ هـ. ق.)[۲۲۸] بدیهی‌است سالها قبل‌از ۱۲۲۷ یعنی‌درحدود سال۱۱۱۳ هـ . ق یکی از روحانیان ارمنی بنام آسادر که بسال ۱۶۹۵ م . دراصفهان درگذشته بود[۲۲۹] برای چاپ انجیل چاپخانه‌ای وارد کرده بود که حروف آن چوبی بود و مقارن با این احوال نیز آسوریان ارومیه (رضائیه) چاپخانه‌ای برای چاپ کتابهای مذهبی دائر کردند که بعدها با همین چاپخانه روزنامه نیز نشردادند[۲۳۰] لیکن چنانکه گفتیم نخستین‌بار بهمت عباس میرزا چاپخانه سربی بایران آمد ومیرزازین‌العابدین که کارچاپ را فرا گرفته‌بود متصدی باسمه‌خانه گشت (چاپخانه) ونخستین اثری که دراین چاپخانه (باسمه‌خانه) چاپ شد فتح‌نامه نام داشت که متضمن فتوحات عباس‌میرزا بود وسپس کتاب مآثرالسلطانیه تألیف عبدالرزاق‌بیك دنبلی که تاریخ‌دوران سلطنت فتحعلیشاه وخدمات عباس میرزاست بچاپ رسید[۲۳۱] .

نکته‌ای دراینجا لازم بیادآوری است و آن تاریخچه وسابقه (**باسمه**) در ایـــران است است . تا آنجا که این نویسنده اطلاع دارد . **باسمه** از زمان سلطان حسین میرزا بایقرا در ایران سابقه داشته و آنچه ما را باین حقیقت راهنمائی میکند وجود حاشیه کتابهائی است که آنرا باسمه کرده‌اند وشرح آنرا خواهیم گفت . اززمان شاه عباس بزرگ پارچه‌هائی دردست است که نشان میدهد دراین زمان باسمه برروی پارچه‌های کتانی وابریشمین نیز معمول گردیده است .

بـــرای باسمه کردن نخست صور مختلف گلبرگ وپرندگان و چرندگان را درحالات وحرکات زیبا ودلنشینی با نهایت مهارت وظرافت درروی چوبهای محکم وبادوام حکاکی میکردند بطوریکه صورت‌ها بشکل برجسته‌ای نمودار میگردید سپس این چوبهای حکاکی شده را که درابعاد مختلف بود برروی نمدهای آغشته به رنگهای مورد نظرشان فرو می‌بردند وبا این ترتیب قسمت‌های برجسته چوب رنگ میگرفت وقسمت‌های‌فرورفته بی‌رنگ می‌ماند آنگاه این‌قطعه‌های حکاکی شده را که **باسمه** می‌نامیدند با بافشار ملایم برروی پارچه ویاکاغذ می‌فشردند ویا تحت فشار قیدهای‌چوبی قرار میدادند وبا این عمل رنگها بروی پارچه و یاکاغذ منعکس می‌شد و در نتیجه نقوش چوبهای حکاکی شده در روی کاغذ وپارچه منعکس میگردید – پارچه ویاکاغذی که با باسمه نقاشی می‌شد بنام قلمکارمیخواندند وعلت آن بود که پس‌ازاینکه نقوش برروی پارچه یا کاغذ منعکس‌میگردید باقلم اطراف نقوش را قلم میزدندوآن را مشخص میکردند .

تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد قدیمی‌ترین اثری که درآن از

صنعت باسمه یادشده درشهرآشوبی‌است که میرزاطاهروحید قزوینی‌در گذشته بسال ۱۱۱۰ ق . سروده وآن قسمت‌را دراینجا ازشهرآشوب اونقل‌می‌کنیم.

از باسمه‌چی دلم هوائی است — چون باسمه رنگ‌من طلائی‌است
شد زرد و ضعیف از غم دوست — همچون ورق طلا مرا پوست
شاید آید بکار جانان — این خسته‌که قالبی است بی‌جان
دل تنگ و امید دل فراخ است — چون قالب اوهزار شاخ است .

پس ازرواج چاپ سربی چاپ سنگی نیز به تبعیت ازکتابهای چاپی هندوستان درایران معمول گردید ونخستین‌چاپخانه سنگی ایران بسال ۱۲۵۹ دائرگردیده که تاریخ معجم را بچاپ رسانیده است .

درزمان‌ناصرالدین‌شاه چاپ درایران‌رواج کامل‌یافت‌واعتمادالسلطنه که بریاست دارالطباعه انتخاب‌شد درترقی و کمال این‌صنعت بذل همتی‌کرد. برای اطلاع بیشتر ازچگونگی چاپ درایران میتوان بکتاب الامآثروالاثار مراجعه کرد[۲۳۳] .

گرچه صنعت چاپ بسال ۱۱۱۳ ه . ق بایران آمد لیکن قبل‌ازاین تاریخ دراروپا وترکیه ومصر وهندکتابهای فارسی بچاپ رسیده بوده‌است .

داستان مسیح وداستان سن‌پدرو هردو با ترجمه لاتین بسال ۱۰۹٤ ه . (۱٦۳۹ . م) درشهر لیدن وسیله شخصی بنام لودوویکودودیو بچاپ رسیده است[۲۳٤] درسال ۹۵۳ ه . نیز تورات فارسی بخط عربی با سه زبان دیگر دراسلامبول بچاپ رسیده بوده است[۲۳۵] .

چاپ کتابهای‌فارسی بچاپ سنگی درهندوستان بسال ۱۲۲۵ . ه . ق وسیله یکی ازمأموران انگلیسی درکلکته انجام شده است . دراسلامبول نیز از سال ۱۲۵۵ بچاپ کتابهای فارسی اقدام گردیده وگمان میرود نخستین کتابی که در اسلامبول بچاپ رسیده بود فرهنگ شعوری باشد مطبعه بولاق مصرنیز اقدام بچاپ کتابهای فارسی‌کرده بود نخستین کتابی که در مطبعه بولاق بچاپ رسیده مفتاح‌الدریة فی‌اثبات‌القوانین‌الدریة بسال ۱۲٤۲بوده است . بدیهی است در پطرسبورك . وین . لندن . پاریس . رم . نیز بعدها کتابهای فارسی متعددی چاپ شده است .

رواج چاپ دردوران قاجار بهمان میزان ومقدار که در رواج ونشر فرهنگ سودمند افتاد زیانهائی نیز ببار آورد که بطور اختصار متذکرآن میگردد . پس ازاینکه چاپ‌کتابهای سربی وسنگی درایران معمول گردید کتابهای چاپ شده به بهای ارزان دردسترس همگان قرار میگرفت ، چون نسخه نویسی ازروی یك اثرده برابربهای یك‌کتاب مطبوع هزینه‌برمیداشت. بدین توضیح که . اگردیوان فرخی‌سیستانی را میخواستند وسیله خوشنویسی نسخه‌برداری کنند هزینه ودستمزد خطاط وصحاف وجدول‌کش‌وتجلید و

تصویر مجلسی دوم

بهای کاغذ حداقل بیست‌تومان (دویست ریال) می‌شد بدیهی است این مبلغ درصورتی بود که کتاب ازآرایش‌ها عاری بود وسرلوح وطلاکاری نداشت. ودرمقابل اگرهمین دیوان‌فرخی سیستانی‌را بچاپ سنگی چاپ ونشرمیدادند بهای هریك جلد آن بیش‌ازچهارریال نبود ! ازاین رهگذر طالبعلمان و علاقمندان بکتاب بامیداینکه کتابها بمرور چاپ میشود وبابهای ارزان در دردسترشان قرار می‌گیرد ازتهیه‌کتابهای خطی مورد نیازشان خودداری کردند ولی‌باکمال تأسف وبرخلاف انتظار تعداد نسخی که از آثار ادبی و علمی وفلسفی ومانند آن طی صدسال بچاپ رسید (ازآثار قدما ومتون فارسی) بیش از هزار عنوان نبود درحالیکه بطورکلی‌متون فارسی بیش‌از دویست‌هزارعنوان‌کتاب واثرمستقل‌قابل‌استفاده ومطالعه ومرور دارد وهمین امرسبب گردیدکه طالبعلمان این دوران از آثار گرانقدر علمی وادبی فارسی بدور ومهجور مانند وسطح اطلاعات ومعلومات این دسته نسبت بگذشته . بسیارکاهش یافت وبدیهی‌است این امررا باید بحساب زیان‌وضرری گذاشت که صنعت چاپ دربادی امر برخلاف دیگر کشورها که ازذخائر معنوی مخطوط بی‌بهره بودند برای دانش‌پژوهان ایران ارمغان آورد . هم‌اکنون نیز چنانکه بایست نسبت به نشرمتون ادبی و علمی دوران گذشته‌که گنجینه بی‌بدیل وبی‌نظیری است اهتمام نمیشود ودانش پژوهان وطالبعلمان را بآثار گرانقدر ونایاب ونادر این گنج شایگان دسترس نیست واز ذخائر معنوی

کهنسال خود بی‌اطلاع و بی‌خبرند، هنوز بیش‌ازیکصدوپنجاه‌هزار اثروعنوان از آثار گرانقدر متفکران و دانشمندان وسخنوران نامی ایران بصورت مخطوط درکتابخانه‌های خصوصی و اختصاصی جهان باقیمانده‌که اگرتصمیم به نشراینگونه آثار گرفته شود مقام وارزش فرهنگ وادب ودانش ایران بیش‌ازپیش مشهود خواهد افتاد .

**۳٦۳ – کتابخانه مظفرشاه کرمانی . کرمانشاه :** محمدتقی‌کرمانی ملقب به حکیم ایمانی نخست درکرمان طب فرا گرفت وازعلوم ادبی نیز بهره وافی یافت سپس مجذوب مشتاقعلی‌شاه شد[۲۳٦] وبه مظفرعلیشاه ملقب گشت ، او مردی دانشمند و وارسته بود وتصنیفات وتألیفات بسیار دارد از جمله تصنیفات مظفرعلیشاه مجمع‌البحار وبحرالاسرار است .

مظفر علیشاه درکرمانشاه بارشاد و هدایت مجذوبان ووارستگان وادی عرفان میپرداخت ومحضرش مجمع طالبعلمان بود . **درخانقاهش کتابخانه جامعی** برای استفاده شاگردان فراهم آورده بود ، مظفرعلیشاه درسال ۱۲۱۵ در کرمانشاه دعوت حق را لبیك گفت وکتابخانه خانقاه همچنان دائر بود .

**۳٦٤ – کتابخانه مدرسه ایلچی – اصفهان :** کتابخانه مدرسه ایلچی واقع درمحله احمدآباد اصفهان تاسال ۱۲۳۸ . ه . دائر بوده . کتابهائی از کتابخانه مدرسه ایلچی درکتابخانه مجلس شورایملی موجود است ازجمله برهان قاطع بشماره ۸٤۷ وشاهنامه فتحعلیخان صبا با ۲۳ مجلس زیبا .

**۳٦٥ – کتابخانه صاحب دیوان . شیراز :** میرزا فتحعلی فرزند حاج میرزا علی‌اکبر قوام‌الملك شیرازی‌گذشته از اینکه دردستگاه دولت صاحب عنوان ومقام بوده خود تمکن بسیار داشته وبه جمع‌آوری واستنساخ کتاب شوق وذوق فراوان میورزیده ووسیله خطاطان زمان کتابهای ممتاز برای کتابخانه‌اش درشیراز فراهم میآورده است واز این نظر کتابخانه او یکی از کتابخانه‌های ممتاز دوران قاجار بشمار است[۲۳۷] .

**۳٦٦ – کتابخانه دولتشاه . کرمانشاه :** محمدعلی‌میرزا دولتشاه مهین فرزند فتحعلیشاه از شاهزادگان دانشمند وکاردان قاجار است اوشعر میسروده واشعار او نیز شیرین ونمکین است ، دخترش فرخ لقا نیز شاعر بود وازاو اشعاری نغز بجا مانده است[۲۳۸] .

دولتشاه سالها والی غرب بود ودرکرمانشاه کاخی زیبا بنا نهاده و درآنجا کتابخانه‌ای نفیس که مجموعه‌ای از نسخ نایاب ونادر بودجمع‌آورد خوشبختانه از نسخ کتابخانه او تعدادی درتملك کتابخانه مجلس شورایملی ومجموعه نویسنده موجود است .

**۳٦۷ – کتابخانه طبری . تهران :** عبدالله منشی‌طبری ازدانشمندان

دوران قاجار است که مصحح شرح قاموس اوست وتا سال ۱۲۸۰ در تهران میزیسته ، کتابخانه او از کتابخانه‌های معروف تهران بوده وپس ازتفرقه کتابهای کتابخانه تعدادی از آنها درتملك کتابخانه مجلس درآمده است .

**۳۶۸ -کتابخانه سیف‌الدوله سلطانمحمدمیرزا . تهران:** این‌شاهزاده دانشمند مؤلف **تذکرةالسلاطین وملوك‌الکلام و مثنویهای تحفةالحرمین ، وسیف‌الرسائل** است . کتابخانه‌ای بسیار ممتاز داشته است که مورد توجه محققان ودانشمندان دوران قاجار بوده است . کتابخانه سیف‌الدوله به ثبت ناسخ‌التواریخ تا سال ۱۲۸۸ . ه دائر بوده‌است[۲۳۹] .

**۳۶۹-کتابخانه اعتضادالسلطنه . تهران:** علیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه ازفرزندان فتحعلی‌شاه قاجار واز شاهزادگان دانشمند بود . شرح آثارالباقیه از اوست . مدتها ریاست مدرسه دارالفنون ناصری را درعهده داشت وسپس بوزارت علوم منصوب گردید رویهمرفته ۲۲ سال عمر او بمشاغل فرهنگی گذشت وازاین راه دردوران قاجارمنشأ خدماتی‌شد ،کتابخانه اعتضادالسلطنه یکی از کتابخانه‌های غنی ومعتبر قرون اخیر ایران بود. ، پس ازمرگش متاسفانه این کتابخانه کتابهایش پراکنده شد وتعدادی از آن بتصرف وتملك کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار درآمد .

**۳۷۰ - کتابخانه بهمن‌میرزا . تهران :** بهمن میرزا فرزند عباس میرزا وبرادر محمدشاه قاجار است ، مدتها حکومت اردبیل را داشته است. او نیز از شاهزادگان با ذوق وهنردوست ودانشمندبود . تذکره محمدشاهی از تألیفات اوست وبخصوص قسمت معاصران این تذکره شایان توجه‌است . درتذکره محمدشاهی رویهمرفته نزدیك به هیجده‌هزار بیت شعر از شعرای ایران‌رافراهم‌آورده‌است. کتابخانه بهمن‌میرزا ازکتابخانه‌های نامی دوران قاجار بود که خوشبختانه نسخه‌های نفیسی از کتابخانه او به تملك مجلس شورایملی درآمده است .

**۳۷۱ - کتابخانه شاهزاده حسام‌السلطنه . تهران :** محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه نیز از شاهزادگان کاردان واز فرزندان لایق فتحعلیشاه بود . بسیار دوستدار اهل علم وفضل بود بخواهش او آثاری چند تألیف وتصنیف یافت ازجمله سیدکشفی میزان‌الملوك والطوائف را بنام او نوشت . کتابخانه حسام‌السلطنه از کتابخانه‌های ممتاز دوران قاجار بشمار است . نسخه‌هائی از کتابخانه این شاهزاده درکتابخانه نویسنده محفوظ است .

**۳۷۲ - کتابخانه سید صدرالدین دزفولی :** سید صدرالدین دزفولی متخلص بکاشف متوفی ۱۲۵۸ در دزفول کتابخانه معتبری فراهم آورده بود واین کتابخانه سالیان دراز درخاندان او باقی بود[۲۴۰] ، نویسنده اینك از سرنوشت این کتابخانه بی اطلاع است .

**۳۷۳ - کتابخانه میرزا بابای مستوفی :** ازمستوفیان زمان‌فتحعلیشاه واز معتقدان سلسله نعمت‌الهی بوده است ، کتابخانه نفیسی فراهم آورده بود که از لحاظ دارا بودن نسخه های نادر وکمیاب ممتاز بوده‌است . کتابهائی متعلق بکتابخانه او درکتابخانه نویسنده موجود است که ثبت کتابخانه اورا بتاریخ ۱۲۷۱ دارد .

**۳۷٤ - کتابخانه مدرسه دارالشفا ، تهران :** درزمان فتحعلیشاه‌قاجار بمنظور ایجاد بیمارستان ساختمان مدرسه دارالشفا انجام گرفت لیکن بعد به مدرسه واگذار شد وبه همین علت نام آن همچنان دارالشفا باقی ماند ، گروه کثیری از شخصیت‌های علمی قرن سیزدهم هجری ایران ازشاگردان ومحصلان این مدرسه بنام بوده‌اند . از جمله مرحوم میرزا ابوالحسن‌جلوه حکیم ودانشمند قرن اخیر ایران که پس از فراغ از تحصیل در مدرسه دارالشفاء سکونت کرد ودرس میگفت وتا پایان عمر هم تاهل اختیارنکرد، **کتابخانه مدرسه دارالشفاء** را او ترتیب داد ویکی دیگر از شاگردان شهیر این مدرسه میرزا طاهر تنکابنی فیلسوف اخیرایران بود .

**۳۷٥ - کتابخانه فرهاد میرزا . تهران :** حاجی معتمدالدولـه فرهاد میرزا فرزند عباس میرزا از شاهزادگان دانشمند قاجار است این‌مرد سخن‌شناس‌وادب‌دوست تألیفاتی ارزنده نیز دارد از جمله ، جام جم . زنبیل، قمقام زخار ، منشآت ، فرهاد میرزا درجمع‌آوری نسخ خطی عشق وعلاقه وافر وزایدالوصفی داشته وازاین راه به حفظ آثار مخطوط دوران قاجار خدمتی بسزا کرده است . کتابخانه فرهاد میرزا شهرت‌ومعروفیتی‌فوق‌العاده کسب‌کرد . کتابهائی که متعلق به کتابخانه فرهادمیرزا بوده است همگی امضا وتاریخ خرید را در پشت برگ اول کتاب بخط فرهاد میرزا دارند از کتابهای کتابخانه فرهاد میرزا تعدادی درکتابخانه مجلس شورایملی و کتابخانه‌ملك‌وکتابخانه‌های‌خصوصی‌ایران موجوداست درکتابخانه‌های‌خارج ازایران‌نیزازنسخه‌های‌نفیس‌کتابخانه فرهادمیرزا یافت میشود ازجمله‌میتوان تاریخ‌گزیده مورخ ۸۵۷ را یادکردکه وسیله پروفسور ادوارد برون فقید چاپ گردیده است . صفحه اول ازیك‌نسخه متعلق بکتابخانه فرهاد میرزا درصفحه ۲۰۱ از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد) .

**۳۷٦ - کتابخانه مدرسه‌بزرگ صدر. اصفهان:** حاج محمدحسین‌خان صدر اصفهانی از رجال ومعاریف نامدار اصفهان بوده است کـه دردوره فتحعلیشاه بصدارت رسید ، صدر درنخستین سال تاجگذاری آقا محمدخان قاجار (۱۲۱۰) بحکومت اصفهان منصوب شد و دردوران سلطنت فتحعلیشاه بسمت بیگلربیگی اصفهان وقم وکاشان برگزیده شد وبسال ۱۲۳٤ بصدارت رسید ، دراصفهان‌منشأ وموجد آثارخیربسیارگشت ازجمله احداث چهارباغ

کتابی به‌خط محمد تقی مجلسی متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی
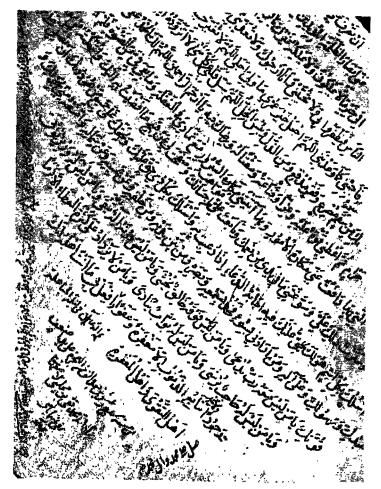
صدر وساختن سه مدرسه بدین شرح . ۱ – مدرسه بزرگ صدر ۲ – مدرسه پای قلعه ۳ – مدرسه صدر خیابان چهارباغ[۳۴۱] .

مدرسه بزرگ صدر از مدارس نامدار قرن اخیر ایران است زیرا مدرّسان آن پیوسته ازعلمای عالیمقام بوده‌اند وحجرات آن درمیان طلاب علوم دست بدست می‌گشته است ، کتابخانه مدرسه صدر بشرحی که خواهد آمد بنیاد یافت وهم‌اکنون نیزازکتابخانه‌های بزرگ وقابل توجه اصفهان است[۳۴۲] در سردر مدرسه صدر اشعاری بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی

کاشی معرق است که اثر طبع استاد جلال‌الدین همائی است که بسال ۱۳٤۱ هـ . بمناسبت تعمیر وتکمیل کتابخانه درزمان تولیت مرحوم حاج شیخ محمدحسین صدر سروده‌اند . چون حاج محمدحسین صدر خود توفیق اتمام مدرسه را نیافت بنابراین تکمیل بنای کتابخانه را بعدها آیت‌الله آقا حاج سید محمد رضا خراسانی مدرس مدرسه مذکور بانجام واتمام رسانید، درکتیبه سردرکتابخانه چنین‌آمده‌است «فقد اقدم السیدالسندالفقیه وآیت‌الله الملك الجلیل السیدمحمدرضاالخراسانی لتأسیس هذاالبناء وتکمیله‌احیاءالعلوم والمعارف‌الدینیه وحفظاً لکتب العلمیه ،» ودرلوحی کوچك درقسمت‌فوقانی سردرکتابخانه که مورخ ۱۳٦٤ است اشعاری است اثر طبع استاد همائی مدظله‌العالی که درتوصیف وارزش واهمیت کتاب وکتابخانه سروده‌اند که نقل آن دراین تاریخچه بسیار بجا وبمورد است .

دانش‌طلب‌که‌دانش‌ودین‌درکمال‌نفس  مس وجـود را مثل کیمیا بود
بررهروان زمنزل شك تادریقین  دانش چراغ روشن‌ودین رهنما بود
بـا پرّوبال علم هیولای نفس را  تا عقل مستفاد همی از بقا بود
افشاندآستین بجهان آنکه با ادب  برآستان علم وادب جبهه سا بود
آنرا که دست علم وادب دستگاه‌داد  در پایه آسمان وزمین زیرپا بود
هرمجلسی زعلم بود باغی از بهشت  این گفته نکته‌ای ز شه اولیا بود
**باشد کتابخانه یکی گنج پرگهر  کازهرگهرش مخزن دل پربها بود**
یامنبعی ز نورکه هر ذره‌ایش را  افزون از آفتاب وفروغ‌وضیا بود
یاگلشنی زعلم‌که اوراق گلشنش  اندر دماغ ناطقه دانش فزا بود
پاینده باد حجت اسلام ودین رضا  کازوی اساس وشالده‌اش این‌بنابود
سرمایه نجات بکار دوعالم است  کاری‌که ازبرای رضای خدا بود
بشنو دوجمله از پی تاریخ این‌بنا  کآن هردو یادگار زطبع سنا بود

**ازاین کتابخانه بجو علم دین سپس**
**برگوبنای‌علم‌زسعی‌رضابود(۱۳٦۳)**

**۳۷۷ – کتابخانه اعتمادالسلطنه . تهران :** اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ودارالترجمه ناصرالدینشاه بود ، آثاری چند تألیف کرده که معروف‌تر ازهمه المآثر والاثار وخاطرات اوست،اعتمادالسلطنه‌کتابخانه‌بزرگی از کتابهای خطی وچاپی ، فرانسه وعربی وفارسی وترکی فراهم آورده بود که پس از درگذشتش چون فرزند ذکور نداشت این کتابخانه بنحو تاثرانگیزی‌متفرق‌شد وتعداد قابل توجهی ازکتابهای کتابخانه اورا شادروان ذکاءالملك فروغی ومهندس‌بغایری وسرداراسعدبختیاری خریداری کردند.

**۳۷۸ – کتابخانه میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله اصفهانی :** نجم‌الدوله

اصفهانی ازمفاخر معاصر ایران واز ریاضی‌دانان بنام وشهیر قرن اخیر است او کاشف بسیاری از فنون ریاضی است دستورهای جبری ومبانی لگاریتم دراعداد را او کشف کرده است در ریاضی و نجوم مصنفات بسیار دارد، نجم‌الدوله کتابهای خطی ونایاب ریاضی وهیأت را جمع آورده بود واگر نتوانسته بود آن را مالك شود از نسخه آن رونویس واستنساخ کرده بود وبهمین‌جهت کتابخانه او مجموعه نفیسی ازکتابهای علوم بشمار میآمد کتابخانه او تا این اواخر نزد فرزندش محفوظ بود وبقرار اطلاع درسالهای اخیر آقای فخرالدین نصیری‌امینی بیشترکتابهای این‌کتابخانه راخریداری کرده‌اند .

**۳۷۹ – کتابخانه مدرسه فخریه (مروی) . تهران** : فخرالدوله حاکم مرو بسال ۱۲٤۰ درتهران مدرسه‌ای ساخت وبرای اداره آن موقوفات بسیاری وقف کرد وچون بخان مروی معروف بود این مدرسه نیز بمدرسه مروی شهرت یافت کتابخانه‌ای برای این مدرسه فراهم آورد که هم‌اکنون برجاست وبیش از دوهزارجلدکتاب خطی دارد ودرمیان کتابهای کتابخانه مدرسه مروی‌نسخه‌های نفیس‌ونادربسیاراست ازجمله‌نسخه‌ایست ازخمسه‌نظامی که مجالسی از نقاشی اثر قلم استاد کمال‌الدین بهزاد را دارد واز نفایس جهان بشمار است . همچنین نسخه‌هائی در علوم ریاضی دارد که بسیار قابل توجه وگرانقدر است .

**۳۸۰ – کتابخانه مدرسه سلطانی کاشان** : این‌مدرسه از بناهای قرن سیزدهم هجری است وبنائی عظیم و مجلل دارد این مدرسه کتابخانه‌ای بزرگ داشت و صبای کاشی ملك‌الشعراء درتاریخ بنای این‌مدرسه قطعه‌ای سروده است .

**۳۸۱ – کتابخانه مدرسه آقا . کاشان** : از بانی این مدرسه اطلاعی بدست نویسنده نرسیده ولی سال بنای مدرسه ۱۲٦۸ هـ. است مدرسه‌ای بسیار بزرگ و قابل توجه است . کتابخانه این مدرسه هم‌اکنون موجود است .

**۳۸۲ – کتابخانه مدرسه پای قلعه . اصفهان** : این مدرسه هم از مستحدثات صدر اصفهانی است . اطراف صحن مدرسه را با کاشی‌های هفت رنگ زینت داده‌اند کتیبه این مدرسه بخط ثلث است که تاریخ بنای آن را بسال ۱۲۱۷ . هـ . داردکتابخانه این‌مدرسه نیزبرای طلاب علوم‌دینی‌قابل توجه ومورد استفاده است .

**۳۸۳ – کتابخانه حاج ملاهادی سبزواری – سبزوار** : حاج هادی فرزند ملامهدی متخلص باسرار . از بزرگان علمای کلامی وفلاسفه قرن اخیر بشماراست . در حدود سی‌تألیف دارد ، این دانشمند عالیقدردرسبزوار مدرسه بزرگی بهمت خودساخت ووجود او درسبزوار سبب گردیدکه‌سبزوار

بصورت دارالعلم درآید وازاطراف واکناف ایران دانش‌پژوهان وطالبعلمان بطرف‌سبزواررهسپارشوند . حاجی‌هادی سبزواری کتابخانه بزرگی نیزبرای مدرسه خود فراهم آورد که هم‌اکنون نیز باقی است .

**۳۸٤ – کتابخانه میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی** : او مردی دانشمند و نویسنده‌ای ارجمند و شاعری توانا بود وثنائی تخلص میکرد بطوریکه در مقدمه این عصریاد کردیم او وزیر عباس میرزا بود و سالها نیز وزارت وصدارت محمدشاه قاجار را برعهده داشت و سرانجام بدست اسمعیل قرچه‌داغی در روز ۳۰صفرسال ۱۲۵۱هـ. درباغ نگارستان شهید شد . کتابخانه قائم مقام از کتابخانه های معروف بود که پس از قتلش بدست تاراج رفت . هنوز نسخه‌های نفیسی از کتابهای کتابخانه او درکتابخانه‌های خصوصی موجود است .

**۳۸۵ – کتابخانه مدرسه صدر . تهران** : میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلیشاه مردی ادب دوست بود و مدرسه صدر تهران را او ساخت وبرای این مدرسه کتابخانه معظمی بنیاد نهاد که هم‌اکنون نیز آثار آن باقی‌است. میرزا شفیع مدتی کتابدار کتابخانه محمودمیرزا فرزند فتحعلیشاه بوده‌است .

**۳۸٦ – کتابخانه محمود میرزا قاجار . تهران** : محمود میرزا پسر فتحعلیشاه از مردان دانش پژوه وشیفتگان شعر وادب فارسی بود او بسال ۱۲۱٤ تولد یافته وتا ۱۲۸۰ درقید حیات بوده است[۲٤۳] او سالیان دراز حکومت نهاوند را داشته است او شاعر بود وشعرمیسرود ومحمود تخلص میکرد ، تذکره‌ای نوشته که بنام تذکره محمود معروف است . دو اثردیگر نیز بنام بیان محمود وخرقه محمود داشته است . کتابخانه محمود میرزا از کتابخانه های معروف دوران قاجار بشماراست . میرزا ابوالحسن‌متخلص به **امید نهاوندی** ازشاعران دوران قاجارکه دیوانی مدون دارد سالها کتابدار کتابخانه محمود بوده‌است. کتابهای کتابخانه محمود بعداً درتملك عبدالصمد میرزا درآمد وقسمتی نیز بکتابخانه‌های خصوصی دیگر منتقل شد از جمله نسخه‌های‌نفیس کتابخانه محمود میتوان ازدیوان صائب‌تبریزی‌بخط‌خود صائب یاد کرد که اینك درتملك کتابخانه مجلس شورایملی است وبشماره ۱۰۰۰۷ ثبت است .

**۳۸۷ – کتابخانه عبدالصمد میرزا عزالدوله** : عبدالصمد میرزا عزالدوله از کتاب بازان بنام ایران بوده‌است چنان شیفته وعاشق کتاب بود که بشهرهای مختلف مسافرت میکرد ونسخه‌های خطی را ببهای گـران خریداری میکرد ، **ابوالمعالی میرعلی شیرازی** ملقب بشمس‌الادبا سالها کتابدار عبدالصمد میرزا بود . ابوالمعالی ازخوشنویسان کم‌نظیر نستعلیق دوران قاجار بوده است . ازکتابهای کتابخانه او نسخ نفیسی نصیب کتابخانه

مجلس شورایملی گردیده است از جمله دیوان ابن یمین هم‌عصر شاعر که پانزده‌هزاربیت شعردارد وشاهنامه‌ای‌که درزمان شاه‌تهماسب اول تحریریافته و دارای ۵۹ مجلس نقاشی ازکارهای مکتب هرات است . هم‌چنین نویسنده نسخه‌هائی از کتابخانه او درتملك دارد که بخط مشاهیرخوشنویسان مانند میراحمد نیریزی ومیرعلی هروی و میرعلی تبریزی است .

**۳۸۸ – کتابخانه مدرسه رکن‌الملك . اصفهان :** رکن‌الملك حاج میرزا سلیمان شیرازی درگذشته بسال ۱۳۳۱ از مردان نیك‌نام وشاعران وسخنوران بود که مدتها درزمان ناصرالدین شاه حکومت فارس را داشت وسالها نیز سمت منشی‌گری ظل‌السلطان را برعهده داشته است . مدت زمانی نیز بنیابت حکومت اصفهان منصوب شد ، او به دانشمندان وارباب ادب بسیار توجه میکرد وخود او نیزمجلةالاسلام را مینوشت ، او درشعرخلف تخلص‌میکرد ، واین تخلص‌را ازآن‌جهت اختیارکردکه نام جدش خلف‌بیك سفره‌چی‌بوده‌است . اوبسال ۱۳٤۱ درگذشت ودرآرامگاهی‌که نزدیك‌مدرسه و مسجدی‌کـــه نزدیك تخت پولاد ساخته بود بخاك سپرده شد . مدرسه رکن‌الملك ازبناهای بنام وشهیر اوائل قرن چهاردهم هجری‌است ،کتابخانه این مدرسه نیز قابل توجه بوده است .

**۳۸۹ – کتابخانه امین خلوت :** امین خلوت مردی صاحب‌ ذوق‌بود وکتابخانه‌ای نفیس فراهم آورد بـــرای اینکه کتابهای ارزنده‌ای برای کتابخانه‌اش فراهم آورد بطوریکه مشتری شاعر هم‌عصرش در قطعه شعری آورده ۱٤ نفر خوشنویس را دراختیار گرفته بود که از کتابهای مورد علاقه‌اش بخط خوش رونویس میکردند برای نمونه میتوان از نسخه دیوان امیر معزی که ۱۳۳۰۰ بیت شعر دارد و به شماره ۱۳۲۶۵ کتابخانه مجلس شورایملی ثبت است یاد کرد .

**۳۹۰ – کتابخانه حاج‌شیخ‌فضل‌الله‌نوری :** آقای شیخ فضل‌الله نوری وارث کتابخانه ای بزرگ بود و پس ازمرگش کتابها به وراثش تقسیم شد وقسمت مهمی از آن به تملك کتابخانه مجلس شورایملی درآمد واین کتابها بیشتر نسخ نفیس است .

**۳۹۱ – کتابخانه نوری :** نوری نویسنده کتاب مستدرك کتابخانه قابل‌توجه داشت وکتابهای گرانقدری برای کتابخانه او نوشته‌اند ازجمله میتوان کتاب کشف‌الحجةالمحجةلثمرالمهجة را یاد کرد که بسال ۱۲۸۰ برای‌کتابخانه او نوشته شده‌است[٢٤٤] .

**۳۹۲ – کتابخانه مدرسه سید :** بانی این مدرسه حجةالاسلام شفتی بودکه‌آنرا بسال۱۳۱۱ . هـ. ساخت ودرسال۱۳۵۵ بنای مدرسه‌رابپایان‌آورد. حجةالاسلام شفتی خود نیز کتابخانه‌ای داشت که از آن یاد خواهیم کرد

بصورت دارالعلم درآید و ازاطراف واکناف ایران دانش‌پژوهان وطالبعلمان بطرف‌سبزوار رهسپارشوند . حاجی‌هادی سبزواری کتابخانه بزرگی نیزبرای مدرسه خود فراهم آورد که هم‌اکنون نیز باقی است .

**۳۸٤ – کتابخانه میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی** : او مردی دانشمند و نویسنده‌ای ارجمند و شاعری توانا بود وثنائی تخلص میکرد بطوریکه در مقدمه این عصریاد کردیم او وزیر عباس میرزا بود و سالها نیز وزارت وصدارت محمدشاه قاجار را برعهده داشت و سرانجام بدست اسمعیل قرچه‌داغی در روز ۳۰صفرسال ۱۲۵۱هـ. درباغ نگارستان شهید شد . کتابخانه قائم مقام از کتابخانه های معروف بود که پس از قتلش بدست تاراج رفت . هنوز نسخه‌های نفیسی از کتابهای کتابخانه او درکتابخانه‌های خصوصی موجود است .

**۳۸۵ – کتابخانه مدرسه صدر . تهران** : میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلیشاه مردی ادب دوست بود و مدرسه صدر تهران را او ساخت وبرای این مدرسه کتابخانه معظمی بنیاد نهاد که هم‌اکنون نیز آثار آن باقی‌است. میرزا شفیع مدتی‌کتابدار کتابخانه محمودمیرزا فرزند فتحعلیشاه بوده‌است .

**۳۸٦ – کتابخانه محمود میرزا قاجار . تهران** : محمود میرزا پسر فتحعلیشاه از مردان دانش پژوه وشیفتگان شعر وادب فارسی بود او بسال ۱۲۱٤ تولد یافته وتا ۱۲۸۰ درقید حیات بوده است[۲٤۳] او سالیان دراز حکومت نهاوند را داشته است او شاعر بود وشعرمیسرود ومحمود تخلص میکرد ، تذکره‌ای نوشته که بنام تذکره محمود معروف است . دو اثردیگر نیز بنام بیان محمود وخرقه محمود داشته است . کتابخانه محمود میرزا از کتابخانه های معروف دوران قاجار بشماراست . میرزا ابوالحسن‌متخلص به **امید نهاوندی** ازشاعران دوران قاجارکه دیوانی مدون دارد سالهاکتابدار کتابخانه محمود بوده‌است.کتابهای کتابخانه محمود بعداً درتملك‌عبدالصمد میرزا درآمد وقسمتی نیز بکتابخانه‌های خصوصی دیگر منتقل شد از جمله نسخه‌های‌نفیس‌کتابخانه محمود میتوان ازدیوان صائب‌تبریزی‌بخطخود صائب یاد کرد که اینك درتملك کتابخانه مجلس شورایملی است وبشماره ۱۰۰۰۷ ثبت است .

**۳۸۷ – کتابخانه عبدالصمد میرزا عزالدوله** : عبدالصمد میرزا عزالدوله از کتاب بازان بنام ایران بوده‌است چنان شیفته وعاشق کتاب بود که بشهرهای مختلف مسافرت میکرد ونسخه‌های خطی را ببهای گران خریداری میکرد ، **ابوالمعالی میرعلی شیرازی** ملقب بشمس‌الادبا سالها کتابدار عبدالصمد میرزا بود . ابوالمعالی ازخوشنویسان کم‌نظیر نستعلیق دوران قاجار بوده است . ازکتابهای کتابخانه او نسخ نفیسی نصیب‌کتابخانه

مجلس شورایملی گردیده است از جمله دیوان ابن یمین هم‌عصر شاعر که پانزده‌هزاربیت شعردارد وشاهنامه‌ای‌که درزمان شاه‌تهماسب اول تحریریافته و دارای ۵۹ مجلس نقاشی ازکارهای مکتب هرات است . هم‌چنین نویسنده نسخه‌هائی از کتابخانه او درتملك دارد که بخط مشاهیرخوشنویسان مانند میراحمد نیریزی ومیرعلی هروی و میرعلی تبریزی است .

**۳۸۸ – کتابخانه مدرسه رکن‌الملك . اصفهان :** رکن‌الملك حاج میرزا سلیمان شیرازی درگذشته بسال ۱۳۳۱ از مردان نیك‌نام وشاعران وسخنوران بود که مدتها درزمان ناصرالدین شاه حکومت فارس را داشت وسالها نیز سمت منشی‌گری ظل‌السلطان را برعهده داشته است . مدت زمانی نیز بنیابت حکومت اصفهان منصوب شد ، او به دانشمندان وارباب ادب بسیار توجه میکرد وخود او نیزمجلةالاسلام را مینوشت ، او درشعرخلف تخلص‌میکرد ، واین تخلص‌را ازآن‌جهت اختیارکردکه نام جدش خلف‌بیك سفره‌چی‌بوده‌است . اوبسال ۱۳٤۱ درگذشت ودرآرامگاهی‌که نزدیك‌مدرسه و مسجدی‌کــه نزدیك تخت پولاد ساخته بود بخاك سپرده شد . مدرسه رکن‌الملك ازبناهای بنام وشهیر اوائل قرن چهاردهم هجری‌است ،کتابخانه این مدرسه نیز قابل توجه بوده است .

**۳۸۹ – کتابخانه امین خلوت :** امین خلوت مردی صاحب ذوق‌بود وکتابخانه‌ای نفیس فراهم آورد بــرای اینکه کتابهای ارزنده‌ای برای کتابخانه‌اش فراهم آورد بطوریکه مشتری شاعر هم‌عصرش در قطعه شعری آورده ۱٤ نفر خوشنویس را دراختیار گرفته بود که از کتابهای مورد علاقه‌اش بخط خوش رونویس میکردند برای نمونه میتوان از نسخه دیوان امیر معزی که ۱۳۳۰۰ بیت شعر دارد و به شماره ۱۳۲٦۵ کتابخانه مجلس شورایملی ثبت است یاد کرد .

**۳۹۰ – کتابخانه حاج‌شیخ‌فضل‌الله‌نوری :** آقای شیخ فضل‌الله نوری وارث کتابخانه ای بزرگ بود و پس ازمرگش کتابها به وراثش تقسیم شد وقسمت مهمی از آن به تملك کتابخانه مجلس شورایملی درآمد واین کتابها بیشتر نسخ نفیس است .

**۳۹۱ – کتابخانه نوری :** نوری نویسنده کتاب مستدرك کتابخانه قابل‌توجه داشت وکتابهای گرانقدری برای کتابخانه او نوشته‌اند ازجمله میتوان کتاب کشف‌الحجةالمحجةلثمر المهجة را یاد کرد که بسال ۱۲۸۰ برای‌کتابخانه او نوشته شده‌است[۲٤٤] .

**۳۹۲ – کتابخانه مدرسه سید :** بانی این مدرسه حجةالاسلام شفتی بودکه‌آنرا بسال۱۳۱۱ . ه. ساخت ودرسال۱۳۵۵ بنای مدرسه‌رابپایان‌آورد. حجةالاسلام شفتی خود نیز کتابخانه‌ای داشت که از آن یاد خواهیم کرد

برای مدرسه نیز کتابخانه قابل توجهی دائر کرد .

**۳۹۳ – کتابخانه رکن‌الدوله :** محمدتقی میرزا رکن‌الدوله نیز کتابخانه قابل‌توجهی داشته‌است. از کتابهای کتابخانه او چندنسخه درکتابخانه نویسنده موجود است .

**۳۹٤ – کتابخانه حاج ملاعلی‌کنی . تهران :** حاج ملاعلی‌کنی از اکابر دوره ناصری است . درلغت وفقه واصول وحدیث وتفسیر وعلم رجال تبحرداشت ، تألیفات متعدد دارد .کتابخانه حاج‌ملاعلی‌کنی ازکتابخانه‌های مشهور دوران ناصری است که پس‌ازاو درخاندانش بجا ماند .

**۳۹٥ – کتابخانه حاج میرزا محمدحسن آشتیانی :** آشتیانی از فحول علما ومجتهدین دوره ناصری است . کتابخانه آشتیانی درمیان علما ومشاهیر دوران اخیر شهرتی داشته است .

**۳۹٦ – کتابخانه مزار هفده‌تن . گلپایگان :** در این مزار مقدس کتابخانه‌ای وجود دارد که دارای چهارهزار جلد کتاب خطی است واین کتابها قبلاً وقف‌کتابخانه‌های مدارسی بوده‌که اینك ازمیان رفته‌اند وکتابها به‌این مزار منتقل شده وهم‌اکنون موجود است.

**۳۹۷ – کتابخانه سید علانور . گلپایگان :** دراین بقعه مقدس نیز کتابخانه‌ای هست که در حدود سه هزارودویست جلدکتاب خطی دارد واین مقدار کتاب خطی قابل توجه است .

**۳۹۸ – کتابخانه مدرسه ابراهیم خان ظهیرالدوله . کرمان :** ظهیرالدوله در کرمان نیز بسال ۱۲۳۲ مدرسه‌ای بنا کرد ودراین مدرسه کتابخانه‌ای وجود دارد که هزاروپانصدجلد درآن کتاب موجود است .

**۳۹۹ – کتابخانه میرزای تنکابنی :** میرزا طاهر تنکابنی فرزند میرزا فرج‌الله‌از شاگردان نامی میرزای جلوه بود ودر مدرسه عالی‌سپهسالار تدریس میکرد . این دانشمند عالیقدرکه از متکلمان مشهور دوران اخیر است بسال ۱۳۲۰ ش. درگذشت. کتابهای کتابخانه این دانشمند بیشترکتب حکمی وفلسفی بود ومیرزا برآنها حواشی نوشته است . کتابهای کتابخانه او به‌کتابخانه مجلس شورایملی فروخته شد .

**٤۰۰ – کتابخانه ناظم‌الاطباء :** میرزا علی‌اکبر کرمانی ملقب به ناظم‌الاطباء نفیسی ، مؤلف فرهنگ نفیسی و فرهنگ فرنودسار ، پدر دانشمند فقید سعید نفیسی کتابخانه قابل‌توجهی داشت‌که پس ازمرگش بفرزند عالیقدرش استاد سعید نفیسی رسید .

**٤۰۱ – کتابخانه ملامحمد صالح فرشته . قزوین :** ملامحمد صالح از بزرگان علما ومؤلفان قرن سیزدهم است واز جمله تألیفات او باید از کتاب بحرالعرفان فی‌تفسیرالقرآن درپانزده مجلد یادکرد . کتابخانه بزرگی

الحمد لله خالق الارضين والسموات وجاعل النور والظلمات والصلوة على اشرف البريات
محمد وعترته الكرام السادات ما دامت الروايات وسيلة الى اقتناص السعادات اما بعد
فيقول الفقير الى رحمة ربه الغافر ابن محمد تقي محمد باقر عفي عنهما [illegible] لتصحيح
الاخ في الله [illegible] المولى عبد الرضا وفقه الله تعالى للارتقاء
على اعلى مدارج الكمال في العلم والعمل [illegible]

خط محمد باقر مجلسی

درقزوین فراهم آورد وقبل ازمرگش – فرشته برغانی آنرا وقف عام کر
وهم‌اکنون پابرجاست .

**۴۰۲ .– کتابخانه منجم‌باشی . اصفهان** : محمدحسین تفرشی‌معروف
به منجم‌باشی کتابخانه‌ای ازکتابهای نفیس نجوم وریاضی وهیأت فراهم
آورده بود . از جمله نسخه گرانبهائی اززیج الغ‌بیگی داشت‌که با بسیاری
ازکتابهای‌دیگرش نصیب‌کتابخانه آقای فخرالدین نصیری‌امینی گردیده‌است

**۴۰۳ – کتابخانه صدراعظم نوری – تهران** : صدراعظم نوری نیز
کتابخانه قابل توجهی داشته ودر پشت کتابهای متعلق بکتابخانه‌اش یادداشت
ومهر کرده است ازجمله نسخه نفیس ، مقالات خواجه عبدالله انصاری بخط
میرعماد را میتوان یاد کرد . این نسخه اینك متعلق به کتابخانه آقای ادیب
برومند است .

**۴۰۴ – کتابخانه مسجد جامع طبس** : درمسجدجامع طبس‌کتابخانه
معظمی از قرن هفتم وجود داشت که متأسفانه در سال ۱۳۲۹ ه . هنگامیکه
نایب‌حسین کاشی یاغی به طبس حمله کرد این کتابخانه را غارت کر
وبآتش کشید – این کتابخانه در حدود هشت‌هزارجلد کتاب مخطوط نفیس
داشته است .

**۴۰۵ – کتابخانه خونساری . اصفهان** : سید محمدباقر خونساری
مؤلف روضات‌الجنات کتابخانه معظمی فراهم آورده بودکه اینك درخاندان
آن دانشمند فقید باقی است ، نسخه‌های متعددی از آثار سیدمحمد باقر
خونساری که بخط او می‌باشد وهمچنین ازآثار خاندان او درکتابخانه
آقای فخرالدین نصیری امینی موجود است ونمونه‌ای از خط والد اورا د

صفحه ۱۰۰ کتاب لمعةالنوروالضیاء آورده‌اند .

**٤۰٦ – کتابخانه سپهر . تهران** : میرزا تقی ملقب به لسان‌الملك ومتخلص به‌سپهرمؤلف ناسخ‌التواریخ وبراهین‌العجم فی‌قوانین‌المعجم پس‌از درگذشتش کتابخانه نفیسی را که فراهم آورده بود بنا بوصیت بفرزندش عباسقلیخان سپهر واگذاشتند ولیکن این‌کتابخانه پس از او دیری نپائید وکتابهای آن متفرق شد .

**٤۰۷ – کتابخانه بالاخیابانی . مشهد** : مرحوم شیخ عبدالحسین بالاخیابانی در مشهد کتابخانه معظمی فراهم آورده بود که بیش از دوهزار جلد کتاب مخطوط نفیس داشت که اکثر آنها بخطوط مصنفان ومؤلفان آنها بودند این کتابخانه پس‌ازدرگذشت بالاخیابانی به کتابخانه ملی ملك فروخته شد .

**٤۰۸ – کتابخانه مرحوم امام‌جمعه . کرمانشاه** : این کتابخانه را اولاد واحفاد آقا باقر بهبهانی جمع‌آوری کردند وکتابهای این‌کتابخانه اکثراً نایاب ونادرند ولیکن بیشتر آنها در علم فقه وحدیث واصول نگاشته شده‌اند . ازجمله کتابهای نفیس این کتابخانه جلدی از مجلدات الوافی صفدی بخط خودش بودکه اکنون درتصرف آقای حکمت آل‌آقا است.

**٤۰۹ – کتابخانه ذوالریاستین . شیراز** : حـاج محمدحسین ذوالریاستین متخلص به حسینی مصنف مثنویهای اشترنامه والهی‌نامه‌حسینی، مردی عارف وفاضل بود . کتابخانه او درشیراز شهرتی داشت این کتابخانه درخاندان ذوالریاستین تا آنجا که نویسنده آگهی دارد خوشبختانه بجاست.

**٤۱۰ – کتابخانه نشاط . تهران** : میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی شاعر و منشی و خطاط دربار فتحعلیشاه کتابخانه قابل ملاحظه‌ای فراهم آورده بود که بعدها متفرق شد واز نسخه‌های‌کتابخانه او که همه‌آنهاخط وامضای نشاطرا درپشت‌برگ اول‌خود دارند درکتابخانه‌های خصوصی بسیار میتوان دید .

**٤۱۱ – کتابخانه ایلبکی . شیراز** : محمدقلی‌خان قشقائی ایلبکی فارس در سال ۱۲٦٥ درشیراز کتابخانه بزرگی بوجود آورد ونسخه‌های نفیس ونایابی برای کتابخانه‌اش از اقصی نقاط کشور گرد آورد .کتابخانه او نیز وسیله بازماندگانش متفرق شد ونسخه‌هائی چند از آن درکتابخانه مجلس شورایملی موجود است . از جمله خلاصه عباسی بشماره ٤۸٥٥ راکه نسخه‌ای نفیس است میتوان یاد کرد .

**٤۱۲ – کتابخانه مهندس‌الممالك غفاری . تهران** : مهندس‌الممالك فرزند ابراهیم غفاری در ریاضیات تألیفات متعدد دارد او نخستین کسی‌است که برای اصطلاحات علم ریاضی در زبان فارسی معادل وضع کرد و در

حقیقت بنیان‌گذار اصطلاحات علمی جدید بزبان فارسی است . کتابخانه مهندس‌الممالك یکی از کتابخانه های معتبر علمی ایران بود و کمتر کتابخانه‌ای مانند اومجموعه کاملی ازکتابهای ریاضی‌ایرانی ونجوم وهیأت داشت تا آنجاکه نویسنده آگاه است تا سنوات اخیر این کتابخانه درخاندان آن فقید باقی بود .

**٤١٣ – کتابخانه سردارکبیر جمشید . تهران :** سردار کبیر از عاشقان وشیفتگان ادب و فرهنگ فارسی بود وبهمین نظرکتابخانه‌ای‌ازآثار گویندگان ونویسندگان ادب فارسی فراهم آورده بود که بیشتر آنها را نسخه‌های نفیس خطی ونادرالوجود تشکیل میداد . پس ازمرگش بیشتر کتابهای کتابخانه او به مجلس شورایملی فروخته شد وبعنوان نمونه میتوان از نسخه کتاب بیان محمود که تذکره است وبشماره ۸۹۵ ثبت گردیده یاد کرد .

**٤١٤ – کتابخانه امیرنظام گروسی :** امیرنظام گروسی از منشیان وخوشنویسان ورجال کاردان دوران قاجار است . مردی ادیب وسخن سنج بود ودرطی مدت عمر طولانی‌اش بسائقه ادب‌دوستی کتابخانه نفیسی فراهم آوردکه دراواخرعمرش آنرا بگروس منتقل ساخت ولی‌درگروس دروقایع الوار دستخوش غارت شد وآنچه از کتابخانه او درتهران و یاگروس باقیمانده بود بازماندگانش بکتابخانه مجلس شورایملی فروختند .

**٤١٥ – کتابخانه رضاقلیخان هدایت . تهران :** رضاقلیخان هدایت معروف به للەباشی از نویسندگان وسخنوران پرکار دوران قاجار است . کتابخانه هدایت ازبزرگترین کتابخانه‌های دوران قاجار بشماراست‌نسخه‌های بسیار نفیس ونادر این کتابخانه ازذخایر گرانقدر ادبی ایران بوده وهست. پس از درگذشت هدایت مدت‌زمانی تا اواخر سلطنت احمدشاه این کتابخانه درخاندان هدایت نگاه‌داری می‌شد سپس متفرق گردید و تعدادی از آنها به کتابخانه‌های خارج از کشور انتقال یافت وتعدادی نیز بکتابخانه ملی ملك فروخته‌شد . ازجمله‌این‌نسخه‌ها میتوان ازنسخه‌نفیس تذکره عرفات‌العاشقین یادکردکه بکتابخانه ملك فروخته‌شده‌است واینك‌درآن‌کتابخانه موجوداست.

**٤١٦ – کتابخانه مدرسه عالی‌سپهسالار :** میرزاحسن‌خان مشیرالدوله سپهسالار بانی مدرسه ومسجدسپهسالارکتابخانه معظمی برای مدرسه‌سپهسالار فراهم آورد . درآغاز تأسیس چهارهزارجلد کتاب برای کتابخانه مدرسه خریداری کرد که قسمت مهمی ازآن کتابهای کتابخانه اعتضادالسلطنه بود. دراین کتابخانه نسخه‌های نفیس وگرانقدر بسیار است که ضمن فهرست بچاپ رسیده‌آن معرفی شده است . این‌کتابخانه باتوجهاتی‌که اکنون بدان

صحیفه آخر دیوان شاهپور تهرانی که مهر شاه‌صفی را دارد.

مبذول میگردد درحدود ۱۱۱۵۰ جلد کتاب دارد وازکتابخانه‌های مهم و معتبر شهرتهران بشماراست .

**۴۱۷ - کتابخانه ظهیرالدوله . تهران:** ظهیرالدوله که‌ازآزادفکران وروشن‌بینان وپیروان صفی‌علیشاه بود درتهران کتابخانه بسیارنفیسی‌فراهم آورد که در روز واقعه بتوپ‌بستن مجلس شورایملی بدست اوباش واراذل غارت شد وکتابهای آن متفرق گردید .

**۴۱۸ - کتابخانه معیرالممالك. تهران:** دوستمحمدخان معیرالممالك که ازصاحب ذوقان وهنردوستان دوران قاجار بود کتابخانه بزرگی ازآثار نفیس وهنری فراهم آورد که تا این اواخرمقدار قابل توجهی ازآن در خاندان معیر باقی بود .

**٤١٩ – کتابخانه قاضی. تبریز** : خاندان قاضی‌ازسادات جلیل‌القدر تبریزند که قضاوت وشیخ‌الاسلامی تبریز اززمان صفویه تا آغاز مشروطیت بخاندان ایشان محول بوده است . در زمان شاه‌سلطان حسین صفوی عثمانیها میرزا محمدعلی قاضی را که از آزادمردان ایران بود دستگیر وشهید کردند نوه‌اش محمدتقی (متولد ۱۲۲۰ هـ .) شاگرد وحید بهبهانی بود ، آقای محمدعلی قاضی کتاب خاندان عبدالوهاب را دراحوال این دودمان نوشته است . وشرح کامل از چگونگی کتابخانه خاندان قاضی بدست میدهد . میرزا محمدباقرقاضی متوفی ۱۳۳۶ –کتابهای کتابخانه‌را افزایش داد لیکن سیل مهیب سال ۱۳۵۳ هـ . تبریز به این کتابخانه صدمات ولطمات فراوان زد . هم‌اکنون این کتابخانه درتملك آقای میرزا محمدعلی قاضی است و بیش ازهزار جلد کتاب مخطوط نفیس دارد .

**٤۲۰ – کتابخانه خاندان قزوینی . اصفهان** : خاندان قزوینی در اصفهان‌صاحب کتابخانه‌ای‌بسیارمهم‌وگرانقدربودند ازجمله‌مجلدات‌تفسیرأئمه که مشخصاتش درالذریعه[۲٤۵] آمده‌است ، سردودمان خاندان‌قزوینی‌دراواخر قرن سیزدهم حاج ابراهیم قزوینی بوده است که شرح حالش درتاریخ اصفهان به تفصیل آمده است[۲٤٦] پس‌ازدرگذشت او کتابخانه بفرزندش حاج‌آقا محمد قزوینی امام جماعت مسجد آقانور رسیدکه شرح حال اونیز درتذکرةالعلوم – رجال اصفهان[۲٤۷] آمده است . از بقایای این کتابخانه هم‌اکنون تعدادی نزد حاج‌آقاکمال‌الدین قزوینی موجود است .

**٤۲۱ – کتابخانه مدرسه آستانه سیدجلال‌الدین اشرف . گیلان** : شیخ حسین آستانه‌ای که از علمای بنام گیلان وذهبی مسلك بود مدرسه وکتابخانه‌ای در آستانه تأسیس کرد که هم‌اکنون نیزموجود است .

**٤۲۲ – کتابخانه صدرالدین دزفولی** : صدرالدین از اقطاب سلسله جلیله‌ذهبیه در دزفول‌بود شرح‌حال ابن‌عارف‌نامی‌درکتاب‌طرائق‌الحقایق‌آمده است. صدرالدین دردزفول‌خانقاهی ساخت وبرای‌خانقاه‌کتابخانه‌قابل‌توجهی فراهم‌آورد. کتابهای‌این‌کتابخانه درسنوات‌اخیرمتفرق‌شده‌است ازجمله‌میتوان از نسخه مهجةالبیضا ملامحسن فیض‌کاشانی که تهذیبی است از احیاءالعلوم غزالی یاد کرد که متعلق بآن کتابخانه بود وپس‌ازاینکه درتملك آقای مرتضی مدرسی چهاردهی درآمد آنرا درهشت مجلد با تصحیح واضافات بچاپ رسانیدند واصل نسخه را نیز وقف‌کتابخانه مولی‌متقیان کردند .

**٤۲۳ – کتابخانه سید عیسی صافی دزفولی** : آقای سیدعیسی صافی که در دزفول کتابخانه وچاپخانه‌ای نیز دائرکرده‌اند . کوشش ومجاهدتی مبذول داشته‌اندکه‌کلیه آثار نویسندگان‌ودانشمندانی‌که ازدزفول‌برخاسته‌اند

جمع‌آوری کنند وهم‌اکنون کتابخانه‌ای فراهم آورده‌اند که از این‌نظر قابل توجه است واکثر کتب آن نایاب ومنحصر بفرد است .

۴۲۴ – **کتابخانه شرف‌الدین شوشتری . شوشتر** : شرف‌الدین از علمای روشنفکر ومشهور خوزستان است کتابخانه شخصی ایشان درحدود سه هزار مجلدکتاب داردکه اکثر آن‌کتابهای خطی‌است . آقای‌شرف‌الدین صاحب تألیفاتی نیز هستند .

۴۲۵ – **کتابخانه سلطان‌المحققین** : سلطان‌المحققین مردی خطیب وسخنور بود واورا باید یکی از بانیان انقلاب مشروطیت ایران دانست ، نخست سلطان‌التکلمین لقب داشت ولی بعدها ازطرف آقا سید عبدالله‌بهبهانی به سلطان‌المحققین ملقب‌گشت ، کتابخانه او از کتابخانه‌های نفیس تهران بود فرزندش شیخ محمدعلی ملك خلّاقی بسیاری از آنهارا متفرق کرد و آنچه باقیمانده وسیله نوه‌اش مؤسس کتابخانه آقا محمد درتهران موجود است[۲۴۸] .

۴۲۶ – **کتابخانه مدرسه آقا شیخ عبدالحسین . تهــران** : شیخ عبدالحسین تهرانی حائری از شاگردان بنام صاحب جواهر ومؤسس مدرسه آقا شیخ عبدالحسین درتهران است . کتابخانه نفیسش راکه حاوی‌بسیاری ازکتب نادر بود وقف‌کتابخانه مدرسه کرد ولی کتابهای این‌کتابخانه متفرق شد ومقدار کمی ازآن نزد آقا شیخ‌زین‌العابدین مازندرانی باقی است .

۴۲۷ – **کتابخانه فیض مهدوی . کرمانشاه** : حاج‌آقا مهدی فیض کرمانشاهی از علما واعیان کرمانشاه بود کتابخانه قابل توجهی فراهم‌آورد که پس ازمرگش به آقایان جعفروضیاء کرمانشاهی منتقل شد وهم‌اکنون نیز این کتابخانه موجود است .

۴۲۸ – **کتابخانه سیدعلی ایروانی . تبریز** : سیدعلی ایروانی کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورد وپس‌ازمرگش (۱۳۲۴ هـ .) آنرا وقف طلاب علوم کرد وامروز با تولیت امیر عبدالحجه درتبریز مرجع استفاده طالبعلمان است .

۴۲۹ – **کتابخانه ملامحمد قزوینی . قزوین** : حاج ملا محمدتقی قزوینی کتابخانه نفیسی درقزوین‌داشت وپس‌ازاینکه درواقعه قرةالعین‌کشته شد کتابخانه‌اش نیز دستخوش تاراج قرارگرفت .

۴۳۰ – **کتابخانه صدرالشریعه . رشت** : صدرالشریعه از نوادگان سید عبدالباقی حجةالاسلام رشتی وداماد کامران میرزا . کتابخانه بزرگی در رشت فراهم آورد که در حدود سی‌هزار جلد کتابهای خطی ، چاپی ، فارسی وعربی داشت ، درکتابخانه او نسخه‌های ارزنده‌ای وجود دارد از جمله کلمات مختومه مکنونه ملامحسن فیض کاشانی است . هم‌اکنون این

کتابخانه در تملك فرزند ایشان آقـای مهندس موسی کارمند وزارت کشاورزی است .

**۴۳۱ - کتابخانه شیخ جواد رشتی :** شیخ جواد مجتهدرشتی ازعلمای بزرگ وبنام عصرناصری بوده است نامش دریادداشتهای عباس میرزا آمده است[۲۴۹] . او ازشاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده‌است . کتابخانه‌ای دررشت فراهم آورد که بیش ازدوهزارجلد آن مخطوط بود ، متأسفانه اولادش نتوانستند این کتابخانه را حفظ کنند و کتب آن متفرق گردید .

**۴۳۲ - کتابخانه محقق خلخالی . خلخال :** محقق خلخالی از شاگردان میرزای جلوه بود . این مرد محقق ودانشمند یکی از بزرگترین کتابخانه‌هائیکه جامع کتابهای عرفانی وفلسفی وکلامی فارسی وعربی بود درخلخال فراهم آورد وخوشبختانه این کتابخانه هم اکنون دردست بازماندگان آن دانشمند باقی است .

**۴۳۳ - کتابخانه شیخ زین العابدین گلپایگانی . گلپایگان :** حاج شیخ زین العابدین از شاگردان مجاز شیخ مرتضی انصاری بود ، کتابخانه معظمی درگلپایگان فراهم آورد . پس ازمرگش ورثه او کتابهارا در چند صندوق محبوس کردند وباکمال تأسف هنوز نیز این کتابها درصندوق‌هاست ومعلوم نیست موریانه با آن گنجینه ذخائر علمی چه کرده است . عجب اینست که ورثه آنمرحوم نه حاضر بفروش این کتابها هستند ونه میگذارند در دسترس مطالعه اهل علم قرار گیرد !

**۴۳۴ - کتابخانه حاج آقا محسن عراقی . اراك :** حاج آقا محسن اراکی از اجله دانشمندان و معاریف اراك دراواخر دوران قاجار بود . کتابخانه بسیار نفیسی در اراك فراهم آورد که تا چند سال قبل نزد اولاد او موجود بود وسپس متفرق گردید . از نسخه‌های نفیس کتابخانه او که به‌تملك نویسنده درآمده است . نسخه‌ایست ازدیوان انوری مورخ ٦٦٨ هـ . که باید آنرا کهن‌ترین نسخه دیوان انوری درجهان دانست .

**۴۳۵ - کتابخانه اسفرجانی. اسفرجان :** حاج محمد مهدی مجتهد اسفرجانی از دانشمندان قـرون اخیر بود و در اسفرجان گلپایگان (جزو دهستان کوکد) کتابخانه عظیمی فراهم آورد که درحدود پنجهزار جلد کتاب خطی‌وچاپی دارد. این مرد دانشمند زمان حیاتش وصیت کرد که کتابخانه تا صدسال دروقف اولاد ذکور باشدوپس‌ازآن تقسیم گردد واینك بنا بروصیت آن مرحوم کتابخانه تحت سرپرستی آقای حاج‌میرزا ابوالقاسم محمدی فرزند ارشدش که امام جمعه گلپایگان است اداره میشود .

**۴۳۶ - کتابخانه آیة‌الله آقاسیدابوالحسن اصفهانی :** مرحوم آقاسید ابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید شیعیان جهان بـود کتابخانه آنمرحوم

**صحیفه‌ای از کتاب دعا بخط میراحمد نیریزی که برای کتابخانه میرزا ابوتراب نوشته است . متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی .**

جامع‌ترین کتابخانه‌های فقه جعفری بشمار میآمد پس‌ازرحلت آن‌بزرگوار بفرمان شاهنشاه آریامهر کتابها از فرزند ایشان حاج‌آقا حسین اصفهانی برای کتابخانه آستان قدس رضوی خریداری شد .

**۴۳۷ – کتابخانه سیدکاظم یزدی :** یکی‌ازکتابخانه‌های معتبردوران اخیر کتابخانه آقا سیدکاظم یزدی بود که بعد به تملك آقاسید محمدیزدی فرزند آن مرحوم درآمد . کتابهای این کتابخانه ازنفایس‌کتب عربی و فارسی وخطی بود . پس از اینکه کتابخانه بارث به آقا سیدمحمد باقریزدی رسید . کتابهای آن متفرق شد . ازجمله کتب‌نفیس این‌کتابخانه میتوان از نسخه مجسطی بخط خواجه‌نصیرتوسی یادکردکه درمصر بفروش رسیده‌است.

**۴۳۸ – کتابخانه ممقانی** : کتابخانه آشیخ محمدحسن ممقانی که از معاریف رجال ایرانست پس ازمرگش به مرحوم شیخ‌عبدالله ممقانی صاحب کتاب رجال‌الشیعه انتقال یافت . وهم‌اکنون این کتابخانه نفیس نزد آقای محیی‌الدین ممقانی موجود است .

**۴۳۹ – کتابخانه شیخ زین‌العابدین مازندرانی** : خوشبختانه کتابهای این کتابخانه محفوظ مانده واینك درتملك آقای آیت‌الله‌زاده مازندرانی در تهران موجود است .

**۴۴۰ – کتابخانه آقاشیخ جعفر شوشتری . شوشتر** : این کتابخانه قبلاً درنجف اشرف بود وسپس وسیله آقا شیخ‌جعفر به شوشتر منتقل گردید واینك کتابهای آن بطور متفرق درخاندانش موجود است .

**۴۴۱ – کتابخانه سیدجوادی . قزوین** : خاندان جلیل سیدجوادی ازدوران صفویه مرجع مراجعه واحترام قاطبه مردم قزوین‌بوده‌اند وبزرگ این خاندان درزمان صفویه کتابخانه‌ای ایجاد کرد وآنرا وقف استفاده اولاد ذکور وطالبعلمان قرار داد . وخوشبختانه این‌کتابخانه درخاندان حاج‌سیدجوادی موجود است .

**۴۴۲ – کتابخانه مرحوم سردار کابلی ، کرمانشاه** : این‌مرد مترجم انجیل برناما بود . کتابخانه بسیارمعظمی داشت که پس‌ازمرگش آنرا حراج کردند واکنون درکتابخانه‌های‌خصوصی‌تهران‌کتابهای بسیاری ازکتابخانه سردارکابلی موجود است .

**۴۴۳ – کتابخانه محمد امین خنجی** : محمدامین‌خنجی ازبازرگانان دانشمند بود وکتابخانه‌ای از کتابهای مخطوط فراهم آورد که آنرا باید ازشمارکتابخانه‌های نفیس بحساب آورد پس‌ازمرگ آن دانشمند ایـــن کتابخانه همچنان دراختیار فرزندانش باقی است .

**۴۴۴ – کتابخانه شیخ‌الاسلام زنجانی. زنجان** : شیخ‌الاسلام زنجانی از معاریف وعلمای عالیمقام زنجان بود کتابخانه او نیز از نظر کتابهای نفیس خطی دارای ارزش واعتبارخاصی بود . پس‌ازمرگش این‌کتابخانه در اختیار آقای اکبرنیا کارمند بازنشسته وزارت آموزش و پرورش قرارگرفت .

**۴۴۵ – کتابخانه مدرسه ابراهیمیه کرمان** : این مدرسه را مرحوم ابراهیم‌خان‌ظهیرالدوله بسال ۱۲۳۱ . ﻫ . درجنب مسجد وبازار خودساخت وملك‌الشعراء صبای کاشانی درطی قصیده‌ای تاریخ آن را سروده است این قصیده را کتیبه کرده‌اند ودر این قصیده میگوید .

این همایون مدرسه کازآفت عین‌الکمال
کاخ ادریس مدرس بررخ ایوانش نیل

کتابخانه این مدرسه از کتابخانه‌های معتبر کرمان بود وتا اواخر قاجار مدرسه معمور بود واز موقوفات بسیاری که داشت اداره می‌شد .

**٤٤٦ – کتابخانه امام جمعه اصفهان . کرمان :** امام جمعه کرمان از معاریف آن سامان بود و کتابخانه اورا باید از کتابخانه‌های نفیس ایران بشمار آورد این کتابخانه آثار مخطوط بسیار داشت وهم اکنون نیز این کتابخانه بجاست وآقای دکتر باستانی‌پاریزی فهرستی برای کتابهای این کتابخانه نوشته‌اند .

**٤٤٧ – کتابخانه معصومیه کرمان :** این‌مدرسه را معصوم‌بیك بسال ١١٠٦ هـ . درزمان سلطنت شاه سلیمان صفوی ساخت و کتیبه آن نیز مشعر برآنست این مدرسه تاپایان دوران قاجار دائر بود وکتابهای این کتابخانه که نسخه‌های نفیس داشت متفرق شد .

**٤٤٨ – کتابخانه مدرسه قلی‌بیك کرمان :** این مدرسه را قلی‌بیك بسال ١١٣٥ . هـ . دردوران سلطنت نادرشاه جنب مسجد جامع که از بناهای امیر محمد مظفر است ساخت .

**٤٤٩ – کتابخانه مدرسه شهاب‌الملك کرمان :** بانی این مدرسه امیر حاج حسین خان شهاب الملك کرمانی بود که بسال ١٢٨٥ آنرا بنا نهاد واز مدرسه‌های معمور ومشهور کرمان بشمار میرفت .

**٤٥٠ – کتابخانه شعاع‌الملك شیرازی :** شعاع‌الملك‌شیرازی‌متخلص به شعاع از شعرا ودانشمندان اخیر بود وکتابخانه او یکی از کتابخانه‌های بسیارگرانقدر قرن‌اخیر بشماراست شادروان علامه قزوینی ازاهمیت وعظمت
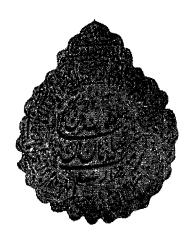
کتابخانه شعاع‌الملك یاد کرده است پس‌ازدرگذشتش کتابهای کتابخانه اورا درسال ۱۳۳۰ش بفروش رسانیدند . نسخه‌های نفیسی ازکتابخانه شعاع‌الملك نصیب کتابخانه این نویسنده شده است .

**۴۵۱ – کتابخانه حکیم نجم اصفهانی . اصفهان :** حکیم‌نجم‌اصفهانی متخلص به‌نجم ازمشاهیر گویندگان دوران اخیر قاجار وازعارفان روشن‌دل ایران بود کتابخانه بسیار نفیسی فراهم آوردکه چون اولاد ذکور نداشت متفرق گردید . حکیم نجم درحدود چهل‌ودوجلد اثر منظوم دارد که از جمله تفسیر قرآن است وشرح برمثنوی مولوی – کلیه آثارمنظوم حکیم نجم اصفهانی بخط مؤلف ومنحصر بفرد جزو مجموعه‌کتابخانه این نویسنده محفوظ است . ازکتابهای کتابخانه نجم اصفهانی ده مجلد درکتابخانه حقیر موجود است .

**۴۵۲ – کتابخانه محمدکریمخان . کرمان :** حاج محمدکریمخان سرسلسله شیخید کرمان کتابخانه بزرگی فراهم آورد وپس‌ازایشان این کتابخانه همچنان محفوظ مانـد و هم‌اکنون دراختیار سرکار آقا میرزا ابوالقاسم کرمانی است کتابهای مخطوط این کتابخانه نفیس وازنظر علمی وبخصوص ملل‌ونحل قابل توجه واستفاده است .

**۴۵۳ – کتابخانه حاج میرزاحسین نوری :** حاج میرزا حسین‌نوری که از دانشمندان و علمای شهیر قرون اخیر ایران و مؤلف مستدرك است کتابخانه‌ای ترتیب داد که‌کلیه‌کتب اخبار شیعی پس ازمجلسی را جمع‌آورد

متاسفانه کتابهای این کتابخانه نفیس پس‌ازدرگذشت حاج‌میرزاحسین‌نوری متفرق گردید و تعداد قابل توجهی از آن را آقای علی بهزادی وکیل دادگستری‌فراهم آورد که بهمت شادروان آیةالله بروجردی برای کتابخانه عمومی قم خریداری شد .

۴۵۴ – **کتابخانه حشمت‌الدوله حمزه میرزا قاجار** : حمزه میرزا بسیار اهل ذوق بود وکتابهائیکه برای کتابخانه او تهیه واستنساخ شده همه از نفائس است ازجمله میتوان مجموعه‌ای را یاد کرد که بخط احمدبن‌عبدالحسین‌اصفهانی‌خطاط شهیردوره قاجارتهیه‌شده‌واینك‌درکتابخانه آقای ادیب برومند محفوظ است .

۴۵۵ – **کتابخانه مسعود میرزا قاجار** : مسعود میرزا از جمله شاهزادگان دانشور دوران قاجار است و کتابخانه او از کتابخانه‌های قابل ذکر این دوران است .

۴۵۶ – **کتابخانه سلطان‌العلما** : حاج آقامحمد کرمانشاهی‌آشوری که از مراجع تقلید عامه درزمان فتحعلیشاه قاجار بود این کتابخانه را تأسیس ووقف عام کرد وپس‌ازاو فرزندش نیز به تکمیل آن همت‌گماشت. بعدها تولیت این کتابخانه با حاج‌آقا احمد بود ومتأسفانه پس‌ازدرگذشت حاج‌آقا احمد کتابها متفرق گردید واینك نزدیك به پانصد جلد ازکتابهای این کتابخانه باقی است اعظم‌کتابهای این‌کتابخانه به‌کتابخانه های‌خصوصی حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری وشادروان امام‌جمعه خوئی و معتمدالملك پیرنیا فروخته شد – درسالهای اخیر خاندان امام‌جمعه خوئی (شادروان جمال امامی به نمایندگی خاندان خود کلیه‌کتابهای مخطوط امام‌جمعه‌خوئی را به کتابخانه مجلس شورایملی اهدا کردند) .

۴۵۷ – **کتابخانه شیخ‌الاسلام دزفولی – دزفول** : [۲۵۰] در اواخر سلطنت دودمان صفویه شیخ‌علی نامی از علمای جبل‌عامل به بندر دزفول آمده ساکن‌گردید و پس‌از او فرزندش شیخ محمدباقر جبل عاملی ازجانب شاه سلیمان صفوی بمنصب شیخ‌الاسلامی نائل گردیـد وپس‌ازاو پسرش محمدرضا شیخ‌الاسلام شد لیکن ترقی این دودمان درایام شیخ فخرالدین است که کتابخانه پدر وجدش را تکمیل کرد و کتابهای مخطوط آن را بدوازده هزار جلد رسانید و کلیه آنهارا وقف عام کرد وسالیان دراز دانشمندان از کتابخانه شیخ‌الاسلام بهره‌مند می‌شدند پس‌ازدرگذشت شیخ فخرالدین حاکم دزفول بنام میرزا زمان‌خان با این دودمان بنای‌بدسلوکی گذاشت وشیخ مهدی برادر شیخ فخرالدین به تهران عزیمت کرد وپس‌از تظلم به فتحعلیشاه با وساطت‌محمدعلی‌میرزا دولتشاه توانست فرمان حکومت

دزفول را بنام خود بگیرد . این مرد در دزفول با مردم به خشونت رفتار کرد وسرانجام بسال ۱۲۲۰ مقتول گردید وپس‌ازاین واقعه حکومت‌دزفول برعهده محمدعلی میرزا دولتشاه که درغرب حکومت میکرد قرار گرفت ودولتشاه بنام مالیات‌های عقب افتاده کلیه اموال خاندان شیخ‌الاسلام حتی کتابهای وقفی را تصاحب‌کرد . پس ازمدتی بشفاعت مرحوم ملااحمد نراقی دولتشاه مقداری از کتابهارا مسترد داشت ولی متأسفانه کتابهای نفیس این کتابخانه همه وسیله افراد این‌دودمان متفرق‌گردید واینك نزدیك به‌دویست جلد از آن کتابخانه عظیم بیشترباقی نمانده است .

**٤٥٨ – کتابخانه داعی دزفول** : یکی‌ازکتابخانه‌های مشهور دزفول کتابخانه داعی بوده‌است[۲۵۱] . داعی ازآنجا که وضع مادی مناسب نداشته ولی به کتاب ودانش عشق میورزیده دامن همت بکمر بسته وبا مسافرت‌های متوالی به اصفهان وکرمان ونقاط دیگرکتابهای نفیسی فراهم آورده وبا یکصدسال عمر توانست کتابخانه‌ای فراهم آورد که بیش از ده هزار جلد کتاب مخطوط داشته است . پس ازمرگش بیشترکتابهای او نصیب میرزا یوسف مستوفی‌الممالك که از مریدانش بود گردید و مقداری نیز به تصرف خانلر میرزا احتشام‌الدوله وابراهیم میرزا احتشام‌السلطنه درآمد . سید صدرالدین کاشف دزفولی نیز تعدادی از آنها را بـــرای کتابخانه‌اش خریداری کرد .

**٤٥٩ – کتابخانه کاشف** : سید صدرالدین متخلص به کاشف از مشاهیر رجال قرن سیزدهم بوده‌است[۲۵۲] او بعلوم اسلامی خاصه عرفان آشنائی و بصیرت داشت وبهمین علت بیشتر آثارش چه نظم وچه نثر عرفانی است . وکتابخانه‌اش نیزدرحقیقت مجموعه‌ای ازآثار عرفانی بود . کتابهای کتابخانه اورا پنجهزار جلد نوشته اند . پس‌ازمرگش قسمت اعظم‌کتابهایش به کتابخانه محمدشاه قاجار انتقال یافت .

## کتابخانه‌های خارج از ایران که بانیان آن ایرانیان بوده‌اند

درقرون اخیر گروه کثیری ازایرانیان خیّر ودانشور درشهرهای مذهبی عراق کتابخانه‌های بزرگ وقابل توجهی برای استفاده واستفاضه طلاب ایرانی ایجاد واحداث کرده‌اند وازآنجاکه بنیان گذاراین کتابخانه‌ها ایرانی بوده‌وهستند وهم‌چنین اکثرکتابهای این کتابخانه‌ها کتب خطی فارسی است که ازایران بآن کتابخانه‌ها انتقال یافته لازم دانست دراین تاریخچه نام ونشان آنها نیز بدست داده شود (درتنظیم قسمتی از فهرست کتابخانه‌های ایرانیان درعراق نویسنده ازاطلاعات آقای مرتضی‌مدرسی چهاردهی استفاده کرده است) .

**۴۶۰ – کتابخانه آستانه امیرمؤمنان ورهبر آزادگان . نجف اشرف:**
از زمان دیلمیان درنجف اشرف بـرای آستانه مقدس حضرت علی‌بن ابی‌طالب (ع) کتابخانه‌ای دائر گردیده کـه بسیار قابل ملاحظه و توجـه بوده است و بیشتر از نویسندگـان و دانشمندان نسخه‌ای آثارشان را بکتابخانه آنحضرت تقدیم میداشتند وازاین رهگذراین کتابخانه درشمار یکی از کتابخانه‌های نفیس ایران بوده است که بیشتر کتابهای آن نسخه‌های دستنویس نویسندگان و مصنفان وسخن‌سرایان شیعی بوده است . بنا به انقلاب احوال طی قرون واعصار کتابخانه عالیمقدار آن سرکاردچار تغییر وتحول بسیار گردید . دراواخر دوران صفویه که باردیگر توجهی خاص بکتابخانه آستانه مبارك آنحضرت ازطرف پادشاهان صفوی مبذول گردید کتابخانه رونق وشکوه گذشته را بازیافت شیخ محمدعلی حزین‌شاعر ونویسنده عالیقدرکه بسال ۱۱۳۸ ﻫ . ق از آن کتابخانه دیدن کرده است مشهوداتش را چنین توصیف میکند :

«ازکربلای معلی به نجف اشرف رفته توطن اختیار کردم وقریب سه سال درآن آستان مقدس کامروا بودم ودر نهایت آرامش و ضبط‌خاطر اوقات میگذشت ، همیشه آرزوی نوشتن مصحفی بخط خود داشتم درآن ایام توفیق یافته ونوشتم ودرآن روضه علیا گذاشتم وگاهی به تحقیق مطالب و تحریررسائل‌می‌پرداختم وگاهی بمطالعه مشغول می‌شدم . **درکتابخانه سرکار آنحضرت‌چندان ازهرفن کتب اوایل واواخر جمع بودکه تعداد آن‌نتوانستم ازبسیاری شمردا!»**

کتابخانه حضرت چندبار مورد دستبرد و تاخت‌وتاز وهابیها قرار گرفت و مجدداً تأسیس شد . در این اواخر مرحوم کاشف‌الغطا تعدادی از کتب نفیس کتابخانه را بمنزل برده واز استرداد آنها ابا میکرد . سرانجام

دولت آنهارا مسترد داشت بسیاری از آثار نفیس نویسندگان شهیرایران جزو این کتابها بود .

درسنوات اخیر به همت آقای شیخ عبدالحسین امینی کتابخانه آن حضرت رونق و شکوه دیرین را ازسر گرفته است . آقای شیخ عبدالحسین امینی از دانشمندان معاصرندکه کتاب الغدیر یکی از آثار گرانقدر ایشان است جنابشان برای تکمیل یادداشتهای مورد استفاده جهت تألیف الغدیر رنج سفرهندوستان‌برخود هموارساخته وماهها درکتابخانه‌های‌غنی‌هندوستان بخصوص کتابخانه معظم آقای‌سید **حامدحسین** مؤلف عبقات‌الانوار معتکف شدند . آقای امینی که مردی محقق وکتاب شناسند توفیق یافته‌اند که درطی سالهای اخیر کتابخانه حضرت امیررا در شمار یکی از کتابخانه‌های بزرگ جهان شیعی درآورند .

**٤٦١ – کتابخانه عضدالدوله دیلمی– مکتب‌الغرویه . نجف** : مکتب الغرویه در حال حاضر کتابخانه متروکه‌ایست‌در آرامگاه حضرت امیر ، این کتابخانه از مخازن بسیار بزرگ ونفیس‌کتاب بود ونخستین‌کسی‌که این کتابخانه را تأسیس وآن را وقف آستانه حضرت امیر کرد **عضدالدوله‌دیلمی** بود (بسال ۳۷۲ . ه) .

**ابن‌طاووس** درکتاب سعدالثبوت[۲۵۳] از این کتابخانه یاد کرده و برادرزاده‌اش دررساله **فرحت‌القریب**[۲۵٤] ازدونفرکتابدار این کتابخانه یکی **ابوعبدالله‌بن شهریار ایرانی** بسال۱ ۵۰ که **داماد شیخ‌توسی** بوده و بهاءالشرف صحیفه سجادیه‌را از او بسال ۵۱٤ روایت‌کرده‌است ودیگری **یحیی‌بن‌اولیاء** کــه در قرن هفتم می‌زیسته یاد میکند . هم‌چنین **شیخ جعفر** درکتاب ماضی‌النجف وحاضرها[۲۵۵] از دوتن دیگر ازکتابداران این کتابخانه معظم

وگرانقدر یاد میکند یکی محمدجعفر **کیشوان** و دیگری **محمدحسین‌بن محمدعلی خادم *کتابدار*** که دراوائل عصر صفویه عهده‌دار کتابداری‌آستانه مبارکه بوده‌اند . ابن‌عتبه در عهدة‌الطالب[۴۵۵] یادآور شده است‌که در سال ۷۵۰ . هـ . حریقی درآرامگاه مولی متقیان رخ داد که قسمت اعظم‌کتابخانه مبارکه سوخته‌است. ابن‌عتبه درعهدة‌الطالب[۴۵۶] یادآور شده است‌که درسال ۷۵۷ ازکتابهای‌کتابخانه مقداری بجا مانده است[۴۵۷] .

**۴۶۲ – کتابخانه مدرسه حاج میرزا خلیل تهرانی . نجف** : حاج میرزا خلیل تهرانی جد آقای عباس خلیلی است . این مرد دانشمند از بانیان مشروطیت ایران بود نخستین کسی است که فتوی به برقراری حکومت مشروطه داد . حاج میرزا خلیل تهرانی بانی دومدرسه درنجف اشرف بوده است یکی مدرسه کوچك دیگری مدرسه بزرگ میرزا خلیل – این هردو مدرسه طلبه نشین است و در حـدود دویست طلبه دارد . کتابخانه درمدرسه کوچك میرزا خلیل قرار دارد و هم‌اکنون دائر است و کتابهای این مدرسه بیش ازششهزارجلد کتب خطی است .

**۴۶۳ –کتابخانه سیدآقاشوشتری جزایری . نجف** : سیدآقاشوشتری از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری است . بیش از نودسال عمر کرد ودر تمام مدت حیات با همت وکوششی خستگی‌ناپذیرکوشیدکه کلیه تألیفات سید نعمت‌الله جزایری‌را که متفرق بود درپنج مجلد بزرگ فراهم آورد . کتابخانه او از نظراینکه حاوی کلیه آثار دودمان جزایری‌ها بوده است حائزتوجه واهمیت‌است. این‌کتابخانه درخاندان‌جزایری‌درنجف‌موجوداست.

**۴۶۴ –کتابخانه مدرسه‌بخارائیها . نجف** : کتابخانه‌مدرسه‌بخارائی‌ها درنجف جنب مدرسه بزرگ آخوند خراسانی قرار دارد . و درحدوددویست طلبه درآن مدرسه تحصیل می‌کنند . این مدرسه از محل وجوهی بناگردید که امیر بخارا برای مراجع تقلید شیعیان به نجف فرستاده بود . **کتابخانه این مدرسه درحدود بیست‌هزارجلد کتاب دارد** ، متأسفانه دروقایع وحوادث انقلابی دستخوش اختلال گردید ومجدداً به همت میرزا محمدعلی مدرس چهاردهی متوفی ۱۳۳۶ . هـ .[۴۵۸] دائرگردید وبار دیگر سروسامانی گرفت هم‌اکنون این کتابخانه دائراست ودرحدود ششهزار جلد کتاب دارد .

**۴۶۵ – کتابخانه شوشتری‌ها. نجف:** آقا شیخ علیمحمد نجف‌آبادی اصفهانی که از مرتاضان بنام نجف اشرف بود این کتابخانه را تأسیس کرد وامروز بنام کتابخانه شوشتری‌ها مشهور است . چندکتابخانه معتبر ومعروف نیز بآن منضم گردیده ازجمله‌کتابخانه آقا شیخ‌جواد زنجانی مدیر مدرسه ایرانیان ، این کتابخانه در حدود هفت هزار جلد کتاب دارد .
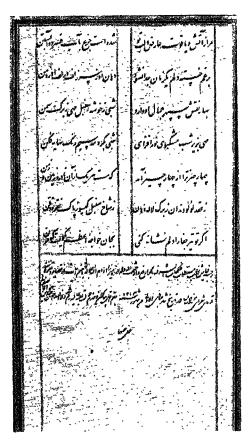
صحیفه آخر کتابی که برای کتابخانه حشمت‌الدوله حمزه میرزا تحریر یافته است متعلق بکتابخانه آقای ادیب برومند.

**٤٦٦ – کتابخانه شریعت اصفهانی . نجف :** شریعت اصفهانی متوفی ۱۳۳۹ . ه . درنجف اشرف کتابخانه غنی و نفیسی داشت که الذریعه در جلد ششم متذکر آن است . کتابهای این کتابخانه پس ازدرگذشت شریعت متفرق گردید .

**٤٦٧ – کتابخانه سید ابوتراب خونساری . نجف :** سید ابوتراب صاحب کتاب شرح نجات‌العباداست . اوازدانشمندان رجالی است. کتابخانه او نزدیك به ۹ هزار جلد کتاب مخطوط داشت ووصیت کرده بود که آقا سیدمحمدرضا تبریزی‌وصی او شود . وکتابهای نادر ونایاب کتابخانه‌اش را بچاپ برساند لیکن باکمال تأسف ورثه او باین وصیت تن درندادند و

کتابها را فروختند نسخه‌هـــای نادر کتابخانه خونساری ازآثار نفیس و گرانقدر فرهنگ وادب فارسی بود .

**۴۶۸ – کتابخانه میرزا محمدعلی مدرسی‌چهاردهی نجف . تهران :** این مرد از فقهای دانشمند ایران بود . درنجف اشرف کتابخانه‌ای کـه حاوی کتب تفسیر و علوم معقول ومنقول شیعی واز نسخه‌های نادر ونایاب بود فراهم آورد . شرح حال اودرالذریعه واعیان‌الشیعه ومعجم‌المؤمنین به تفصیل آمده است . اوبسال ۱۳۳۴ درگذشت و قسمت اعظم کتابهای کتابخانه او به تملك آقای مرتضی مدرسی چهاردهی نوه‌اش درآمد که خوشبختانه این کتابها نزد ایشان درتهران موجود است .

**۴۶۹ – کتابخانه آقاشیخ اسمعیل محلاتی نجف :** محلاتی از علمای عالیقدر نجف اشرف بود فرزند برومندش شیخ محمد محلاتی مولف کتاب «گفتار خوش یارقلی» است . کتابخانه شخصی او یکی از کتابخانه‌های غنی آثار مخطوط فارسی بوده واجازه داد که محمد ملك‌الکتاب بسیاری‌از نسخه‌های نفیس کتابخانه اورا بچاپ سنگی دربمبی چاپ کند وازاین راه به نشر فرهنگ وادب زبان فارسی کمك شایانی کـــرد . پس ازدرگذشتش کتابخانه به تملك آقای سیدمحمدباقر محلاتی درآمد و خوشبختانه این کتابخانه هنوز موجود است .

**۴۷۰ – کتابخانه خونساری . نجف:** [۴۵۹] آقاشیخ‌محمدعلی‌خونساری متوفی ۱۳۲۲ . ه . بیش از هزارجلدکتاب مخطوط درمسجد عبدالرحیم نجف اشرف فراهم آوردکه بیشتر آنها نسخ قیمتی وگرانقدراست وبرای آن نیز فهرست دقیقی تهیه ونوشته شده است متأسفانه پس ازمرگ این دانشمند کتابها بصورت حبس در نجف باقی ماند و فرزندش آقاملامحمد ساکن اراك هیچگونه اقدامی نسبت بانتقال آنها بایران بعمل نیاورده‌است .

**۴۷۱ – کتابخانه نجف‌آبادی نجف :** حاج‌محمدرضا درمحله عماره نجف حسینیه‌ای ساخت ودر آنجا کتابخانه‌ای دائر کرد واز آن تاریخ (۱۳۳۲ ه .) این کتابخانه روبوسعت نهاد وچندتن از ایرانیان مقیم عراق وصیت‌کردند کـــه کتابخانه‌هایشان بآن کتابخانه منتقل گردد . ازجمله **کتابخانه سیدمحمدرضا استرآبادی**‌متوفی ۱۳۳۶ . **کتابخانه شیخ‌جوادزنجانی** متوفی ۱۳۵۰ ، **کتابخانه شیخ محمدتقی هروی** متوفی ۱۲۹۹ ، **کتابخانه سید محمد معروف به پیغمبرخانه‌ای** متوفی ۱۳۵۲ ، **کتابخانه شیخ‌غلامحسین ابن محمدحسین نجف‌آبادی** متوفی ۱۳۴۷ واین شخص اخیر نخستین‌مدیر این کتابخانه بود ودراین اواخر سیدمحمدرضا شوشتری چهارصدجلد از کتابهایش را بکتابخانه بخشید ، اکنون این کتابخانه دائر وبیش از دوهزار جلد کتاب مخطوط نفیس‌وارزنده‌دارد.

**۴۷۲ – کتابخانه حسینیه کاظمیه :** بانی آن سیدنا سیدمحمدحیدری است او بسال ۱۲۹۷ هـ . حسینیه کاظمین را بنها نهاد و سپس ازمتروکاتش بسال ۱۳۵۳ کتابخانه را ساخت وپس‌ازاو رجال خاندان حیدری دراحیای کتابخانه کوشیدند ونام کتابخانه را **کتابخانه امام صادق(ع)** نهاده‌اند ، این کتابخانه هم‌اکنون پانزده‌هزارجلد کتاب دارد کتابهای مخطوط ونفیس این کتابخانه شهرتی فراوان یافته است .

**۴۷۳ – کتابخانه جامع کهیاء . بغداد :** حاج محمد امین‌زند که از ایرانیان دانشمند بود کتابخانه بزرگی دربغداد فراهم آورد ودر سال ۱۳۲۱ پس‌ازمرگش بفرزندش انتقال یافت . او این کتابخانه را که ۱۲۲۳ جلد کتاب مخطوط فارسی وعربی داشت به سال ۱۹۲۸ . م . به کتابخانه عمومی بغداد بخشید .

**۴۷۴ – کتابخانه سید عبدالحسین حجت :** او فرزند سیدعلی‌بن حاج میرزا ابوالقاسم حجت صاحب ریاض‌المسائل جد خاندان طباطبائی است که‌بسال ۱۳۶۳ . هـ . درکربلا درگذشت وکتابخانه‌اش که‌ازکتابخانه‌های مهم کربلا بود به تملك نوه دختری ایشان آقای دکتر آیت‌الله‌زاده اصفهانی درآمد وکتابهای کتابخانه را بکتابخانه اسلامی تهران فروختند .

**۴۷۵ – کتابخانه سید محمدباقر حجت . کربلا :** این‌کتابخانه را باید یکی از کتابخانه‌های قدیمی کربلا که بوسیله ایرانیان بنیاد یافت دانست که در زمان مرحوم میرزا سیدعلی . صاحب ریاض‌المسائل تأسیس گردید . پس‌ازدرگذشت اوکتابخانه بفرزندش سیدمحمد مجاهد مولف‌ریاض رسید واین مرد ایران دوست وآزادیخواه کسی است که فتوی علیه روسهای تزاری را در زمان فتحعلیشاه داد (سال ۱۲۴۲ . هـ) پس‌ازاو کتابخانه بفرزندش آقا سیدحسین حاج‌آقا . سبط فتحعلیشاه قاجار رسید وپس‌ازاو به حاج میرزا ابوالقاسم ملقب به حجت منتقل شد . سیدحجت کسی است که ثروت بی‌کرانی دراختیارش قرارگرفت وشرح حال او درکتاب روابط ایران‌وانگلیس نوشته محمود محمود به‌تفصیل آمده‌است . درسال ۱۳۰۹. هـ درگذشت وکتابخانه به سید محمد باقر حجت که از ادبای شهیر وسخنوران کم‌نظیر بود رسید وپس‌ازدرگذشت ایشان کتابخانه به سید محمد صادق حجت انتقال یافت وهم‌اکنون درخاندان حجت باقی است . خاندان حجت از معاریف قزوین بوده‌اند وپیوسته ریاست روحانی و علمی کربلا با این خاندان بوده است .

**۴۷۶ – کتابخانه هبةالدین شهرستانی :** سیدمحمدعلی هبةالدین شهرستانی از خاندان شهرستانی اصفهانند . این مرد دانشمند وآزادیخواه از بانیان مشروطیت ایران بود ودرآغاز مشروطیت با نشر مجله علمی و

صحیفه اول وآخر مقالات خواجه عبدالله انصاری بخط خطاط شهیر نستعلیق میرعماد الحسنی که به‌کتابخانه صدراعظم نوری تعلق داشته واینک جزو مجموعه نفیس آقای ادیب برومند محفوظ است.

ادبی المرشد خدماتی بادب وفرهنگ ایران انجام داد. یکی ازشخصیت‌های برگـزیده و ممتاز علمی بشمار میآید و مدتها وزارت فرهنگ‌عراق‌را برعهده‌داشت. تألیفات متعدددارد. ازجمله اعجازالقرآن- هیأت‌واسلام - این مرد فرهنگ‌دوست برای طلاب ایرانی‌در کاظمین کتابخانه بزرگی بنیاد نهاد وهم‌چنین کتابخانه عمومی جوادین را بسال ۱۳۶۰ ﻫ. ق. دریکی‌ازحجره‌های صحن مقدس کاظمین تأسیس کرد که بنام مکتب‌الجوادین معروف است ودوهزاروپانصد جلد کتابهای کتابخانه‌اش را وقف براین

کتابخانه کرد . **بفرمان شاهنشاه آریامهر** هرسال تعدادی کتاب از نشرات دانشگاه - بنیاد فرهنگ ایران - بنگاه ترجمه ونشرکتاب نشرات وزارت فرهنگ وهنر بکتابخانه جوادین شهرستانی اهدا میگردد .

**٤٧٧ - کتابخانه فراهانی . کربلا :** ملاعبدالحمید فراهانی فرزند ملاعبدالله اراکی از شاگردان نامی ملامحمدعلی محلاتی ساکن شیراز بود بسال ١٢٧٦ بکربلا رفت وبرای طلاب علوم کتابخانه نفیسی ایجاد کرد بسیاری از کتابهای مخطوط این کتابخانه بخط ملاعبدالله فراهانی است و آثار ملامحمدعلی محلاتی مجموعاً دراین کتابخانه موجود است . مؤلف الذریعه از کتابهای این کتابخانه بسیار استفاده کرده است .

**٤٧٨ - کتابخانه سیدمحمدمهدی قزوینی . بصره :** آقا سیدمحمد مهدی از علمای طراز اول بصره بود . کتابخانه معظمی داشت که درحدود هزاروپانصدجلد کتاب مخطوط داشته است . برطبق وصیتش کتابخانه را بکتابخانه شوشتری‌های نجف تحویل دادند .

**٤٧٩ - کتابخانه سید محمدیزدی :** فرزند آقاسید محمدکاظم یزدی مفتی شیعه بود که درجهاد استقلال عراق شهید شد جامع‌ترین کتابخانه‌های عراق متعلق بایشان بود وکتابهای خطی‌کتابخانه اوازکتابهای ممتاز بودند. نسخه‌های نفیس این‌کتابخانه از جمله **کتاب مجسطی بخط خواجه نصیرالدین توسی** بکتابخانه‌های دیگر فروخته شده است .

**٤٨٠ - کتابخانه میرزا محمد بوشهری معروف بخان‌بهادر . بصره:** خان بهادر مؤلف کتاب‌های دوستاران بشر وانشای علائی است . این‌دانشمند کسی است که مرحوم سیداحمدکسروی کتاب دیه‌ها وشهرهای ایران را باو تقدیم داشته است . خان‌بهادر کتابخانه‌بزرگی داشت‌که‌کتابهای آن متجاوز از ششهزار مجلد خطی بود او بسال ١٣٤٤ . ه . درگذشت و سرنوشت کتابخانه او براین نویسنده حقیر **مجهول است .**

**٤٨١ - کتابخانه عکا :** در کتابخانه عکا ایرانیان‌کتابهای خطی فارسی نفیسی جمع‌آوری کرده‌اند .

**٤٨٢ - کتابخانه سبزواری . کاظمین :** سید محمدعلی سبزواری درگذشته بسال ١٣٣٨ . ه . درکاظمین . مردی دانشمند وریاضی‌دان و طبیب بود . ودر کاظمین بخریدوفروش کتاب اوقات میگذرانید ودررشته کتاب‌شناسی بصیرت یافته بود وآنچه نسخه نفیس ونادر وکمیاب بدست میآورد درکتابخانه‌اش‌محفوظ میداشت . پس‌ازمرگش‌کتابخانه‌اش بفرزندش آقا سیدهاشم سبزواری منتقل گردید[٢٦٠] .

**٤٨٣ - کتابخانه میرزا محمدتقی شیرازی سامره :** میرزا محمدتقی متخلص به گلشن درگذشته بسال ١٣٣٨ . ه . هنگامیکه درکربلا مرجع

تقلید بود . کتابخانه نفیسی ایجاد کرد ، پس‌ازمرگش کتابهارا طبق وصیتش به کتابخانه مدرسه شیرازی که خود او مؤسسش بود منتقل کردند[۲۶۱] .

**۴۸۴ – کتابخانه میرزا احمد تهرانی . کربلا :** میرزا احمد تهرانی درکربلا کتابخانه‌ای تأسیس کرد که درحدود ده‌هزار جلدکتاب داشت . این کتابخانه وقف برطلاب بود وهم‌اکنون دائر است وتولیت ومدیریت آن با آقای میرزا نجم‌الدین از علمای کربلاست .

**۴۸۵ – کتابخانه مدرسه شیرازی . سامره :** پس‌ازاینکه هیأت علمی ازنجف اشرف به سامره انتقال یافت درسال ۱۲۹۱ . ه . مرحوم میرزا محمدحسین شیرازی درآنجا خانه‌ای خرید برای سکونت طلاب ایرانی وپس، از اندك مدتی حاج میرزا عبدالحسین امین‌التجار که در بمبئی تجارت‌خانه داشت در سامره کاروان‌سرائی را خریداری کرد وزمین آنرا برای ساختمان مدرسه جهت طلاب ایرانی اختصاص داد وپیشوائی آن‌را به میرزای‌شیرازی سپرد . پس‌ازمیرزای شیرازی امور مدرسه بدست میرزا محمدتقی شیرازی افتاد . درسال ۱۳۴۴ ه . مؤلف دانشمند الذریعه حاج‌آقابزرگ تهرانی کتابخانه بزرگی برای مدرسه تأسیس کرد وکتابهای متفرقه علمی – ادبی وفقهی را که درکتابخانه میرزای شیرازی ومیرزا محمدتقی شیرازی بود بآنجا انتقال داد وبرای کتابهای کتابخانه فهرست جامعی تدوین کرد واز آن‌پس وسیله اشخاص خیرمانند آقامیرزا هاشم اپیکچی و شیخ‌حسنعلی تهرانی وشیخ محمدحسین شیرازی ودیگران کتابهای نفیسی باین کتابخانه اهدا گردیـــد . آقاشیخ‌حسین تهرانی دارنده دومجله فارسی الفریق و دّرالنجف است واز این راه بفرهنگ وادب فارسی خدمتی شایان می‌کند . کتابخانه مدرسه شیرازی یکی ازکتابخانه‌های معروف شیعیان است .

**۴۸۶ – کتابخانه میرزا محمدمجتهد تهرانی . سامره :** این‌کتابخانه جامع‌ترین کتابخانه‌ایست‌که دارای کتب اخباری شیعی وسنی است وبا استفاده از مصادر ومآخذ ایـــن کتابخانه . کتابی عظیم بنام . مستدرك بهارالانوار در ۲۵ مجلد فراهم آمده است . پس ازدرگذشت مجتهدتهرانی کتابخانه به تملك آقای میرزا نجم‌الدین عسکری فرزند ایشان که ازمؤلفان بنام هستند درآمد وبه بغداد منتقل گردید .

**۴۸۷ – کتابخانه مدرسه هندیه :** مؤسس این کتابخانه مرحوم آقا شیخ جعفر رشتی بود . کتابخانه مدرسه هندیه بصورت کتابخانه عمومی‌اداره میشود وهم‌اکنون متجاوز از ده هزار مجلد کتاب دارد .

**۴۸۸ – کتابخانه آستانه مقدس سیدالشهداء :** بانی این‌کتابخانه حضرت آیةالله‌زاده میلانی‌هستند وکتابهای نفیسی دراین‌کتابخانه‌گردآوری شده است .

خطوط مختلف بخط دانشمند شهیر صدرالافاضل

نسخه‌ای از کتاب شاهنشاه‌نامه فتحعلی‌خان صبا که برای کتابخانه شاهزاده مسعود میرزا تحریر یافته است . این نسخه متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی است

**۴۸۹ – کتابخانه سید محمدمهدی اصفهانی – کاظمین :** آقا سید محمد مهدی مؤلف کتاب احسن‌البدیعه درتراجم احوال است کتابخانه این مرد دانشمند از زمره کتابخانه‌های معتبر و قابل توجه ایرانیان ساکن عراق است .

**۴۹۰ – کتابخانه آقاسیدحسن صدر . کاظمین :** آقای سیدحسن صدر مؤلف کتاب عالیقدر تأسیس‌الشیعه است که خلاصه آن بنام شیعه وفنون اسلام . درایران نشر یافته . کتابخانه‌ای تأسیس کرد که بنظرصاحب‌نظران از بزرگترین کتابخانه‌های جهان اسلام وبیش از ده هزار جلد کتاب مخطوط دارد .

**۴۹۱ – کتابخانه شیخ عبدالحسین رشتی** : آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه بـــر کفایه است . کتابخانه ایشان پس ازدرگذشتش بکتابخانه حضرت آیةالله‌الحکیم منتقل گردید .

**۴۹۲ – کتابخانه سید حجت قزوینی – کربلا** : حجت قزوینی از علمای بنام کربلا بود . کتابخانه ای فراهم آورد که مرجع دانشمندان و صاحب‌نظران بود . . این کتابخانه اینك درتملك آقای موسی آیةالله‌زاده نوه ایشان است .

**۴۹۳ – کتابخانه آقاسیدکاظم رشتی . کربلا** : آقا سیدکاظم رشتی از اجله دانشمندان ایران و مردی عارف و هوشمند بود او آثار بسیاری تألیف و تصنیف کرده است . کتابخانه آقاسیدکاظم رشتی از کتابخانه‌های مشهور زمان خود بود ودرغائله‌ای که شیخ فخری نام درکربلا موجد آن بود این کتابخانه گرانقدر بغارت رفت .

**۴۹۴ – کتابخانه شیخ‌العراقین تهرانی** : شیخ‌العراقین تهرانی از دانشمندان و مردی مورد اعتماد و وثوق عامه بود این دانشمند وصّی امیر کبیر شد[۲۶۳] و کتابخانه‌ای قابل‌توجه فراهم آورده‌بودکه هم‌اکنون‌درخاندانش موجود است .

# کتابخانه‌های پنجاه ساله اخیر

**٤٩٥ – کتابخانه ساعد نیری – نیشابور :** او نوه نیرالدوله وملقب به فتح‌السلطنه بود سالها حکومت نیشابور را داشت وچون جد مادریش یمین‌السلطان دارا عشق وعلاقه مفرطی بفرهنگ وادب فارسی میورزید او شعر میگفت و نویسنده بود . جنگی از اشعار گویندگان پارسی بشیوه‌ای خاص در دوجلد فراهم آورد که قابل توجه داشت . درشعر نیری تخلص میکرد . کتابخانه معظم وبزرگی ازکتب مخطوط گرانقدر فارسی فراهم آورده بود که بسیار شایان توجه بوده است . نیری بسال ١٣٦٧ . ه . ق درگذشت و پس‌ازاو کتابخانه‌اش متفرق گردید .

**٤٩٦ – کتابخانه آیةالله حاج‌آقاحسین بروجردی :** حاج‌آقا حسین بروجردی از مراجع بزرگ شیعه بود کتابخانه نفیسی فراهم آورده که بیشتر کتب آن مربوط به کلام – حدیث ورجال شیعه وفقه واصول بود در زمان حیات آنرا وقف کتابخانه عمومی مسجد اعظم که از مستحدثات ایشان بود کردند .

**٤٩٧ – کتابخانه مسعود میرزا ظل‌السلطان . اصفهان ، ٤٩٨ – کتابخانه امام جمعه اصفهان ، ٤٩٩ – کتابخانه داودخان نوری ، ٥٠٠ – کتابخانه حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی ، ٥٠١ – کتابخانه سید ریحان‌الله که بیش‌از دوهزارجلدکتاب مخطوط داشت ، ٥٠٢ – کتابخانه‌احتشام‌الملك، ٥٠٣ – کتابخانه قوام‌الدوله ، ٥٠٤ – کتابخانه علی‌اصغرخان اتابك .**

**٥٠٥ – کتابخانه ملی ملك . تهران :** حاج آقا حسین ملك از بازرگانان خیر مشهد مقدس اقدام به تأسیس کتابخانه عمومی کرد و کتابخانه‌ای دربازار آهنگران تهران بوجود آورد که طی سی‌سال اخیر موفق شده است درحدود هفده‌هزار جلد کتاب مخطوط فراهم آورد . در این کتابخانه نسخه‌های نفیس و ارزنده بسیاری توان دید . و اینك مشغول تنظیم فهرست آن هستند که امید میرود درآینده نزدیك موفق به نشر آن شوند .

**٥٠٦ – کتابخانه حاج‌سیدنصرالله تقوی . تهران :** حاج سیدنصرالله عالم علوم منقول ومعقول بود و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه و حاج

میرزا حسن آشتیانی استفاده کرده بود . بجمع‌آوری کتابهای خطی ولعی داشت وتوانست کتابخانه نفیسی فراهم آورد . پس ازدرگذشتش آن کتابخانه به کتابخانه مجلس شورایملی فروخته شد .

**۵۰۷ – کتابخانه نصرالدوله بدر . تهران :** کتابخانــه بدر از کتابخانه‌های شهیر تهران بود بخصوص ازنظردارا بودن کتابهای نادرونایاب و از آنجمله میتوان ازنسخه کتاب‌العین خلیل‌بن‌احمد که از مؤلفات قرن دوم هجری است یادکرد نویسنده از سرنوشت کتابخانه بدر بی‌اطلاع‌است.

**۵۰۸ – کتابخانه شادروان تربیت . تبریز :** شادروان محمدعلی تربیت از دانشمندان وآزادیخواهان صدر مشروطیت بود . این مرد ادیب مؤلف کتاب عالیقدر دانشمندان آذربایجان و ناشر روزنامه تربیت بود . کتابخانه نفیسی فراهم آوردکه بالغ بر هفت هزارجلدکتاب داشت . تربیت این کتابخانه را وقف ملت کرد وامروز بصورت کتابخانه عمومی دائر و اداره میشود وطبق آخرین آماری که بدست نویسنده رسیده است شامل ۷۶۳ جلد کتاب خطی و ۱۱۵۰۰ جلد کتاب چاپی است .

**۵۰۹ – کتابخانه تیمورتاش . تهران :** تیمورتاش کتابخانه‌ای فراهم آورد وآنچه نسخه نادر و نایاب از کتابهای فارسی نشان میگرفت آنهارا وسیله خطاطان برای کتابخانه‌اش استنساخ میکرد بخصوص شادروان عبرت نائینی کتابهای بسیاری برای کتابخانه او استنساخ کرده است . بیشتر کتابهای کتابخانه تیمورتاش بکتابخانه مجلس شورایملی فروخته شده است.

**۵۱۰ – کتابخانه عمومی رشت :** در اوائل سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر فرهنگیان رشت قرائت خانه‌ای عمومی تأسیس کردند بنام «کانون ایران وابسته به انجمن فرهنگی اخوت رشت» ومجله‌ای نیز بنام مجله فرهنگ نشرمیدادند . این مجله مدت هشت‌سال نشر می‌یافت . زمانیکه شادروان محمدعلی تربیت رئیس فرهنگ گیلان بود به تأسیس کتابخانه عمومی دست یازید وبا کمك فرهنگ پژوهان رشت کتابخانه‌ای عمومی دائر کرد . درایــن کتابخانه از نفائس کتب خطی نسخه‌هائی میتوان یافت دانشمندان گیلان اکثرشان کتابهای خودرا وقف این کتابخانه کرده‌اند ازجمله مرحومان سید عبدالوهاب صالح وملاعباسعلی کیوان .

**۵۱۱ – کتابخانه شریعت سنگلجی :** آقاشیخ‌رضاقلی شریعت‌سنگلجی از علمای معروف وبنام تهران بود . کتابخانه‌ای فراهم آورد که‌مجموعه‌ای ازکتب کلامی اهل سنت وجماعت بود واز نفائس کتابخانه او اسفارملاصدرا را میتوان نامبرد که میرزا حکیم (شهاب) بخط خود برآن حواشی نوشته بود . کتابهای این کتابخانه بکتابخانه های خصوصی فروخته شد .

**۵۱۲ – کتابخانه صدرالافاضل :** صدرالافاضل جد آقای فخرالدین
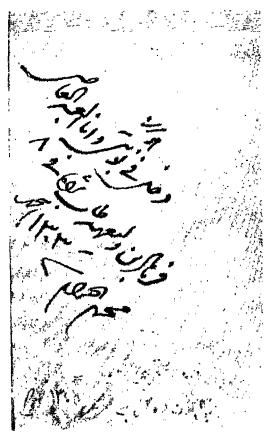
**خط وامضای فرهاد میرزا برپشت یکی ازکتابهائیکه متعلق بکتابخانه او بوده‌است . این نسخه متعلق بکتابخانه آقای ادیب برومند است .**

نصیری امینی از دانشمندان دوران اخیر بود او در شعر وادب فارسی و عربی کم‌نظیر بود . خطوط هفت‌گانه‌را بسیار خوش مینوشت تألیفات متعدد دارد . کتابخانه صدرالافاضل که خود مردی صاحب نظر و کتاب‌شناس بوده است از کتابخانه‌های ممتاز وبی‌بدیل قرون اخیر بشمار میرفت پس از درگذشتش قسمتی ازکتابخانه اوبتصرف وتملك مجدالدین نصیری‌فرزندش و قسمتی دیگر بکتابخانه فخرالدین نصیری امینی انتقال یافت . بیشتر کتابهای‌کتابخانه صدالافاضل از نسخ نایاب و منحصر بفرد بوده است .

**۵۱۳ – کتابخانه مجدالدین نصیری :** مجدالدین نصیری از جمله کتاب شناسان شهیر و مطلع از فنون تذهیب و تشعیر و از نویسندگان

چیره‌دست خطوط و اقلام مختلف فارسی است. کتابخانه نفیسی فراهم آورده‌که درحدود دوهزار مجلد کتاب مخطوط ونایاب است بخصوص مجموعه‌هائی از خطوط خوشنویسان دارد که آنهارا باید از بهترین مجموعه‌ها دانست .

**۵۱۴ – کتابخانه فخرالدین نصیری امینی :** فخرالدین نصیری امینی مردی صاحب‌نظر ودرکتاب‌شناسی و هنرهای مربوط بکتاب کم‌نظیر است . کتابخانه‌ای فراهم آورده که میتوان آن را در شمار بزرگترین گنجینه‌های ادب و فرهنگ معاصر بشمار آورد نسخه‌های نفیس وگرانقدر منحصر بفرد درکتابخانه ایشان بسیار است‌که اکثر مورد استفاده دانشمندان ومؤلفان واهل تحقیق قرار گرفته ودرآثار نشریافته متذکر آن شده‌اند . کتابهای مخطوط ایشان در حدود پنجهزار مجلد است .

**۵۱۵ – کتابخانه محمد محیط طباطبائی :** محمد محیط طباطبائی فرزند سیدابراهیم فنا از دانشمندان و محققان ونویسندگان معاصرند . کتابخانه ایشان‌را باید ازکتابخانه‌های معتبربشمار آوردکه درحدودپنجهزار جلد کتاب دارد واز این تعداد چهارصدجلد خطی و ۱۸۰۰ جلد فارسی و ۱۷۰۰ جلد عربی وبقیه لغات و فرهنگهای زبانهای خارجی است .

**۵۱۶ – کتابخانه مرتضی مدرسی چهاردهی :** مرتضی مدرسی چهاردهی از نویسندگان و محققان عصر حاضرند وآثار تحقیقی ارزنده‌ای درباره ملل ونحل تألیف ونشرداده‌اند . کتابخانه ایشان از لحاظ دارا بودن مجموعه تفسیر قرآن حائز کمال اهمیت است . وهم‌چنین قراأت و مایتعلق بآن ومجموعه‌های‌کتب فقه واصول فقه جعفری‌که فراهم‌آورده‌اند برای اهل تحقیق بسیار ارزنده است .

**۵۱۷ – کتابخانه سرهنگ نورالدین مدرسی :** نورالدین مدرسی از تربیت‌شدگان مکتب عرفان شادروان ملاعباسعلی واعظ کیوان قزوینی است . ایشان رئیس کتابخانه انجمن اخوت تهران هستند و بنا بمشرب عرفانی کتابخانه‌ای فراهم آورده‌اند که میتوان درآن مجموعه‌هائی ازمتون تصوف وعرفان بدست آورد که درنوع خود کم‌نظیرند . هم‌چنین مجموعه رسائل وفرمانهای سلسله‌های مختلف طریقت را که بخطوط مشاهیرعرفاست از نوادر این کتابخانه باید بشمار آورد .

**۵۱۸ – کتابخانه آقا شیخ محمدتقی شوشتری :** شیخ محمدتقی شوشتری مؤلف کتاب قاموس‌الرجال است که‌در ٦ مجلد بچاپ رسیده‌است. ایشان از علما وپارسایان معروف و شهیرخوزستان هستند . برای تألیف کتاب قاموس‌الرجال آنچه کتاب در تراجم احوال رجال بوده است از خطی وچاپی فراهم آورده‌اند وبیشترآنها نسخ منحصربفرد است . قاموس‌الرجال

ایشان در حقیقت تصحیح اغلاط و اشتباهای کتاب رجال ممقانی است که موسوم است به منتهی‌المقال .

**۵۱۹ – کتابخانه ثقة‌الاسلام تبریزی – تبریز** : ثقة‌الاسلام تبریزی از علمای طراز اول ودانشمندان بنام ایران وآزادیخواهان ومشروطه‌طلبان نام آوراست . آن شادروان در عاشورای سال ۱۳۳۰ هـ . بدست سربازان تزاری شهید شد . ثقة‌الاسلام کتابخانه نفیسی فراهم آورده بود که کتاب کم نظیر **مرآت‌الکتب** مؤید آن است مرآت‌الکتب درواقع اثری‌است‌همانند کشف‌الظنون حاج‌خلیفه که میتوان آنرا فهرست عظیم کتابخانه ثقة‌الاسلام دانست . این کتاب مشتمل است براسامی و کتب ومؤلفان رجال شیعه . از سرنوشت کتابخانه ثقة‌الاسلام‌نویسنده نتوانست اطلاع صحیحی بدست آورد.

**۵۲۰ – کتابخانه بهاری . همدان** : آقا شیخ محمدباقر بهاری که از شاگردان ملاحسینقلی همدانی عارف معروف بود کتابخانه بزرگی در همدان فراهم آورد . این کتابخانه هم‌اکنون درتملك فرزندش بهاری وکیل دادگستری است .

**۵۲۱ – کتابخانه مصطفوی . تهران** : مصطفوی از اجله دانشمندان ومحققان تاریخ باستان ایران واز باستان‌شناسان صاحب‌نظر ایران بشمارند ودراین راه تتبعات و مطالعات ارزنده‌ای انجام داده‌اند که مورد استناد و استفاده اهل تحقیق است . مصطفوی کتابخانه ارزنده‌ای فراهم آورده‌است که بیشترکتابهای آنرا باید برای تاریخ‌وباستان‌شناسی ازمآخذ ومصادرشمرد.

**۵۲۲ – کتابخانه واعظزاده خونساری. اراك**: واعظزاده خونساری از وکلای دادگستری مقیم اراك هستند ایشان مردی محقق و دانشورند کتابخانه عظیمی فراهم آورده‌اندکه درحدود بیست هزار مجلد میشود .

**۵۲۳ – کتابخانه جنابی لنگرودی** : جنابی لنگرودی نیز از قضات دانشمند دادگستری هستند وکتابخانه ایشان را میتوان مجموعه نفیسی از کتب فقه واصول شیعی دانست .

**۵۲٤ – کتابخانه جلال‌الدین ارموی محدث . تهران** : محدث ارموی از محققان و دانشمندان معاصراست و آثاری را تصحیح و نشر داده‌اند که بسیار ارزنده وسودمنداند . ازجمله کتاب النقض‌که از آثار بسیارنفیس ادب وفرهنگ شیعی فارسی بشماراست . کتابخانه محدث‌محتوی آثار مخطوط بسیار ارزنده‌ایست خاصه دراحادیث مذهب شیعه .

**۵۲۵–کتابخانه آقاشیخ‌باقر آیة‌الله‌زاده مازندرانی. تهران**:کتابخانه آیة‌الله‌زاده مازندرانی در حقیقت مجموعه ایست کم‌نظیر ازکتب فقه واصول مذهب جعفری و کتابهای منحصر بفرد وبخطوط مصنفان و مؤلفان درآن بسیار است .

۵۲۶ – **کتابخانه استاد مشکوة . تهران** : استاد مشکوة از دانشمندان و محققان معاصرند . ایشان کتابخانه بسیار گرانقدری داشتند که آنرا بدانشگاه تهران اهدا فرمودند وتاکنون ده مجلد فهرست آن کتابخانه از طرف دانشگاه تهران نشریافته است . جز آن کتابخانه کتابخانه شخصی دیگری نیز فراهم آورده‌اند که مجموعه‌ایست از کتابهای فلسفی اسلامی .

۵۲۷ – **کتابخانه اعزاز ثقفی . تهران** : کتابخانه اعزاز ثقفی از لحاظ داشتن مجموعه‌های اسناد وفرمانها ومدارك تاریخی خاصه متعلق بدوران قاجار بسیار قابل توجه است .

۵۲۸ – **کتابخانه فرید . رامسر** : عبدالوهاب فرید مردی است وارسته ودانشمند ایشان کتابخانه ارزشمندی ازآثار ادبی وعلمی خطی زبان فارسی وعربی فراهم آورده‌اندکه متجاوز از پنجهزار مجلد میگردد .

۵۲۹ – **کتابخانه آیةالله مرعشی – قم** : آیةالله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی دام‌ظله ازعلمای دانشمند معاصراست وآثار وتألیفات بسیار دارد ، بهمت ایشان کتابخانه‌ای عمومی درشهر مقدس قم بنیاد گردیده‌است. حضرت آیةالله مرعشی کتابخانه خصوصی خودشان راکه دارای نسخه‌های بسیارنفیس وگرانبهابود برای تأسیس کتابخانه عمومی اختصاص دادند ودر تاریخ سوم شعبان سال ۱۳۸۶ ق . با حضور دانشمندان و معاریف شهر قم آنرا رسماً افتتاح کــردند . این کتابخانه رویهمرفته دراین تاریخ (مهر ۱۳۴۶) هیجده‌هزارجلدکتاب چاپی ودر حدود سه هزار جلدکتاب نفیس خطی دارد که فهرست کتابهای خطی آن بهمت فرزند والاتبارشان بزودی چاپ ونشرخواهد یافت .

این کتابخانه اینك مرجع مراجعه عموم طالب‌علمان است وروزانه از ساعت ۸ صبح الی ۱۱/۵ وبعدازظهرها ازساعت ۴–۹ برای مطالعه ارباب طلب دائر وباز است .

آقا حاج سیدمحمود آیت‌اللهزاده مرعشی ریاست کتابخانه را بعهده دارند – اخیراً نیز زمینی بمساحت ۷۵۰ متربرای ساختمان‌کتابخانه ازطرف علاقه‌مندان بنشر معارف اسلامی خریداری وبرای ساختمان آن اختصاص داده شده است .

۵۳۰ – **کتابخانه آیةالله خونساری . قم** : آیةالله آقاسید احمد خونساری که از علمای طراز اول شیعی هستند کتابخانه‌ای فراهم آورده‌اند که مجموعه‌کتب فقه واصول جعفری آن ممتاز است .

۵۳۱ – **کتابخانه سیدمحمدباقر سبزواری . تهران** : سیدمحمدباقر سبزواری رئیس مؤسسه وعظ وخطابه دانشکده الهیات کتابخانه نفیسی از کتب مخطوط دارند .

**۵۳۲ – کتابخانه استاد مدرس رضوی** : استاد مدرس رضوی از محققان ودانش‌پژوهان معاصرند ایشان موفق به تصحیح و تنقیح چند اثر ادبی گردیده‌اند که قابل ملاحظه وارجمند است . کتابخانه ایشان از نظر دارا بودن آثار ادبی فارسی و عرفانی ارزنده وگرانقدراست .

**۵۳۳ – کتابخانه واعظ چرندابی . تبریز** : حجةالاسلام حاج میرزا عباسقلی مجتهد واعظ چرندابی از مشاهیر علمای ایرانند . کتابخانه معظمی دارند که کتابهای خطی آن بسیار نفیس وقابل ملاحظه است . ایشان کتابخانه خودرا وقف آستان قدس رضوی کرده‌اند .

**۵۳۴ – کتابخانه میرزا رضا نائینی** : شادروان نائینی از ادبای شهیر ایران ومدتی ریاست انجمن ادبی ایران را برعهده داشتند . پس‌ازمرگ بنا بوصیتی که کرده بودند کتابهایشان را بکتابخانه آستان قدس رضوی تحویل دادند .

**۵۳۵ – کتابخانه صادق ابراهیمی** : شادروان صادق ابراهیمی از قضات‌عالیرتبه ودانشمند دادگستری بودندکتابخانه ابراهیمی ازکتابخانه‌های معروف معاصر بود و خوشبختانه کتابخانه پس‌ازدرگذشت ایشان هم‌چنان درآن خاندان باقی است .

**۵۳۶ – کتابخانه محمود فرخ . مشهد** : محمود فرخ از مشاهیر شعرای معاصرند وتألیفاتی درتاریخ وادب فارسی دارند کتابخانه ایشان از نظر نسخه‌های خطی نادر ونایاب یکی از کتابخانه‌های نامی معاصراست .

**۵۳۷ – کتابخانه آخوند ملاعلی همدانی . همدان** : مرحوم آخوند ملاعلی همدانی از اجله علمای اخیر ایران بود . مدرسه‌ای درهمدان بنیاد نهاد که بنام مدرسه آخوند نام‌آور است . کتابخانه‌ای دراین مدرسه تأسیس کردکه‌کتابهای آن متعلق به بانی آن بود . این کتابخانه با داشتن‌نسخه‌های خطی منحصر بفرد یکی از کتابخانه‌های معتبر وقابل توجه کنونی است .

**۵۳۸ – کتابخانه سلطان‌القرائی . تبریز** : این‌کتابخانه را شادروان شیخ ابوالقاسم سلطان‌القرائی متولد ۱۲۸۷ بنیاد نهاد وپس از اوکتابخانه به تملك فرزند خلفش شیخ‌عبدالرحیم سلطان‌القرائی درگذشته بسال ۱۳۳۶ درآمد وازاو به‌فرزندش شیخ‌ابوالقاسم سلطان‌القرائی درگذشته بسال ۱۳۶۸ ه . رسید وازاو بفرزندش جعفرسلطان‌القرائی بارث واگذار شد . جعفر سلطان‌القرائی‌مردی دانشمند ودلباخته کتاب است وخود ایشان نیز برذخائر گرانقدری‌که به تملك ایشان درآمده بسیار افزوده‌اند واینك این کتابخانه یکی از گنجینه‌های مخطوط پرارج ایران است و نسخه‌های نفیس آن‌بسیار وروشنائی‌بخش دیده صاحب‌نظران . جعفر سلطان‌القرائی برای این‌کتابخانه

کم‌نظیر فهرستی تهیه کرده‌اند که آرزومنداست هرچه زودتر نشریابد و منتظران را ارمغانی گرانقدر باشد .

**۵۳۹ - کتابخانه شیخ‌الاسلام زنجانی . زنجان :** در زمان آخوند ملاعلی زنجانی جد خاندان شیخ‌الاسلام زنجانی این کتابخانه تأسیس یافت . نسخه‌هائی از مصنفات شیخ‌الاسلام زنجانی که بسال ۱۱۲۹ تحریریافته در این کتابخانه موجوداست . کتب مخطوط این کتابخانه اکثر ازنفائس فرهنگ وادب است .

**۵٤۰ - کتابخانه سیدعلی ایروانی . تبریز :** سیدعلی‌بن سیدعبدالله ایروانی کتابخانه بزرگی درتبریز بنیاد نهاد وکتابهای آن را با تولیت‌اولاد ذکور وقف اهل علم کرد . این کتابخانه هم‌اکنون تحت سرپرستی امیر عبدالحجه در تبریز دائـــر است و اهل علم از کتابهای آن مستفید مستفیض میگردند .

**۵٤۱ - کتابخانه حاج میرزا عبدالله مجتهدی :** آقا میرزا عبدالله از شاگردان حاج شیخ عبدالکریم یزدی درقم بود کتابخانه‌ای قابل توجه فراهم آوردند وپس ازایشان فرزندشان آقارضا اصفهانی که از علمای نامی تبریزند وبزبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی دارند کتابخانه را توسعه دادند وهم‌اکنون درحدود پنجهزارجلد کتاب درکتابخانه ایشان جمع‌آوری شده است . آقای رضا اصفهانی بامضای مستعار عطارد . درمجله دانشکده ادبیات مقالات ادبی و تحقیقی می‌نوشتند .

**۵٤۲ - کتابخانه دکتر رضا صالح . رشت :** دکتر رضا صالح کتابخانه‌ای در رشت فراهم آورده‌اند که بیشتر کتابهای آن درعلوم‌اسلامی است وبیش ازهفت هزارجلد کتاب تاکنون گردآورده‌اند .

**۵٤۳ - کتابخانه حاج سیدمحمود روحانی :** حاج سید محمود روحانی ازشاگردان آخوند ملامحمدکاظم‌خراسانی‌ومیرزا محمدعلی‌مدرسی رشتی در نجف بود . درآغاز سلطنت رضاشاه کبیر بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد ودر تغییر سلطنت نقش مؤثری داشت . از روشنفکران و آزادیخواهان شهیراست . پسرارشد ایشان سپهبدروحانی است . کتابخانه قابل توجهی فراهم آورده بود کـــه پس از درگذشت او به تملك سپهبد روحانی درآمد و نفائس مخطوط این کتابخانه را ایشان به کتابخانه علوم دینی مدرسه مهدویه رشت اهدا کردند .

**۵٤٤ - کتابخانه مدرسه مهدویه رشت :** این مدرسه درجنب مسجد کاسه فروشان رشت قراردارد . آقاسید مهدی رودباری‌که از شاگردان سیدمحمدکاظم یزدی ومیرزاعلی مدرسی بود پس‌ازبازگشت بایران در رشت سکونت اختیار کرد وامامت جماعت را برعهده گرفت ودرجوار مسجد

کاسه‌فروشان مدرسه طلاب علوم دینی مهدویه را بنا نهاد و کتابخانه‌ای برای این مدرسه ترتیب داد که بیش ازدوهزارجلد کتاب خطی وچاپی برای‌آن فراهم آورد . پس‌ازدرگذشتش حاج‌سیدمحمود مجتهد ضیابری که ازعلمای شهیرگیلانند مدرسه و کتابخانه را سرپرستی می‌کنند واکنون درحدود چهارهزارجلد کتاب دارد وبصورت کتابخانه عمومی اداره میشود .

۵۴۵ – **کتابخانه محمدباقر الفت** : محمدباقرالفت فرزند آقانجفی اصفهانی معروف است ، کتابخانه آقانجفی مسجد شاهی که ازکتابخانه‌های معروف اصفهان بود بایشان منتقل گردید . دراین کتابخانه ازمتون ادبی فراوان توان یافت وازتألیفات آقانجفی یکی تاریخ مشروطیت (قسمت اصفهان) ودیگری کتاب هفت‌برادر شرح حال فلاسفه دراین کتابخانه موجود است .

۵۴۶ – **کتابخانه شیخ جواد رشتی** : شیخ جواد رشتی از علمای عصرناصری بود که شرح حالش دراعلام‌الشیعه واعیان‌الشیعه بطور کامل آمده است[۲٦٤] شیخ‌جواد رشتی از علمای گیلان بود واورا باید از وعاظ عالیمقام وکم‌نظیر قرن اخیر بشمار آورد . کتاب‌خانه‌ای ترتیب داد که در حدود بیست‌هزار جلدکتاب مخطوط وچـاپی داشت پس‌ازدرگذشتش کتابخانه‌اش متفرق گردید .

۵۴۷ – **کتابخانه روحانی – لنگرود** : آقاسید مصطفی روحانی از فلاسفه وعرفای نامی‌گیلانست که علوم عقلی را در مشهد ومکتب‌عرفانی‌را درمحضر ملاعباسعلی کیوان قزوینی فرا گرفت . شادروان کیوان قزوینی درسالهای آخر عمر که قصد عزلت‌گزینی داشت به لنگرود رفت وسالهای آخرعمر را نزد روحانی‌گذراند . روحانی کتابخانه‌ای فراهم آورده است که از لحاظ دارا بودن کتابهای فلسفی وعرفانی بسیار قابل توجه است .

۵۴۸ – **کتابخانه شیخ علی علم‌الهدی** : علم‌الهدی از شاگردان آخوند ملامحمدکاظم خراسانی درنجف اشرف بود پس‌ازپایان تحصیلات بگیلان رفت وبا آزادیخواهان گیلان درانقلاب مشروطیت همکاری نزدیك داشت بعداز استقرار مشروطیت دررشت سکونت اختیار کرد وبه‌استفادات علمی اشتغال ورزید . کتابخانه بزرگی ازکتابهای اسلامی وادبی فراهم آورد . ازجمله آثارنفیس کتابخانه علم‌الهدی آثار واسناد و مدارك انقلاب جنگل است . این کتابخانه هم‌اکنون درتملك وتصرف فرزندایشان است .

۵۴۹ – **کتابخانه دکتر عبدالحسین ملك‌زاده آذرمند . رشت** : آذرمند مدیرروزنامه سایبان رشت واز معاریف گیلانست . کتابخانه ایشان تقریباً شامل‌کلیه‌کتب تاریخی وادبی‌فارسی‌است‌ودرحدودششهزارمجلداست.

۵۵۰ – **کتابخانه سیدنورالدین جزایری . خوزستان** : سیدنورالدین

جزایری از علمای طراز اول وروشنفکران خوزستان بود . درباره تاریخ و جغرافیای خوزستان اطلاعات واسناد فراوانی گردآورد که پس‌ازدرگذشتش بنام تاریخ وجغرافیای خوزستان به همت برادر دانشمندش سیدمحمدعلی امام شوشتری بچاپ رسیده است .

این مرد دانشمند کتابخانه‌ای فراهم آورد که محتوی کلیه آثاری است که درباره خوزستان مطالبی دارند واین‌مجموعه نفیس که شامل مجلات چاپ مصروسوریه نیز می‌شود بالغ برچهارهزار جلداست . این کتابخانه هم‌اکنون درتملك سیدمحمدعلی امام شوشتری است .

**۵۵۱ – کتابخانه حاج‌میرزا ابوعبدالله زنجانی . زنجان :** حاج میرزا ابوعبدالله زنجانی مؤلف تاریخ پرارزش قرآن است که درمصربچاپ رسیده است وترجمه آنرا ابوالقاسم سحاب در تهران نشر داده‌اند ، کتابخانه ایشان درحدود پنجهزار جلد کتاب داشت که اکنون درتملك فرزندشان صادق ضیائی قاضی دادگستری است . دراین کتابخانه رساله‌هائی فلسفی بخط مصنفان آن موجود است ازجمله آثارنفیس این کتابخانه باید از کتاب **سعد وسعود** تألیف ابن‌طاووس بخط مصنف آن یاد کرد . همچنین ازبعضی رسائل **ابن‌کمونه** صاحب کتاب‌المعتبر نیز دراین کتابخانه موجود است .

**۵۵۲ – کتابخانه لاکانی . رشت :** حاج شیخ مهدی لاکانی از شاگردان آقاسیدمحمدکاظم یزدی بود پس از فراغ از تحصیل برشت رفت وبه افادات علمی مشغول شد . کتابخانه لاکانی از کتابخانه‌های شهیر معاصر است ودرحدود چهارهزارجلد کتاب مخطوط دارد . این‌کتابخانه خوشبختانه درتملك فرزند ایشان که از علمای گیلانند باقی مانده است . ازجمله‌نفائس این کتابخانه نسخه منحصر بفرد آثار محمود آلوسی است .

**۵۵۳ – کتابخانه صادقی . رشت :** حاج شیخ‌کاظم مجتهد صادقی از علمای طراز اول رشت بود که بسال ۱۳۴۵ . ش . درگذشت کتابخانه این مرد دانشمند از کتابخانه‌های قابل توجه بودکه پس‌ازدرگذشت او وسیله فرزند برومندش برمسجد صادقیه وقف‌گردید . وبه همین‌مناسبت درمهرماه ۱۳۴۶ در مسجد صادقیه کتابخانـــه عمومی تأسیس و افتتاح شد . این کتابخانه دوهزارجلد کتاب قابل استفاده دارد .

**۵۵۴ – کتابخانه میرزا هاشم خونساری . اصفهان :** میرزا هاشم خونساری از علمای عالیقدر معاصربودند کتاب مبانی‌الاصول از تألیفات اوست وکتاب اصول آل‌الرسول نیزتألیف دیگری از این دانشمند است . کتابخانه خونساری متجاوز از ده‌هزارجلد کتاب داشت که بیشتر آن در حدیث بود . مؤلف الذریعه نوشته است که نسخه کتاب اصول آل‌الرسول‌را درکتابخانه خونساری خود مطالعه ومشاهده کرده‌است . متأسفانه این‌نسخه

نفیس نیز مانند بسیاری دیگر از نسخه های ارزنده کتابخانه خونساری اینک معلوم نیست درکجاست ودر تملك کیست ؟

۵۵۵ – **کتابخانه دکتر صحت . تهران :** کتابخانه دکتر صحت مشتمل است بردوکتابخانه بزرگ و معظم یکی کتابخانه احمدشاه قاجار ودیگری کتابخانه محمدحسین میرزا ولیعهد . این دوکتابخانه دراختیار ایشان است ومتأسفانه هیچکس را بر کتابهای نفیس آن دسترس نیست .

۵۵۶ – **کتابخانه ادیب برومند . تهران :** عبدالعلی ادیب برومند از سخن‌سرایان عالیقدر معاصر وازشیفتگان فرهنگ وادب فارسی و از دلباختگان هنرهای ظریفه‌ایرانند . مجموعه‌های گرانقدری ازمینیاتورها وخطوط وقلمدان و دیگر آثار هنرمندان ایران فراهم آورده‌اند .کتابخانه ایشان مجموعه‌ایست از نفائس هنری ایران ، نسخه‌های نفیس وارزنده کتابخانه ادیب برومند اکثرشان بی‌نظیر ودرجهان بی‌مانند است . از نسخ نفیسه این کتابخانه میتوان ازلیلی‌ومجنون نظامی بخط میرعمادسیفی‌قزوینی ویوسف‌وزلیخا جامی بخط میرعلی هروی‌وخمسه نظامی‌که درزمان‌شاه‌عباس کبیر وسیله عده‌کثیری ازهنرمندان دارلصنایع شیراز فراهم آمده – قرآن بخط علیرضای عباسی وخمسه‌نظامی متعلق به اواخر قرن نهم که حاوی ۲۵ مجلس ازکارهای نفیس دوره تیموری است . جنگ متعلق به قرن‌هشتم که چند نسخه نفیس درآن وجوددارد . بوستان سعدی بخط محمد هروی مشهور به سِرّی میتوان بعنوان نمونه یاد کرد .

۵۵۷ – **کتابخانه مدرسه صدر . تهران :** این‌کتابخانه بسال ۱۲۳۲ ه . ق . تأسیس یافت ودارای ۲۹۰ جلدکتب خطی است .

۵۵۸ – **کتابخانه مدرسه ناصری . تهران :** این‌کتابخانه در سال ۱۲۹۷ . ه . ق . بنیان‌گذاری شد وتاسال ۱۳۰۶ ش تعدادکتابهای‌آن بالغ برچهارهزاروپانصدوپنجاه‌ویك جلد بوده است .

۵۵۹ – **کتابخانه مدرسه خان‌مروی :** این‌کتابخانه بسال۱۲۳۳ ق. تأسیس شده ودرسال ۱۳۰۶ طبق یك آمار رسمی دوهزاروسیصدوشصت‌ونه جلد کتاب مخطوط داشته است .

۵۶۰ – **کتابخانه مدرسه سن‌لوئی تهران :** تأسیس‌آن‌بسال۱۲۸۷ ق. بوده درسال ۱۳۰۶ پنجهزارجلدکتاب داشته است .

۵۶۱ –**کتابخانه سعیدنفیسی :** شادروان‌سعیدنفیسی‌یکی‌ازنویسندگان و محققان پرکار قرن اخیر بود کتابخانه بسیار ارزنده‌ای فراهم آورد که درپایان عمر کتابهای آن‌را بچندکتابخانه داخلی وخارجی واگذار کرد .

۵۶۲ – **کتابخانه دارالفنون ناصری :** دارالفنون که بهمت میرزا تقی‌خان امیرکبیر بنیاد یافت ازهمان اوان تأسیس کتابخانه قابل توجهی

نیز برای آن ترتیب دادند درکتابخانه دارالفنون گذشته ازکتابهای خطی فارسی‌وعربی مقدار قابل توجهی‌کتابهای فرانسه وانگلیسی وآلمانی‌وروسی نیز داشته است . کتابداری ایـــن کتابخانه را در دوران ناصری مدتها مخبرالدوله درعهده داشته است .

**٥٦٣ – کتابخانه سرهنگ دکتر خرمی :** سرهنگ دکتر خرمی کتابخانه قابل‌توجهی فراهم آورده است‌که درآن درحدود پانزده هزارجلد کتابهای چاپی فارسی و عربی وکتابهای چاپ هند واروپا وجود دارد . اخیراً نیز کتابهای چاپی کتابخانه شادروان ملك‌الشعرای بهار را نیـــز خریداری کرده‌اند .

**٥٦٤ – کتابخانه بهار :** ملك‌الشعرای بهار که بحق از شعرای نامور ایران واز محققان هوشمند بود کتابخانه نفیسی فراهم آورده بودکه تعداد قابل‌توجهی ازکتابهای خطی آن از کتابخانه پدرش ملك‌الشعرای صبوری باو بارث رسیده بود . پس‌ازدرگذشت شادروان بهار کتابهای خطی کتابخانه این شاعر عالیقدر بکتابخانه مجلس شورایملی فروخته شد .

**٥٦٥ – کتابخانه احمدگلچین معانی :** آقای احمدگلچین معانی ازگویندگان شیرین‌بیان وازمحققان عالیقدر معاصر است . تتبعات ایشان درآثار ادبیات کلاسیك ایران بسیار ارزنده وقابل‌توجه است آقای گلچین معانی کتابخانه‌ای فراهم آورده‌اند که بخصوص ازنظر مجموعه تذکره‌های فارسی کم‌نظیر است .

**٥٦٦ – کتابخانه آقای احمد سهیلی خونساری :** آقای احمدسهیلی خونساری ازکتاب‌شناسان معاصروسالها اداره امور کتابخانه ملی ملك‌را برعهده داشته ودارند وآثاری نیز در زمینه تصحیح وتحقیق متون ادبیات فارسی دارند که بسیار گرانقدراند کتابخانه ایشان ازنظر کیفیت وداشتن نسخ ارزنده ونایاب قابل توجه است .

**٥٦٧ – کتابخانه دکترمهدی بیانی :** شادروان دکترمهدی‌بیانی‌سالها مدیریت کتابخانه ملی ایران را برعهده داشته‌اند وتذکره خطاطان ایشان اثری مفید وارزنده است . کتابخانه خصوصی آقای دکتر بیانی‌که فهرست آنهم نشر یافته بمناسبت دارا بودن کتابهائی بخط خوشنویسان شهیر ومعروف بسیار ارزنده‌است . پس‌ازدرگذشت شادروان دکتر بیانی‌کتابهای‌کتابخانه او برای‌کتابخانه مجلس شورایملی خریداری شد .

**٥٦٨ – کتابخانه صدرالاسلام خوئی ٥٦٩ – کتابخانه محمدهاشم میرزا افسر ٥٧٠ – کتابخانه وحیدالملك ٥٧١ – کتابخانه وحید دستگردی ٥٧٢ –کتابخانه حاج میرزا عبدالرحیم خلخالی – ٥٧٣ –کتابخانه شادروان اقبال آشتیانی که بدانشگاه تهران فروخته شد ٥٧٤ – کتابخانه علی‌اصغر**

**حکمت که بدانشگاه تهران اهدا گردید. ۵۷۵ - کتابخانه سیاح که بدانشگاه تهران اهدا گردید . ۵۷۶ - کتابخانه حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری ۵۷۷ - کتابخانه حاج امین‌الضرب** که قسمتی از اسناد گرانقدر آن که بخط انقلابی اخیر جمال‌الدین اسدآبادی بود به کتابخانه مجلس شورایملی واگذار گردید . **۵۷۸ - کتابخانه یمین‌حضور در کرمانشاه ۵۷۹ - کتابخانه موزه وانگ جلفا** : دراین کتابخانه آثار نفیسی از ادبیات وکتب دینی بزبان ارمنی از قرن پنجم هجری واسناد ومدارکی درباره روابط ارامنه و فرمانهای پادشاهان ایران اززمان شاه‌عباس بزرگ به بعد موجود است .

**۵۸۰ -کتابخانه شادروان علامه‌قزوینی** - میرزا محمدقزوینی‌شهیر به علامه از محققان دقیق وبنیان گذار روش اصولی درتحقیق وتصحیح انتقادی متون ادبی بودند کتابخانه نفیسی فراهـم آورده بود که پس‌از درگذشتش به کتابخانه مرکزی دانشگاه فروخته شد .

**۵۸۱ - کتابخانه دکتر مهدوی** : دکتر مهدوی از علاقه‌مندان و شیفتگان ادب وفرهنگ فارسی است ونفقه‌ای نیز برای چاپ آثار گرانقدر فارسی اختصاص داده‌اندکه دراختیار دبیرخانه دانشگاه تهران‌است وتاکنون آثار نفیسی به نفقه ایشان چاپ ونشریافته است . کتابخانه ایشان نیز از کتابخانه‌های معتبر وارزشمند معاصر است و فهرست این کتابخانه نیز از طرف دانشگاه تهران بچاپ رسیده است .

**۵۸۲ - کتابخانه مجتبی مینوی** : مجتبی مینوی از نویسندگان و محققان‌معاصراست وسالها درترکیه‌وانگلستان وایتالیا وفرانسه درکتابخانه‌ها ماموریت داشته‌اند که از نسخه‌های نفیس ومنحصر بفرد برای کتابخانه مرکزی دانشگاه میکروفیلم تهیه کنند و با دسترسی داشتن بکتابخانه‌های عظیم ترکیه وانگلستان وایتالیا توانسته‌اند برای کتابخانه اختصاصی خود میکروفیلم‌های ارزنده‌ای تهیه‌کنند هم‌چنین‌کتابخانه نفیسی فراهم آورده‌اند که در حدود ۱۵۰۰۰ جلد کتاب دارد و ایـن کتابخانه برای استفاده طالب‌علمان ودانش‌پژوهان اختصاص داده شده است .

**۵۸۳ - کتابخانه مجلس شورایملی** : این‌کتابخانه درسال ۱۳۰۲ ش. تأسیس گردید و شادروان اعتصام‌الملك نویسنده و مترجم عالیقدر سالیان دراز مدیریت و سرپرستی آن‌را برعهده داشت . درسالهای اول تأسیس کتابهای آن بالغ بر ۳۳۷۵ جلد بوده‌است درطی ٤٤ سال که ازعمر این کتابخانه میگذرد بهمت و کوشش دانش‌پژوهانیکه در طی ادوار مختلف مدیریت آن را برعهده داشته‌اند وباحسن نیتی که ازطرف رؤسای مجلس شورایملی‌طی این مدت برای ترقی وتکامل‌کتابخانه مبذول گردیده‌بخصوص درسالهای اخیر با مجاهدات قابل تقدیس آقای دکتر تقی تفضلی کتابهای

مخطوط این کتابخانه بصورت قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته ونسخه‌های ارزنده و گرانقدری برای کتابخانه مجلس شورایملی خریداری شده‌است و دراثر همین توجهات گروهی ازدانش‌پژوهان وخاندانهای اصیل تشویق به اهداء کتابخانه‌های خود بکتابخانه مجلس شورایملی گردیدند که اهم این کتابخانه‌های اهدائی عبارتند از . کتابخانه شادروان سرلشکر فیروز - کتابخانه شادروان سیدمحمد صادق طباطبائی - کتابخانه حاج احتشام‌السلطنه کتابخانه حاج امام جمعه‌خوئی . دراین تاریخ کتابخانه مجلس شورایملی جمعاً ۸۲۰۰۰ جلدکتاب دارد که ازاین تعداد ۱۲۶۰۰ جلد آن خطی‌است. و تاکنون ده مجلد فهرست برای کتابهای خطی آن تدوین گردیده و بحق از این رهگذر خدمت شایان تمجیدی در زمینه کتاب‌شناسی بعمل آمده است .

**۵۸٤ - کتابخانه مجلس سنا :** این کتابخانه درسال ۱۳۲۹ تأسیس یافته ودرتکامل آن آقای مهندس شریف‌امامی بذل توجه وعنایت خاصی مبذول داشته‌اند ودراثر همین توجه دراین مدت اندك کتابخانه مجلس سنا ۲٤۰۰۰ جلد کتاب جمع‌آوری کرده است که با ید گفت با توجه بنوع کتابهای جمع‌آوری شده کاری ارزنده انجام گرفته است .

**۵۸۵ - کتابخانه سلطان حسین تابنده گنابادی :** سلطان محمد گنابادی صاحب تفسیر بیان‌السعاده پیشوای سلسله گنابادی کتابخانه‌ای در بیدخت گناباد تأسیس کرد که کتابهای آن درحدود سه هزارجلد کتاب خطی میشود . این کتابخانه هم‌اکنون موجود است ونسخه‌های بدیعی درآن توان یافت ازجمله نسخه منحصر بفرد جلد دوم ریاض‌السیاحه است .

**۵۸٦ - کتابخانه انجمن اخوت تهران :** شاهزاده ظهیرالدوله برای خانقاه صفی‌علیشاه کتابخانه‌ای تأسیس کرد این کتابخانه هم‌اکنون بنام کتابخانه انجمن اخوت موجود است ودرحدود هزارجلد کتاب دارد .

**۵۸۷ - کتابخانه حاج شیخ باقر ترقی :** ترقی کتابخانه‌ای ترتیب داده است که در حدود دوهزارجلد کتاب مخطوط دارد واز امتیازات این کتابخانه اینست که بیش‌ازچهارصد جلد ازدیوانهای مخطوط شاعران ایران درآن جمع‌آوری شده است .

**۵۸۸ - کتابخانه رکن‌الدین همایونفرخ :** نویسنده این اثر باصرف بیست‌وپنجسال وقت توفیق یافته‌است که کتابخانه‌ای ترتیب دهد که‌رویهمرفته شامل پنجهزاروسیصدجلد کتاب است که ازاین تعداد هزاروهفتادسه جلد آن خطی است وازجمله اختصاصات کتابخانه حقیر آنکه دویست‌وسی‌وشش جلد آن بخط مصنفان ومؤلفان وشاعران است واکثرآنها نسخه‌های منحصر بفرد درجهان شناخته شده است . امید است فهرست کتابخانه خودرا درآینده

نزدیك نشر دهد .

**۵۸۹ – کتابخانه روضاتی اصفهان :** روضاتی از دانشمندان معاصر است وکتابخانه ایشان از نظرداشتن مجموعه‌های کامل فقه واصول قابل توجه است .

**۵۹۰ – کتابخانه عمومی اصفهان :** کتابخانه عمومی شهرداری اصفهان یکی ازکتابخانه‌های قدیمی دوران اخیراست ودراین کتابخانه مجلداتی از کتب خطی هست‌که بسیار مورد توجه وحائز اهمیت است . ازجمله جنگی است که در زمان حیات خواجه حافظ شیرازی فراهم آمده وگروه کثیری ازگویندگان ونویسندگان ومشاهیر وصدور زمان ودوران خواجه حافظ در آن بخط خود مطالبی نوشته‌اند از جمله چندغزل نیز از خواجه حافظ درآن ثبت شده است .

**۵۹۱ –کتابخانه محمد رمضانی :** شادروان محمدرمضانی از ناشران خدمتگزار عالم کتاب بود وبا تأسیس‌کلاله خاور ونشرآثار نفیسی ازجمله مثنوی مولوی مصحح ومنقح به نشر آثار ادب فارسی خدمتی‌شایان تقدیر انجام داد و چون‌کتاب‌شناس بود کتابخانه‌ای نفیس فراهم آورد ، محمد رمضانی نیت آن داشت که کتابخانه خودرا وقف مسجد اعظم قم کند . متأسفانه اجل مهلتش نداد بقرار اطلاع ورثه آنمرحوم مقداری ازکتابهای خطی اورا بکتابخانه مسجداعظم قم اهدا کرده اند .

**۵۹۲ – کتابخانه مسجد اعظم . قم :** این‌کتابخانه بهمت شادروان آیةالله بروجردی بنیاد گذاشته شد واکنون یکی ازکتابخانه‌های معتبر شهر قم است .

**۵۹۳ – کتابخانه مدرسه شاهزاده – تهران:** والده عبدالحسین‌میرزا نصرت‌الدوله درزمان ناصرالدین‌شاه بسال ۱۳۰۰ هـ. مدرسه‌ای بنیاد نهادکه کتابخانه‌آن ازکتابخانه‌های ممتاز مدارس قدیمه تهران بود . این مدرسه بنام مدرسه شاهزاده خانم شهرت داشت .

**۵۹٤ – کتابخانه مدرسه دانگی – تهران :** حاج سیدجعفر لاریجانی مجتهد درحدود سال ۱۲۹۸ هـ. در تهران مدرسه‌ای بنیاد نهاد وکتابخانه‌ای برای آن فراهم آورد . این مدرسه بنام مدرسه لاریجانی ویا دانگی شهرت یافته بود .

**۵۹۵ – کتابخانه مدرسه کاظمیه – تهران :** میرزا سیدکاظم مستوفی اصطبل‌دار همایونی مدرسه‌ای بسال ۱۳۰۲ هـ. بنیاد نهادکه مدرس آن میرزا سید علی‌اکبر تفرشی مجتهد شهیر بودکتابخانه این مدرسه نیز ازکتابخانه‌های قابل‌توجه مدارس قدیمه تهران بود .

**۵۹۶ – کتابخانه خانقاه‌احمدی شیراز:** عارفان بیداردل سلسله‌جلیله ذهبیه درشیرازکتابخانه‌ای برای خانقاه احمدی فراهم‌آورده‌اندکه درشیراز طرف مراجعه ارباب طلب ودانش است وازکتابخانه‌های ارزنده بشمار است .

**۵۹۷ – کتابخانه آستانه شاه چراغ . شیراز :** درسالهای اخیر تحت **توجهات شاهنشاه آریامهر** گذشته ازاینکه‌گنبد وبنای‌آستانه مقدسه شاه‌چراغ تعمیر اساسی‌گردید کتابخانه آبرومندی نیز برای‌آن تأسیس وبنیاد یافت.

اینك تعدادی ازکتابخانه‌های دائر وقابل توجه را نیز فهرست‌وار ازنظر خوانندگان ارجمند میگذرانند .

**۵۹۸ – کتابخانه مسجد اعظم قم ۵۹۹ – کتابخانه مدرسه رضویه قم ۶۰۰ – کتابخانه مدرسه فیضیه قم ۶۰۱ – کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه ۶۰۲ – کتابخانه مدرسه حجتیه قم ۶۰۳ – کتابخانه مدرسه مهدیه قم ۶۰۴ – کتابخانه علوم دینی دامغان ۶۰۵ – کتابخانه مدرسه علوم دینی بشرویه خراسان ۶۰۶ – کتابخانه مسجد جامع یزد ۶۰۷ – کتابخانه مزار علی‌بن‌امام‌محمدباقر واقع درمشهد اردهال ۶۰۸ – کتابخانه دانشوران اهواز واقع درمدرسه علوم دینی اهواز ۶۰۹ – کتابخانه عمومی شوشتر .**

**۶۱۰ – کتابخانه غرب . همدان :** (مدرسه آخوند) این‌کتابخانه قبل از سال ۱۳۳۲ درجوار مدرسه آخوند قرار داشت ونزدیك به هفتصد جلد کتاب ازکتابخانه شادروان مجذوب علیشاه کبوترآهنگی سرمایه آنرا تشکیل میداد .

درسال ۱۳۳۲ به همت حضرت آیةالله آخوند و همت جمعی ارباب خیر خانه‌ای که در جنب مدرسه قرار داشت خریداری کردند و آنرا بکتابخانه اختصاص‌دادند. درمحل خریداری شده . به‌سرپرستی آیةالله‌آخوند ساختمان نوبنیادی ساختمان کردند واین ساختمان بنام کتابخانه غرب با تصدی آقای دکترمقصودی آغاز بکار کرد .

با بذل همت ومجاهدت متصدی کتابخانه درسال ۱۳۴۳ – کتابهای کتابخانه بالغ بر ۲۳۸۰۰ جلدگردیدکه ازاین تعداد ۱۲۰۰ جلد آن از کتابهای نفیس ونایاب ونادر خطی است . درجوار کتابخانه چند اطاق‌ساخته شده‌است که گنجایش سکونت سی نفر ازطلاب را دارد این کتابخانه امروز بصورت‌کتابخانه عمومی اداره میشود و فهرست‌کتابهای خطی آنرا هم آقای دکتر مقصودی تنظیم وتدوین کرده است .

**۶۱۱ – کتابخانه عمومی مدرسه دامغانی . همدان :** مدرسه دامغانی از مدارس قدیم همدان است وکتابخانه آن که اینك نیز دائر است از کتابخانه‌های قابل توجه شهر همدان بشمار است . این مدرسه در حال‌حاضر سی‌نفر طلبه دارد ونزدیك به دوهزارجلد کتاب خطی درکتابخانه آن‌وجود

و اسباب حرب بترکیب و شیوه استادان فرنگ و ایران تمامی این تصنیفات را بهتر
از استادان این فنون در هر فن ساختند از جمله تصنیفات غریبه عمل الطباع بود
که او را باسمه گویند و این نسخهٔ جدیده که موسوم بمآثر سلطانی است در دار
الطباع دار السلطنهٔ تبریز باهتمام کارگذاران سرکار حضرت ولیعهد بسعی
و استادی مجتبی ملا محمد باقر تبریزی که از معارف این ولایت است بتاریخ اواخر
شهر رجب المرجب سنهٔ هزار و دویست و چهل و یک هجری بشرف اتمام و اختتام
پذیرفت و ان شاء الله تعالی صورت احوال خاقان بیهمال را بعد از این تاریخ در جلد
دیگر محرر و در باسمه خانه روشن مطالعه کنندگان از هر باب خواهند شد و سوای
این کتاب مستطاب در دار الخلافهٔ طهران میرزا زین العابدین تبریزی بعین اشفاق
و الطاف سلطانی [illegible] و سلطانه و اهتمام منوچهر خان مجلدات
از کتب حدیث باسمه کرده تجار و اهل معاملات باطراف ولایات میبرند و خرید
و فروخت میشود و اینها از دولت پادشاه عادل باذل و همت بلند شاهنشاه
عالی بنا است و گر نه کرا این همت و قدرت میبود که خزانه ها خالی کند و این
تصنیفات را از شش ماهه راه و یکساله راه بایران آورده در میان خلایق متداول
نماید امید که تا آسمان بر جا و مهر و ماه را اشراقست سایهٔ دولت اعلیحضرت قدر
قدرت و ظل حشمت نواب نایب السلطنه ایران از سر صغیر و کبیر
[illegible] چاکران [illegible] و لشکر اصناف این
آستان کشیده و پاینده باد بحق
محمد و آله الامجاد

قسمت آخر کتاب مآثرالسلطانه تألیف عبدالرزاق‌بیك دنبلی که درنخستین چاپخانه سربی درتبریز به چاپ رسیده است

دارد که بیشتر آنها درعلوم غریبه واز نوادرند .

**۶۱۲ – کتابخانه مدرسه زنگنه . همدان :** یکی‌دیگر ازکتابخانه‌های مدارس قدیمه کتابخانه مدرسه زنگنه همدانست . این کتابخانه تعدادکثیری کتاب خطی داردکه درعلوم معقول‌ومنقول‌است وبرای اهل‌علم‌قابل استفاده ومرجع بشماراست .

**۶۱۳ – کتابخانه‌آرامگاه اعتمادیه. همدان:** اعتمادالدوله قراگوزلو که مدتی‌نیزوزارت‌معارف را بعهده داشت خود ازمردم فضل‌دوست بود . این مرد معارف‌پرور برای خود آرامگاهی ساخت وپیش‌ازمرگ تعداد قابل‌توجهی ازکتابهای خطی‌اش‌را وقف برآرامگاه کرد . پس ازدرگذشتش بهاءالملك برادرش نیز تعداد دویست جلدکتاب خطی دیگر وقف برآرامگاه برادر کرد . کتابخانه آرامگاه اعتمادیه اینك نزدیك به سیصدجلد کتاب

خطی ارزنده وقابل توجه دارد . فهرست این کتابخانه را هم آقای دکتر مقصودی تنظیم کرده اند .

۶۱۴ - **کتابخانه ادبی همدان** : آقای ادبی از فرهنگیان بازنشسته همدانند وازدانشمندان آن سامان بشمارند ایشان کتابخانه‌ای فراهم‌آورده‌اند که ازنظر کیفیت وکمیت قابل ذکر است .

۶۱۵ - **کتابخانه برنا . همدان** : آقای برنا از معاریف همدانند و کتابخانه‌ای فراهم آورده‌اند که نزدیك به پنجهزارجلد کتاب دارد .

۶۱۶ - **کتابخانه پنبه‌چی . همدان** : آقای پنبه‌چی از مشاهیر مردم همدانند وکتابخانه‌ای فراهم آورده‌اندکه نزدیك به پنجهزارجلدکتاب‌دارد.

۶۱۷ - **کتابخانه آیةالله آخوند . همدان** : آیةالله آخوند از اجله دانشمندان وافاضل عصرحاضرند کتابخانه شخصی ایشان بسیارارزنده ومورد توجه اهل علم است ونزدیك به سه‌هزاروپانصد جلدکتاب دارد .

۶۱۸ - **کتابخانه کوثر . همدان** : خاندان کوثر از دودمانهای نامی همدان واکثرافراد آن خاندان ازمردم اهل فضل ودانش بوده‌اند . کتابخانه نفیس این خاندان نسل‌بعدازنسل تا زمان حاضر حفظ گردید و سرانجام بکتابخانه آستان‌قدس رضوی تقدیم شد .

۶۱۹ - **کتابخانه رضوی . همدان** : کتابخانه خاندان رضوی از کتابخانه‌های شهیر همدان بود پس ازاینکه به آقارضا همدانی رسید ورثه او کتابخانه را به آقای عندلیب‌زاده فروختند و این‌کتابخانه نفیس که‌کتابهای خطی آن بسیار گرانقدر است درتملك ایشان است .

۶۲۰ - **کتابخانه‌آرامگاه بوعلی‌سینا . همدان** : پس‌ازاتمام ساختمان مجلل آرامگاه ابوعلی سینا کتابخانه‌ای درآرامگاه بنیاد نهادند و کتابهای ارزنده‌ای برای کتابخانه فراهم آوردند واین کتابخانه نیز از کتابخانه‌های معتبر شهر همدان است .

۶۲۱ - **کتابخانه اوقاف . همدان** : این‌کتابخانه در حدود ۱۲۰۰ جلد کتاب دارد .

۶۲۲ - **کتابخانه عمومی خرد . همدان** : به همت چندتن از جوانان دانش دوست همدان کتابخانه عمومی خرد تأسیس گردید واکنون نزدیك به دوهزاروپانصدجلد کتاب دارد .

۶۲۳ - **کتابخانه دانش. تهران** : متأسفانه‌کتابخانه ضیاء لشکر دانش درصفحات قبل ازقلم افتاده وناچار دراینجا ازآن یاد می‌کنیم - دانش‌شاعری توانا وادب دوست بود مجموعه‌های نفیس ازمرقعات وکتابهای‌گرانقدرفراهم آورده‌بودکه پس‌ازمرگش متفرق‌گردید نویسنده این‌اثر ازمرقعات وکتابهای کتابخانه او نسخی چند دارد .

# توجه به نشر کتاب و ایجاد و بنیاد کتابخانه در عصر پهلوی

پس ازکودتای ثمربخش ۱۲۹۹ وآغاز دوران مجد وعظمت‌تاریخ نوین ایران باتوجه خاصی که قهرمان ملی و بنیان‌گذار دودمان پرافتخار پهلوی ، **رضاشاه‌کبیر** به نشرفرهنگ وعلوم جدید مبذول‌میفرمودندبطوریکه خواهدآمد ترقی وپیشرفت قابل توجهی درامر چاپ ونشرپدیدار گردید و نمونه این توجه خاص وعلاقه **رضاشاه کبیر** را بامر بسط معارف میتوان خریداری‌کاخ مسعودیه واهداء آن بوزارت معارف نوبنیاد در دوران‌سردار سپهی معظم‌له دانست .

سیر ترقی وتکامل چاپ ونشرکتاب را میتوان بموازات تأسیس و بنیاد مدارس جدید دولتی باتوجه بآمار وارقامی که دردست است استنباط واستدراك کرد .

درسال ۱۲۹۹ . ش درتهران ٤٦ مدرسه قدیمه وجود داشته که ٤٤۹ نفر طلبه درآن بکار تحصیل مشغول بوده‌اند . ۳۸ مکتب‌خانه پسرانه و ۲۲ مکتب‌خانه‌دخترانه بوده است که درآنها جمعاً ۲۱٦۰۱ نفر شاگرد تحصیل میکرده‌اند ، هم‌چنین ۷۹ مدرسه داخلی وخارجی موجود بوده که درحدود ۹۵۰۰ نفر دانش‌آموز داشته است وبا این حساب جمعاً درحدود ۱۰۱۰۹ نفر درتهران دانشجو ودانش‌آموز بوده است .

طبق آماررسمی در سال ۱۳۰۳ دانشجویانیکه درتهران درمدارس عالیه تحصیل میکرده‌اند ۲۷۳ نفر بوده‌اند و مدارس متوسطه داخلی وخارجی رویهمرفته ۸۲۷۸ نفر دانشجو داشته است ودر دبستانهای داخلی وخارجی نیز ۱۳۰۰٤ نفر دانش‌آموز سرگرم تحصیل بوده‌اند که با این ترتیب درسال ۱۳۰۳ جمع‌کل دانشجویان ودانش‌آموزان درتهران بالغ بر ۲۱۵۵۵ نفر می‌گردیده است .

در سال ۱۳۰۸ در ٤٦ مدرسه قدیمه ٤۲۵ نفر طلبه و در ۸۲ مکتب‌خانه ۱۷۹۳ نفر دختر وپسر ودر ۱۹۱ دبستان ودبیرستان ۲۸۹۳۵ نفر دانش‌آموز بکار تحصیل اشتغال داشته‌اند کـه جمع کل دانشجویان و دانش‌آموزان دراین سال نیز بالغ بر ۳۰۳۵۳ نفر می‌شده است و این رقم درمقام مقایسه با رقم ۱۰۱۰۹ نفر که متعلق بسال ۱۲۹۹ است **افزایش سه برابر را نشان میدهد .**

درسال ۱۳۴۰ . ش . این‌رقم به ۴۷۰۰۰ نفر افزایش‌می‌یابد واگر این رقم را با تعداد تقریبی ۳۷۵۰۰۰ نفر دانش‌آموزان ودانشجویانیکه در تهران درآغاز سال تحصیلی ۱۳۴۶ نام‌نویسی کرده بوده‌اند به‌سنجیم میزان افزایش تحسین‌آمیز سطح ترقی وتکامل فرهنگ وآموزش وپرورش را طی بیست‌وپنجسال اخیر بنحو بارز ومبینّی درخواهیم یافت البته بایدتوجه داشت‌که این ارقام برای مقایسه فقط مربوط به دانشجویان ودانش‌آموزان شهر تهران است وعلت انتخاب شهرتهران برای این نمودار وسنجش ازآن رهگذر بوده است‌که ازآمار مدارس ودانش‌آموزان شهرستانها درسالهای ۱۳۹۹ تا ۱۳۰۸ ویا قبل‌ازآن ارقامی در دست نداشته‌ایم .

بهرحال رقم ۳۷۵۰۰۰ هزار میتواند گویای واقعی وحقیقی بسیاری ازحقایق تاریخی گردد ونشان دهد که سطح اقتصاد ودرآمد سرانه افراد کشور تا چه حد نسبت بسال ۱۳۲۰ وسالهای قبل ازآن افزایش یافته تا همه طبقات توانسته‌اند برای تحصیل دانش خودرا آماده‌کنند وازطرفی کشور ایران تاچه اندازه برای تحصیل افراد ونوباوگان وسائل ولوازم موردنیاز را فراهم آورده است .

قبل از کودتای ۱۲۹۹ تعداد چاپخانه‌های موجود درتهران بشرح زیر بوده است :

۱۲ چاپخانه سربی
۲ چاپخانه سنگی
جمعاً ۱۴ چاپخانه

درسال ۱۳۰۸ درتهران

۳۶ چاپخانه سنگی وسربی ودر تبریز ۱۰ چاپخانه ودر اصفهان ۶ چاپخانه ودرکرمان ۵ چاپخانه ودر مشهد ٤ چاپخانه ودرشهرهای دیگر جمعاً ۳۳ چاپخانه وجود داشته است که جمع‌کل چاپخانه‌ها درآن تاریخ به ۸٤ چاپخانه بالغ میگردیده است .

همین آمار میتواند میزان چاپ ونشرکتاب را درسال ۱۳۰۸ نشان دهد . قبل‌ازسال ۱۳۲۰ چاپخانه مجهز بانك ملی ایران و چاپخانه مجلس شورایملی وچاپخانه آرتش شاهنشاهی با تجهیزات نو تأسیس ودایر گردید وباید گفت تأسیس این سه چاپخانه موجب تحول وتغییرکلی در وضع چاپخانه‌های ایران گردید وافراد علاقه‌مند به تبعیت ازاین چاپخانه‌ها بمرور چاپخانه‌های مجهزی تأسیس ودائرکردند وهمین امرسبب نشربیشتر گردید.

برای آنکه میزان ومعیاری ازگسترش هرچه بیشتر فرهنگ ونشر بدست داده باشیم کافی است‌به تعداد کتابخانه‌های دولتی وملی درتهران‌که بسال ۱۳۰۲ دائر بوده‌اند توجه کنیم و سپس تعداد آنهارا با کتابخانه‌هائی

که درسال ۱۳٤٥ تا آنجا که نویسنده توانسته آمار بدست آورد در مقام مقایسه و سنجش برآئیم . اینك کتابخانه‌هائیکه درسال ۱۳۰۲ دائر بوده‌اند (کتابخانه‌های دولتی ووابسته بدولت وعمومی) .

۱ – کتابخانه سلطنتی ایران ۲ – کتابخانه ناصری ۳ – کتابخانه مدرسه صنعتی ٤ – کتابخانه مدرسه مروی ٥ – کتابخانه مدرسه سن‌لوئی ٦ – کتابخانه مدرسه صدر ۷ – کتابخانه معارف .

تعداد کتابفروشیهای تهران نیز درسال ۱۳۰۳ میتواند برای این مقایسه وسنجش معیاری باشد درآن تاریخ تهران جمعاً ٥٤ کتابخانه و لوازم‌التحریر فروشی داشته است بدین شرح :

درخیابان ارك ۱۸ دکان خیابان دولت ۲ دکان حسن‌آباد ۷ دکان بازار ۲۸ دکان عودلاجان ۱ دکان .

چنانکه گفته‌شد برای نتیجه‌گیری ازمقایسه فهرست نام‌کتابخانه‌های دولتی وغیردولتی را که درسال ۱۳٤٥ بدست آورده‌ایم بشرح زیر برای مزید اطلاع خوانندگان ارجمند میآوریم :

۱ – کتابخانه پهلوی
۲ – کتابخانه باشگاه افسران با ٥۳۹٦ جلد کتاب
۳ – کتابخانه امامزاده یحیی با ۳۳٥۱ جلد کتاب
٤ – کتابخانه بهروز نازی‌آباد با ۸۱۹ جلد کتاب
٥ – کتابخانه بانك ملی ایران با ۲۳۰٥۰ جلد کتاب
٦ – کتابخانه بانك مرکزی ایران با ۱۹۹۹۱ جلد کتاب
۷ – کتابخانه دانشسرایعالی با ۳۷۰٥۰ جلد کتاب
۸ – کتابخانه دانشکده ادبیات تهران با ٦٥۱۳٥ جلد کتاب
۹ – کتابخانه دانشکده حقوق تهران با ٦٤۸۱۳ جلد کتاب
۱۰ – کتابخانه دانشکده افسری با ۱٦۰۳۷ جلد کتاب
۱۱ – کتابخانه دانشکده پزشکی با ۲۳۰٦۰ جلد کتاب
۱۲ – کتابخانه دانشکده علوم با ۱۷۳٤٥ جلد کتاب
۱۳ – کتابخانه دانشکده فنی با ۲۰۱۰۰ جلد کتاب
۱٤ – کتابخانه دانشکده دامپزشکی با ۳٤۷۹ جلد کتاب
۱٥ – کتابخانه دانشکده الهیات با ۱۳۰۲٥ جلد کتاب
۱٦ – کتابخانه دانشکده علوم اداری با ٦۰۱٦ جلد کتاب
۱۷ – کتابخانه دانشکده دندان پزشگی با ۳٤۷۹ جلد کتاب
۱۸ – کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی با ٥۰۲٥ جلد کتاب
۱۹ – کتابخانه مرکزی دانشگاه با ۱۱۳٤۱ جلد کتاب
۲۰ – کتابخانه دانشگاه جنگ با ۱٤۰۳٥ جلد کتاب

۲۱ – کتابخانه دانشگاه ملی با ۶۰۵۰ جلد کتاب
۲۲ – کتابخانه دبیرستان نظام با ۷۵۴۰ جلد کتاب
۲۳ – کتابخانه ملی ملك با ۱۶۰۱۲۰ جلد کتاب
۲۴ – کتابخانه ملی ایران با ۷۱۲۵۰ جلد کتاب
۲۵ – کتابخانه موزه ایران باستان با ۶۱۰۰ جلد کتاب
۲۶ – کتابخانه وزارت امورخارجه با ۱۲۶۵۰ جلد کتاب
۲۷ – کتابخانه وزارت آب‌وبرق با ۲۰۰۰ جلد کتاب
۲۸ – کتابخانه آبادانی ومسکن با ۱۶۰۰۰ جلد کتاب
۲۹ – کتابخانه مجلس شورایملی با ۷۲۱۰۰ جلد کتاب
۳۰ – کتابخانه مجلس سنا با ۱۷۵۵۰ جلد کتاب
۳۱ – کتابخانه رازی با ۱۲۳۵ جلد کتاب
۳۲ – کتابخانه شایسته با ۶۶۵۰ جلد کتاب
۳۳ – کتابخانه شرق شهناز با ۲۵۲۴ جلد کتاب
۳۴ – کتابخانه شوش با ۹۲۶ جلد کتاب
۳۵ – کتابخانه شهرام با ۶۸۵ جلد کتاب
۳۶ – کتابخانه دانشسرای مقدماتی با ۱۰۰۵۰ جلد کتاب
۳۷ – کتابخانه فرهنگ مزینی با ۷۲۲ جلد کتاب
۳۸ – کتابخانه وزارت آموزش وپرورش با ۸۱۲۵ جلد کتاب
۳۹ – کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار با ۱۱۱۵۰ جلدکتاب
۴۰ – کتابخانه وزارت فرهنگ‌وهنر با ۱۷۰۰ جلد کتاب
۴۱ – کتابخانه دانشکده هنرهای دراماتیك با ۴۰۰۰ جلدکتاب
۴۲ – کتابخانه ابراهام لینکلن با ۱۱۴۰۹ جلد کتاب
۴۳ – کتابخانه‌انجمن‌روابط‌فرهنگی‌ایران‌وآمریکا‌با ۱۷۸۴جلد کتاب
۴۴ – کتابخانه انجمن روابط فرهنگی ایـران و شوروی بـا ۱۶۰۵۰ جلد کتاب
۴۵ – کتابخانه انجمن روابط فرهنگی ایران وفرانسه با ۱۴۰۱۵ جلد کتاب
۴۶ – کتابخانه انجمن زرتشتیان ایران با ۶۰۲۵ جلدکتاب
۴۷ – کتابخانه بنیاد فرهنگ ایران با ۸۲۰۰ جلد کتاب

وبراین تعداد باید کتابخانه‌های شهرستانهارا نیز بشرح زیرافزود:

۴۸ – کتابخانه فرهنگ زنجان
۴۹ – کتابخانه فرهنگ کاشان
۵۰ – کتابخانه فرهنگ قزوین
۵۱ – کتابخانه فرهنگ آمل

۵۲ – کتابخانه فرهنگ آستارا
۵۳ – کتابخانه فرهنگ سراب
۵۴ – کتابخانه فرهنگ بندرپهلوی
۵۵ – کتابخانه فرهنگ بابل
۵۶ – کتابخانه فرهنگ گنبد قابوس
۵۷ – کتابخانه فرهنگ اردبیل
۵۸ – کتابخانه فرهنگ اسکو
۵۹ – کتابخانه فرهنگ مرند
۶۰ – کتابخانه فرهنگ مشکین‌شهر
۶۱ – کتابخانه فرهنگ ماکو
۶۲ – کتابخانه فرهنگ اهواز
۶۳ – کتابخانه فرهنگ دزفول
۶۴ – کتابخانه فرهنگ شیراز
۶۵ – کتابخانه فرهنگ داراب
۶۶ – کتابخانه فرهنگ کرمان
۶۷ – کتابخانه فرهنگ رفسنجان
۶۸ – کتابخانه فرهنگ فیروزکوه
۶۹ – کتابخانه فرهنگ لشت‌نشا
۷۰ – کتابخانه فرهنگ اراك
۷۱ – کتابخانه فرهنگ خوی
۷۲ – کتابخانه فرهنگ کرمانشاه
۷۳ – کتابخانه فرهنگ خرمشهر
۷۴ – کتابخانه فرهنگ رامهرمز
۷۵ – کتابخانه فرهنگ بهبهان
۷۶ – کتابخانه فرهنگ آباده
۷۷ – کتابخانه فرهنگ سیرجان
۷۸ – کتابخانه فرهنگ سبزوار
۷۹ – کتابخانه فرهنگ نیشابور
۸۰ – کتابخانه فرهنگ بجنورد
۸۱ – کتابخانه فرهنگ اهر
۸۲ – کتابخانه فرهنگ رضائیه
۸۳ – کتابخانه فرهنگ شاهپور
۸۴ – کتابخانه فرهنگ آبادان
۸۵ – کتابخانه فرهنگ دشت‌میشان

۸۶ – کتابخانه فرهنگ نی‌ریز
۸۷ – کتابخانه فرهنگ بم
۸۸ – کتابخانه فرهنگ مشهد
۸۹ – کتابخانه فرهنگ قوچان
۹۰ – کتابخانه فرهنگ کاشمر
۹۱ – کتابخانه فرهنگ شهرضا
۹۲ – کتابخانه فرهنگ محلات
۹۳ – کتابخانه فرهنگ رشت
۹۴ – کتابخانه فرهنگ ساری
۹۵ – کتابخانه فرهنگ گرگان
۹۶ – کتابخانه فرهنگ آذرشهر
۹۷ – کتابخانه فرهنگ زاهدان
۹۸ – کتابخانه فرهنگ چابهار
۹۹ – کتابخانه فرهنگ بندرعباس
۱۰۰ – کتابخانه فرهنگ ملایر
۱۰۱ – کتابخانه فرهنگ سمنان
۱۰۲ – کتابخانه فرهنگ وزیری یزد
۱۰۳ – کتابخانه فرهنگ بیرجند
۱۰۴ – کتابخانه فرهنگ دامغان
۱۰۵ – کتابخانه فرهنگ طوالش
۱۰۶ – کتابخانه فرهنگ بیدخت گناباد
۱۰۷ – کتابخانه فرهنگ شهرکرد
۱۰۸ – کتابخانه فرهنگ نائین
۱۰۹ – کتابخانه فرهنگ سراوان
۱۱۰ – کتابخانه فرهنگ سنندج
۱۱۱ – کتابخانه فرهنگ همدان
۱۱۲ – کتابخانه فرهنگ نهاوند
۱۱۳ – کتابخانه فرهنگ یزد
۱۱۴ – کتابخانه فرهنگ فومنات
۱۱۵ – کتابخانه فرهنگ لارستان
۱۱۶ – کتابخانه فرهنگ ماهان
۱۱۷ – کتابخانه فرهنگ شهسوار
۱۱۸ – کتابخانه فرهنگ گرمسار
۱۱۹ – کتابخانه شیروخورشید سرخ همدان

۱۲۰ – کتابخانه فرهنگ سردشت
۱۲۱ – کتابخانه فرهنگ ایرانشهر
۱۲۲ – کتابخانه فرهنگ بندر لنگه
۱۲۳ – کتابخانه فرهنگ قروه
۱۲۴ – کتابخانه فرهنگ تویسرکان
۱۲۵ – کتابخانه فرهنگ شاهرود
۱۲۶ – کتابخانه فرهنگ بروجرد
۱۲۷ – کتابخانه فرهنگ سقز
۱۲۸ – کتابخانه فرهنگ لاهیجان
۱۲۹ – کتابخانه رزن همدان
۱۳۰ – کتابخانه عمومی تربت حیدریه .

وبراین فهرست نام کتابخانه های قابل توجهی که در شهرستانها تأسیس یافته با شرح مختصری در باره هریك آنها بشرح زیر می‌افزائیم :

**۱۳۱ – کتابخانه اختصاصی آموزش‌وپرورش ساری :** این کتابخانه درشهریور سال ۱۳۴۳ تأسیس یافته و اینك دارای ۳۸۴۵ جلد کتاب چاپی وخطی است وبطور متوسط هرماه ۹۶۰ نفر بآن مراجعه می‌کنند .

**۱۳۲ – کتابخانه انجمن آثارملی کاشان :** این کتابخانه درسال ۱۳۲۷ بنیاد یافته ومحل آن مدرسه سلطانی کاشان است واکنون ۲۵۷۰جلد کتاب دارد که ۴۱۴ جلد آن خطی است .

**۱۳۳ – کتابخانه امور تربیتی دانش‌آموزان سنندج :** تأسیس این کتابخانه در سال ۱۳۴۱ بوده واینك دارای ۴۳۲۹ جلدکتاب است وماهیانه درحدود سیصد نفر بآن مراجعه میکنند .

**۱۳۴ – کتابخانه تربیت تبریز :** بنیاد آن بسال ۱۳۰۰ خورشیدی بوده واینك بصورت کتابخانه‌های عمومی اداره میشود ودارای ۷۱۷۵ جلد کتاب بزبانهای فارسی و عربی و ۵۳۹۰ جلد بزبانهای بیگانه است و ۲۶۳ جلد کتاب خطی دارد .

**۱۳۵ – کتابخانه دانشکده پزشکی تبریز :** این کتابخانه بسال ۱۳۲۶ تأسیس یافته واینك در حدود ده هزار جلد کتاب بزبانهای فارسی وانگلیسی وفرانسه دارد .

**۱۳۶ – کتابخانه دانشکده پزشکی اصفهان :** بنیاد آن درمهر ماه ۱۳۴۴ بوده درحدود ده هزار جلدکتاب علمی بزبانهای بیگانه دارد .

**۱۳۷ – کتابخانه دانشکده فنی تبریز :** درسال ۱۳۳۸ تأسیس یافته واکنون پنجهزار جلد کتاب بزبانهای فارسی وانگلیسی وفرانسه دارد .

**۱۳۸ – کتابخانه عمومی اردبیل :** این کتابخانه درسال ۱۳۳۲

تأسیس یافته ودارای دوهزارجلد کتاب است .

**۱۳۹ – کتابخانه عمومی اهواز** : این‌کتابخانه درمحل دانشسرای مقدماتی اهواز قراردارد و دارای ۴۰۰۰ جلد کتاب است .

**۱۴۰ – کتابخانه عمومی رفسنجان** : درسال ۱۳۴۱ تأسیس یافته و دارای ۱۵۹۶ جلد کتاب است .

**۱۴۱ – کتابخانه عمومی نائین** : تأسیس آن درسال ۱۳۳۴ بوده و چهار هزار جلد کتاب دارد .

**۱۴۲ – کتابخانه عمومی دامغانی همدان** : این کتابخانه درسال ۱۳۴۱ تأسیس یافته و دارای‌هزارجلدکتاب‌است‌که دویست‌جلدآن‌خطی‌است.

**۱۴۳ – کتابخانه فرهنگ اصفهان** : کتابخانه فرهنگ اصفهان در جنب مدرسه چهارباغ قرار دارد ودرسال ۱۳۲۳ تأسیس یافته واینك دارای ۱۰۹۰۰ جلد کتاب است‌که ۱۱۰۰ جلد آن خطی است .

**۱۴۴ – کتابخانه آیة‌الله بروجردی کرمانشاه**: درسال ۱۳۳۵تأسیس یافته ودارای پنجهزار جلد کتاب است .

**۱۴۵ – کتابخانه ملی تبریز** : بسال ۱۳۳۳ بنیاد یافته وبنای آن نیز با همت کتاب‌دوستان ساخته شده واینك ۲۳۵۰۰ جلد کتاب خطی و چاپی فارسی وعربی وترکی وفرانسوی وانگلیسی دارد .

**۱۴۶ – کتابخانه ملی رضائیه** : تأسیس این کتابخانه بسال ۱۳۲۴ بوده واینك دارای ۴۱۴۰ جلدکتاب است .

**۱۴۷ – کتابخانه شرف‌الدین علی یزدی – یزد** : تأسیس آن سال ۱۳۲۷ بود وفعلاً چهارهزار جلد کتاب دارد .

**۱۴۸ – کتابخانه شهرداری کرمانشاه** : این کتابخانه را شهرداری کرمانشاه درسال ۱۳۳۴ بنیاد نهاد واکنون بیش‌ازسه هزارجلدکتاب دارد وهمه روزه گروهی ازعلاقه‌مندان بکتاب دراین‌کتابخانه بمطالعه می‌پردازند.

**۱۴۹ – کتابخانه ملی فارس شیراز** : تأسیس آن در سال ۱۳۲۶ بوده واکنون دارای ۱۰۷۹۳ جلدکتاب است .

**۱۵۰ – کتابخانه نصراللهی (باشگاه افسران‌سنندج)** : این‌کتابخانه دارای ۱۶۷۷ جلد کتاب بـزبانهای فارسی وترکی وعربی وفرانسه و انگلیسی است .

**۱۵۱ – کتابخانه رازی . آبادان** : کتابخانه رازی آبادان در سال ۱۳۴۲ تأسیس شده و فعلا دارای ۴۳۰۰ جلد کتاب است .

**۱۵۲ – کتابخانه وزیری (یزد)** : بانی آن حجة‌الاسلام حاج سید علی‌محمد وزیری بود که آن را در مسجد جامع کبیر یزد بسال ۱۳۳۴ بنیاد نهاد . این کتابخانه اکنون دارای شانزده هزار جلد کتاب است .

**۱۵۳ – کتابخانه عمومی اردبیل** : این کتابخانه در سال ۱۳۳۲ تأسیس شده ودارای دوهزارجلد کتاب است .

**تذکر : باید بفهرست کتابخانه‌های تهران وشهرستانها کتابخانه‌های زیر را هم افزود :**

**۱۵٤ – کتابخانه خاندان فرمانفرمائیان – تهران** : این‌کتابخانه درمحل دانشگاه از سال ۱۳۳۸ به همت خاندان فرمانفرمائیان تأسیس یافته واینك دارای ششهزار جلد کتاب است .

**۱۵۵ – کتابخانه ابراهیم دهگان . اراك** : کتابخانه دهگان‌نزدیك به سیصد نسخه کتاب خطی دارد ودر حدود پانصد برگ فرمان از پادشاهان ایران اززمان شاه اسمعیل صفوی تا ناصرالدین شاه قاجار دراین کتابخانه موجود است که برای اهل تحقیق گنجینه نفیسی است .

**۱۵٦ – کتابخانه فقیهی قم** : این‌کتابخانه را آقای علی‌اصغرفقیهی درقم بنیاد نهاده واکنون دوهزارجلد کتاب دارد .

**۱۵۷ – کتابخانه حکیم‌الهی – اراك** : کتابخانه آقای حکیم‌الهی دارای ۱۲۰۰۰ جلد کتاب است – وازکتابخانه‌های معتبرایران بشمار است .

**۱۵۸ کتابخانه بیمارستان نمازی شیراز** : که بسال ۱۳۳۲ تأسیس یافته و درحدود چهارهزار جلد کتاب دارد .

**۱۵۹ – کتابخانه ایالات متحده – خرمشهر** : تأسیس‌سال ۱۹۵٦ م . ودر حدود ۱۷۸۰ جلد کتاب دارد .

**۱٦۰ – کتابخانه وزارت کار وامور اجتماعی** : تأسیس آن بسال ۱۳۳۸ بوده واینك ٤۰۰۰ جلد کتاب دارد .

**۱٦۱ – کتابخانه وزارت کشور** : تأسیس این کتابخانه سال ۱۳۲۰ بوده واینك دارای ۱۳٤٦ جلد کتاب است .

**۱٦۲ – کتابخانه مؤسسه ایران‌شناسی بریتانیا** : درسال ۱۹٦۱ . م تأسیس شده ودارای ۲۲۰۰ جلد کتاب در رشته باستان‌شناسی وادبیات است.

**۱٦۳ – کتابخانه مؤسسه تحقیقات اقتصادی تهران** : این‌کتابخانه در سال ۱۳۳۹ – بنیاد یافته ودارای ۵۰۰۰ جلد کتاب و نشریه‌های اقتصادی است .

**۱٦٤ – کتابخانه مؤسسه مطالعات وتحقیقات اجتماعی** : تأسیس‌آن دربهمن‌ماه ۱۳۳۷ بوده واینك دارای ۹۸۳٦ جلد کتابست .

**۱٦۵ – کتابخانه وزارت اقتصاد** : درسال ۱٤۳٤ تأسیس یافته و دارای ٤۵۹۷ جلدکتاب بزبانهای فارسی وانگلیسی وفرانسه است .

**۱٦٦ – کتابخانه وزارت اطلاعات** : این کتابخانه درسال ۱۳۳٦ تاسیس یافته ودارای ۱۰۰۰۰ جلد کتاب است .

۱۶۷ - **کتابخانه وزارت دارائی** : تأسیس آن درسال ۱۳۲۸ بوده وفعلاً ۴۲۱۵ جلد کتاب دارد .

۱۶۸ - **کتابخانه انجمن فرهنگ‌ایران‌باستان** : این‌کتابخانه به‌همت اعضای انجمن فرهنگ ایران باستان در سال ۱۳۴۱ تأسیس‌گردیده وفعلاً دارای چهار هزارجلدکتاب ایران شناسی بزبانهای فارسی وانگلیسی‌وروسی وآلمانی وفرانسوی وگجراتی - اردو - عربی - اوستائی - پهلوی - سانسکریت است .

۱۶۹ - **کتابخانه انستیتو رازی تهران** : این کتابخانه همزمان با تأسیس انستیتوپاستور بنیاد یافت ودرحال حاضر این‌کتابخانه‌دارای‌پنجهزار جلد کتابهای علمی وتحقیقاتی است وسالن مطالعه کتابخانه گنجایش پنجاه نفر نشسته را دارد .

۱۷۰ - **کتابخانه سازمان برق تهران** : تأسیس آن در سال ۱۳۳۷ شمسی بوده واکنون دارای ۴۷۰۰ جلد کتاب بزبانهای مختلف است .

۱۷۱ - **کتابخانه سازمان ترویج کشاورزی تهران** : تأسیس آن سال ۱۳۴۱ بوده‌است و اینك ۱۸۴۲ جلد کتاب دارد .

۱۷۲ - **کتابخانه لغت‌نامه دهخدا** : کتابخانه سازمان‌لغت‌نامه دهخدا دارای کتابخانه‌ایست‌که درآن سه‌هزاروهشتصد جلدکتاب چاپی وخطی وجود دارد .

۱۷۳ - **کتابخانه مدیریت صنعتی تهران** : این کتابخانه درحدود هزاروپانصد جلد کتاب دارد .

۱۷۴ - **کتابخانه سازمان نقشه‌برداری** : دراین‌کتابخانه ۲۶۱۴ جلد کتاب وجود دارد .

۱۷۵ - **کتابخانه کانون وکلاء . تهران** : این‌کتابخانه‌درآذر۱۳۰۷ تأسیس یافته واینك درحدود پنجهزار جلد کتاب دارد .

۱۷۶ - **کتابخانه کمیسیون ملی یونسکو** : درسال ۱۳۲۷ تأسیس یافته واکنون نزدیك به چهار هزار جلد کتاب دارد .

۱۷۷ - **کتابخانه مدرسه عالی بازرگانی** : تأسیس آن سال ۱۳۴۱ بوده‌است واکنون ۱۸۴۶ جلد کتاب دارد .

۱۷۸ - **کتابخانه اختصاصی وزارت دادگستری** : این کتابخانه ازنظر دارابودن‌کتابهای حقوقی ومجموعه قوانین قابل توجه است .

۱۷۹ - **کتابخانه اطاق بازرگانی** .

۱۸۰ - **کتابخانه دانشگاه پهلوی** که شامل دانشکده‌های پزشکی وادبیات میشود و متأسفانه آمارکتابهای این‌کتابخانه‌ها در دسترس نویسنده نبود .

---

دراثر توجهات خاصی که شاهنشاه آریامهر بـه ایجاد و تأسیس کتابخانه‌های عمومی مبذول میفرمودند قانون تأسیس وایجادکتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور از تصویب مجلسین گذشت و بفرمان شاهنشاه آریامهر هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور بریـاست جناب آقای مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ وهنر با شرکت آقایان عبدالرضا انصاری وزیر کشور رضاجعفری سناتور ووزیر فرهنگ اسبق - بانو مهرانگیزامید. دکتر محسن صبا استاد دانشگاه- دکتریارشاطر استاد دانشگاه - رکن‌الدین همایونفرخ درتاریخ ۴۵/۸/۲۲ تشکیل گردید ومأمور ایجاد وتأسیس کتابخانه‌های عمومی در کلیه شهرهای کشورگردیدند . هم‌اکنون یازده کتابخانه عمومی درتهران تأسیس وبنیاد یافته بشرح زیر :

۱ - کتابخانه عمومی شماره یك (مرکزی) واقع درپارك شهر تهران با ۱۴۲۳۵ جلد کتاب .

۲ - کتابخانه عمومی شماره ۲ (مرکزی) واقع درباغ فردوس شمیران با ۵۱۲۳ جلد کتاب

۳ - کتابخانه عمومی شماره ۳ کودکان واقع درپارك ۲۵ شهریور نازی‌آباد با ۲۰۰۰ جلد کتاب

۴ - کتابخانه عمومی شماره ۴ کودکان واقع در زعفرانیه شمیران با ۲۱۴۲ جلد کتاب

۵ - کتابخانه عمومی شماره ۵ بزرگسالان واقع در پارك خیام با ۳۷۱۲ جلد کتاب

۶ - کتابخانه عمومی شماره ۶ کودکان واقع درپارك خیام با ۲۱۴۵ جلد کتاب

۷ - کتابخانه عمومی شماره ۷ بزرگسالان واقع در قلهك با ۳۱۴۷ جلد کتاب

۸ - کتابخانه عمومی شماره ۸ بزرگ سالان پارك ۲۵ شهریور واقع درنازی‌آباد با ۳۰۱۸ جلد کتاب

۹ - کتابخانه عمومی شماره ۹ بزرگ سالان واقع درنارمك با ۲۵۱۸ جلد کتاب

۱۰ - کتابخانه شماره ۱۰ بزرگ سالان واقع در فیشرآباد با ۲۲۰۰ جلد کتاب

۱۱ - کتابخانه عمومی شماره ۱۱ واقع در شهرآرا با ۳۴۰۰ جلد کتاب

تاآبانماه سال ۱۳۴۶ هیأت امنا توفیق یافته است که در ۱۵ شهر کتابخانه عمومی دائرکند ودر ۳۳ شهر نیز اقدامات لازم برای تأسیس

کتابخانه عمومی فراهم آورده است وتاکنون در ۱۳ شهر ساختمان کتابخانه در دست بناست .

تذکر : دراین تاریخچه متذکر کتابخانه‌های دبیرستانها نشده‌است وباید گفت در حدود پانصدکتابخانه در دبیرستانهای کشور ازطرف وزارت آموزش وپرورش تأسیس گردیده است .

بطوریکه خوانندگان ارجمند ملاحظه فرمودند . ۱۹۰ باب کتابخانه درتهران وشهرستانها طی مدت ۲۵ سال اخیر (۱۳۲۰ - ۱۳٤۵) دائر گردیده واین تعداد کتابخانه تقریباً نزدیك بیك سوم کل کتابخانه‌هائی‌است که دراین تاریخچه از آغاز دوران اسلامی تا عصر پهلوی ازآنها نام ونشانی بدست داریم . امیدواری کامل حاصل است که هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور بتوانند درایفای وظیفه مقدسی‌که برعهده گرفته‌اند توفیق بیشتری یابند .

***

بطوریکه خوانندگان ارجمند درطی صفحات این تاریخچه ملاحظه فرموده‌اند رویهمرفته از (٦٢٤+۱۹۰) = ۸۱٤ باب کتابخانه‌های (عمومی- مدارس - خصوصی - اختصاصی) نام‌ونشان بدست داده شده است‌که اگر براین تعداد پانزده‌کتابخانه عمومی راکه در شهرها دائرگردیده اضافه‌کنند جمعاً ۸۲۹ کتابخانه فهرست داده شده است و نویسنده این وجیزه ناچیز بهتر از هرکس خود معترف به‌نقص اثر است ومیداندکه هنوز نتوانسته است یك ازهزار ومن از خروار دراین راه بدست آورد . وبهیچوجه این تاریخچه را فهرست جامع وگویائی از تاریخ‌کتابخانه‌های ایران طی دوهزار سال نمیداند . تا آنجا که برای نویسنده مقدور بوده و امکانات اجازه میداد وبمنابع دسترسی داشته است‌کوشش بعمل‌آورده بااستنتاج واستدراك ازمآخذ مختلف درتکمیل اثر خود بکوشد وآرزومند است اگر ادامه حیات اجازه دهد با تحقیقات وتجسسات پی‌گیر درآینده آنرا بکمال برساند .

لازم بیادآوری است‌که ۳٤ سال پیش‌از این دانشمند ارجمند آقای جواهرکلام دفترچه‌ای بنام (کتابخانه‌های ایران) نشر داده‌اند ونام ونشان درحدود هفتادوهفت‌کتابخانه‌های ایران وتهران را متذکر شده‌اند با قبول حق تقدم این‌فضیلت ناگفته‌نماندکه دوجلد تاریخچه‌کنونی بنحوی‌که تصنیف وتحریر گردیده تا این تاریخ درنوع خود بی‌سابقه ونظیراست .

کمترین . رکن‌الدین همایونفرخ
فروردین‌ماه ۱۳٤۷

## مآخذی که در متن این کتاب از آنها نقل مطلب گردیده و یا بآنها مراجعه داده شده است .

۱ - نظرات دور ازحقیقت او درباره ابومسلم خراسانی وافشین بهترین نمونه این تعصبات خشك اوست .
۲ - ج چهارم .
۳ - ضمن مقاله کتب‌خانه .
٤ - چاپ پترسبورگ .
٥ - درگذشته بسال ۲۲۲ هـ . ق .
٦ - مقدمه دیوان ابی‌تمام . چاپ مصر .
۷ - تجارب‌الامم ص ٤۲٦ .
۸ - احسن‌التقاسیم مقدسی .
۹ - پورسینا ص ٦٥ .
۱۰ - ج دوم ص ۳۱٤ .
۱۱ - ص ۳۱٤ .
۱۲ - ص ۱۱۲ .
۱۳ - ص ۳۹۰ .
۱٤ - فرید وجدی در دائرةالمعارف ویاقوت درمعجم‌الادباء .
۱٥ - تجارب‌الامم تألیف ابن مسکویه طبع مصر ص ٤۲٦ .
۱٦ - جلد دوم چاپ مصر ص ٤۳۲ .
۱۷ - جلد دهم ص ۱٤۳ - ۱٤٥ .
۱۸ - جلد دوم ص ۳٥۰ .
۱۹ - ص ٥۱ .
۲۰ - ص ٥۱ .
۲۱ - النقض ص ٥٥٦ .
۲۲ - ج ٥ ص ٤٤٦ .
۲۳ - نزد نویسنده نگینی است از یاقوت سرخ که برآن باخط کوفی نوشته‌است : هو علی‌بن‌مقله . وبنظرمیرسدکه این نگین انگشتری ومهر خطاط شهیر ایرانی ابوعلی‌بن مقله بوده است .
۲٤ - ج ۱ ص ۱٤۰ .
۲٥ - دیوان مختاری غزنوی تصحیح وتحقیق رکن‌الدین همایونفرخ .
۲٦ - تاریخ سیستان ص ۲۰۹ چاپ تهران تصحیح ملك‌الشعرای بهار .
۲۷ - بیست مقاله علامه قزوینی .
۲۸ - راهنمای کتاب سال پنجم شماره ۲۱ بهمن‌ماه .
۲۹ - احسن‌التقاسیم ص ٤۱۳ .
۳۰ - تاریخ سلجوقیه عماد کاتب ص ۲۳۸ طبع مصر - اخبارالدولة السلجوقیه ص ۸۷ - طبع لاهور - ابن‌اثیر ذیل حوادث سال ٤۹٤ .
۳۱ - رسائل رشیدالدین وطواط چاپ مصر . جلد دوم ص ۸ و نسخه خطی کتابخانه نویسنده .
۳۲ - ترجمه تاریخ یمینی ص ۲٥۳ .

۳۳ – کتاب‌النقض ص ۸۳ .
۳٤ – کتاب‌النقض ص ٤۷ .
۳۵ – ج ۱ ص ٤۵ .
۳٦ – شاهکارهای ایران ص ۸۰ .
۳۷ – ص ۱٦٤ .
۳۸ – النقض ص ۱۰۲ .
۳۹ و ٤۰ – بانی این دو مدرسه رضی‌الدین ابوسعد بوده است النقض ص ۲۲٦ تعلیقات بردیوان قوامی رازی
٤۱ – النقض ص ۱٦٤ .
٤۲ – راحة‌الصدور ص ۳۰۰ .
٤۳ – کتابخانه قطان مروزی‌را درصفحه پیش معرفی کرده‌ایم .
٤٤ – مأخوذ ازمقالات تحقیقی دکتر حسین امین استاد دانشگاه بغداد .
٤۵ – طبقات‌الشافعیه جلد سوم ص ۳۵ .
٤٦ – ص ۱٦۲ ج ۲ .
٤۷ – کتابخانه‌های شماره ۹۷ تا ۱۰۰ بر اثر تصفح و تفحص است که استاد علامه عالیقدر جناب‌آقای بدیع‌الزمان فروزانفر درکتاب منتخب سیاق ومنتخب شیخید سمعانی بعمل آورده‌اند ودرمقدمه ترجمه رساله قشیریه ص۲۱ متذکر آن شده‌اند وضمناً مرقوم داشته‌اند «هریك از این مساجد ومدارس وخانقاهها کتابخانه بزرگ یاکوچك داشت‌که بانی‌آن برای استفاده عموم وقف‌کرده بودند و غالباً مؤذن مسجد یا متولی درمدرسه وخانقاه حفظ آن‌را برعهده داشت وبطلبه علوم امانت میداد» .
٤۸ – تاریخ کرمان تألیف محمد ابراهیم کرمانی چاپ لندن ص ۱۲۱ .
٤۹ – النقض ص ٤۹ .
۵۰ – راحة‌الصدور ص ۳۳ .
۵۱ – راحة‌الصدور ص ۳۳٦ .
۵۲ – دائرة‌المعارف اسلامی فرید وجدی .
۵۳ – راوندی در راحة‌الصدور ص ۲۱٤ و ٤۸۵ ومحمد عوفی درلباب‌الالباب ص ۳۵٤ وعلامه فقید محمد قزوینی درتعلیقات بر لباب‌الالباب شرحی مستوفی درمعرفی خاندان خجندیان آورده‌اند .
۵٤ – معجم‌البلدان یاقوت .
۵۵ – سال ٦۱٤ هـ .
۵٦ – المعجم چاپ آقای مدرس رضوی ص ٤۵۹ .
۵۷ – برای اطلاع بیشتر از دودمان سمعانی به مقاله نویسنده در مجله وحید مراجعه فرمایند .
۵۸ – نسخه منحصربفرد این اثر متعلق بکتابخانه نویسنده است .
۵۹ – ص ۲۷ .
٦۰ – طبع لیدن ص ٤ – ٤۱ – ٤۲ – ٤۳ .
٦۱ – ص ٤۱ – ٤۲ .
٦۲ – تاریخ گزیده چاپ لیدن ص ٤٤۷ .
٦۳ – اصفهان محله شیخ ابومسعودکه بمحله درشیخ هم معروف است .
٦٤ – ص ۱۹۲ .

۶۵ – خلد برین ص ۱۹۶ – ۱۹۷ .
۶۶ – النقض بکوشش آقای محدث ص ۱۲ .
۶۷ – جامع مفیدی بکوشش آقای ایرج افشار ص ۷۶ ج ۱ .
۶۸ – تألیف دیگری است ازمصنف ذخیره خوارزمشاهی .
۶۹ – مسامرةالاخبار ص ۸۸ .
۷۰ – مسامرةالاخبار ص ۹۸ .
۷۱ – طبقات‌الشافعیه ج ۳ ص ۲۴۳ وجنات‌الاعیان ج ۱ – ص ۳۲۴ .
۷۲ – جامع مفیدی ص ۸۹ ج ۱ بکوشش آقای ایرج افشار .
۷۳ – ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳ .
۷۴ – شادروان اقبال آشتیانی کتابی درمعرفی خاندان نوبختی تألیف وتصنیف کرده است که بحقیقت درنوع خود بی‌نظیراست – آنچه درباره دودمان نوبختی دراینجا متذکرمیشویم آرا ونظرات ومطالبی است جزآنچه دراثر اقبال آمده است .
۷۵ – کشف‌الظنون ج ۵ ص ۳۵ .
۷۶ – متولد ۳۹۲ درگذشته ۴۶۳ تاریخ‌خطیب بغدادی ج ۱۰ ص ۵۴ و سیدرضی طاووسی درکتاب فرج‌الهموم ازآن نقل‌کرده است .
۷۷ – مروج‌الذهب جلد هشتم ص ۲۹۰ .
۷۸ – تاریخ بغداد ج ۱ – ص ۶۷ .
۷۹ – ص ۲۷ .
۸۰ – ص ۲۰۷ .
۸۱ – تاریخ طبری چاپ لیدن ص ۳۱۸ ج ۳ .
۸۲ – الفهرست ص ۲۷۴ وطبقات‌الامم ص ۶۰ .
۸۳ – معجم‌الادباء ج ۲ ص ۲۷۹ .
۸۴ – ج ۱ ص ۳۰۹ .
۸۵ – درگذشته بسال ۳۲۵ که دراینصورت میتوان گفت ازمشاهیر اواخر قرن سوم هجری است .
۸۶ – طبقات ناصری و همچنین سیفی هروی درتاریخ هرات ازاین ملوك یاد کرده‌اند .
۸۷ – طبقات ناصری ص ۲۸۵ .
۸۸ – طبقات ناصری ص ۲۸۱ .
۸۹ – تاریخ ابن اسفندیار ص ۱۵۴ .
۹۰ – النقض ص ۴۸ .
۹۱ – تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۴ .
۹۲ – النقض ص ۲۲۱ .
۹۳ – النقض مقدمه ص ۱۴۶ .
۹۴ – شدالازار ص ۳۰۴ .
۹۵ – النقض ص ۴۸ .
۹۶ – النقض ص ۴۷ .
۹۷ – النقض ص ۴۷ .
۹۸ – تاریخ طبرستان ابن اسفندیار بخش سوم ص ۱۵۴ .

۹۹ – تاریخ ابن اسفندیار بخش سوم ص ۹۱ – تاریخ رویان ص ۹۱ – تاریخ طبرستان مرعشی ص ۶۰ .

۱۰۰ – بکوشش محقق ارجمند آقای ایرج افشار ص ۸۹ ج ۱ .

۱۰۱ – ص ۱۲ .

۱۰۲ – ص ۴۱ – ۴۲ .

۱۰۳ – مطلع الشمس ج ۲ .

۱۰۴ – خزانة الخیال – مقاله محقق ارجمند آقای گلچین معانی .

۱۰۵ – ص ۷۲ .

۱۰۶ – منظور تازمان تألیف تاریخ گزیده .

۱۰۷ – تألیف هندوشاه چاپ تهران ص ۲۸۲ .

۱۰۸ – ص ۴۶۵ .

۱۰۹ – ترجمه محاسن اصفهانی ص ۱۴۲ .

۱۱۰ – انساب سمعانی .

۱۱۱ – تصحیح ملك الشعرای بهار ص ۴۶۵ .

۲۱۲ – زامباور .

۱۱۳ – درباره کتابخانه‌های پادشاهان شبه‌قاره هند دربخشی جداگانه بسیارموجز ومختصر فهرست‌وار اشارتی خواهد رفت .

۱۱۴ – این نسخه نفیس را نویسنده در شماره مخصوص (۴۹) مجله هنر و مردم معرفی‌کرده است .

۱۱۵ – تصور میرود این بیان صریح راوندی در اینکه مدارس قدیمه‌کتابخانه داشته‌اند وکتب آنها وقف مدرسه بوده است برای‌کسانیکه منکر کتابخانه‌های مدارس قدیمه‌اند مجال بحث وگفتگو ندهد .

۱۱۶ – راحة‌الصدور ص ۳۳۶ .

۱۱۷ – صفحات از ۱۷۹ – ۱۸۳ .

۱۱۸ – ص ۱۸۰ .

۱۱۹ – خاقانی را در رثای محمد یحیی قصائدی غراست ودرآن‌قصائد ازخرابی خراسان بدست غزان اشك تحسر وتأسف می‌بارد ومیگوید :

آن مصر مملکت‌که تو دیدی خراب شد — وآن نیل مکرمت‌که شنیدی سراب شد
چل‌کزسرشك خون زبر خاك برگذشت — لابل چهل قدم ز زبر ماهتاب شد
صبح آه آتشین ز جگر برکشید وگفت — دردا که کارهای خراسان خراب شد
گردون سر محمد یحیی بباد داد — محنت نصیب سنجر مالك رقاب شد

۱۲۰ – راحة‌الصدور ۱۸۰ – ۱۸۳ .

۱۲۱ – ص ۳۰ .

۱۲۲ – کشته شده بسال ۶۶۳ .

۱۲۳ – درگذشته بسال ۶۹۶ .

۱۲۴ – رساله فریدون سپهسالار .

۱۲۵ – تحف‌الانبیاء فی تاریخ حلب‌الشهباء ص ۱۳۸ .

۱۲۶ – تاریخ گزیده ص ۶۹۲ تاریخ بیهق ص ۲۴۸ .

۱۲۷ – چندقصه ازاین‌تفسیررا آقای دکترمهدی بیانی بسال ۱۳۱۸ نشرداده‌اند.

۱۲۸ – یك نمونه مستند ازاینکه خانقاههای ایران کتابخانه داشته‌اند همین مورد است .
۱۲۹ – وصاف ص ۱۶۰ – ۱۶۱ .
۱۳۰ – نظام‌التواریخ ص ۸۹ و تاریخ گزیده ص ۵۰۷ وشیرازنامه ص ۵۹ .
۱۳۱ – جهانگشا جلد اول مقدمه بقلم دانشمند فقید محمد قزوینی ص . س .سا .
۱۳۲ – مکاتیب رشیدی ص ۵۶ – ۶۹ .
۱۳۳ – ربع رشیدی درمحله شش‌گلان وباغ بیشه امروز تبریز قرارداشته‌است .
۱۳۴ – تاریخ مفصل ایران تألیف اقبال آشتیانی ج ۱ ص ٤۸۸ .
۱۳۵ – امروز این قسمت درجوار شهر سمنان قراردارد ودراین تاریخچه عکس فعلی بنای صوفی‌آبادرا بنظر خوانندگان رسانیده‌ایم .
۱۳٦ – جامع مفیدی بکوشش ایرج افشار ج سوم مقاله چهارم ص ٦۵۵ .
۱۳۷ – ص ۸۱ – ۸۹ .
۱۳۸ – بطوریکه بکرات متذکر شده‌ایم مدارس قدیمه همگی کتابخانه داشته‌اند ومدرسه بدون کتابخانه به‌مسجد بی‌گنبد ومحراب وشبستان و شیر بی‌یال و دم و اشکم می‌ماند . این‌مورد نیزدلیل وسند دیگری‌است برصدق وصحت نظر نویسنده دراینمورد.
۱۳۹ – تاریخ جدید یزد ص ۸۸ .
۱٤۰ – تاریخ جدید یزد ص ۹۳ .
۱٤۱ – تاریخ جدید یزد ص ۹۳ .
۱٤۲ – تاریخ جدید یزد ص ۹۳ .
۱٤۳ – جامع مفیدی ص ۱۳۲ .
۱٤٤ – این مدرسه جز مدرسه خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی است زیرا بنای مدرسه کمالیه سال ۷۲۰ بوده است .
۱٤۵ – تاریخ جدید یزد .
۱٤٦ – جامع مفیدی ج ۳ . قسمت ۲ ص ٦۵۹ .
۱٤۷ – فهرست کتب خطی آستانه ج ٤ ص ٤۲۰ .
۱٤۸ – کتابهائیکه شاه عباس بزرگ درسال ۱۰۱۷ بآرامگاه شاه صفی وقف کرده‌است مجلداتی ازآن کتابهای نفیس درموزه ایران‌باستان موجود است .
۱٤۹ – تألیف کنی‌کولوپوف طبع بادکوبه ۱۹۳۰ .
۱۵۰ – تاریخ روابط علمی شرق و اروپا و روسیه منطبعه لنین‌گراد .
۱۵۱ – حبیب‌السیر ج ۳ ص ٦۲۲ .
۱۵۲ – چهل مقاله نخجوانی ص ۲۹۲ .
۱۵۳ – خط و خطاطان میرزا حبیب اصفهانی این قسمت بترجمه نویسنده است .
۱۵٤ – برای اطلاع از ارزش مقدمه بای‌سنقر به‌بیست مقاله قزوینی قسمت‌دوم مراجعه فرمائید .
۱۵۵ – افراد بی‌اطلاع چنان می‌پندارندکه نقاشی‌های این شاهنامه کار بهزاد است درحالیکه بهزاد درآن‌زمان هنوز متولدهم نشده بوده‌است .
۱۵٦ – خط و خطاطان .
۱۵۷ – ازسعدی تاجامی علی‌اصغر حکمت .
۱۵۸ – ص ۱۸۲ – ترکی .
۱۵۹ – حبیب‌السیر ج ۲ ص ۷ .

۱۶۰ – روضات‌الجنات فی‌اوصاف مدینه هرات ص ۲۱۵ – ۲۱۹ .
۱۶۱ – ص ۱۰۰ .
۱۶۲ – حبیب‌السیر ج ۳ ص ۶۲۲ .
۱۶۳ – حبیب‌السیر ج ۳ ص ۶۲۲ .
۱۶۴ – نسخه عکسی این اثر نفیس به همت دانشمند عالیمقام آقای دکتر خانلری ازطرف بنیاد فرهنگ ایران بچاپ افست نشر خواهد یافت .
۱۶۵ – این نسخه نفیس اینك متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری است .
۱۶۶ – این نسخه متعلق بکتابخانه آقای ادیب برومند است .
۱۶۷ – این نسخه متعلق به کتـابخانه آقای دکتر مهدی بیانی است بخط سلطانعلی مشهدی .
۱۶۸ – خلاصة‌الاخبار نسخه خطی‌متعلق بکتابخانه آقای فخرالدین‌نصیری‌امینی .
۱۶۹ – حبیب‌السیر ج ۳ .
۱۷۰ – بنقل ازروضات‌الجنات - نامه نامی‌نسخه منحصربفردکتابخانه ملی‌باریس. بنقل از تحقیقات علامه قزوینی . نسخه درمجلس شورایملی هست‌که آنهم مورد استفاده قرارگرفت .
۱۷۱ – تذکره تحفه سامی .
۱۷۲ – بنقل ازنسخه خلاصة‌الاخبار .
۱۷۳ – این مدرسه غیرازمدرسه غیاثیه‌ایست‌که خواجه غیاث‌الدین بیراحمد ساخته بود .
۱۷۴ – منظور زمان تألیف خلاصة‌الاخبار است .
۱۷۵ – این مدرسه غیرازمدرسه بدیعیه زمان شاهرخ میرزاست .
۱۷۶ – تحفه سامی به تصحیح این بنده نویسنده ص ۱۶ .
۱۷۷ – خوانندگان ارجمند برای آگاهی بیشتر ازشرح حال امیرعلیشیر نوائی بمقدمه مبسوط دیوان امیرعلیشیر به تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ مراجعه فرمایند .
۱۷۸ – ص ۹۱۰ ج ۲ .
۱۷۹ – تحفه سامی .
۱۸۰ – فهرست‌کتابهای خطی دکن ج ۱ .
۱۸۱ – ص ۱۶۵ ج ۳ .
۱۸۲ – تحفه سامی ص ۵ .
۱۸۳ – تحفه سامی ص ۵۵ .
۱۸۴ – ازسعدی تا جامی ص ۵۸۹ .
۱۸۵ – تحفه سامی ص ۲۵ .
۱۸۶ – ص ۲۸۴ .
۱۸۷ – تاریخ‌کتابت این نسخه ۱۰۲۹ هجری است .
۱۸۸ – خوانندگان ارجمند برای آگاهی بیشتر ازاین مبحث به ص ۱۲۰ - ۱۳۰ جلد اول این‌کتاب مراجعه فرمایند .
۱۸۹ – یك نسخه نفیس ازدیوان فارسی شاه‌اسمعیل صفوی‌که درزمان حیات او تحریر یافته درکتابخانه مجلس شورایملی بشماره ۲۰۷۷ محفوظ است – یك نمونه ازخط شاه‌اسمعیل صفوی نیز دراین‌کتاب‌گراور شده‌است .
۱۹۰ – واقعه رسمیت دادن مذهب تشیع برای وحدت ملی ایران بسیار مهم

است وبجاست تاریخچه آن را برای مزید اطلاع خوانندگان ارجمند درابنجا یادآور شود. میرزا سلطان ابراهیم امینی درکتاب - تاریخ فتوحات شاهی که آنرا درزمان شاه‌اسمعیل اول نوشته است - این واقعه را چنین ثبت کرده است: «... هم در اوائل جلوس امر کرد خطبای ممالك خطبه ائمه اثنی عشریه بخوانند و اشهد ان علیاً ولی‌الله وحی‌علی خیرالعمل که ازآمدن سلطان طغرل‌بیك بن میکائیل بن سلجوق وفرارنمودن بساسیری که ازآن تاریخ تا سنه مذکور (۹۰٦) - ۵۲۸ سال است ازبلاد اسلام برطرف شده بود با اذان ضم کرده فرمان همایون نفاذ یافت که دراسواق زبان به طعن ولعن ابابکر وعثمان بگشایند وهرکس خلاف کند سرش ازتنش‌بیاندازند ودرآن اوان ازمسائل مذهب حق جعفری وقواعد وقوانین ملت ائمه اثنی عشریه اطلاعی نداشتند...» امینی درتاریخ فتوحات شاهی ماده تاریخ این واقعه را چنین سروده است:

شاهی که ازاوست کلك‌ودین بارونق — آن خطبه که حق بود رقم زد بورق
تاریخ وقوع آن چو میکرد خیال — گردون گفتش مجدد مذهب حق (۹۰٦)

آقای علی‌اصغرحکمت درکتاب ازسعدی تا جامی ذیل صحیفه ۵۹٦ متذکرندکه درکتابخانه مرحوم آقاشیخ مرتضی نجم‌آبادی نسخه‌ای دیده‌اندکه آغاز وانجام نداشته وحاوی تاریخ فتوحات شاه‌اسمعیل صفوی بوده وبنابه اشعاری که درکتاب آمده نام شاعر ونویسنده امینی ذکرشده بوده‌است. ایشان تشخیص داده‌اندکه نویسنده آن تاریخ بی‌نام ونشان جز امینی صاحب عالم‌آرای عباسی‌است. دراینجا برای مزید فایدت متذکر است که نویسنده آن‌کتاب میرزا سلطان ابراهیم امینی است وآثار دیگری هم جزکتاب فتوحات شاهی دارد ازجمله - منظومه مهروماه - مثنوی درجواب سلسلةالذهب جامی دیباچه مرقع استادکمال‌الدین بهزاد.

۱۹۱ - تحفه سامی ص ۵۸.

۱۹۲ - گلستان هنر تألیف حاج میر احمد منشی قمی - نسخه متعلق بکتابخانه آقای نخجوانی.

۱۹۳ - خلاصةالاشعار تقی‌الدین‌کاشانی نسخه خطی.

۱۹٤ - برای اطلاع بیشتر ازشرح حال سام میرزا بمقدمه تحفه سامی بقلم رکن‌الدین همایونفرخ مراجعه فرمائید.

۱۹۵ - لب‌التواریخ.

۱۹٦ - کتاب وکتابخانه‌های شاهنشاهی ایران ص ۱۲۵.

* گلستان هنر - نسخه خطی بنقل ازمقالات آقای نخجوانی.

۱۹۷ - برای آگاهی ازشرح حال مصوران ومذهبان دوران شاه‌عباس بزرگ بکتاب. کتاب وکتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از ص ۱۲٤ - ۱۳٤ مراجعه فرمایند.

۱۹۸ - عبدالله افندی مؤلف ارزنده ریاض‌العلما وحیاض‌الفضلا. درباره این دانشمند مشروح سخن خواهیم گفت.

۱۹۹ - ج اول ص ۵۹.

۲۰۰ - ص ۷۱ ترجمه حسین عریضی کتیبه این مدرسه بخط محمدرضا امامی خطاط شهیر بسال ۱۰٦۹ حجاری شده بوده‌است.

۲۰۱ - این موردنیز ازموارد مستند دیگری است ازاینکه مدارس قدیمه ایران کتابخانه داشته‌اند.

۲۰۳ - ج ۲ ص ٤۱۲.

۲۰٤ - مقاله آقای گلچین معانی - خزانةالخیال.

۲۰۵ – اینهم مورد مستند دیگری ازاینکه مدارس قدیمه کتابخانه داشته‌اند .
۲۰۶ و ۲۰۷ – ازکتابهای متعلق باین‌دو کتابخانه نسخه‌هائی درکتابخانه نویسنده موجود است .
۲۰۸ – به‌ثبت روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان شماره ۲۴ سال اول .
۲۰۹ – گنجینه تاریخی اصفهان ص ۶۰۹ .
۲۱۰ – فهرست کتابهای خطی دانشگاه ص ۱۶ و ۵۵۶ .
۲۱۱ – ص ۳۰۷ .
۲۱۲ – نسخه خطی مجلس شورایملی تألیف سیدعبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی‌که گمان میرود نسخه منحصربفرد باشد .
۲۱۳ – مجله یادگار سال سوم شماره سوم ص ۵۷ .
۲۱۴ – جغرافیای اصفهان چاپ تهران ص ۸۸ .
۲۱۵ – این نسخه متعلق بکتابخانه نویسنده است بخط خاتون‌آبادی یك جلد مثنوی مولوی نیز درکتابخانه حقیر موجود است .
۲۱۶ – کلیات حزین چاپ هند ص ۴۹ .
۲۱۷ – کلیات حزین ص ۴۲ .
۲۱۸ – تذکره حزین ص ۵۵ .
۲۱۹ – ازاین‌کتاب نفیس دو نسخه موجود است یکی درکتابخانه مرکزی‌دانشگاه که بخط مؤلف است و دیگری درکتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم‌که قبلاً متعلق بکتابخانه آقای حسین نوری بوده‌است .
۲۲۰ – تذکره حزین ص ۶۵ .
۲۲۱ – قصص‌العلما چاپ سنگی تهران ص ۱۹۲ .
۲۲۲ – بازمانده کتابخانه آذر توسط نواده‌اش آقای حاج عبدالحسین آذر بیکدلی بکتابخانه آقای فخرالدین نصیری امینی فروخته شد .
۲۲۳ – این نسخه درکتابخانه تربیت تبریز موجود است . حدائق‌الجنان نسخه‌ای بخط مؤلف درکتابخانه مجلس شورایملی محفوظ است .
۲۲۴ – تذکره شوشتر ص ۷۲ .
۲۲۵ – تذکره شوشتر ص ۵۷ .
۲۲۶ – تذکره شوشتر ص ۳۲ .
۲۲۷ – تذکره شوشتر ص ۳۸ – تألیف تذکره شوشتر سال ۱۱۶۸ بوده است .
۲۲۸ – المآثروالاثار ص ۱۰۰ .
۲۲۹ – مجله وحید ج ۲ . ش ۸ .
۲۳۰ – تاریخ روزنامه‌ها ومجلات ایران – پرفسور ادوارد برون .
۲۳۱ – نسخه متعلق بکتابخانه نویسنده .
۲۳۲ – جزوه سیرکتاب درایران – ایرج افشار ص ۲۴ ۲۵ .
۲۳۳ – از ص ۱۰۰ تا ۱۱۴ .
۲۳۴ – از تحقیقات آقای ایرج افشار لیکن ایشان متذکرشده‌اندکه یازده سال بعداز درگذشت شاه عباس اول‌که تصور میرود منظورشان شاه‌عباس ثانی بوده است . مجله یغما شماره‌های ۱۱ – ۱۲ – ۱۳ .
۲۳۵ – تحقیق استاد سعید نفیسی راهنمای کتاب .
۲۳۶ – شهید بسال ۱۲۰۶ .

۲۳۷ – فارس‌نامه ناصری ج ۱ ص ۵ .

۲۳۸ – سجع مهر این بانوی دانشمند بخط حکاك شهیر طاهر در روی عقیق یمانی درتملك نویسنده است‌که نوشته‌شده : آفتاب برج عصمت گوهر درج حیا – بنت دولتشه کنیز فاطمه فرخ‌لقا .

۲۳۹ – ناسخ‌التواریخ ص ۳۱ – ۳٤ .

۲٤۰ – بستان‌السیاحه .

۲٤۱ – شرح حال مفصل صدر اصفهانی درمجله یادگار شماره ۸ سال ۲ ص ٤۱–۵۷ آمده است طالبان بدان مراجعه فرمایند .

۲٤۲ – نویسنده تصور میکند کتابخانه مدرسه صدر نیز برای کسانیکه دلیل وسند میخواهندکه مدارس قدیمه کتابخانه داشته‌اند دلیل وسند زنده وارزنده باشد .

۲٤۳ – روضة‌الصفا ص ۵٦ ج ۱ .

۲٤٤ – فهرست کتابخانه آستان قدس جلد ٦ ص ٤۵۸ .

۲٤۵ – الذریعه ج ٤ ص ۲۳۸ .

۲٤٦ – تاریخ اصفهان تألیف جابری انصاری ص ۱۸۹ .

۲٤۷ – ص ۱٤۳ .

۲٤۸ – الذریعه جلد اول .

۲٤۹ – چاپ مرحوم اقبال آشتیانی .

# فهرست نام کسانیکه نامشان در این کتاب آمده است

ب

پ



ت



ث



ج

## خ

د

## ش

ص

## غ



## ف

ق



ك

## ن



## و

# فهرست نام کتابهائیکه نامشان در این کتاب آمده‌است

آ



الف



ب

# تکمله و تصحیح

**خواهشمند است بموارد زیر توجه فرمایند :**

۱ - درزیرصحیفه ۳ درکنار علامت * متذکر شده‌است که «دراین باره توضیحی داده شده‌است بپایان‌کتاب مراجعه فرمایند» این‌توضیح مربوط است به نحوه‌کار جرجی زیدان مورخ مصری که اینك دراینجا به درج آن مبادرت میورزد .

**توضیح :** درآغاز این‌کتاب یادآورشدیم‌که باکمال تأسف جرجی زیدان مورخ مصری درآثار خود عالماً وعامداً ازکتابخانه‌های معروف ومعتبر پیش‌ازاسلام ایران درآثار خود یاد نکرده وخودرا به تجاهل وتغافل زده بوده است .

آنچه را درباره جرجی زیدان نوشتیم دور ازهرگونه نظرخصوصی وتعصب بود وبرای اینکه دراین مورد حقیقت روشن‌ترشود ناچار به بیان مختصر توضیحی هستیم :

پس‌ازاینکه‌کتابهای «آداب‌اللغه» و «تاریخ تمدن اسلام» تألیف جرجی زیدان نشریافت . دانشمند ارجمند وگرانقدر آقای سیدحسن صدرکه ازمعاریف طراز اول شیعی وازکتاب شناسان بنام ومشهورند شرحی به جرجی زیدان مرقوم ومتذکرمیشوندکه «درآثاری‌که نشرداده‌اید ذکری ازکتابهای علمی وادبی شیعی نیست مگر ازوجود اینگونه آثار بی‌اطلاعید ؟! این چنین کارها درخور وشایسته شأن یك نفرمحقق عالیمقام نیست‌که خودرا درورطه بی‌خبری غوطه‌ور سازد !!»

جرجی زیدان درپاسخ نامه بآقای سیدحسن صدرمینویسند «... از کتابهای مذهب جعفری تنها موش‌ها باخبرند ...»

شادروان پرفسور شبلی نعمانی‌نیزکه درادبیات فارسی وعربی‌استادی مسلم بود پس‌ازنشرکتابهای جرجی زیدان چون مباحث ومطالب آن را

براساس تعصبات خشك نژادپرستی ودور ازحقیقت ومجعول یافت درمجله‌های مصری تحت عنوان «نقدی برتمدن اسلامی جرجی زیدان سلسله مقالاتی عمیق ودقیق نوشت وحقایق را آشکارساخت وبرمطالب واهی وخلاف واقع مؤلف تمدن اسلامی خط بطلان کشید» .

۲ – درصحیفه ۹ سطر ۱۲ و سطر ۲۳ – تاریخ ٤٧٩ . ه . اشتباه و ۳۹۷ . ه . درست است .

۳ – درصحیفه ۵۱ سطر ۳ – بینائی اشتباه وبنیانی صحیح است .

٤ – درصحیفه ۱۸۰ سطر ۹ – سلطان‌المتکلمین درست است .

۵ – درصحیفه ۱۸٤ سطر ۳ – امام جمعه کرمان صحیح است .

٦ – درصحیفه ۱۵۸ سطر ۱۷ – شماره ردیف باید ٤۵۳ باشد .

۷ – درصفحات ۱۸٤ و ۱۸۵ و ۱۸۷ و ۱۸۹ به ترتیب عکس مهرهائی بچاپ رسیده که زیرنویس آن ازقلم افتاده است بنابراین متذکر میگردد که این مهرها به ترتیب صفحات ازپادشاهان صفویه ونادرشاه افشار وسلاطین قاجار است که درپشت کتابهائیکه متعلق بکتابخانه آنان بوده است موجود است .

۸ – درصحیفه ۱۷۷ پس ازشرح و توصیف کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (ردیف ٤۱٦) درچاپ کتاب شرح هفت باب کتابخانه ازقلم افتاده که بدین وسیله تکمیل میشود :

۱ – **کتابخانه مدرسه شاهزاده خانم . تهران :** مادر عبدالحسین میرزا نصرت‌الدوله همت بساختن مدرسه‌ای کرد که کتابخانه‌آن‌از کتابخانه‌های ممتاز بشمارمیرفت . این مدرسه بنام مدرسه شاهزاده خانم شهرت یافت . بنای آن مدرسه بسال ۱۳۰۱ . ه . پایان یافته بود .

۲ – **کتابخانه مدرسه فرخ‌خان . تهران :** فرخ‌خان امین‌الدوله درمحله چال‌میدان بسال ۱۲۸۵ . ه . مدرسه‌ای ساخت که کتابخانه آن درمیان مدارس قدیمه تهران کسب شهرتی کرد .

۳ – **کتابخانه مدرسه دانگی . تهران :** حاج سیدجعفر لاریجانی نیز بسال ۱۱۹۲ . ه . مدرسه باشکوهی درتهران ساخت که بنام مدرسه دانگی معروف شد . این مدرسه کتابخانه آبرومندی داشته است .

٤ – **کتابخانه مدرسه کاظمیه تهران :** آقامیرزا سیدکاظم مستوفی اصطبل همایونی درسال ۱۲۹۹ . ه . مدرسه مجللی ساخت که تدریس‌ونظارت آن را برعهده دانشمند شهیرآقا میرزا سیدعلی‌اکبر تفرشی مجتهد عالیمقام گذاشت . کتابخانه این مدرسه ازکتابخانه‌های معروف دوره ناصری‌است .

۵ – **کتابخانه مدرسه سعدیه . تهران :** حاج قنبرعلیخان ازطایفه کُرد جلیلوند ملقب به سعدالدوله درسال ۱۲۸۸ . ه . مدرسه‌ای ساخت که

بنام او سعدیه نام‌گرفت . کاشی‌کاریهای سردر این مدرسه حاکی ازتاریخ بنا و بانی آنست . وقف‌نامه‌ای نیز برای اداره امور مدرسه تنظیم‌کردکه بسال ۱۲۹۸ . هـ . مورخ است واین وقف‌نامه نزد آقای علی‌اکبر جلیلوند موجود است . دراین وقف‌نامه صورت دقیق موقوفات و اسامی کتابهای (فهرست) کتابخانه مدرسه ثبت شده‌است .

**۶ – کتابخانه مدرسه ناصری . تهران :** شاهزاده کامران میرزا نایب‌السلطنه مدرسه‌ای ساخت که بنام مدرسه نظامی شهرت یافت وبرای‌اداره آن نیز قانونی خاص بسال ۱۳۱۲ . هـ . نوشت .

کتابخانه این مدرسه ازکتابخانه‌های طراز اول تهران بود وجز کتابهای علوم قدیمه تعداد قابل توجهی ازکتابهای علوم جدید به زبان فرانسه وانگلیسی نیز برای‌آن فراهم آورده بود .

**۷ – کتابخانه مدرسه شاهزاده عبدالعظیم . ری :** درقسمت غربی صحن شمالی آستانه شاهزاده عبدالعظیم مرحوم امین‌السلطان پس‌ازاینکه سالیان دراز مدرسه آستانه بصورت تعطیل درآمده بود وکتابهای‌کتابخانه مدرسه نیز بعلت تعطیل مدرسه به‌کتابخانه آستان‌قدس رضوی تحویل‌گردیده بود بسال ۱۳۱۲ . هـ . مجدداً همت به تأسیس وساختمان مدرسه وکتابخانه کرد . این‌کتابخانه خوشبختانه هنوز باقی وپابرجاست .

**تذکر :** درفهرست نام‌هائیکه تنظیم‌گردیده نام اشخاص برحسب «ثبت متن‌کتاب» ثبت وفهرست شده وناچار ازحذف عنوان‌والقاب‌خودداری گردیده است .